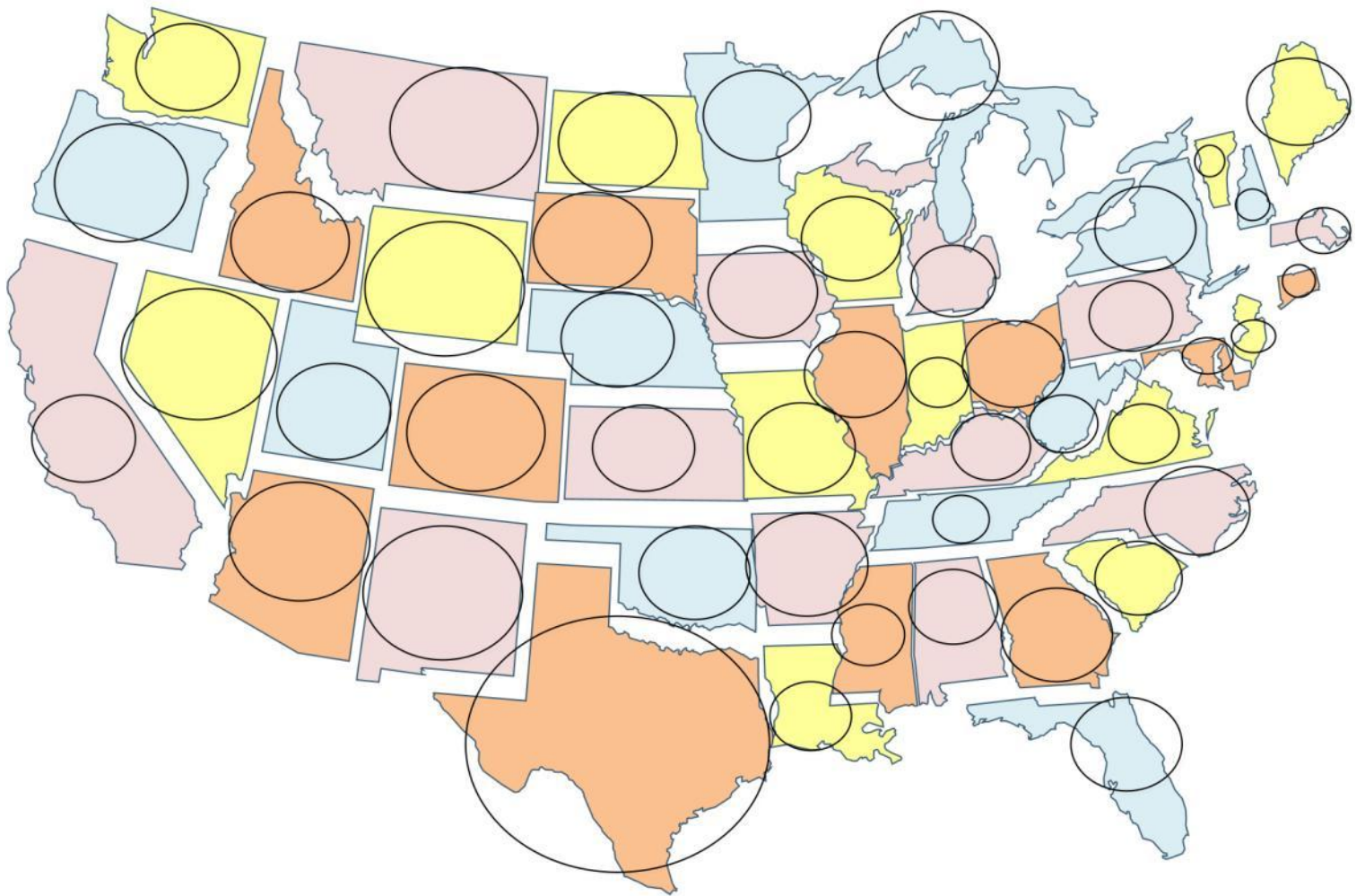


پیش بینی ایران

از آینده رژیم آمریکا

(آماده شدن برای جهان پس از تغییر ، نظام فعلی آمریکا)

Iran's Forecast of the Future of the American Regime



گرد آوری و تالیف: عبدالولی حسنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیش بینی ایران

از آینده رژیم آمریکا

(آماده شدن برای جهان پس از تغییر، نظام فعلی آمریکا)

Iran's Forecast of the Future of the American Regime

گرد آوری و تالیف :

عبدالولی حسنی

فهرست

۷.....	مقدمه
۸.....	نقش یهودیان صهیونیست در وقایع آینده آمریکا
۸.....	آینده آمریکا و آینده یهودیان صهیونیست
۹.....	مهاجرت صهیونیسم جهانی به حوزه شرق آسیا
۱۰.....	بقای نظام فعلی آمریکا به بقای دلار است
۱۰.....	کارکرد دلار فعلی چیست؟
۱۰.....	دولت فعلی آمریکا و سیاستهای افراطی علیه ایران
۱۱.....	دشمن آمریکا نظام فعلی آن است نه ایران
۱۱.....	فشارها و تهدیدات نظام حاکمه فعلی آمریکا و حد تحمل ایران
۱۲.....	شیشه دلار و سنگ در دست ایران
۱۲.....	بازخوانی پروژه ۱۱ سپتامبر به جهت تخمین زمان اعلام شات داون نظام فعلی آمریکا
۱۴.....	انفعال دفاع هوایی آمریکا در جریان ۱۱ سپتامبر
۱۴.....	شنیده شدن صدای بمب در ساختمان تجارت جهانی
۱۴.....	نمایشی بودن پرواز ۹۳
۱۵.....	زنده بودن هواپیماربایان
۱۵.....	تماس های دروغین هواپیماها
۱۶.....	هواپیما نمی تواند در سازه فولادی ساختمان نفوذ
۱۷.....	ماجرای کاسی از بیمه توسط یک یهودی در انفجار برجهای دوقولو
۱۷.....	علائم و نشانه های نزدیک شدن به زمان اعلام رسمی شات داون رژیم فعلی آمریکا
۱۸.....	پیامدهای فروپاشی نظام مالی دلار مینا برای جهان
۱۸.....	پس از رژیم چنچ در آمریکا، جهان چطور باید طلب خود را از کشورهای جدید آمریکا وصول کند؟
۱۹.....	عکس العمل دولتهای مختلف به اعلام خبر شات داون نظام فعلی آمریکا و تاسیس کشورهای جدید
۲۰.....	به اسم وطن به کام شرکتهای نفتی و چند ملیتی
۲۰.....	رشد آگاهی های مردم آمریکا، فریب جنگ سالاران را بی اثر کرده است
۲۱.....	رژیم جدید حاکمیت آمریکا و رابطه اش با انگلستان
۲۱.....	بن بست فکری و ایدئولوژیک در نظام فعلی آمریکا
۲۳.....	بن بست فرهنگی و فیلم در نظام فعلی حاکمیت در آمریکا
۲۴.....	زنانه شدن سیاست در تمدن غرب

- ۲۴..... چرا باید ایالات متحده تغییر ساختار دهد
- ۲۴..... منافع رژیم چنج برای نظام حاکمه فعلی آمریکا
- ۲۵..... وقتی جهان آمریکا را رها می کند
- ۲۵..... نظام مالی احتمالی پس از رژیم چنج در آمریکا
- ۲۶..... پیش بینی رفتار حاکمیت آینده آمریکا با ایران
- ۲۶..... پیش بینی ایران از دولت بعد از رژیم چنج در آمریکا
- ۲۶..... تهدیدات رژیم چنج آمریکا بر نیروهای نظامی اش
- ۲۷..... کشورهای جدید در رژیم جدید آمریکا چه ماهیتی خواهند داشت
- ۲۷..... ویژگی های رژیم های جدید قاره آمریکا پس از تغییر
- ۲۸..... تهدیدات احتمالی کشورهای نوظهور در قاره آمریکا
- ۲۸..... شرایط عربستان پس از رژیم چنج در کشورهای جدید قاره آمریکا
- ۲۹..... نقش اروپا در ایجاد رژیم چنج در آمریکا
- ۲۹..... پیش بینی نظم نوین جهانی پس از رژیم چنج آمریکا
- ۳۰..... چین پس از رژیم چنج در آمریکا
- ۳۰..... معضل چین برای حاکمان فعلی آمریکا
- ۳۱..... معضل مکزیک برای نظام حاکمه فعلی آمریکا
- ۳۱..... معضل خلقت گراها برای نظام حاکمه فعلی آمریکا
- ۳۱..... برای نظام حاکمه فعلی آمریکا , سیطانیسم آخر خط است
- ۳۲..... بحران روند رو به رشد کاربرد اسلحه در نظام فعلی حاکمیت آمریکا
- ۳۳..... مظاهر ناکارآمدی نظام فعلی آمریکا و نیاز به رژیم چنج اساسی
- ۳۳..... معضل نظام امنیتی زندان محور برای هیات حاکمه فعلی آمریکا
- ۳۴..... راه نجات جامعه آمریکا از هیات حاکمه کاپیتالیست
- ۳۴..... بن بست نظام کاپیتالیسم (سرمایه گرایی) در معیشت و اداره دولتها
- ۳۵..... موضع گیری روسیه در قبال رژیم چنج در آمریکا
- ۳۵..... ژاپن بعد از پروژه رژیم چنج آمریکا
- ۳۶..... شکست پروژه گلوبالیسم آمریکای کهن و ناسیونالیسم کشورهای جدید التاسیس در قاره آمریکا
- ۳۶..... پیش بینی زمان عادی شدن روابط کشورهای جدید التاسیس با جهان
- ۳۷..... احتمال مصادره به مطلوب پروژه رژیم چنج آمریکا و تاسیس کشورهای جدید
- ۳۷..... ذی نفعان و طراحان پروژه رژیم چنج در آمریکا چه کسانی می توانند باشند
- ۳۸..... شکست پروژه برجام مقدمه ای بر شکست دیپلماسی آمریکایی
- ۳۸..... آلمان و پروژه رژیم چنج آمریکا به چندین کشورهای مستقل
- ۳۹..... ایران و آمریکا , کدام یک محور خیر و کدام یک محور شرارت هستند ؟
- ۳۹..... فروپاشی نظام دلار مینا و گسترش پیمانهای دو و چند جانبه پولی

- نقش حزب داووس در مصائب احتمالی پس از کلید خوردن پروژه رژیم چنج ۴۰
- پیاده نظام و امید نظام حاکمه فعلی آمریکا ، در ایران چه کسانی هستند ؟ ۴۰
- پیوست ۱ جنایات آمریکا ۴۱
- برگی دیگر از دفتر جنایات آمریکا در افغانستان ! ۴۴
- پیوست ۲ آمریکا و بحران اعتماد عمومی به رسانه ها ۵۱
- پیوست ۳ بازخوانی جنبش اعتراضی مردم آمریکا موسوم به اشغال وال استریت ۵۱
- پیوست ۴ نقشه نفرت در آمریکا + عکس ۵۶
- پیوست ۵ ایالات متحده آمریکا در آستانه فروپاشی! کالیفرنیا و تگزاس پیشگامان جدایی طلبی ۵۹
- ساز جدایی تگزاس از آمریکا ۶۱
- پیوست ۶ نظر سنجی موافقین و مخالفین حق جدایی طلبی در آمریکا ۶۳
- مناطق فرایالتی ۶۵
- مهاجرت اجباری مدرن: قاچاق انسان ۶۷
- آیا مهاجران امروزه کمتر آمریکایی شده اند؟ ۶۸
- جمعیت مهاجران امریکایی بر اساس محل زادگاه آنها در دنیا، ۲۰۱۲ - ۱۹۶۰ ۷۱
- آمریکا چگونه به نیروی کار مکزیکی متکی شد ۷۲
- آمریکا تنها به یک مقصد جهانی در ۵۰ سال گذشته تبدیل شده است ۷۳
- مهاجرین از همه جای دنیا می آیند ۷۴
- پیوست ۷ آمریکایی ها خواهان استقلال ایالت های خود هستند ۷۶
- پیوست ۸ آمارهای تکان دهنده از مصرف مشروبات الکلی در آمریکا ۷۹
- پیوست ۹ آمار تکان دهنده از مصرف مواد مخدر در آمریکا ۸۰
- پیوست ۱۰ آمار و ارقام، اعتیاد آمریکایی ها به اسلحه را ثابت می کنند ۸۳
- پیوست ۱۱ آمار اعتیاد اینترنتی در آمریکا ترسناک است! *سند ۸۴
- آمریکا چگونه به پایتخت اعدام جهان تبدیل شده است؟ به بهانه گزارش احمد شهید؛+ تصاویر ۸۴
- پیوست ۱۲ آمارهای خوفناک از حوادث تیراندازی در آمریکا ۸۷
- پیوست ۱۳ وضعیت حقوق بشر آمریکا در آینه رسانه ها آمریکا رکورددار آمار قتل و جنایت در جهان ۸۸
- پیوست ۱۴ آمار تکان دهنده از مصرف مواد مخدر و الکل در بین دانشجویان آمریکایی ۹۳
- پیوست ۱۵ آمار بیماری های روانی در مردم آمریکا ۹۴
- پیوست ۱۶ آمار تکان دهنده خودکشی در آمریکا ۹۴
- پیوست ۱۷ آخرین آمار آلزایمر آمریکا ۹۶
- پیوست ۱۸ آمار رسمی بی عفتی در جهان ۹۷
- پیوست ۱۹ درصد آمریکایی ها از طریق روابط نامشروع متولد شده اند ۱۰۰
- پیوست ۲۰ آمار بالای ازدواج اجباری و زود هنگام کودکان در آمریکا ۱۰۱

- پیوست ۲۱ آمار سنگین طلاق در آمریکا و کانادا ۱۰۳
- پیوست ۲۲ آب و هوا ۱۰۴
- پیوست ۲۳ مصاحبه تفصیلی استاد حسن عباسی درباره تحول در نظم جهانی قسمت اول ۱۰۷
- پیوست ۲۴ فراماسونری- رؤسای جمهور آمریکا ۱۳۵
- پیوست ۲۵ سخنرانی استاد حسن عباسی با موضوع فروپاشی آمریکا ۱۳۸
- پیوست ۲۶ نشانه‌های سقوط آمریکا ۱۴۲
- پیوست ۲۷ ایالت به ایالت در آمریکا در حال جمع آوری امضا برای جدایی هستند ۱۵۲
- پیوست ۲۸ پیش‌بینی مایکل مور درباره آینده سیاهی که در انتظار آمریکا است ۱۵۷
- پیوست ۲۹ آینده ی آمریکا: کنشگری جهانی در برابر سناریوهای مختلف ۱۵۸
- پیوست ۳۰ سرمقاله واشنگتن پست پس از انتخاب ترامپ ۱۶۰
- پیوست ۳۱ پروژه آینده‌شناسی نیروی هوایی آمریکا ۱۶۱
- پیوست ۳۲ پیش‌بینی گورباچف از آینده آمریکا ۱۶۹
- پیوست ۳۳ جنگ مالی علیه ایران؛ از بوش تا اوباما ۱۷۰
- پیوست ۳۴ سخنان نظامی رهبر معظم انقلاب در خصوص حمله آمریکا و اسرائیل به ایران ۱۷۱
- پیوست ۳۵ فرمایشات کلیدی امام درباره نظام فعلی آمریکا ۱۷۴
- پیوست ۳۶ جملات امام در مورد هیات حاکمه آمریکا ۱۷۸
- پیوست ۳۷ بازخوانی بیانات امام روح‌الله درباره رابطه با «شیطان بزرگ» ۱۸۱
- رئیس ستاد کل ارتش آمریکا: به تهدیدهای آمریکا بدهی ملی را نیز بیفزایید!! ۱۸۷
- شیشه دلار و سنگ در دست ایران ۱۸۹

مقدمه

تاریخ جهان مملو از تغییرات وسیع و جابه جایی های بزرگ در سیاست و اقتصاد و علم و فرهنگ بوده است ، اما در پس این واقعیت ظاهری ، سنتها و قوانین ثابتی وجود دارد ، در زمان اولین و بزرگترین امپراطوری جهان یعنی حکومت هخامنشیان ، چه کسی باور می کرد روزی آنها ، دچار فروپاشی بشوند ، در زمان امپراطوری روم ، ... تا دوره اخیر قدرت انگلستان ، یا قدرت رایش سوم و ... همگی پس از دوره ای رشد ، دچار افول شدند ، حکومتهایی که مردم عادی هرگز تصور آن را نمی کردند که روزی جهان بدون آنها معنی داشته باشد ، پس چرا امروز مردم جهان ، اینقدر به امپراطوری دیکتاتور مابانه آمریکا ، خوشبین هستند ، و افولی را برای آن ، حتی در مخیله خود تصور نمی کنند؟؟

این مجموعه با گردآوری اسناد و مدارک گوناگون از منابع معتبر داخلی و خارجی و کلام و گفتار و موضع گیری های حاکمان مختلف جهان ، به دلایل معتبر ، در مورد فروپاشی نظام فعلی آمریکا و برنامه ریزی پروژه رژیم چنج، خود خواسته آنها ، می پردازد ، موضوعی که بسیاری از اندیشمندان داخلی و خارجی به قطعیت آن اذعان کرده اند و از طرفی به نقش گروهی با دستهای پنهان اشاره می کند که به هدایت مهندسی شده این جریان مشغولند ، و قرار است نفع اصلی را از این جابه جایی قدرت ببرند . اگر کمی با جریانات عمیق تاریخی سر و کار داشته باشید ، به راحتی می توانید حدس بزنید ، چه کسانی را می گویم ، بله دولت جهانی صهیونیزم . که بر گرده شریعت موسی (ع) سوار شده است و بالاخره پس از ۲۷۰۰ سال ، پرچم خود را بالا بردند ، حکومت خود را تاسیس کنند ، و حرکت پنهانی خود را علنی کرد ، هر چند در این مجموعه از گفتار بسیاری از شخصیتهای مهم ، کشور ایران استفاده شده است، ولی بدیهی است این کتاب موضع رسمی مقام رهبری ایران ، یا دولت مستقر ایران ، و یا سایر مقامات رسمی جمهوری اسلامی نمی باشد .

این مجموعه ، جهت لبیک به فرمان ولی امر مسلمین مبنی بر "آتش به اختیار فرهنگی " به نیروهای ولایی انقلاب اسلامی از یک طرف و از طرف دیگر ، پاسخ به تحریم های جدید آمریکا علیه تمدن ایرانی - اسلامی ، تهیه شده است ، امید که مقبول افتد و از عهده تکلیف برآمده باشم .

این کتاب فی سبیل الله تهیه شده است و جهت بهره برداری رایگان در دسترس همگان قرار می گیرد .

نقش یهودیان صهیونیست در وقایع آینده آمریکا

با مراجعه به تاریخ متفکران غرب می بینیم، اکثر آنها یا یهودی بوده اند یا وابسته به یهودیان بوده اند، یعنی ادعای یکی از یهودیان که گفت همین افتخار برای یهود بس که امروز جهان یهودی می اندیشد، صحت دارد.

وقتی این قوم خاص که به دلیل قلت (کم بودن تعدادشان) اتحاد درونی عجیبی دارند، یکدفعه تصمیم به مهاجرت بگیرند، همه وزنه معرفتی و کارخانه های تولید فکر را نیز با خود می برند، جسد تمدن میزبان قبلی، چیزی برایش باقی نمی ماند و به همین خاطر است که سیاستمداران آمریکایی حاضرند هر نوع باجی را بپردازند تا این قوم خاص آمریکا را ترک نکنند، ولی تاریخ جهان اجبارهایی را هم برای آنها تحمیل می کند و...

لذا شاید در ظاهر اعلام کنند که ما تمدن غرب را رها نمی کنیم و از این قبل، منافع زیادی را سرکیسه کنند ولی خیلی از نشانه ها حاکی است که در پشت پرده یهود، اتفاقات دیگری به سرعت در حال وقوع است.

و اسباب کشی به سمت چین جدی است.

جالب اینکه در یک دوره ۳۰ ساله، مردم چین را چنان از فرهنگ خودشان خالی کرده اند و به رنگ خود درآورده اند که امروز همه مظاهر لیبرالیستی در شهرهای اصلی چین قابل مشاهده است.

آنها حتی زحمت، یاد گرفتن زبان چینی را به خود نمی دهند، بلکه همه جمعیت مفید چین را مجبور می کنند تا زبان انگلیسی را بیاموزند تا ضمن استحالته هر چه بیشتر آنها، خدمه مفید تری برای آنها باشند.

اسرائیل و سران صهیونیسم که بهره و استفاده خود را از آمریکا برده اند و دیگر ضررهایش را بیشتر از منافعش می بینند ترجیح می دهند، آخرین ضربه خود را به آمریکا بزنند و در این مسابقه (چاپ حداکثر پولهای بی پشتوانه و تبدیل آن به داراییهای عینی، زمین و ملک و سهام و ..) بیشترین مال را تصاحب کنند و بعد تفاله آنها را رها کنند و به سمت سرزمین موعود جدید، یعنی چین هجرت کنند (همچون زمانی که به رهبری موسی (ع) از سرزمین مصر به سمت فلسطین به راه افتادند) و...

همچون زنبور انگلی تخم های خود را زیر پوست تمدن کنفوسیوس بکارند و چند صباحی دیگر بر دنیا سروری و آقایی کنند و فکرهای پلیدشان را به مردم دنیا تحمیل کنند و ...

و چند ده سال دیگر خیالش از بقای خودش راحت باشد

صهیونیستها در تاریخ به خوبی ثابت کرده اند که به هیچ کس تعهدی ندارند و همه سایر انسانها باید همچون حیوانات، برده وار در خدمت آنها باشند، با ظهور مشکلات نظام حاکمه فعلی آمریکا، به راحتی پشت هم پیمان دیروز خود را خالی می کنند و کوچ می کنند و به سمت سرزمین مردمان رایگان، می روند.

آینده آمریکا و آینده یهودیان صهیونیست

آینده آمریکا منوط به بررسی آینده یهودیان است، یهودیان به عنوان روح تمدن غرب و ایدئولوژی و نرم افزار فکر را در جسد تمدن غرب، تولید می کنند،

میدانیم سران سیستم های آمریکا در دست و اراده یهودیان صهیونیست است، هالیوود و بانکها بورس شرکتهای بزرگ چند ملیتی همگی در راسشان، حاکمیت، تفکر و ماهیت یهودی دارند.

چند ماه قبل از اعلام زمان بی ارزشی دلار شروع به مهاجرت می کنند اگزودوس چندین بار تجربه موفق داشته اند ۱ زمان ایران یک زمان انگلیس و یونان و ... مایه آن تمدن را می خورند و تغاله اش را بیرون پرت می کنند

مهاجرت صهیونیسم جهانی به حوزه شرق آسیا

حالا نوبت چین و تمدن کنفوسیوس است تا میزبان این ویروس خطرناک باشد .
قطعا با مهاجرت نخبگان یهودی وابسته به اسرائیل, آمریکا چیزی برای ارائه و عرض اندام در جهان نخواهد داشت .
ادله مختلفی نشان می دهد , آنها در حال مهاجرت به شرق آسیا بالاخص چین هستند , هجرت به چین , تا آنجا را هم از درون رام خود کنند , شاید هم روزی فرا برسد که بخواهند با امکانات و نیروهای چین به ایران فشار بیاورند تا از فشار به اسرائیل دست بردارد و ... , آیا مردم چین , حاضرند به نئوکولونلیزم تن در دهند .
هالیوود در سالهای اخیر یک خط تعلیق فرعی را در آثار خود گمارده است یورش شرق به غرب فیلم لوسی را به خاطر بیاورید : گروه گنگستر کره ای با چه اقتدار و بزرگی ای زن غربی را به اطاعت خود در می آوردند , نشستن این نوع تصاویر در ذهن مردم , کره و عموما شرق آسیا, نوعی اعتماد به نفس و جسارتی را به آنها می دهد که با آن گروه گنگستر همزاد پنداری کنند و ... از آن طرف نوعی شکست شخصیت را به بیننده غربی تحمیل می کند , گویی که جهان آینده , اینگونه است و او باید مطیع افرادی از شرق آسیا بشود و ...
این نوع برنامه ریزی ها که هوشمندانه از طرف صاحبان کمپانیهای هالیوود در ذهن افراد کاشته می شود و عملیات تکرار و داشت را انجام می دهند , بالاخره به دوره ای می رسد که زمان برداشت آن فرا می رسد .
آن زمان زمانی است که مهاجرت یهود صهیونی به سمت چین و شرق آسیا تکمیل شده است و جسد مرده تمدن پیشین را رها خواهند کرد .

البته نگاه به فرهنگ چین نشان می دهد هیچگاه قدرت مقابله با یهود را ندارند , چون هیچ نرم افزار فکری قدرتمندی در آنجا وجود ندارد , چین امروز ملقمه ای است از پوسته کمونیزم و روح لیبرالیزم و هر دو این ایسمها در داخل پارادایم کفر کیشی مدرنیسم , جای دارد , ایدئولوژیهایی که هیچ تناسبی با شینتویسم و بودیسم ندارد و به راحتی می توان گفت , چین امروز کاملا استحال شده است و جز ظاهری از سنت قدیمی ندارد و ... باید منتظر بود و دید, رهبران آنها برای نجات خود و ملت خود از چنگال , صهیونیسم چه ابتکاری می زنند , ای کاش از بین آنها رهبرانی پیدا شوند که بتوانند مصلحت مردم خود را تشخیص دهند و کاری کنند تا مردمشان از بلایی که قرار است غده سرطانی صهیونیسم , بر سر آنها بیاورد , آگاه شوند , و از بلایی که قبل از آنها بر سر تمدن ایران (زمان هخامنشیان) و تمدن غرب حوزه اروپا(دوره سیاه رنسانس) , تمدن غرب حوزه آمریکا درآورده بودند و ... درس بگیرند .

بقای نظام فعلی آمریکا به بقای دلار است

آیا تا کنون دیده اید کسی روی شاخه ای بنشیند و با اره ، مشغول بریدن آن باشد ؟ آیا این کار را احمقانه می دانید ؟
تحریم ها و محاصره و فشار به ایران خنده دار آمریکا ، برای بقای چند صباح بیشتر است ، در ادامه بیان می شود که
بقای نظام حاکمه فعلی آمریکا به بقای دلار است و اعتبار دلار به اراده حاکمان منطقه جنوب شرق آسیا بستگی دارد ،
آیا حاضرند همچون گذشته نفت خود را فقط با دلار معامله کنند؟؟ و ...)

کارکرد دلار فعلی چیست ؟

دلار همچون چکی است که ابر شرکتسالاران آمریکای(به سرکردگی بانکدارهای سهامدار فدرال رزرو) کشیده اند و با آن
کار و مواد اولیه سایر نقاط دنیا را خریده اند و به تملک خود درآورده اند ، با اعلام زمان شات داوون رژیم فعلی ، یک
دفعه معلوم می شود ، بی محل است .

دولت فعلی آمریکا و سیاستهای افراطی علیه ایران

حاکمان فعلی آمریکای مجبورند ، برای بقای خود دست به اقدامات افراطی بزنند و هر روز به زعم خودش حلقه تحریم و
محاصره را بر علیه ایران ، تنگ تر کند، غافل از اینکه همه این موارد گرویی است ، در دست ایران که بخواهد با همه
ابزار ها و امکاناتی که دارد، مقابله به مثل کند ، که قطعا امکان مقابله به مثل ایران خیلی موثر تر و بیشتر از اعمال
فشارهای آمریکاست ، ولی سران ایران این دوره گذار را در آمریکا حس می کنند و اجازه می دهند تا فرآیندهای
داخلی آمریکا خودش شکل بگیرد .

می دانیم در سال ۱۹۷۲ وقتی که نیکسون جدایی پشتوانه دلار با طلا ،را اعلام کرد ، بلافاصله کسینجر ، کشورهای
ایران و عربستان را مجبور کرد که فقط و فقط با دلار ، نفت خود را بفروشند و به نوعی پشتوانه کاغذهایی که در آمریکا
چاپ می شد را نفت منطقه خاور میانه قرار داد .

برای ایران هیچ کاری ندارد تا یک شوک بزرگ نفتی ایجاد کند و به تبع آن ، فرآیند اضمحلال دلار را استارت و
تسریع ببخشد . سران ایران امیدوارند، که عقلایی در آمریکا پیدا بشود که اهمیت و ارزش آوانس فعلی را که رهبری و
حاکمیت ایران به آنها می دهند ، را درک کنند و خودشان از درون خودشان ، اصلاح کنند .

تا به آن نقطه عقلانیت برسند که راه سازش با ایران را جستجو کنند . نه اینکه با لج بازی کودکانه ، بخواهند که ایران
را تابع ، خواسته های پلید و باطل خود کنند ، که هر چه بیشتر بر این خواسته پافشاری کنند ، مجبورند بیشتر به آغوش
دروغ و زشتی و ظلم و در یک کلام شیطان پناه ببرند و در نتیجه بیشتر به نیستی و زوال می افتند ...

دشمن آمریکا نظام فعلی آن است نه ایران

آنها متکبرانه فشار و تحریم و محاصره اقتصادی را بر ایران به عنوان لیدر جریان مقاومت جهانی ، بیشتر خواهند کرد ، چون به خیال خود مطابق استراتژی حفظ وضع موجود است ، در حالیکه وضع موجود آنها ، خود لیبرالیسم ، اشکال دارد ، و هر چه بر موضوعات و علم غلط و باطل اصرار کنند ، ذات آن ایسم (ایدئولوژی) به حق تغییر ماهیت نمی دهد ، تعصب آنها به پیگیری و اجرایی کردن علم غلط و باطل ، تعصب جاهلانه ای است که عامل آن را با سر به زباله دان تاریخ می افکند و...

حاکمان صهیونیست با ابزار آمریکا هر چه توانستند به ایران فشار آوردند ، حتی با جنگ سایبر نتیکی که ریسک بسیار بسیار بزرگی کردند ، که همچون چک سفید امضاء برای ایران است ، که هر زمان اراده کند تلافی کند . به هر حال هیچکدام از فشارها جواب نداده و بدنه مردمی ایران همچنان مقاومت می کنند . رایس چطور ممکن است یک کشور بدون آمریکا دوام آورده باشد . ایران ترجیح می دهد روابط داخلی آمریکا را جوانان آزاده ای از خود آنها بر عهده بگیرند ، نامه رهبر ایران به جوانان غربی در همین راستا صورت گرفته بود . رهبر ایران : همین حفظ ایران علی رغم همه این فشارها ، نشانه کارکردن نظام است .

برای ایران این مهم است که خود را حفظ کند تا بالاخره گول مرحله دهم (لیبرالیسم) فرو بیاشد . تهدیداتی که از سوی ایران می پندارند برای این است که با دستگاه فکر استکباری خود ، خود را در موضع ایران قرار می دهند و خیال می کنند ایران هم ، اقداماتی شبیه به خودشان می کند ، (تجاوز ، توسعه طلبی ، قتل و خشونت و ..) حال اینکه هرگز اینگونه نیست و اثلا نبوده است و امروز نظام جمهوری اسلامی پناهگاه همه مظلومان عالم از سرتاسر جهان است .

فشارها و تهدیدات نظام حاکمه فعلی آمریکا و حد تحمل ایران

اگر در برابر فشارهای آمریکا و طرفداری آنها از نیروهای تروریستی موسوم به مجاهدین و ... افزایش پیدا کند و از خط قرمز ایران بگذرد چه بسا نیروهایی از ایران دست به اقدام مقابله به مثل بزنند و گروه هایی ضد حکومتی استقلال طلب داخل آمریکا را تحریک و تشویق کنند همیشه برای مقابله به مثل فرصت هست ، ولی عقلانیت ایرانیها همراه با صبر و ایمان ، آنها را بیش از ۳۰۰۰ سال تمدن زنده و پیشرو و مستقر قرار داده است . در حالیکه مرکز تمدن غرب هر بار دور تر و دورتر از جای قبلی آن شده است

ایران که بسیار درد کشیده است تا سر حد ممکن قصد ورود به هیچ نوع جنگی را ندارد ، ولی تحمل آن هم حدی دارد ، و به محض خلاص شدن از نیروهای نفوذی و خود فروخته به غرب ، استراتژی ضربه دوم را بلافاصله اجرا می کند .

شیشه دلار و سنگ در دست ایران

اعتبار دلار به خاطر آمریکا نیست ، به خاطر تاجرانی است که حاضرند با این واسطه معامله کنند . به خاطر تولید کنندگان نفت است که مجبور بوده اند ، فقط با دلار کالای خود را بفروشند . همه این اتفاقات نشان می دهد ، که شیشه عمر نظام فعلی آمریکا به یک سنگی است که در دست ایران است . اگر روزی فشار بر ایران به حدی برسد ، که بخواهد اعلام کند که دیگر حاضر نیست ، با دلار معامله ای را انجام دهد ، بلافاصله سلسله اقدامات خود تخریبی علیه دلار ، در داخل سرزمینهایی که دلار مینا هستند ، شروع می شود و به فاصله بسیار اندکی ، فرآیندهای ضد دلاری تشویق شده و فروپاشی نظام فعلی آمریکا رقم می خورد ، حال اگر فرض کنیم چنین اقدامی در استراتژی دفاع اقتصادی ایران تعریف شده باشد و زمان این اقدام ایران با برنامه ریزی حاکمان فعلی آمریکا ، برای این پروژه بزرگ همخوانی نداشته باشد ، صهیونیستها ضرر هنگفتی می کنند و به قول معروف ، همه رشته هایی که ریسیده بودند ، پنبه می شود .

اگر قوه عاقله ای در آمریکا بود ، سعی می کردند ، از موقعیت فعلی ایران ۱۳۹۶ ، که پوزیشن و گاورنمنت در اختیار جریان غربگرا است ، استفاده کنند و به جای تحقیر آنها با سیاستهای ضد ایرانی و قوانین تحریم گسترده تر ، سعی کنند ، با آنها همراهی کنند ، تا در این اتفاق (زمان اعلام فروپاشی دولت آمریکا) فاصله بیافتد و...

نیک واضح است ، جریان انقلابی ، هیچ گوش بدهکاری به غرب ندارد ، و به محض گرفتن قدرت ، به مقابله به مثل دست می زند و آن می کند که باید بکند .

بازخوانی پروژه ۱۱ سپتامبر به جهت تخمین زمان اعلام شات داون نظام فعلی آمریکا



گروه پژوهش های خبری - وقایع تروریستی ۱۱ سپتامبر از سال ۲۰۰۱ دستاویزی برای پیش برد سیاست های منطقه ای آمریکا و حمله به افغانستان و سپس عراق قرار گرفت ، در حالی که از همان ابتدا شبهات جدی در خصوص این واقعه و عاملان آن وجود داشت ، شبهاتی که هرگز دولت آمریکا به آن پاسخ نداد . سوالاتی که هنوز بی پاسخ مانده است

کد خبر | ۸۰۸۱۱۰۱۸ : تاریخ خبر ۱۰:۱۳ - ۲۰/۰۶/۱۳۹۲ :

واقعه ۱۱ سپتامبر اگرچه به طور مستقیم ساختمان های تجارت جهانی و پنتاگون را مورد تهاجم قرار داد ، اما تبعات این حمله تروریستی بیش از آنکه بر آمریکا تاثیر بگذارد ، همه جهان به ویژه منطقه خاورمیانه را از خود متاثر ساخت . ایالات

متحدہ آمریکا ۱۱ سپتامبر را بهانه ای برای بازتعریف نقش و جایگاه خود در منطقه خاورمیانه قرار داد؛ نقشی که پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی حاکم بر نظام بین الملل به بازبینی و بازتعریف مجدد نیاز داشت . در واقع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر، مبنای کنش آمریکا در منطقه خاورمیانه در هزاره جدید میلادی قرار گرفت. واشنگتن به بهانه مبارزه با تروریسم به مداخله جویی نظامی، گسترش پایگاه های نظامی، افزایش نفوذ و ایجاد وابستگی ساختاری از طریق ترویج ایده دموکراسی سازی و ... در کشورهای خاورمیانه پرداخت و پایه های نفوذ خود در منطقه را بیش از پیش تحکیم کرد . طرح خاورمیانه بزرگ نیز در همین چارچوب مطرح شد و پایه های نظری اقدام آمریکا در منطقه را فراهم آورد.

پیاده سازی و پیش برد طرح های آمریکایی - اسرائیلی در منطقه خاورمیانه با پشتوانه های نظری، عملی و توجیهی در حالی کلید زده شد که از همان ابتدا شبهات جدی در خصوص این واقعه تروریستی در میان تحلیلگران مطرح شده بود .

به گزارش شبکه خبری نیوز وان روایت رسمی نهادهای دولتی چون سازمان اف. بی. آی، سازمان مدیریت بحران فدرال و کمیسیون بررسی وقایع ۱۱ سپتامبر با نتایج تحقیقات مستقل و غیر دولتی که بعضا با رویکردهای علمی به بررسی ظریف ترین جزئیات حادثه پرداخته اند، اختلافاتی آشکار دارد. در ادامه این مطلب به گوشه ای از این شبهات می پردازیم.

*تحركات مشکوک بازار بورس پیش از وقوع حادثه

چند هفته پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ حجم قابل توجهی از دادوستدهای غیر معمول در مورد سهام شرکت های هواپیمایی و بیمه در بازار بورس به انجام رسید . به گزارش سایت conspiracyplanet.com گروهی از دلان بورس، در بازه زمانی ۲۶ اوت تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، سهام برخی از شرکت هایی که در نتیجه حوادث ۱۱ سپتامبر با سقوط ارزش مواجه می شد، به فروش رساندند و سودهای کلانی را به جیب زدند .

به گزارش نشریه تایمز انجام معاملات غیرمعمول در این بازه زمانی به سهام شرکت های بیمه، خطوط هوایی و شرکت های نظامی مربوط می شد که سهامشان پس از حادثه دچار افت شدید قیمت می شد؛ شرکت هایی چون امریکن ایرلاین و یونایتد ایرلاین که هواپیماهایشان در جریان حمله ربهوده شدند. ریچارد کراس تحلیلگر اقتصادی انگلیسی بر این باور است که عرضه و دادوستد حجم عظیمی از سهام برخی شرکت ها، موید آگاهی برخی عاملان بازار بورس، از واقعه ۱۱ سپتامبر بوده است.

پس یکی از نشانه های یافتن ، زمان آن اتفاق بزرگ ، فهمیدن وقتی است که یهود شروع به تبدیل ارزشاھون از دلار به طلا و ملک و ... می کنند .

انفعال دفاع هوایی آمریکا در جریان ۱۱ سپتامبر

فرماندهی دفاع هوا فضا (NORAD) در ایالات متحده آمریکا موظف است در صورت ربوده شدن یک هواپیما، جت های جنگنده خود را برای تضعیف و یا حتی سرنگونی هواپیمای ربوده شده اعزام کند. اما به گزارش مجله تایمز در حادثه ۱۱ سپتامبر دفاع هوافضای ایالات متحده کاری از پیش نبرد. توجیه فرماندهان نیز این بود که ربایندگان، نسبت به ربایش به موقع و در نتیجه مقابله هدفمند با جت های جنگنده آمریکایی آموزش دیده بودند . همچنین گزارش های رسمی دولت آمریکا این طور عنوان می کنند که عملیات ربودن این هواپیماها بسیار غیرمعمول بوده است ، به طوری که رادارهایی که هواپیماها را شناسایی می کردند خاموش شده بودند یا اینکه فرکانس شان تغییر کرده بود .

به گزارش سایت اسکپتیک (skeptical.com) برخی گمانه زنی ها حاکی است که فرماندهان به سیستم دفاعی دستور داده بودند که در مقابل این حملات نظامی از خود واکنشی نشان ندهند و جلوی هواپیماهای ربوده شده را نگیرند. استراتژی غالب فرماندهان آمریکایی ، تبدیل تهدید به فرصت است ، و اگر تهدیدی نیابند ، به دروغ آن را ایجاد می کنند ، مثالهای قبلی آن می توان به خودزنی موفق، در ماجرای پرل هاربر در جنگ دوم جهانی و عملیات ناموفق سیانور بر ضد مصر ، و به نفع رژیم اسرائیل ، زمان ریاست جمهوری روزولت اشاره کرد .

شنیده شدن صدای بمب در ساختمان تجارت جهانی

سقوط ساختمان های تجارت جهانی شبیه یک تخریب کنترل شده بود. برخی گمانه زنی ها حاکی است که در واقع برج ها توسط مواد منفجره جاسازی شده درون ساختمان منفجر شده اند. برخی شاهدان عینی اظهار می کنند که پیش از برخورد هواپیما و پس از آن به برج ها صدای انفجار هایی را شنیده اند. برخی از مهندسان و کارشناسان علمی اذعان می کنند که سوخت هواپیما نمی توانست گرمای لازم برای ذوب شدن چارچوب فولادی دو برج را فراهم کند.

عدم تطبیق اندازه سواخ ایجاد شده در پنتاگون با هواپیمای تجاری

حمله پنتاگون ممکن است گیج کننده ترین رویداد روز باشد. تئوریسین ها بر این باورند که سواخ ایجاد شده در پنتاگون بسیار کوچکتر از اثر برخورد یک هواپیمای تجاری امریکن ایرلاین است. آنها همچنین این سوال را مطرح می کنند که چرا هواپیما پیش از برخورد منهدم نشد، بعلاوه این سوال مطرح می شود که چرا هواپیما به قسمتی از پنتاگون برخورد کرد که به خاطر بازسازی تخلیه شده بود.

نمایشی بودن پرواز ۹۳

ادعا شد پرواز شماره ۹۳ خطوط هوایی یونایتد یعنی چهارمین هواپیمای ربوده شده، با مقاومت مسافرانش مواجه شد و در شهر شانکسویل ایالت پنسیلوانیا سقوط کرد. مخالفان این نظریه بر این باورند که پرواز ۹۳ به سلامت فرود آمد، در

حالی که یک هواپیمای جایگزین در آسمان مورد شلیک قرار گرفت. دیگر تئوریسین ها بر این باورند که مسافران کشته یا منتقل شدند، و هرگز خبری از آن ها یافت نشد.

هفته نامه امریکن فری پرس در گزارشی به قلم ویکتور تورن، گزارش های شبکه های تلویزیونی فاکس نیوز و ان.بی.سی. در مورد این سقوط را با ارائه استدلال جالبی به چالش می کشد. در گزارش زنده این دو شبکه تلویزیونی از سقوط پرواز شماره ۹۳ تصاویری مبهم نشان داده شد و خبرنگار توضیح داده بود که بقایای متلاشی شده هواپیما زمینی به شعاع سه الی چهار مایل را پوشانده است و هیچ قطعه بزرگ و قابل تشخیصی از هواپیما باقی نمانده است. ویکتور تورن در گزارش خود متلاشی شدن تمام اجزای هواپیمای بویینگ ۷۵۷ در اثر سقوط را از نظر علمی امری غیرممکن می داند.

زنده بودن هواپیماربايان

مستند تغییر بی قاعده (Loose Change) که پس از حملات ۱۱ سپتامبر ساخته و منتشر شد نشان داد که تعدادی از افرادی که پلیس فدرال آمریکا نام آنها را به عنوان ربایندگان هواپیما اعلام کرده بود، زنده اند. به عبارتی هویت ها و ویژگی هایی که اف بی آی به عنوان ربایندگان هواپیما معرفی کرده بود، به افرادی تعلق داشت که زنده بودند. اف بی آی پس از انتشار این فیلم، اشتباه خود را اینطور توجیه کرد که ربایندگان از هویت های جعلی استفاده کرده اند. اما بعضی از این افراد کسانی هستند که از آنها در فیلم منسوب به بن لادن که پس از حملات ۱۱ سپتامبر منتشر شد، نیز نام برده شده است. به عنوان نمونه نام یکی از هواپیمارباها که در ادعای اف.بی.آی. و سخنان بن لادن مطرح شد کسی نبود جز محمد عطا که هنوز زنده است. گفتنی است مستند تغییر بی قاعده، یک سری مجموعه فیلم مستندی است که از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ نمایش داده شد. بحث اصلی فیلم مذکور این بود که واقعه ۱۱ سپتامبر حادثه ای طراحی شده بود که عناصری در دولت آمریکا آن را هدایت کردند.

تماس های دروغین هواپیماها

سازمان اف بی آی در گزارشی که در خصوص ۱۱ سپتامبر منتشر کرد، از تماس هایی گزارش داده بود که از سوی مسافرین داخل هواپیماهای ربوده شده، برقرار شده بود. این در حالی است که کارشناسان حوزه مخابرات توجیهی علمی برای امکان پذیر بودن برقراری تماس از چنین ارتفاعی که هواپیما در حال پرواز بوده، پیدا نکرده اند.

غیبت یهودیان از برج های دوقلو در روز واقعه

ظاهرا یهودیان از حمله مطلع بوده اند و در روز ۱۱ سپتامبر در محل کار حضور نداشته اند. بسیاری از شواهد نشان می دهد که ۴۰۰۰ کارمند یهودی که در این برج ها مشغول فعالیت بودند در روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مرخصی رفتند. همچنین اولین افرادی که حمله هواپیماها به برج های دوقلو را به تصویر کشیدند نیز یهودی بودند.

منتشر نشدن اطلاعات جعبه سیاه هواپیماها

به گزارش اف. بی آی و هیئت تحقیق یازده سپتامبر تنها دو جعبه سیاه از چهار پرواز رپوده شده ی روز ۱۱ سپتامبر پیدا شده است اما تنها محتویات گزینشی یکی از آنها به صورت مکتوب و نه صوتی در اختیار خانواده قربانیان قرار گرفت و پیدا شدن بقیه جعبه سیاه ها و اطلاعات آنها در هاله ای از ابهام فرو رفت . با توجه به اینکه جعبه سیاه هواپیماها شامل آخرین اطلاعات پرواز و ضبط صدای کابین است و در برابر خطراتی چون سقوط و آتش سوزی مقاوم است، ادعای پیدا نشدن جعبه سیاه ها و همچنین محرمانه شمردن آنها تئوری منتقدان در خصوص دست داشتن بخش هایی از دولت آمریکا در این حادثه تروریستی را تقویت می کند.

ویدئو دوم بن لادن جعلی بود

به گزارش روزنامه انگلیسی گاردین در ابتدا بن لادن هرگونه مسئولیت در قبال مشارکت در حملات ۱۱ سپتامبر را رد کرد. بلافاصله نوارهای متعددی منتشر شد که ادعا می کرد او مسئولیت کامل حملات را پذیرفته است. بسیاری از مردم صحت نوار دوم را زیر سوال می برند.

به گزارش lookingglassnews.org بسیاری بر این باورند که مردی که در نوار دوم سخن می گوید اسامه بن لادن نیست. از نظر آنها بین این فرد و بن لادن از نظر وزن، ویژگی های صورت و در دست داشتن حلقه طلا (که در اسلام حرام است) و راست دست بودن (در حالی که بن لادن چپ دست بود) تفاوت وجود دارد.

هواپیما نمی تواند در سازه فولادی ساختمان نفوذ

به گزارش سایت ۹۱۱ Reaserch.wtcv.net چارچوب هواپیماهای تجاری به منظور تسهیل در پرواز از یک ماده بسیار سبک آلومینیومی ساخته می شود. کارشناسان بر این باورند که امکان ندارد که یک هواپیما بتواند آسیبی به اندازه ای که در برج های تجارت جهانی اتفاق افتاد، ایجاد کنند. آنها معتقدند که موشک ها یا مواد منفجره ای برای اطمینان از سقوط ساختمان ها مورد استفاده قرار گرفته است.

همچنین پیدا شدن آثاری از ماده منفجره نانوترمیت در خاک های آزمایش شده اطراف محل حادثه، دیده شدن شواهدی از خروج چیزی شبیه چاشنی از ساختمان ها و دیده شدن فلزات مذاب در مخروطه ساختمان ها موید این ادعا است. با توجه به این شواهد و هزاران دلیل مستند دیگر اینطور به نظر می رسد که حداقل بخشی از دولت آمریکا از این واقعه

اطلاع داشته اند .

ماجرای کاسبی از بیمه توسط یک یهودی در انفجار برجهای دوقلو

۵۰ روز قبل از حملات ۱۱ سپتامبر، املاک سیلوراستین و آمریکن وست فیلد متعلق به لوی ، اجاره ۹۹ ساله مرکز تجارت جهانی را بدست می آورند. در ۲۴ جولای ۲۰۰۱ ، پورت اوتوریته نیویورک و نیوجرسی ، کنترل مرکز تجارت جهانی را به طور اختصاصی ، در اختیار سیلوراستین و لوی قرار داد .
پس از آن ، این دو نفر کنترل مجتمع ۳/۳۱۲ میلیون مترمربعی را که شامل ساختمان های اداری برج های دوقلو و ۲ ساختمان اداری ۹ طبقه ای می شد را نیز به دست گرفته و تمامی ورودی های مرکز تجارت جهانی را تحت کنترل خود درآوردند. لوی مرکز خریدی به نام مال (Mall) را در مرکز تجارت جهانی اجاره کرد که حدود ۱۳۰ هزارمترمربع مکان تجارتي را شامل می شد.

۶ هفته قبل از این که برج های مرکز تجارت جهانی ویران شوند، پورت اوتوریته مراحل اجاره دادن آنها را به

مدت ۹۹ سال به لری سیلوراستین که ۷ مرکز تجارت جهان را ساخته بود {که به طور مرموزی در ساعت ۵/۲۵ بعدازظهر روز ۱۱ سپتامبر با خاک یکسان شدند} تمام کرد.

پل گلدبرگر، در نشریه نیویورکر در تاریخ ۲۰ می ۲۰۰۲ نوشت: « امریکن وست فیلد بخش امریکایی یک شرکت استرالیایی که یکی از بزرگترین گردانندگان مراکز خرید در امریکا و دنیاست همزمان مکان تجاری را در قسمت پایین مجتمع اجاره کرد.»

این نشریه نوشت: «چنانچه ساختمان ها تخریب شوند سیلوراستین و وست فیلد حق بازسازی مجدد بناها را دارند و وست فیلد اجازه دارد مساحت مکان تجاری را تا ۳۰ درصد افزایش دهد.»

سیلوراستین به خاطر خسارت تخریب مرکز تجارت جهانی و درآمدهای پیش بینی شده آن ، ۲.۷ میلیارد دلار از بیمه ادعای خسارت می کند.

این خسارت به خاطر اموالی است که او با پیش پرداختی به مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار وجه قرضی ، اجاره کرده بود!

علائم و نشانه های نزدیک شدن به زمان اعلام رسمی شات داون رژیم فعلی آمریکا

کسانی که از این راز باخبرند ولی زمان دقیق آن را نمی دانند شروع می کنند به تبدیل دارایی های نقد خودشان و هم گرفتن وام های کلان دلاری و سپس تبدیل آن به ملک و سهام و طلا و سایر دارایی های عینی و ...
در نتیجه وقتی بی ارزش شدن دلار اعلام شد، آنها حجم زیادی بدهی دلاری دارند که بی ارزش است یعنی سود خالص

و باز همچنان مردمان فرودست سرشان بی کلاه می ماند

وقتی بانکداران یهود استارت کار را برای اعلام دلار بی پشتوانه بزنند ، سرمایه داران داخلی آمریکا نیز ضرر هنگفتی میکنند و باز برنده موسسات مالی یهود است .

مردم عادی اعتراض کوچکی می کنند ولی باز مثل سال های ۱۹۳۰ که به حرف روزولت طلاهای خود را تقدیم دولت روزولت کردند، خام می شوند و تسلیمانه شاهد دود شدن دارایی ها مالی خود خواهند بود .

پیامدهای فروپاشی نظام مالی دلار مبنا برای جهان

دلار و به طور کلی پول با ماهیت کارنسی ، همچون چک بی محل است . (همچون مانی ، ارزشی پیشینی را نمایندگی نمی کند) ، همه کشورهایی که پس انداز ملی شان را در صندوقهای ارزی ذخیره کرده اند ، یکباره مفلس می شوند و همه اش بر باد هوا می رود ، افسردگی و اعتراضات عمومی و نفرت از آمریکا ، چاره ای برای آنها نمی گذارد که دست به رفرم بزنند و رفرم نیازمند ایدئولوژی قوی است ، و امروز تنها ایدئولوژی ای که توانسته لیبرالیسم را به چالش بکشد و در بسیاری از موضوعات شکست دهد ، تنها و تنها اسلام انقلابی شیعه ، است ، که با یک دست با اسلامهای تقلبی ، دستساز غرب می جنگد و با دست دیگر با خود ایسمهای باطل غربی . و...

اینجاست که نخبگان جهان ، به جواب قانع کننده ای می رسند ، به چه دلیل ، کل تمدن غرب ، با در اختیار داشتن بیش از ۵۰ درصد توان و امکانات جهان ، این همه فشار و دشمنی را با ایران فعلی ، که یک درصد توان و امکانات جهانی را دارد ، صورت می دهد .

منازعه ایدئولوژیک ، منازعه ای در سطح جهان است و ایدئولوژی پیروز ، فرمان هدایت جهان را به دست می گیرد . اثرات انفرادی ، فروپاشی و بی ارزش شدن دلار ، همه کسانی که دلار را انبار کرده بودند، یا دیوانه می شوند ، یا سگته می کنند و از آن طرف سود خالص برای آمریکا است .

بخش بزرگی از سازمانهای بازنشستگی دنیا که به طور سنتی با داراییهای پولی و مخصوصا با ارز مرجع دلار ، به خیال خود ذخیره ارزش کرده اند ، پوچ می شوند و ذی نفعان خود را به خاک سپاه می نشانند . لذا حداقل توصیه به بازنشستگان این است که همه امید و توقع و تخم مرغهای خود را در سبد ، سازمانهای تامین اجتماعی نگذارند و ...

پس از رژیم چنج در آمریکا ، جهان چطور باید طلب خود را از کشورهای جدید آمریکا وصول کند ؟

مسئولین همه کشورهای جهان بلا استثناء، در سطوح مختلف با مردم خود ، درگیر خواهند شد . مردم ساده محلی انتقام از دست رفتن دارایی های دلاری خود را از دولتهایشان طلب می کنند . بدون اینکه بدانند، چطور و چگونه این کلاه بزرگ سرشان رفته است ، دانشگاهیان و مسئولین مالی حکومتها ، این حقارت را تا ابد با خود همراه خواهند داشت ، که چرا گذاشتند چنین ظلم بزرگی بر سر مردمانشان برود؟ ، چرا نتوانستند از عهده مسئولیتی که مردم بر دوششان گذاشته بودند بر بیایند ؟ برخی دولتها مجبور می شوند دست به انتحار بزنند و پول بی پشتوانه چاپ کنند و دلارهای بی پشتوانه را جمع آوری کرده و پول محلی را که البته بی پشتوانه است را بین مردم پخش کنند .

که ورود این حجم از پول یک تورم تا ۳ رقم را، بر آنها تحمیل می کند. این دسته از دولتها منافقانه، همان کاری که آمریکا با آنها کرده است را اینها با مردمشان می کنند، و عملاً مجدداً بار را به دوش خود آنها می اندازد، ولی چون کمی پیچیده شده است و مردم سر در نمی آورند، فکر می کنند برنده شده اند، ولی حتی اگر مردم هیچگونه اعتراض بزرگی نکنند، ساکت شده و وارد فاز افسردگی می شوند، که ضرر آن دهها برابر بیشتر می شود و...

و باز این وسط سران صهیونیست آمریکا برنده هستند که به تبعیت از امامشان، شیطان ملعون سوگند یاد کرده اند که: **وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا مَنِيَّتْهُمْ وَلَا مَرَّتْهُمْ فَلَيْبَتِكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرَّتْهُمْ فَلْيَغِيرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا (النساء/۱۱۹)**

و آنها را گمراه می کنم! و به آرزوها سرگرم می سازم! و به آنان دستور می دهم که (اعمال خرافی انجام دهند، و) گوش چهارپایان را بشکافند، و آفرینش پاک خدایی را تغییر دهند! (و فطرت توحید را به شرک بیالایند!)» و هر کس، شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است.

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (الحجر/۳۹)

گفت: «پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من (نعمتهای مادی را) در زمین در نظر آنها زینت می دهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت،

عکس العمل دولتهای مختلف به اعلام خبر شات داون نظام فعلی آمریکا و تاسیس کشورهای جدید

برخی دولتها چنان از خود بی هویت شده اند که نبود حاکمان فعلی آمریکا را معادل با نبود خود، ارزیابی می کنند. لذا در تلاشی ناکام همه دار و ندار خود را برای دفاع از آنها و ارزش دلار به میدان می آورند، ولی در آن بازی همه چیز خود را از دست می دهند و به سرنوشت محتوم دلار که بزرگان صهیونیست تصمیم گرفته اند، دچار خواهند شد. یعنی پوچ. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، از این دسته اند.

برخی دولتها گیج از فهم مسائل باری به هر جهت ضرر هنگفتی را تقبل کرده و مطیعانه و بدبختانه به زندگی خود ادامه می دهند. بسیاری از کشورهای مستضعف آفریقایی و آمریکای لاتین و جنوب آسیا از این دسته اند.

و اما برخی دولتهای اروپایی که به این روند محتوم از همین حالا هم واقفند، چاره ای برای خود نمی بینند تا همراه جریان آب حرکت کنند. به جای برخورد با این روند اشتباه خود نیز همراه آن شوند.

همان کاری را می کنند که آمریکا می کند، یعنی چاپ پول بی محل و بی پشتوانه، (پس تعجب نکنید که این کشورها ۴ نعل در حال خلق پول و به قول کورتون خلق بدهی اند و بدهی بیشتر را برای خود افتخار و موفقیت می پندارند)

ولی چون حجم اقتصاد آنها محدود است هرگز قادر به چاپ پول بی پشتوانه به اندازه آمریکا نیستند، لذا پس از فروپاشی \$ به طور موقت این پولها جایگزین می شوند ولی پس از طی دوره ای که بی پشتوانه بودن آنها هم ثابت شد، دچار مشکل می شوند و مجبور به ریفرم نظام مالی می شوند.

لذا در بلند مدت دولتهایی برنده اند که می توانند جلوی هوس چاپ پول بی پشتوانه را بگیرند و یا مدیریت تولید و مخارج خود و وابستگی خود را به پولهای اعتباری کم کنند .
ای کاش این توضیحات ذره ای از چهره پنهان ، تمدن غرب را به دانشگاهیان و خود پوچ انگاران وطنی ، نشان دهد ، تا فرض یقینی نکنند ، که این ظاهر و پوز زیبا را ، غربیها از راه درست و حلال کسب کرده اند ، آنها با این سیستم نحس پولی، به همه دنیا کاغذ بی پشتوانه به نام پول را صادر می کنند و از آنها طلا و مواد اولیه و کار و ... را وارد می کنند .
نظام مالی پول مبنا و ربوی یهود ، که امروزه زندگی مردم جهان را ، به عبودیت خود کشانده ، اینگونه ذات کثیف و نجسی دارد .

به اسم وطن به کام شرکتهای نفتی و چند ملیتی

تغییرات اجتماعی در آمریکا به خوبی از رشد آگاهی های مردم خبر می دهد .
دیگر کسی حاضر نیست فریب فیلمهای انگیزشی ارتش آمریکا را بخورد ، هواپیمای نظامی ، تک تیرانداز و ناوهای هواپیما بر و ...

مالکان آمریکا و بانکداران و سهامداران فدرال رزرو ، که خود را صاحب همه دارایی های آمریکا و همه مردم آمریکا می دانند ، سیاستمدارانی را به کار می گمارند ، که هنرپیشگان و سوپر استارهای خوبی باشند ، با حرارت سخنرانی کنند و جوانان را به بهانه وطن پرستی ، بسیج کنند و نیروهای نظامی گسترده ای را تشکیل دهند ، تا آنها از مقام انسانی تنزل کنند و همچون جوخه های مرگ تربیت شوند ، به مناطقی که منابع و منافع آنهاست ، گسیل دارند ، تا همچون سگ نگهبان از منافع صاحبان خود دفاع کنند . و در همه این مدت ، احمقانه فرض کنند ، که برای وطنشان آنجا حضور دارند ، در حالیکه حفاظت از وطن در برابر تهاجم دولت خارجی معنا دارد و جز روسیه کدام کشور توان نزدیک شدن به خاک آمریکا را دارد ، روسیه هم که همچون خرس لش بزرگی است ، که انگیزه و حال تکان خوردن از جای خود را ندارد ، نیازی هم ندارد ، پس عملا هیچ تهدید خارجی ، واقعی برای مردم آمریکا وجود ندارد ، همه فیلمها و تبلیغاتی که تهاجم به خاک آمریکا را نمایش می دهند ، جز در راستای سیاست خود زنی نیست ، که اگر تهدید خارجی وجود ندارد، آن را بساز ، همه اش ساخته و پرداخته ، ذهن مریض نوکران راکفلر ها و مورگان ها و مرداک ها و ... است .

رشد آگاهی های مردم آمریکا ، فریب جنگ سالاران را بی اثر کرده است .

با بالارفتن سطح فکر و آزادی سربازان و جوانان آمریکا تقریبا هیچ سرباز پدر و مادر داری ، یافت نمی شود ، خود بجنگد و نه به جنگ در کشوری دیگر برود ، در صورتیکه همه آنها حاضرند برای تهدید خارجی در کشور خود همه نوع فداکاری بکنند . در حال اجماع در مورد ، تعریف وطن پرستی ، هستند ، و اطاعت کورکورانه از مافوق را مصداق شجاعت نمی دانند .

چون دو حالت دارد، برای منافع ابر شرکت سالاران یا باید مردم بی گناه و بومی آنجا را بکشند، که با یک عمر عذاب وجدان زندگی جهنمی ای خواهند داشت، یا برای هیچ کشته می شوند و در هر صورت، هیچکس جز سهامداران شرکتها و مالکان یهودی از جنگها سود نمی برند.

فقط حرامزاده ها ممکن است همراهی کنند، که تکلیف آنها هم معلوم است و به این ترتیب پیش بینی می شود.

ارتش آمریکا به سمت حرام زادگی پیش برود.

که با توجه به امکانات انباشته در آنجا ۱ فاجعه جهانی است، امید می رود ژنرالهای عاقلی در ارتش آمریکا وجود داشته باشد، که این تهدید جهانی را تشخیص دهند و راهکار جلوگیری از آن را تدبیر کنند.

رژیم جدید حاکمیت آمریکا و رابطه اش با انگلستان

کشورهای با ریشه آنگولاساکسون احتمالاً با مرگ ملکه انگلیس و اینکه هیچ بدیل مناسبی برای جایگزینی او وجود ندارد، از چنبره نظام سنتی انگلیس رها می شوند و با آزادی عمل بیشتر فرآیند دموکراتیزه کردن امور خود را پیگیری می کنند که این امر برای مردم مستعمرات انگلیس یک فرصت طلایی است، اگر از قبل خود را برای آن آماده کرده باشند.

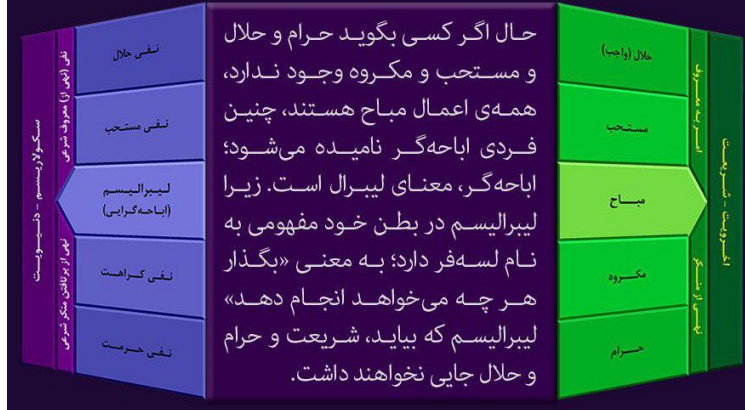
بن بست فکری و ایدئولوژیک در نظام فعلی آمریکا

توجه افراطی آمریکا به خارج از کشور و منطقه خاور میانه آنها را از تمرکز برای حل مشکلات داخلی غافل کرده است وقتی شب به تاریکترین نقطه خودش نزدیک می شود شفق (اولین تشعشعات روز) شروع می شود.

امروز در آمریکا بن بست تفکر، بن بست استراتژیهای مثبت، بن بست کنترل و ... است و تنها کاری که برایش مانده تبیین موضع خود نسبت به دیگران است، روز به روز به تاریکی بیشتری فرو می رود.

تمام بدختی امروز جامعه آمریکا به خاطر ایدئولوژی نحس و منحوط لیبرالیزم است، لیبرالیزم نرم افزار اصلی فکری جامعه است، که اکثر افراد جامعه مبتنی بر آن انتخابهای بزرگ و کوچک زندگی خود را انجام می دهند.

لیبرالیسم چیست؟ در یهود و مسیحیت و اسلام، چهار مفهوم داریم: حرام و مکروه - حلال و مستحب. حد وسط این دو «مباح» است که انجام آن ثوابی ندارد و ترک آن نیز عقابی ندارد. از حرام و مکروه نهی شدیم (نهی از منکر) و به حلال و مستحب امر شدیم (امر به معروف).



در این شرایط سخت است که معمولاً یک ناجی و یک سوپرمن واقعی و نه خیالی ظهور می کند .

آمریکا منتظر ظهور یک مرد است ، یک ناجی ، یک رهبر واقعی ، نه یک فرد خیالی همچون بازیگر ماتریکس ، یا ۴۰۰ نوع هیرو و سوپر من (که ، مافیای رسانه ای آمریکا ، سعی می کند ، آنها را به شخصیت و دین آمریکایی ، ضمیمه کند) . کسی که از جان و مال و همه چیزش در راه آزادی مردمش می گذرد ،

مردمی که به دور او حلقه می زنند و او را نماد هویت خود قرار می دهند ، رهبری که می تواند رهبران کوچکتر محلی را با خود همراه کند ، دوره آینده ، دوره ظهور جنبشهای حق طلبانه در آمریکاست ، باید دید خداوند این شانس را به چه کس و کسانی عطا می کند و ...

یک احتمال هم دارد که یک یا تعدادی رهبر مردمی از بین سیاهپوستان یا اقلیت خاص پیدا شود (همچون مالکوم ایکس و ...) و بتواند یا با شبکه سازی حرفه ای و پنهانی ، قدرتی گرد آورد و فرآیند استقلال خواهی و حق خواهی مردم خود رازودتر به سرانجام برساند .

البته با وجود سرویس های امنیتی شدید ، به راه اندازی جنبش های اجتماعی حق طلب تا آنجا می توان امید داشت که فعالان آن هم ، به همان اندازه سرویس های اطلاعاتی قابلیت و شجاعت اقدام و تلافی داشته باشند و اگر نه بازی گرگ و میش می شود و مثل دفعه های قبل نابود می شوند .

همراه با توسعه ان جی او های کمک رسان و حمایتی و شبکه شدن آنها هر آن ممکن است ۱ نفر با قابلیت رهبری پدیدار شود که بقیه به او اعتماد کرده و عهد ببندند و از بخواهند تا نمایندگیشان بکنند و فرمان جنبش خود را به دست او بسپارند .

اگر آن رهبر توسط سرویسهای اطلاعاتی آمریکا شناسایی و ترور نشود، می تواند موجب شکل گیری آن جنبش سراسری اصلی شود .

بن بست فرهنگی و فیلم در نظام فعلی حاکمیت در آمریکا

از نظر اجتماعی و فرهنگی امروز آمریکا به آخر خط رسیده است. رباکاری و دروغ عمیق شده است، همه افراد با نفوذ در ظاهر به شدت اظهار نزدیکی می کنند، ولی خوب می دانند که چقدر از هم فاصله دارند،

از بیش از ۱۰۰۰ فیلمی که سالانه در کمپانی های آمریکایی ساخته می شود. کمتر از ۱۰ عدد آنها قابل اعتنا است و در جشنواره ها مورد اقبال، منتقدین و متفکران قرار می گیرد.

یعنی حجم عظیمی از فیلمها، پوچ به مخاطب خود تحویل می دهد. بیننده اش هیچ اثر مفیدی نمی گیرد. حدیث نفس است و فقط برای پر کردن وقت انسانها و درست تر اینکه برای هدر دادن وقت انسانها تولید می شود. اگر مومنانه به موضوع نگاه کنیم، وقت انسان بزرگترین و ارزشمندترین دارایی ها در جهان است که خداوند کل هستی و جماد و نبات و حیوان را برای رشد و تعالی انسان خلق کرده است..

پرداخت به موضوعات کارتونی، غیر واقعی، خیالی، آموزش خیانت، قتل و دزدی، تیر اندازی ...

جامعه آمریکا به شدت وابسته به رسانه شده اند و متاسفانه افسار رسانه ها در دست نحله های یهودیت صهیونیستی است و آنها هر نوع خلاف و چرک و باطلی که می توانند تولید کنند را، به خورد مردم عادی می دهند، به طوری که امروز در سریالهایی از جمله لاست یا فرینچ یا ... عمیق ترین موضوعات فلسفی را با حوادث داستانی به صورت آموزشی به مردم القا می کنند.

تولید فیلمهای ژانر جنگی، به جهت ایجاد انگیزه برای پیوستن به ارتش و یا فروش تسلیحات کارخانجات اسلحه سازی خشونت از نوع کثیف را در نهاد بسیاری از مردم آمریکا کاشته است.

تولید فیلمهایی در ژانر وحشت، مردم را به شدت تحت تاثیر قرار داده است به طوریکه ترس نهفته ای در عمق نگاه اکثر مردم آمریکا قابل مشاهده است.

و اگر تولید فیلمهای ملودرام متأثر از بخش مسیحی جامعه نبود، چه بسا فجایع اجتماعی بسیار بیشتر از آنچه امروز هست، عیان می شد.

البته تهدیدی که این نوع فیلمها و موضوعات را تحت تاثیر قرار می دهد، تولید حجم بسیار زیاد فیلم پورن توسط شبکه مافیایی قاچاق انسان است. با لیست های دیوانه کننده، نسلی را تربیت کرده اند، که دیگر هیچ چیز پنهانی را واجد ارزش نمی شناسند، یعنی هیچ چیز را ارزش هویتی نمی دهند و این نکته یکی از دلایل نسل بی هویت جدید است.

یعنی اوج پوچ گرایی که زمانی نیچه وعده آن را داده بود. حال این نسل، که برای خود هیچ ارزشی قائل نیست چطور می تواند، جامعه ای را نمایندگی کند، چطور بزرگان سایر ملل به این نسل باید اعتماد کنند؟ همه این سوالات نشان می دهد که هم به صلاح خود آمریکاست و هم به صلاح همه مردم جهان است که یک فرصت مرخصی و خلاصی و آزادی را به جامعه آمریکا بدهیم، تا در تعمق با خود، بازتعریف درستی از ارزشهای انسانی را صورت دهند.

جامعه آمریکا تشنه ایده های نو هستند، جامعه آمریکا از این همه فشار رسانه ها خسته اند، به هر موجودی پناه می برند تا کمی آرامش پیدا کنند. جوانان و مردم جهان از دیدن این همه کارتون و دروغ و جلوه های بصری، اشباع شده اند و به دنبال واقعیت و حقیقت ناب می گردند، الهام بخشی آمریکا، امروز به یک جک تبیل شده است.

زنانه شدن سیاست در تمدن غرب

ظهور بسیاری از زنان سیاستمدار در غرب و به تبع اتخاذ سیاستهای زنانه پیامی برای ما دارد، همه امپراطوریهها وقتی به مرحله زنانگی می‌رسند فروپاشی شان قطعی است و پیشگویی بسیاری از متفکرین غرب هم موید این مطلب است. آمارهای امروز آمریکا به خوبی، وادادگی مردان قدرتمند را در برابر فساد و فحشا نشان می‌دهد، کشوری که ۴۰۰ میلیون پیچ پورن تولید می‌کند که بیش از ۸۰ درصد مصرف آن را خودش انجام می‌دهد، به خوبی انحطاط اخلاقی را در آن جامعه فریاد می‌زند، کجاینده جرج واشنگتن‌های امروزی، کجاینده ابراهیم لینکن‌های امروزی، کجاینده مردان قوی با اراده‌های قوی که در مقابل ظلم و بی‌عدالتی و بی‌عفتی و منشا‌های شر در درون آمریکا، به پا خیزند و هم خودشان را نجات دهند و هم بقیه دنیا را، جنگ اصلی و میدان اصلی کارزار، مدعیان مردی و مردانگی آمریکایی‌ها، نه در ویتنام و عراق و افغانستان و ...، که در درون خاک خود است، تا وقتی زن‌ها یاد نگیرند که در امور مردانه و محکم و جدی، نباید دخالت کنند، امیدی به اصلاح امور نیست.

چرا باید ایالات متحده تغییر ساختار دهد

با فروپاشی نظام فعلی ایالات متحده و بازچینی مجدد قدرت در سرزمینهای پهناور آن قاره، منابع طبیعی نیز بازچینی می‌شود، اقتصاد متمرکز از بین می‌رود و شرکتهای چند ملیتی، انحصار طلب نابود می‌شوند و هر کدام به صدها شرکت کوچکتر و موثرتر تبدیل می‌شوند، که بر اساس قراردادهای منصفانه‌ای با یکدیگر تعامل می‌کنند و... رهبران هر ایالت قوانین منصفانه‌ای را برای مردم تحت حاکمیت خود وضع می‌کند و رقابت بر سر قوانین بهتر و زندگی بهتر بیشتر می‌شود.

مدیریت هزینه‌ها، بسیار بهتر شده، مردم با مالیات کمتری باحکومتهای محلی جدید خدمات بهتری از حکومت دریافت می‌کنند،

بعد از فروپاشی نظام حاکمیت فعلی آمریکا و تشکیل ۴۰ کشور چابک‌تر، عملاً توان مدیریت آمریکا برای خودش پر قدرت تر می‌شود، کشورهای جدید با هم در برخی قوانین اتحادیه‌های دو یا چند جانبه‌ای را تشکیل می‌دهند و هزینه‌های آن را نیز می‌پذیرند.

حکومتهای جدید بسیاری از مشکلات اجتماعی را می‌توانند حل کنند، در نتیجه فشار از روی دادگستری و اف بی آی برداشته می‌شود، اف بی آی به موضوعات مهم و کلان متمرکز می‌شود.

منافع رژیم چنج برای نظام حاکمه فعلی آمریکا

دیر یا زود آمریکا مجبور است، پول خود را فاقد اعتبار اعلام کند و از این بابت بیش از ۲۰ هزار میلیارد دلار به جیب بزند. وجهی که از هیچ خلق کرده بود و امروز خود را مواجه با تامین آن می‌بیند.

البته آنها تجربه موفق سال ۱۹۷۲ را دارند ، وقتی که نیکسون جدایی پشتوانه دلار با طلا را اعلام کرد و بلافاصله کسینجر ، کشورهای ایران و عربستان را مجبور کرد که فقط و فقط با دلار ، نفت خود را بفروشند و به نوعی پشتوانه کاغذهایی که در آمریکا چاپ می شد را نفت منطقه خاور میانه قرار داد .

وقتی جهان آمریکا را رها می کند

به دلیل کلاهی که سر مردم دنیا رفته است ، همه از آمریکا شاک می شوند، ولی سود این کار برای آمریکا بسیار بسیار بیشتر از آن است که اعتنایی کند .

آمریکاییها دیر یا زود دنیا را رها خواهند کرد . یا بهتر بگوئیم ، پس از اینکه حاکمان فعلی آمریکا به این رسیدند که دنیا ، در حال رها کردن آنهاست ، این پروژه را کلید می زند .

پرداختن مافوق انتظار به مذاکرات ۱+۵ و ایران موسوم به برجام در همین راستا قابل ارزیابی است ، دموکراتها سعی داشتند ، فرآیند دل کندن مردم دنیا از آمریکا را ، مدیریت کنند ، حداقل به تعویق بیاندازند ، لذا با تبلیغات وسیع رسانه ای بر سر یک موضوع جاری (مسئله حق تکنولوژی هسته ای برای ایران) ، قصد داشتند آن را ونقش خود در آن را به عنوان یک رویه جهانی ، به بقیه کشورهای دنیا حقه کنند ، و خود را پیروز این فرآیند نشان دهند و...

حاکمان آمریکا به خوبی دریافته اند که جز سکس ، کشتار و حرص و طمع که فقط برای اشرار عالم جذابیت و الهام بخشی دارد ، چیزی برای عرضه به دنیا ندارند ، و به سرعت مردم دنیا در حال سرد شدن از حس آمریکایی شدن هستند ، یعنی به سرعت در حال تبدیل شدن به جسد بی روحی می شوند ، که محل انباشت کرمها خواهد شد . لذا چاره ای ندارند جز اینکه پیش دستی کنند و خودبنیاد ، رژیم چنج اصلاحی را رقم بزنند .

نظام مالی احتمالی پس از رژیم چنج در آمریکا

ممکن است به پیمانهای پولی ۲ و ۳ و چند جانبه برسند و ۱۰ پول محلی بیرون بیاید ولی اینبار معتبر و اشتباه فدرال رزرو را تکرار نکنند، بلکه هیات همنایی مردم و باانتخابات این کار را بکنند و به اوضاع نظارت کنند، و جلوی هوس خود را برای چاپ پول بی پشتوانه بگیرند ، تا پولهای چاپ شده معتبر بماند و تبدیل به کارنسی نشوند .

به نظر می رسد ، مبانی نظری اقتصاد آزاد و خصوصی فریدمنی ، مبنای عمل بسیاری از ایالتها قرار بگیرد . که با بستن مالیات منصفانه ای بر کل دارایی هر فرد ، اشکالات آن را رفع کنند و...

پولهای محلی در کشورهای محلی ، اعتبار پیدا می کند.

پیش بینی رفتار حاکمیت آینده آمریکا با ایران

در مورد اسرائیل پیش بینی رهبری ایران این است که ، ۲۵ سال دیگه را نمی تواند ببیند . پاسداران انقلاب اسلامی ، این جمله را به عنوان یک حکم برای خود تلقی می کنند و در جهت اجرای آن برنامه ریزی می کنند .
لذا موضوع حذف اسرائیل که برای ایران قابل مذاکره و کنار آمدن نیست ، و اثلا روند جاری امور به سمت تخلیه خود به خودی سرزمینهای اشغالی می رود .

در مورد جنگ مستقیم نظامی هم که ، امام خمینی در سالهای ضعف ایران و اوج قدرت آمریکا بود ، فرمودند : (نظام فعلی جنگ طلب و ظالم) آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند . ، لذا پس از رژیم چنج هم که به طور اولی ، نمی تواند ، عملیات نظامی مستقیم کند .

کشورهای جدید قاره آمریکا مجبورند ، برای آستی با ایران ، از حمایت منافقین و گروههای معاند و شورشی دست بردارند ، و عربهای منطقه را توجیه کند ، که از تحریک ایران به اقدامات مقابله به مثل ، پرهیز کنند ، تا آرامش خودشان و منطقه حفظ شود .

پیش بینی ایران از دولت بعد از رژیم چنج در آمریکا

حکومت‌های آتی آمریکا چاره ای ندارد ، جز اینکه بادولت مستقر در ایران روابط حسنه ای بر اساس انصاف دو طرفه بر قرار کنند ، نه از موضع قدرت هژمون بر قدرتی ضعیف که محکوم به اطاعت است ، بلکه از موضع دولت قوی با یک دولت قوی دیگر ، که هر دو نسبت به قراردادهای دو جانبه منصفانه و معتبر و صادقانه عمل می کنند .
ایران در فرآیند انقلاب داخلی آمریکا ، دست به ماجراجویی نمی زند به دهها دلیل ، از جمله اینکه به حکومت و حاکمان بعدی آمریکا امید می بندد تا دست از دشمنی بردارند ، به خاطر مردم مظلوم ساکن در آمریکا ، تا بلکه سر و سامان پیدا کنند و به خاطر سیاه پوستان آمریکا که سالهاست در تبعیض و ظلم و ترس شکنجه و قتل به سر می برند و احتمال دارد نمایندگان در دولت بعدی آمریکا داشته باشند ، به خاطر ایرانیهای مقیم آمریکا و.... سعی می کند ، راهی میانه و منصفانه انتخاب کند .

تهدیدات رژیم چنج آمریکا بر نیروهای نظامی اش

با فروپاشی دلار ، که منجر به تغییرات گسترده ای در سطح ملی و منطقه ای و جهانی می شود ، جهت تهدیدات تغییر عمده ای می کند . حتی اگر بپذیریم که کشوری به طور مستقیم وارد جنگ با نیروهای نظامی آمریکا نشود ، اما عملیات چریکی ، توسط گروههای شورشی محلی ، همه نظامیان آمریکا در خارج از مرزهایش ، را دچار تهدید مستقیم می کند و به عنوان سیبل هدف انتقام خود قرار می دهند .

پس قطعا ارتش آمریکا قبل از اعلام روز بی اعتباری دلار و شات داون کلی نظام حاکم ، اکثر نیروهای خود را به خانه آورده است .

کشورهای جدید در رژیم جدید آمریکا چه ماهیتی خواهند داشت

احتمال دارد، گروه‌های سیاسی موسس، به کشورهای مهد خود در اروپا، سمپاتی نشان دهند یا اروپا در پی سهم خواهی بر آید و کیک آمریکا را بین خود تقسیم کنند، آنها نیک می‌دانند که هر کس دیر بجنبد، در این مسابقه سرش بی‌کلاه می‌ماند. در اینصورت برنده اصلی فروپاشی نظام فعلی آمریکا، کشورهای اروپایی خواهند بود، فروپاشی سیاسی رژیم فعلی آمریکا به اسم تعدادی رئیس‌جمهور و سیاستمدار احمق تمام می‌شود ولی شیرینی اش به کام اینها می‌رود، البته احتمال تبانی هم بسیار زیاد است، وقتی کشورهای اروپایی بر سر رژیم جدید آمریکا توافق داشته باشند، و منافع خود را برده باشند، با آن همراهی می‌کنند، در اینصورت اعتراض سایر کشورهای جهان، اثری آنچنانی ندارد.

ویژگی های رژیم های جدید قاره آمریکا پس از تغییر

توجه افراطی آمریکا به خارج از کشور و منطقه خاور میانه آنها را از تمرکز برای حل مشکلات داخلی غافل کرده است اگر انرژی را به عنوان مهمترین زیر ساخت تمدن سازی مادی، در نظر بگیریم آمریکای واقعی نیاز به نفت ندارد، نفت شیل و منابع داخلی خودش و منابع آمریکای لاتین و ونزوئلا برایش کفایت می‌کند، به علاوه ظهور گروه های مردمی آزاده برای نجات زمین و محیط زیست در ایالت‌های جدید باعث میشود، ساختار به سمت انرژی های تجدید پذیر و فری انرژی شیف‌ت پیدا کند، لذا مردم آمریکا دیگر حاضر نیستند برای منافع ابر شرکت سالاران نفتی از سوخته‌های فسیلی استفاده کنند و خود را وارد جنگ بیهوده کنند. مردمان ایالت‌های جدید به قدری از مواهب و منافع و نعمتها برخوردارند که بیرون رفتن برای تصاحب سایر سرزمینها را عبث و احمقانه می‌بینند و دیگر حاضر نیستند فرزندان خود را برای طمع شرکتهای بانکی و نفتی به کشتن دهند مدیریت هزینه ها، بسیار بهتر شده، مردم با مالیات کمتری باحکومتهای محلی جدید، مراوده خواهند داشت و خدمات بهتری از حکومت دریافت می‌کنند، و چون منافع خود را در منافع افراد خاص صهیونیستی در خارج از مرزهایشان تعریف نمی‌کنند، هزینه های دفاعی و امنیتی‌شان بسیار کاسته شده و زندگی راحت تری را تجربه می‌کنند. با تجزیه آمریکا به ۴۲ کشور قدرتمند محلی، بسیاری از قوانین سرمایه گذاری اصلاح می‌شود، افراد ترجیح می‌دهند در کشوری سرمایه گذاری کنند که از نفوذ و حمایت بیشتری برخوردارند. این اتفاق امتیازات زیادی برای مردم عادی آمریکا دارد و البته برای سرمایه داران آمریکا نوعی کابوس است، چون دیگر نمی‌توانند سحر مالی خود را صورت دهند. مدیریت موثرتر حاکمان جدید که برخاسته از متن مردم هستند، باعث می‌شود قوانین خلاف اخلاق و اجتماع تصویب نشود. و امید می‌رود در آن صورت، حاکمان و رهبرانی به منصفه ظهور برسند که زیر بار ثروت اندوزان و منفعت طلبان نروند، و با اصلاح قوانین در کشور خود، و مشخص شدن کارایی آنها، زمینه ای شوند که قوانین خوب در سایر ایالتها هم جاری شود. در ایالت‌هایی که اصلاحات مالی رقم می‌خورد، اوضاع کار و معیشت بسیار بهتر می‌شود و مردم نسل بعد از شر بدهی

های دولتهای گذشته خود رها می شوند .
آمریکا مجبور می شود از منافع شرکتهای نفتی در منطقه جنوب غرب آسیا و صاحبان آنها بگذرد .
ایالتها دیگر حاضر نیستند به رایگان برای ایالت دیگر کار کنند و بار آنها را مجانی به دوش بکشند , ادعاهایی که ایالت کالیفرنیا مطرح می کند و ... لذا نظم پیدا می کند و قرار دادهای دو یا چند طرفه ای بین آنها بسته می شود .

تهدیدات احتمالی کشورهای نوظهور در قاره آمریکا

ممکن است رهبران و حاکمان جوان و جدید دست به ماجراجویی های فراتر از ظرفیت خود , در عرصه سیاست بزنند .
ممکن است , روح افزون طلبی و سیری ناپذیر آمریکایی به جنگ بین ایالتهای مجاور ختم شود , و یک تهدید بسیار جدی اینکه , اگر ابر طبقه فعلی آنها , در دنده لج بیافتد ممکن است , دوره اختناق جدیدی شروع شود ترور و سرکوب معترضان و ..

شرایط عربستان پس از رژیم چنج در کشورهای جدید قاره آمریکا

شاهزادگان سعودی با فهم سنتی خود از پول و نظام مالی , همچون گماشتگانی حاضر به خدمت , هر آنچه مستشاران مالی آمریکا حکم می کنند , اطاعت می کنند , بدون اینکه متوجه شوند , در بست در جهت منافع آمریکای فعلی قدم بر می دارند . در همان روز اعلام شات داوون رژیم فعلی آمریکا , بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار عربستان می ترکد دود می شود و نابود می شود و دیگر وصولی در کار نمی باشد , و از بین می رود ,
می دانیم نظام حکومتی در عربستان , کاملاً بدوی و به صورت قبیله ای است , که ناجوانمردانه , حتی به مردم سرزمین خود در استان قطیف , هم با نیروی ارتش سرکوب را رقم می زنند و... حاکمان جوان و تندرو غیر عقلانی , آل سعود مدام در حال تنش زایی در منطقه هستند , و البته با اقدامات تحریکی که می کنند , قبر خود را حفر می کنند . (ماجرای تجاوز به دو جوان ایرانی در فرودگاه , ماجرای کشتار بیش از ۶۰۰۰ نفر در مراسم حج ۹۴ , ماجرای ربودن و ربایش سفیر سابق ایران در لبنان , پشتیبانی اطلاعاتی و مالی از عملیات ترور در تهران و...) و اگر روزی صبر نیروهای انقلابی ایران تمام شود , ممکن است کل نیروهای فعال در عراق و سوریه را به سمت جنوب گسیل کنند و ریشه وهابیت را که منشا تروریسم است , را خشک کند و تشویق کند , حکومت مردمسالاری دینی را در آنجا استقرار دهد .
اگر قوه عاقله ای در عربستان بود , سعی می کردند تا آنجا که ممکن است خود را به جناح لیبرال ایران که فعلاً سال (۹۶) در پوزیشن قدرت هستند , نزدیک کنند و هرگونه بهانه ای را از نیروهای انقلابی که در دوره بعد کار را دست می گیرند , بگیرد , ولی دریغ ,
لذا عربستان فعلی , که همزاد و همراه اسرائیل صهیونی و آمریکای ظالم فعلی است , تنها راه بقای خود را در حفظ رژیم فعلی آمریکا می بیند , و پس از رژیم چنج آمریکا بازنده اصلی است .

نقش اروپا در ایجاد رژیم چنج در آمریکا

ممکن است رهبران محلی حکومت‌های جدید از تمدن مادر یعنی اروپا، به آنجا مهاجرت کنند و زمام جنبش‌ها را بر عهده بگیرند.

دستگاه‌های و سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای اروپایی بعد از خیانت‌های مکرری که از سیا و ان اس ای و سایر سرویس‌های آمریکا دیده اند، (شنود مقامات کشورها و ..) به سمت استقلال جامعه اطلاعاتی خود می‌روند، چون کشوری که در نظام اطلاعاتی و امنیتی اش وابسته باشد، در همه چیزش وابسته است.

وارد مسابقه اطلاعاتی با آمریکا خواهند شد و چه بسا در عملیات مقابله به مثل سعی کنند به سیستم‌های اطلاعاتی آمریکا نفوذ کرده و تغییرات مورد نظر خود را آنجا اعمال کنند.

پیش بینی نظم نوین جهانی پس از رژیم چنج آمریکا

ممکن است دوره ثبات ۱۰۰ سال طول می‌کشد و در این مدت نظم جدیدی در جهان برقرار می‌شود و یک احتمال این است که، جریانی از ژنرال‌های عاقل در ارتش آمریکا کار را دست بگیرند، که از فشار بیجا و مداخله گری کنار بکشند و این اجازه را به جهان بدهند، که خود، راه خود را پیدا کند، ولی احتمال بیشتر این است که ژنرال‌های احمقی سر کار بیایند، (که بخواهند انتقام این شکست در نظام حاکمه فعلی را) از بقیه کشورهای دنیا بگیرند و زرادخانه تسلیحاتی خود را بر سر مردم بیگناه، فرو بریزند و... یا به بهانه دور کردن تهدید جنگ داخلی، یک جنگ منطقه‌ای در نقطه‌ای دیگر از جهان بر پا کنند. به هر حال کنترل عملکرد، دیکتاتوری عظیم نظامی آمریکا، سخت‌ترین مرحله رژیم چنج در آمریکاست، ...

همه سربازان و کادرهای نیروهای مسلح آمریکا در رقابت با سایر مشاغل، سرشان بی کلاه می‌ماند و ... سهمی که از زمین و سهام معادن و گیرشان می‌آید، تقریباً هیچ است و همچنان گماشته و حافظ منافع سرمایه داران جدید باقی خواهند ماند.

قطعا پس از اعلام رژیم چنج در آمریکا، حاکمان کشورهای جدید به درون مرزهای خود بر می‌گردند و بار کشورهای عقب افتاده و ضعیف را به دوش نمی‌کشد. آنها را به حال خود رها می‌کنند و

در سطح جهان، چه بسا خلا قدرت پدید آمده هزاران شورش محلی را باعث شود. و باعث تخلیه شدن انرژی پتانسیل فعلی موجود در جهان شود، (مصرف انبارهای تسلیحاتی کشورهای و جوانان آنها)، سپس یک دوره ۲۰ تا ۳۰ ساله را فقط صبر می‌کند، تا این کشورها، قدرت همدیگر را نابود کنند، آنگاه پیروزمندانه وارد میدان می‌شود و نظم نوین

جهانی مورد نظرش را پیاده می‌کند. همان تجربه موفقی که در جنگ دوم جهانی دارد، و ...

احتمالاً دیکتاتورهای کشورهای ضعیف خود را بی پناه می‌بینند.

و خلا قدرت باعث به وجود آمدن حاکمان جدید و جوان انقلابی و مردمی می‌شود.

چین پس از رژیم چنج در آمریکا

متاسفانه چین علی رغم جمعیت بالا، فاقد آدم متفکر بزرگی هستند، و در حوزه نظری پایه، فوق العاده فقیر است، وقتی بودا وارد شد، بودیسم شدند، وقتی کمونیسم شوروی آمد، کمونیست شدند، وقتی تسلیم غرب شدند، لیبرالیست شدند.

و نظام فعلی چین ملقمه ای است از ظاهر و پوسته کمونیستی با جلسات فرمایشی بزرگ حزبی، و ماهیت لیبرالیسم و اصرار به حفظ برخی عناصر فرهنگی بودا در ظاهر.

این کشور بهترین موقعیت و هدف برای لاشخورهای صهیونیست، است تا فکرها را جدید خود را برای چاپیدن مردم دنیا در آنجا بکارند و مردم را مطیع اراده خود کنند، البته می دانیم همه تعریفهای دانشمندان یهود از انسانهای غیر یهود ابتدا به ساکن، حیوان است، حیوان ناطق و حیوان اجتماعی، ... و لابد مردم فعلی چین را در درجه حیوانیت بالاتری یافته اند که به آن امید بسته اند، باید دید صاحبان قوه عاقله در چین، برای مقابله با آنها چه کار می توانند بکنند؟ ما برایشان هدایت و نجات آرزو می کنیم.

معضل چین برای حاکمان فعلی آمریکا

اول اینکه سیاستهای مالی چین، همواره به آمریکا رودست زده است، به طوریکه کارشناسان کونگفوکار مالی در چین، طوری با تهدید مالی دلار یکی شده اند، که به ازای چاپ هر دلار در آمریکا چندین یوان در چین چاپ می شود، بدون اینکه نسبت دلار به یوان را تغییر دهند، چندین برابر آمریکا از چاپ پول بی پشتوانه سود می کنند، با همان یوانهای از هیچ خلق شده، دلار آمریکا را از تاجران داخلی شان می خزند، تاجرانی که آن دلارها را با تولید و ارسال کالا به آمریکا تهیه کرده اند، و به این ترتیب هزاران میلیارد دلار آمریکا را در چنبره اختیار خود گرفته اند و می دانیم که کینز گفته است، اگر می خواهید کشوری را نابود کنید، پول آن را نابود کنید، و حال اختیار پول آمریکا دیگر نه در دست فدرال رزرو که در دست نهادهای مالی خاصی در چین است، که هر آن می توانند با اعمال یک شوک ارزی (ورود و خروج سریع) آمریکا و جهان را کن فیکون کنند، خلاصه اینکه این نقشه هوشمندانه محال است بدون هماهنگی با بانکداران یهودی، طراحی و اجرایی شده باشد و... این هم تحلیل مثبتی دیگر از مهاجرت یهود به چین است.

مهاجرت شدید چینی ها به آمریکا ۲ ضرر جدی برای آمریکا دارد.

دوم اینکه آمریکا پولهای بی پشتوانه ای که برای خرج شدن در جهان چاپ کرده بود، در حال برگشت به سرزمین اصلی می بیند، که ایجاد تورم و هزار مشکل دیگر می کند.

دوم چینی هایی که خوره زمین و ملک هستند، تا بتوانند می خزند و با زاد و ولد گسترده، کم کم از اقلیت خارج شده و می توانند در حوزه سیاسی و اجتماعی نقشهای مهم و شاید از پیش تعیین شده ای را بازی کنند، کرسی های شورا و شهرداری و .. را بگیرند و به ادارات حکومتی نفوذ کرده و کم کم آمریکا را از داخل تصرف کنند.

شاید این فرآیند توسط برخی از فراماسونهای صهیونیست، تشویق شود، زیرا قرار است، چین پایگاه جدید آنها شود، و

پس از انتقال حکومت خود به چین ، از طریق این افراد ، آمریکا را تحت کنترل و اداره خود درآوردند . البته این نظر صرفاً یک پیش بینی است ، باید تعصب و غیرت و مقاومت حاکمان فعلی آمریکا را ، برآورد کرد که تا کجا ، حاضرند باج بدهند ...و

معضل مکزیک برای نظام حاکمه فعلی آمریکا

کارگران مکزیکی که با شرایط بسیار بد ، شغلی و کاری ، همچون بردگان ۲۰۰ ساله پیش مجبور به کار اجباری برای حیات خود هستند ، بالاخره یکروز از کوره در می روند و اگر یک رهبری هم پیدا شود که شبکه های مخفی ایجاد کند به راحتی می توانند قدرت قاهره ای شوند ، که ایالت های جنوبی آمریکا را ، تصرف کرده و مال خود کنند . شاید توجیه شان این باشد که ما سهم خود و پدران خود را از آن سرزمین می گیریم . اگر قوه عاقله ای در آمریکا بود ، به جای دیوار کشی سعی می کرد ، به سرمایه گذاری و توسعه مکزیک بپردازد و به رشد اجتماعی و اقتصادی آنها کمک کند ، تا نه تنها مهاجرت صورت نگیرد ، بلکه مهاجرت معکوس شکل بگیرد ، ولی دریغ از خودخواهی و تکبر و منفعت طلبی شخصی .

معضل خلقت گراها برای نظام حاکمه فعلی آمریکا

داروینیسیم به انتهای راه خود رسیده است ، امروز نظریه های خلقت گرا و دانشمندان آزاده بسیار زیادی هستند ، که تسلیم فکر و عقل درست خویشند و زیر بار مافیای علمی ، نظام حاکم نمی روند . فرضیه خلقت نخستین انسانها ، در ایران سر و صدای زیادی به راه انداخته و نقطه شروعی برای فروپاشی ، زیر بنایی ترین ایدئولوژی ، تمدن پاگان ، یعنی داروینیسیم است .

برای نظام حاکمه فعلی آمریکا ، سیطانیسم آخر خط است

محیط روشنفکری آمریکا در علوم انسانی ، تقریباً به آخر خط رسیده و هیچ بدیلی برای ارائه و جایگزینی مزخرفات کهنه و باطل شده فلسفی ، و خروجی آن لیبرالیسم ندارند . امروزه نهایت علم در آمریکا در سطح استراتژی بررسی می شود ، که آن هم صرفاً به یک متد ، روش چگونگی (تکنیک) ختم می شود . هیچ کس حق ندارد ، از چرایی سوال کند و سوالاتی که اولشان چرا باشد ، اثلاً مجال بروز و ظهور ندارد .

در فلسفه که همیشه غرب خود را مفتخر به آن می دانستند ، هیچ حرف جدیدی نیست ، پایان تاریخ فوکویاما موید این مطلب است ، به اذعان وی ، غرب به پایان تاریخ خود ، نزدیک شده است ، ولی اشتباهش اینجا بود که پایان تاریخ تمدن خود را ، پایان تاریخ جهان می پنداشت و...

لذا بخش تاریخ و گماشته و قلم به مزد نظام دانشگاهی غرب چاره ای ندارد تا در دشمنی با تمدن رقیب و در سطح ایدئولوژیکی به بازتعریف عناصر هویتی خود اقدام کند ، پناه به دشمن ، دشمن خود ببرد ، و حال آنکه تمدن اسلامی شیعی ، همیشه شیطان را دشمن خود گرفته است ،

لذا اینگونه است که بر سر لجبازی خود به بغل شیطان می افتند و ظهور انواع نحله های سیطانیزم به این خاطر است به شیطانی پناه می برند ، که خداوند مجبورش کرده بود به سجده آدم (ع) اقدام کند و در آخرت قطعا سرنوشتشان به سرنوشت امام خود (شیطان) گره خواهد خورد . بدا به حال روشنفکر نمای استحاله شده وطنی ، که دنباله روی از حرفهای دسته دهم آنها ، برایش افتخار است . دکتری ، در نظام معرفتی تمدن غرب ، به کسی می دهند که به سیر آرخه تا تخنه فلسفی (صرفا در پارادایم کفر کیشی) واقف شده باشد . پی اچ دی یا فیلاسوفی او دکتریت برای یک دانشمند مسلمان ، که خود را در نظام معرفت حکمت بنیان ، تعریف می کند ، نوعی فحش است و نشان از سرسپردگی آن فرد و اقرار آن فرد به مزخرفات و چرندیات اذهان معیوب و مریض و ملحد و کافر دارد . هیچ کدام از صاحبان آن دکترین ها به رستگاری دنیا نرسیده اند و قطعا به سعادت در آخرت نمی رسند و ائمه ضاللتی شده اند برای کسانی که ظواهر امروز غرب ، عقل و هوش را از آنها ربوده است .

بحران روند رو به رشد کاربرد اسلحه در نظام فعلی حاکمیت آمریکا

جرائم سازمان یافته و موردی در آمریکا به شدت سیر صعودی به خود گرفته است هم اکنون تعداد زیادی گروههای مافیایی ایجاد شده است ، به دلیل آموزشهای غیر رسمی که صهیونیست های هالیوود ، و کارگزاران سینمایی آنها به جامعه داده اند ، و بحران اخلاق ، بحران مشروبات الکلی ، بحران فساد جنسی و ... پیش بینی می شود تا چند سال دیگر ، جز در چند ایالت خاص باقی ایالتها به جهنم تبدیل می شود .

تجاوز ، دزدی ، آدم ربایی و .. به اموری عادی و روزمره ، تبدیل شود ، شاید یکی از دلایل تجهیز پلیس آمریکا به تجهیزات سنگین ، در حد ارتش این باشد . یا راه اندازی وزارت هوملند (امنیت داخلی) که فضای اجتماعی را به شدت امنیتی کرده است . به هر حال حد تحمل هزینه های این نوع سیستم امنیتی ، بالاخره کمر آمریکا را خواهد شکست . بعد از بروز چنین حالتی ، خود به خود ، خواه ناخواه ، انفجار از درون اتفاق می افتد ، ولی با این تفاوت که دیگر اختیار هیچ چیز در دست عقلای جامعه نخواهد بود . تنها راه اصلاح جامعه آمریکا ، خرد کردن آن به کشورهای قابل کنترل و قابل هدایت است ، لذا پیش بینی می شود ، که عاقلان و دلسوزان اجتماعی در آمریکا ، از مدتها پیش ، این فرآیند را هدفگذاری ، برنامه ریزی کرده باشند تا وقت معلوم ، دکمه اجرا و کنترل آن را بفشارند .

مظاهر ناکارآمدی نظام فعلی آمریکا و نیاز به رژیم چنج اساسی

ورشکست شدن شهر دیترویت ، شات داون شدن دولت آمریکا در واشنگتن و شکستهای مداوم از محاجه طلبی های کره شمالی و دخالت های آشکار شده، سرویسهای آمریکا در تشکیل و هدایت داعش و القاعده ، تاسیس و اداره زندانهای مخفی در سراسر جهان (ابوغریب و گوانتانامو و...) که یادآور حکومت دیکتاتوری پینوشه و هیتلری و موسولینی و .. است ، دیگر هیبت و هیمنه و ابهت و الهام بخشی برای دولت فعلی آمریکا باقی نگذاشته است ، که بخواهد از نمادش یعنی دلار \$ حمایت کند ، اینها حقایقی است که مردم صاحب بصیرت می توانند ببینند و کسانی که خود را به خواب زده اند ، با سیلی حوادث بیدار می شوند .

معضل نظام امنیتی زندان محور برای هیات حاکمه فعلی آمریکا

وجود چند میلیون زندانی، هر نوع برنامه ریزی متمرکز اجتماعی را برای حاکمان به بن بست می کشاند . کنترل زندانیان با خصوصی سازی و روشهای لیبرالی، بارها و بارها به شکست انجامیده و اگر با همین روند جلو برود، نصف مردم آمریکا یا درگیر زندان هستند یا پلیس و قاضی و کارمند ، یعنی در خدمت نظام زندان مدار ، یعنی آمریکا تمدنی می شود که ظاهرا زیباست ولی شغل اکثر مردم به نوعی با زندان و زندانی و جرم و جنایت مرتبط است . بیمارستانها و سیستم درمانی گسترده تر ، نظام اطلاعاتی بزرگتر ، نظام پلیس قویتر ، کارگران و صنایع زندان ساز ، سازندگان تجهیزات زندان ، کشاورزان تامین کننده غذای زندانیان و کارگزاران آنها ، همه مشاغلی که باید به نوعی به زندانیان و کارگزاران آنها سرویس دهند و صنعت سینما و تلوزیون و رسانه ، پوشش خبرهای مجرمانه و ... عقلای آمریکا ، برای رسیدگی به آنها و راه حلهای جایگزین، به شدت نیازمند ، دریافت الگوهای جدید سبک زندگی هستند . و تحول اساسی در این حوزه ، فقط با نامتمرکز کردن امور ممکن است ، احتمال موفقیت، هیات حاکمه کشورهای جدید ، در کشف راهکارهای مفید برای این معضلات حداقل به تعداد کشورهای تشکیل شده ، افزایش پیدا می کند ، یعنی اگر به ایالات متحده فعلی به ۴۰ کشور مستقل و چابک تبدیل شود ، ظرفیت راه حل یابی ، مسائل تا ۴۰ برابر بیشتر می شود .

البته در این راه باید با بخش خصوصی و کسانی که منافع گسترده در این زمینه دارند (شرکتهای زندان) تقابل پیدا کنند و .. به هر حال برنده را اراده عمومی تعیین می کند نه پول . ما برای این دسته از آمریکائیهها ، آرزوی توفیق می کنیم ، به هر حال شیعه ، هیچگاه از زجر و بدبختی انسان دیگر خوشحال نشده است ، فعلا فقط دعای خیر و امید به هدایت آنها ، از ما بر می آید .

راه نجات جامعه آمریکا از هیات حاکمه کاپیتالیست

همه عوامل بالا نشانگرهایی است که از انفجار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و نظامی آمریکا خبر می دهند .
موتور آن آتشفشان ، مدت‌ها است فعال شده و فقط منتظر یک نفر است تا لیدر مخالفان شود و اراده ۹۹ درصد را بر ۱ درصد غلبه دهد .

لیدری که مقبول ۹۹ درصد باشد و نیروهایش را بدنه ۹۹ درصد تشکیل دهند نه همین کارمندان فعلی که به خدمت بی چون و چرا به اربابهای خود خو کرده اند و همه دنیا را در منفعت خود ، و همه منفعت خود را در نوکری برای اربابان ظالم و ستمگر می بینند .

لیدری که تا پای جان حاضر به فداکاری برای ۹۹ درصد باشد . لیدری که بتواند جانشینان خوبی برای جنبش تربیت کند . لیدری که از عشق به آزادی واقعی لبریز باشد . لیدری که فریب تعاملات و مذاکرات دشمنانش ، آن ۱ درصد تمامیت خواه ، را نخورد .

لیدری که نفوذ شناس باشد و عوامل نفوذی ای را که دشمنانش برای سرکوب و استحاله جنبشش ، به درون افراد موثر ، گسیل کرده اند ، را شناسایی و بیرون کند . لیدری که فریب شعارهای ظاهری وطن پرستانه را نخورد ، و وطن پرست واقعی باشند .

لیدری که شاید شما باشید

بن بست نظام کاپیتالیزم (سرمایه گرایی) در معیشت و اداره دولتها

سیکل معیشت خانواده های آمریکایی اینگونه شده است که برای منفعت خود ، که آن را فقط در پول و کسب هر چه بیشتر آن می بینند ، پا روی همه اخلاقیات می گذارند و به هر آب و آتش می زنند و هر کاری می کنند و بعد قسمت بزرگی از آن را بابت مالیات به دولت پرداخت می کنند.

و اثلا هم بابت خرجکرد آن حسابکشی نمی کنند و این سیکل بسته، عمرها و زندگی ها را حبس کرده است .

اگر حاضر نباشند این چرخه را ادامه دهند ، نابود می شوند و تبدیل به بی خانمان می شوند .

بالاخره یک نسلی روی کار خواهد آمد تا یا توان پرداخت مالیات نداشته باشد ، یا عمدا زیر پرداخت مالیات نرود ، یا تنها مخارجی را به عنوان مالیات قبول کند که به واقعا به نفع همه مردمشان باشد ، نه به اسم مردم و کام ابر سرمایه سالاران هزینه شود . مثلا پرداخت هزینه های نظامی ارتش آمریکا ، در جنوب غرب آسیا، برای دفاع از شرکتهای نفتی صهیونیستها ، چه نفعی برای مردم آمریکا دارد .

رژیم چنج تنها راهی است که حاکمان محلی سر عقل می آیند و درآمدهای کم شده شان را مدیریت می کنند و از روند شات داون شدنشان جلوگیری می کنند . البته در این راه یعنی همگامی با مردم ، باید الا و لابد با ابر شرکت سالاران در بیافتند ، چون منافع مردم در تقابل با منافع آنها قرار دارد ، اگر قرار بود آن یک درصد با زبان خوش از منافع شخصی خود ، می گذشتند ، هیچگاه جنبش های مقاومت مردمی ، مانند ، جنبش (آتش زیر خاکستر) ۹۹ درصد پدید نمی آمد .

موضع گیری روسیه در قبال رژیم چنج در آمریکا

رابطه آمریکا و روسیه و اختلافات اساسی آنها بر سر موضوعات منطقه ای و جهانی در حال ارتقا از سطح استراتژیک به سطح ایدئولوژیک است .

همراهی روسیه با ایران آشکارا عزم روسیه را برای یک خانه تکانی ، اساسی در ایدئولوژی های خود نشان می دهد. روسیه دیگر حاضر نیست مطیع ایدئولوژی هایی باشد که از غرب می آید و به آنها دیکته می شود و چیزی جز بردگی و وابستگی را برای او به دنبال ندارد ، ایدئولوژی لیبرالیسم ، افسار قربانی خود را به دست صاحبان و مبدعان لیبرالیسم می دهد و اینگونه است که با فشار و تهدید و تحریم و محاصره ، آنها را مطیع خود می کنند . و روسیه بعد از خیانت گورباچف و یلتسین ، هوشیار شده است و ... تقابلات و مواضع مستقل ، سران روسیه و جریان استقلال طلب به لیدری پوتین با غرب ، بر سر موضوعات مختلف ، این پارادایم شیفت را به خوبی نشان می دهد ، جریان استقلال گرای روسیه تلاش می کنند از هر راه ممکن خود را از غرب مهاجم ، نجات دهند ، غربی که از هر فرصتی برای دشمنی استفاده می کند .

درسته یلتسین و گورباچف بذر نحس ایدئولوژی لیبرالیسم را در زمین روسیه کاشتند و روسیه را مجبور کردند ، کمونیسم را (که اتفاقا آن هم آشی بود که غرب برای روسیه پخته بود) کنار بگذارند و همه اقمار خود را رها کند ، ولی روسیه دیگر نمی خواهد این حقارت را به دوش بکشد ، جنبشهای هویت یابی بسیار قوی ای در حال شکل گیری در روسیه است و رهبران این جنبشها نقش مهمی در آینده روسیه و جهان بازی خواهند کرد ، و اقبال دولت حاکم روسیه به این گروهها (با هدف مقابله با گروههای اسلام گرای وهابی حوزه چچن و اینگوش و تاتارستان) نوید ، اوضاع بهتری را در این حوزه تمدنی ارتدکس می دهد .

همراهی با جریان انقلابی ایران در موضوعاتی مانند، تروریسم منطقه ای ، اسلام تقلبی تکفیر و وهابیت، گویای نزدیکی دیدگاه و اهداف مشترکی است که می تواند در سایر موضوعات نیز بسط پیدا کند .

به هر حال مذهب ارتدکس مسیحی، نزدیکترین نحله به اسلام است، امید است با برگزاری نشستهای مشترک ۲ جانبه فارغ از موضع تعصبات صنفی ، با عقلانیت و تلاش برای رسیدن به درستها و حق ، توافقات بزرگی حاصل شود . لذا روسیه از هر نوع تغییری در آمریکا جهت صلح پایدار ، استقبال می کند ، چه بسا بعد از دیدن اثرات مثبت آن ، وسوسه شود تا آن مدل را برای خودش بومی سازی کند و مورد استفاده قرار دهد و ...

ژاپن بعد از پروژه رژیم چنج آمریکا

نه آمریکائیان حاضرند ، هزینه های ژاپن را تقبل کنند و نه جوانان ژاپن حاضرند تحت قیومیت ، سربازان آمریکایی باشند ، هویت به شدت تحقیر شده ژاپنی است که گروه های مافیایی کوزا نوسترا را به وجود آورده است ، به علاوه اینکه نفوذ ژاپنیها در بدنه شرکتها و سازمانهای آمریکایی موقعیت بسیار تهدید آمیزی برای آمریکا پدید آورده اند ، از طرف دیگر روحیه مردم ژاپن علیرغم تلاش آمریکا برای استحاله و لیبرالیزه کردن آنها ، ولی به شدت ، متمایل به

فاشیسم است و به راحتی نظم و زور بیرونی ای که درست تشخیص بدهند، را می پذیرند. یعنی اگر یک رهبر جدیدی همچون ژنرال هاشیموتو یا فردی با خصوصیات کاریزماتیک هیتلر، ظهور کند، به احتمال زیاد، خشم فرو خورده، مردم ژاپن همچون آتشفشانی زبانه خواهد کشید و ...

هر گونه برخورد قهری آمریکا با مردم عادی ژاپن به علاوه تلاش گروه های هویت طلب و ناسیونالیست ژاپنی به سرعت و شدت این روند می انجامد و

عکس العمل احتمالی آمریکا در برابر این تهدید این است که به اخراج نیروهای ژاپنی خود، اقدام کنند و جای آنها را با نیروهای خودی از داخل آمریکا، جایگزین کنند.

شکست پروژه گلوبالیزم آمریکای کهن و ناسیونالیزم کشورهای جدید التاسیس در قاره آمریکا

در حال حاضر شکاف مرز بین چند ملیتی و ملیت آمریکایی، و چند فرهنگی (مالتی کالچرال) و سبک زندگی آمریکایی، به قدری زیاد شده است، که کنترل آن سخت شده است.

سیاستهای گلوبالیزم، حاکمیت فعلی آمریکا شکست خورده است، حاکمان فعلی آمریکا خودشان دیگر به این شعارها اعتقادی ندارند، به سمت ایجاد ناسیونالیزم حرکت می کنند، ولو با کشیدن دیوار در مرز خود با مکزیک و عدم صدور ویزا برای برخی کشورها و .. اقدام می کنند. و این امور را تنها راه نجات خود از مهاجرت های، مردمان فقیر به سرزمین خود می دانند.

پیش بینی زمان عادی شدن روابط کشورهای جدید التاسیس با جهان

با توجه به سرعت زیاد وقایع، گفتن هر زمانی حماقت است، لذا فرض کنیم، مثلاً پس از ۱۰ سال از فروپاشی رژیم فعلی آمریکا، قرار است چه اتفاقاتی بیافتد.

مردم جهان، این خیانت بزرگ آمریکا را فراموش کنند و بر اساس نیاز متقابل مجدداً رابطه برقرار کند.

کشورهایی که ضرر زیادی کرده اند، درخواست غرامت کنند و مثلاً با جبران یک دهم از ضررهاشون از سوی آمریکا، روابط را دوباره به حالت قبل بازگردانند،

کشورهای اروپایی بر اساس رابطه های قوی ای که با کشورهای جدید ایجاد کرده اند بدون مشکل روابط جدید را تعریف کنند.

کشورهای بزرگ مثل روسیه و چین هم اینقدر ثقل و سنگینی دارند، که هدفشان حفظ وضع موجود و اجتناب از درگیری باشد.

رفتار ایران کاملاً گنگ است و همچون بسیاری از رفتارهای معماگونه آن قابل پیش بینی نیست، فقط باید منتظر بود تا سیر وقایع را دید.

احتمال مصادره به مطلوب پروژه رژیم چنج آمریکا و تاسیس کشورهای جدید

یک احتمال قوی این است که سناتورها و فرمانداران محلی از روز موعود ، روز اعلام رژیم شات داون و اعلام رسمی دلار بی پشتوانه به مردم دنیا ، باخبر باشند .

لذا تا قبل از آن برای خود گنگ و دسته ای تشکیل می دهند، تا پس از اعلام آن پیام بزرگ ، تقسیم قدرت به صورت مسالمت آمیزی انجام گیرد و این اتفاق و انقلاب بزرگ به نوعی حرکت از پیش تعیین شده تبدیل شود .

که در اینصورت هم باز به ضرر مردم عادی تمام خواهد شد ، چون افراد جدید می خواهند همچون سازمانهای مافیایی نظم مورد نظر خود را که به دیکتاتوری میل می کند ، بر بقیه تحمیل کنند .

امتیازات بسیار زیاد حکومت مانند ، زمینهای شهری و مجوزات خاص و امتیازات خاص و ... چیزی نیست که سرمایه داران و سناتور ها و فرمانداران و نو فری ماسونرها ... به راحتی از کنار آن بگذرند .

اگر اتحاد بین شرکتهای ارتشی خصوصی آمریکا با سناتورهای قدرت طلب ، برقرار بشود ، فرآیند تقسیم کردن قلمرو سرعت می گیرد .

ذی نفعان و طراحان پروژه رژیم چنج در آمریکا چه کسانی می توانند باشند .

می دانیم تغییر و تحولات در بازارهای سهام قبل و بعد از عملیات تروریستی نشان دهنده این است که گروهی از اطلاعات آن عملیاتها مطلع بوده اند و معاملات خود را با آن تنظیم کرده اند . و این پیچیدگی روز افزون جرائم سازمانی را نشان می دهد .

در اینگونه حوادث معمول این است که ، قبل از حادثه همه سهام خود را با قیمت بالا می فروشند و دارایی های خود را نقد می کنند، بعد از حادثه که به دلیل القا جو وحشت در جامعه و خاصیت فرار گله وحشی و ترسو ، همه فروشنده می شوند ، یعنی همه سعی می کنند ، دارایی های نقد خود را تبدیل به سهام کنند و به راحتی یک نوسان با سود تا ۵۰۰ درصد هم می گیرند . یعنی ۵ برابر اصل سرمایه خود سود می گیرند .

شاید برخی از این افراد خودشان دستور کار این نوع عملیاتها را تهیه می کنند ، چون ذی نفعان اصلی این نوع کارها و اعمال تروریستی هستند .

البته یکی دیگر از گزینه های مجری این نوع اقدامات تروریستی ، سرویسهای امنیتی و اطلاعاتی هستند ، که بنا به ضرورت مشوق یا برنامه ریز یا هدایت کننده ، گروه های خاص به ارتکاب این اعمال هستند .

چون جو عمومی ، بعد از آن اتفاقات خاص به نفع حکومت و حاکمان تغییر فاحشی می کند و مردم بنا به نیاز امنیت روی خیلی از ناکارآمدی ها و کاستی های دولت سرپوش می گذارند و مدیران دولتی می توانند با تبختر و تکبر خاصی ، جلوی دوربینها جلوه های ویژه اجرا کنند و لذتش را ببرند و چند صباحی دیگر به عمر دولت خود بیافزایند ...

و یک دلیل بسیار مهمتر مردمی که ، به آنها فهمانده شده است ، پول را به عنوان خدای خود بپرستید ، پس از این نوع اقدامات ، به شدت محافظه کار می شوند و در لاک دفاعی می روند و دارایی های عینی خود را به معرض فروش می

گذارند و وجوه آن را در صندوقها حبس می کنند ، یعنی بهترین نعمت برای نظام بانکی آن کشور که معبد و محل پرستش خدای پول است ، ایجاد تقاضا برای پول ، همان چیزی که رگ حیات بانکها و بانکداران و سرمایه دارها و صهیونیزم به آن بند است و...

شکست پروژه برجام مقدمه ای بر شکست دیپلماسی آمریکایی

دولت جمهوریخواه ایالات متحده با نقض برجام دست به انتحار زد ، رقبای آنها در حزب دموکرات به خوبی نخ خام کردن ، جناح لیبرال مردم ایران را ، پیدا کرده بودند و داشتند به راحتی با پنبه سر می بریدند ، تا سیاست بزرگتر ، استحاله از درون و خالی شدن جوانان ایرانی از هویت انقلابی را جلو ببرند .

از طرفی مدلی که برای برجام پیاده شد وانرژی ۷ وزیر خارجه را در ۲۰ دور مذاکرات و ۳ سال گرفت ، قرار بود برای همه کشورها اجرا شود . یعنی تمدن غرب با کشورهایی که مشکل دارد ، گله وار بر سرش خراب شوند و او را مجبور به اطاعت و امضای قراردادهای ننگین کنند و اوی تنها هم ، چاره ای جز قبول برای بقای خود نداشته باشد ، به این ترتیب با هزینه هایی بسیار کم ، اهداف و امتیازهای بسیار بزرگی نصیب آنها می شد .

اما با آمدن دولت جمهوریخواه گویی فرشته نجات برای جناح انقلابی ایران آمده است و این جناح باتکرار مدام عهد شکنی های دولتهای متعدد آمریکا به مردم ، عملا در حال یارگیری هستند و از طرفی امید بخش غربگرای ایران نا امید می شود .

بنابراین در دوره های بعدی که قدرت را به دست می گیرند به راحتی جریان رفرمیست و غربگرای فعلی را از دور خارج کرده و طرفداران غرب را به حداقل می رسانند و با یک پشتوانه قوی الهی و مردمی ، سیاستهای ضد آمریکایی و ضد امپریالیستی را در سطح منطقه اجرا می کنند .

آلمان و پروژه رژیم چنج آمریکا به چندین کشورهای مستقل

مردم آلمان پس از چند بار تحقیر تاریخی شدن ، برای اثبات هویت خود به جهان ۲ بار با همسایگان خود وارد جنگ شدند و هر دو بار همسایگانش ، آن جنگ محدود و محلی را تا سطح جهان گسترش دادند ، همگان نگران خیزش مجدد این قوم هستند .

هر چند سربازان متفقین برای تغییر نسل مردم آن سرزمین بسیار تلاش کردند و بسیاری از جوانان و میانسالان فعلی آلمان از تخم سربازان آمریکایی هستند ، ولی غلبه فرهنگ فاشیسم و پذیرش قدرت جبرگرای ملی ، آن جامعه را تبدیل به انبار بنزین کرده است .

جوانان آنها فقط منتظر یک جرقه اند، این جرقه جدید می تواند ظهور رهبری جدید در حد هیتلر باشد یا اتحاد بادشمنان پنهان و آشکار آمریکا یا ...

البته اگر دوباره آلمان اوج بگیرد، دیگر نمی توان امیدوار بود که اشتباهات گذشته را تکرار کند و ... و احتمالاً این بار به تلافی گذشته، انتقام همه نامردی هایی که برخی در حقش کرده اند، را یکجا بگیرد. چه بسا ممکن است رهبر آینده ایران صبر و حلم رهبر فعلی ایران (آیت الله خامنه ای) را نداشته باشد و با چراغ سبز نشان دادن به آلمان و حمایت های مادی و معنوی از آنها و با علنی کردن تقابل ایدئولوژیک اسلام انقلابی با نئولیبرالیسم آمریکایی، در محیط های روشنفکری آلمان، آن جرقه معروف را بزند و...

ایران و آمریکا، کدام یک محور خیر و کدام یک محور شرارت هستند؟

با اینکه حاکمان فعلی آمریکا می پسندد، رهبر و جریان انقلابی ایران را محور شرارت، تعریف کند، اما مقاومت آنها، در برابر همه فشارها، کاریزمایی مثبتی از آنها در جهان ایجاد کرده، که همه مظلومان و مستضعفان و مستعمره ها در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین، ... چشم امید به آنها دارند.

و هر چه این گپ بیشتر شود، آنچه تعریف آمریکاست و آنچه عملکرد جناح انقلابی ایران است، بی اعتباری سیاستها و مواضع و تعاریف آمریکا بیشتر می شود.

استراتژیستهای آمریکایی معتقدند که تاریخ را برنده می نویسد، لذا بی محابا به تولید دروغ و افترا و تهمت و فحاشی بر ضد کسی که به عنوان دشمن خود، انتخاب کرده اند، می پردازند، غافل از اینکه با بر ملا شدن واقعیت، کذب گفتار و رفتار آنها ثابت می شود و ذره و ذره آبروی پوشالی آنها، همچون یخ در مقابل آفتاب، آب می شود. حال اگر حتی ادعای راست و درستی هم داشته باشند، مردم جهان به او به چشم چوپان دروغگو نگاه می کنند، و خنده کنان، از کنارش می گذرند. لذا همانگونه که پیشتر بیان شده است حق و باطل و خیر و شر، حقیقتی مستقل از وجود اشیاء و طرفهای ماجراست، ثابت لایتغیر با زمان و مکان است. هر فرد و گروه و کشوری که خود را به حق و راستی، خیر نزدیک کند او، اهل حق و محور خیر است و هر فرد و گروه یا کشوری که خود را به باطل و دروغ و شر نزدیک کند، او اهل باطل و محور شرارت است. منشاء ثابت حق و درستی و خیر، الله متعال است، کسی که مردم جناح انقلابی ایران، جهت قلب خود را به سوی او گرفته اند و حاکمان لیبرال آمریکا، خود را پشت به او کرده اند.

فروپاشی نظام دلار مبنا و گسترش پیمانهای دو و چند جانبه پولی

پیمانهای دو جانبه بین کشورهای مختلف قاتل دلار خواهند بود و هر پیمان همچون یک بمب اتمی، اعتبار دلار را از بین می برد. و نظام فعلی آمریکا را یک قدم به مرحله شات داون اجباری نزدیک می کند.

چرا که اعتبار دلار به اعتبار تقاضا برای آن بستگی دارد. اگر تقاضایی نباشد، کارخانجات تولید اسکناس دلار، بیکار

می شوند . و لذا کارخانه دارهای آنها ضرر سنگینی می کنند . (مورگانها و راکفلرها و روتچیلدها و ..)
وقتی کشورهای مختلف نیاز خود را با پولهای محلی رفع کنند ، نیاز و تقاضایی برای دلار نخواهد بود ، لذا حاکمان آمریکا مجبورند ۱ دستور کار ویژه را دنبال کنند ، اینکه خیانت گونه ، از هر گونه اتحاد منطقه ای در جهان جلوگیری کنند و ...

ولی خودشان هم خوب می دانند ، که نظام فعلی آمریکا و دلار به آخر خط رسیده است ، پس تا می توانند با همین نظام فعلی ، اقتصاد دنیا را می دوشند ، و چند وقت قبل از شات داوون اجباری سیستم ، شیک و رسمی اعلام می کنند ، نظام فعلی ناکارآمد و ورشکست است ، و همه کشورهای جهان باید به نظام جدید مالی اثاثکشی کنند ، البته بدون اینکه حق اعتراض یا اظهار نظری داشته باشند و ...

ضرب المثل‌های معروفی هست که سیاستهای آمریکا را توجیه می کند ، اگر می خواهی بدی ات رسوا نشود ، همیشه طلبکار بدیهی‌های دیگران باش ، یا اگر می خواهی دیکتاتوریت مشخص نشود ، همیشه دیگران را متهم به دیکتاتوری کن و از آنها طلب کار باش و اگر می خواهی دزدیت آشکار نشود ، دیگران را دزد بخوان و ...
ولی عقلا و آزاده های آمریکا خوب می دانند که باید قبل از دیر شدن ، به فکر اعتبار ایالت‌های بعد از \$ باشند .

نقش حزب داووس در مصائب احتمالی پس از کلید خوردن پروژه رژیم پنج

رویکرد پلورالیزم فقط به سود ابرشرکتسالاران ، حزب داووس است ، این گروه خاص ۱ درصدی ، که روح خود را به شیطان و نمادش کارنسی (پول بی پشتوانه ربوی) فروخته اند ، در مصائب بشری هیچ کمکی نمی کنند ، و بر عکس به فکر تبدیل تهدید به فرصت و پول درآوردن بیشتر از بدبختی مردم هستند ، منافع انسانهای محلی را از بین می برند و در مشکلات ذره ای به داد مردم عادی نمی رسند ، لذا امیدی به آنها نیست .
نویسندگان وان جی هو ها و خیرخواهان آمریکا که درد مردم و اجتماع را دارند ، باید روند استقلال خانواده ها توانمند کردن آنها ، کم کردن وابستگی آنها به حکومت مرکزی را پی بگیرند ، تا آسیبهای آتی ناشی از فروپاشی نظام فعلی اقتصادی روی زندگی آنها کاسته شود .

پیاده نظام و امید نظام حاکمه فعلی آمریکا ، در ایران چه کسانی هستند ؟

از پس از انقلاب ایران (۵۷هجری خورشیدی) (۱۹۷۹ مسیحی) همه گزینه های تقابل با ایران روی میز حاکمان فراماسون آمریکا بوده است و ضربات شدیدی هم در این مدت به مردم ایران زده اند لیکن ، تنها تیر باقی مانده برای آمریکا نیروهای مدرنیست و غربگرا و نئولیبرال موسوم به رفرمیست ها (اصلاح طلب) در داخل نظام حاکمه ایران

است . نیروهایی که ملغمه ای از انقلابیون ریویزیونیست ، انقلابیون افسرده ، انقلابیون خسته ، آخوندهایی که خود را خلع لباس کرده اند ، نویسندگان دروغگوی قلم به مزد(که هیچ گاه حاضر به توبه از اشتباهات خود نیست) ، اندیشمندان کافر که در خط مقدم جنگ با خدا هستند(امثال سروش و ..) ، تریبون دارانی که سلول سلولشان لیبرال است (زیباکلام دروغگوшон و...) و آخوند کافر و کسانی که به دکتری خود(در نظام فلسفی پاگانیستی غرب) بیشتر از حجت الاسلامی ارزش قائلند ، و بازاری احمق ، و تاجر پول پرست وارد کننده اجناس بنجل از چین ، و پسر و دختران هرزه شهوت پرست(که رای می دهند به هر کس ول انگاری را آزاد کند ، و منافقان و معاندین جمهوری اسلامی ، روزنامه نگاران و نمایندگان دوم خردادی پناهنده به دشمنان انقلاب اسلامی(بی بی سی و ووا و...) و سینماگران ابزورد ساز (پوچگرا) ، فوتبالیستهای میلیارد بگیر لاس وگاس نشین و ... را در بر می گیرد . که همه اینها بدون اینکه به اصل و تفکر و منش یکدیگر توجه کنند ، یک هدف را برای اتحاد خود انتخاب کرده اند ، نوکری برای فرهنگ غرب و وابسته شدن هر چه بیشتر به غرب و دشمنی با هویت و غیرت ملی و دینی ایران و تلاش برای براندازی نهال انقلاب اسلامی .

و البته جریان انقلابی که بر عهد خود با خداوند ، پایدارند ، بر خود وظیفه می داند که دفاع کند
 ...وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (الحج/۴۰)

... و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است.

در مورد ایران یک نکته خاص هم وجود دارد درست است که ایران پویاترین نظام سیاسی جهان را داراست و زد و خوردهای نیروهای استقلال طلب و و غربگرا شدید است ولی شهادت قطعی تاریخ ،گویاست که در موقع تهدید نظامی ایران هر ایرانی از هر جناحی که باشد و در هر کشوری که باشد ، بمب سیار است و با متجاوز برخورد می کند .

کشورهای نفتی عین خیالشون نیست ، چون پیش فرضشان این است که نفت داریم ، جبران می شود و ...

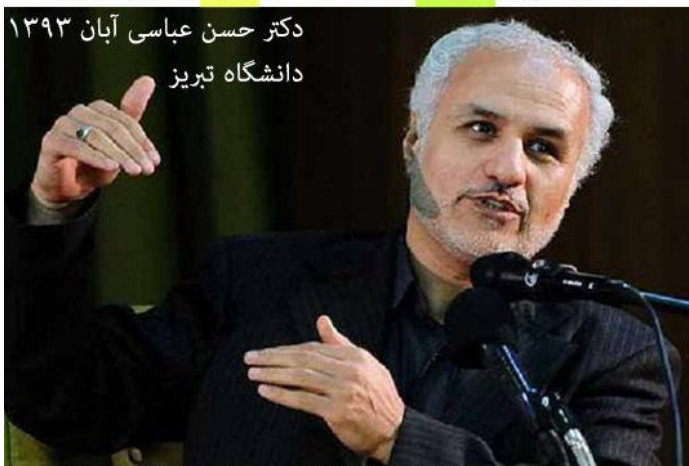
پیوست ۱ جنایات آمریکا







هموطن عزیز سرت را با افتخار بالا بگیر؛ زیرا ...



دکتر حسن عباسی آبان ۱۳۹۳
دانشگاه تبریز

آمریکا تنها از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ در طول ۱۳ سال گذشته ۱۱ دکترین علیه ایران انجام دادند و هنوز هیچ غلطی نکرده اند! در حالی که برای فروپاشی شوروی در طول ۴۵ سال جنگ سرد تنها ۳ استراتژی علیه ایران انجام دادند و به نتیجه رسیدند!



برگی دیگر از دفتر جنایات آمریکا در افغانستان!

به گزارش بخش سیاسی شبکه اطلاع رسانی افغانستان (afghanpaper)، مدارک و شواهدی بسیاری در دست است که آمریکا طی ده سال گذشته از سلاح ها و مهمات رادیو اکتیو در افغانستان استفاده کرده است.

در اینکه آمریکا مرتکب جنایات هولناکی در کشور ما و دیگر کشورهای تحت اشغال خود، شده است هیچ شکی نیست. اما اثبات اینکه ارتش آمریکا از سلاح های ساخته شده توسط اورانیوم ضعیف در کشور ما افغانستان، استفاده می کرده است، موضوعی است که داکتر محمد داوود میرکی در کتاب "افغانستان پس از دموکراسی: داستان های ناگفته به روایت تصویر"، به آن پرداخته است.



ایشان پس از مشاهده کثرت نقص های جدی در کودکان افغانستانی بعد از تولد، افزایش انواع دیابت، مرگ افراد بدون هیچ گونه علائم فیزیکی ناشی از جراحی، ذوب شدن پرندگان بر روی درختان و ... متوجه می گردد که این موارد تنها در صورت استعمال و استنشاق اورانیوم ضعیف شده، امکان پذیر می باشد.

تحقیقات داکتر میرکی در این کتاب نشان می دهد که قرار گرفتن در معرض اورانیوم ضعیف شده موجب آسیب های ژنتیکی، نقص های مادرزادی، سرطان، انواع دیابت، آسیب دیدن سیستم ایمنی بدن و سایر بیماری های جدی می شود که متأسفانه مردم افغانستان مبتلا به این جنایات آمریکا هم شده اند.

مدارک و شواهد نشان می دهد که آمریکا اواخر سال ۲۰۰۱ از مقادیر زیادی مهمات ساخته شده از اورانیوم ضعیف شده در افغانستان استفاده کرده است که نظامیان امریکایی هنوز هم از این مهمات استفاده می کنند.

در باره سلاح های ساخته شده از اورانیوم ضعیف شده باید متذکر شویم که این ماده با خصوصیات فیزیکی خاص، به ویژه چگالی آن که به این ماده قابلیت نفوذ فوق العاده ای می دهد، بهای بسیار نازلی نیز دارد. (بهای اورانیوم رقیق شده برای هر کیلو، ۲ دالر است) و از جهتی که نگهداری این زباله اتمی مشکلات فراوانی به همراه دارد، به نحو بارزی در زمینه نظامی کاربرد پیدا می کند.

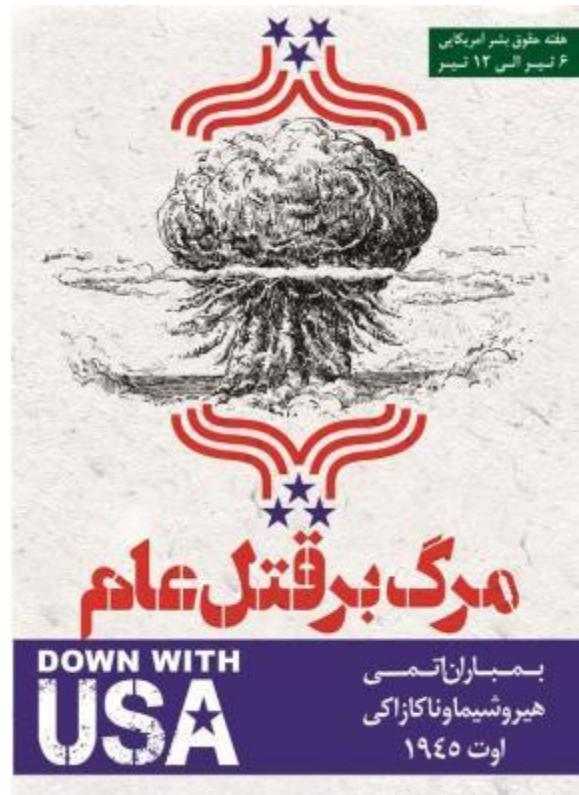
اگر اورانیوم ضعیف شده به شکل صحیح به کار گرفته شود، آلیاژ (اورانیوم - تیتان) ماده خلی مؤثری برای ساخت نفوذگر با تکیه به انرژی جنبشی خواهد بود، قطعه فلزی با چگالی بالا، وقتی که با شتاب بالا پرتاب می شود، می تواند جدار زرهی را بشکافد و وقتی به هوای آزاد برسد، بسیار آتش زا شده و اثر مخرب گسترده ای از خود به جا گذارد. به همین جهت در بسیاری از موشکهای کروز تاماهاک و هواپیماهای بدون سرنشین از آن استفاده می شود.

بنا بر تحقیقات، این ماده علاوه بر تاثیرات آتش سوزی و گستردگی انفجار، پس یک ساعت تنفس ذرات رادیو اکتیو آن که از طریق دستگاه تنفسی وارد بدن می شود، سبب از بین بردن بسیاری از اجزاء داخلی بدن و تاثیر مستقیم بر روی DNA و متعاقباً اختلالات ژنتیکی خواهد شد.

در باره دیگر موارد استعمال اورانیوم ضعیف شده توسط آمریکا در افغانستان، همچنین این مسائل مطرح است که: آمریکا فقط در سلاح های ارتش خود از این ماده استفاده نمی کند، بلکه از آنجایی که این ماده یک زباله اتمی محسوب می شود و نگهداری آن خواهان هزینه زیادی است، در تخریب معادن افغانستان جهت استخراج نیز برای قوای امریکایی کارایی فراوانی پیدا می کند.

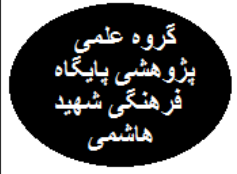
با این توضیح روشن می گردد که : آمریکاییها به فکر لشکر کشی و غارت افغانستان هستند و به یقین برایشان اهمیتی ندارد که این مواد با آینده این مردم چه خواهد کرد؟ آنها میخواهند پیروز باشند و به اهداف خود برسند، حال اگر چند ده هزار نفر هم در این میان قربانی شدند، بهایی است که باید ملت افغانستان به جان بخرد تا کشورشان توسط آمریکاییها آباد شود!

این است برگی دیگر از خیانت و جنایت آمریکا علیه مردم افغانستان، که دولتمردان ما هر روز به بهانه دموکراسی و بازسازی کشور به حضور آنها جنبه قانونی تری می دهند و خود را در اعمال شنیع و غیر انسانی ها غرب شریک می سازند .افغان پیپر



لیست جنایات ۶۰ ساله آمریکا علیه ملت ایران

قبل از انقلاب اسلامی



(۱) کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

(۲) شهادت دانشجویان در ۱۶ آذر ۱۳۳۲

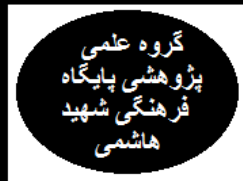
(۳) حمایت و تحکیم پایه‌های حکومت استبدادی شاه

(۴) تأسیس سازمان مخوف ساواک

(۵) کشتار صدها تن از مردم در قیام خونین پانزدهم خرداد ۱۳۳۲

(۶) تحمیل قانون کاپیتولاسیون و تحقیر ملت بزرگ ایران

دوران پس از انقلاب



دوران جنگ سخت



(۷) تبدیل سفارت به لانه جاسوسی

(۸) مصادره اموال ایران

(۹) هجوم نظامی و واقعه طیس

(۱۰) کودتای نوژه

(۱۱) چراغ سبز آمریکا به صدام برای حمله به ایران

(۱۲) حمایت تسلیحاتی و اطلاعاتی آمریکا از صدام در ۸ سال جنگ تحمیلی

(۱۳) تأمین سلاح‌های شیمیایی عراق علیه ایران

(۱۴) حمله آمریکا به کشتی‌ها و سکوها نفتی ایران

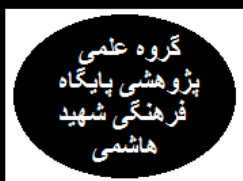
(۱۵) ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایران

(۱۶) حمایت آمریکا از سازمان منافقین

(۱۷) اعمال تحریم‌های ظالمانه علیه ایران

(۱۸) تهاجم فرهنگی و جنگ نرم علیه ملت ایران

(۱۹) ساخت فیلم‌های ضد ایرانی و ضد اسلامی



عملیات جنگ نرم

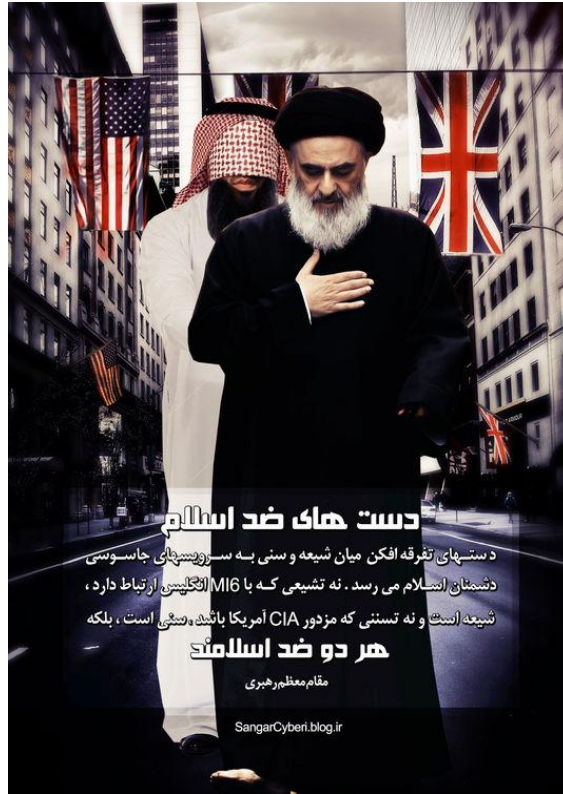


(۲۰) تهدید مستمر ملت ایران به حمله نظامی

(۲۱) حمایت آمریکا از گروهک‌های تروریستی به‌ویژه در مرزهای

ایران





دست‌های ضد اسلام

دست‌های تفرقه افکن میان شیعه و سنی به سرروشنهای جاسوسی دشمنان اسلام می‌رسد. نه تشیعی که با MI6 انگلیس ارتباط دارد، شیعه استک و نه تسننی که مزدور CIA آمریکا باشد. یعنی است، بلکه

هر دو ضد اسلامند

مقام معظم رهبری

SangarCyber.blog.ir



فوتو_نیوز_تابناک



منتظریم «گورباچف ثانی» موجب فروپاشی آمریکا شود

منصور حقیقت پور مشاور رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه یاوه‌گویی‌ها و هذیان‌گویی‌های مقامات آمریکایی حاکی از آینده‌ای بسیار تاریک برای آمریکاست تصریح کرد: ما منتظریم گورباچف ثانی (ترامپ)، موجبات فروپاشی آمریکا را فراهم کند و این کشور به ایالت‌های مختلف تقسیم شود.

تورم آمریکا ۴۰۰ درصد است



تورم آمریکا سالیانه ۴۰۰ درصد است؛ اما نمودی در داخل آمریکا ندارد. زیرا دلار آمریکا مبنای معاملات جهان است؛ لذا هرکشوری بسته به بزرگی اقتصاد خود، بخشی از این تورم را از آمریکا وارد می کند. (مایک ملونی، ۲۰۱۴م) حذف دلار و عدم استفاده از آن در معاملات جهان و بین کشورها موجب سقوط دلار و فروپاشی آمریکا خواهد شد.

In an economy with a total of \$1 million dollars in circulation, a house could never possibly be worth \$2 million dollars.



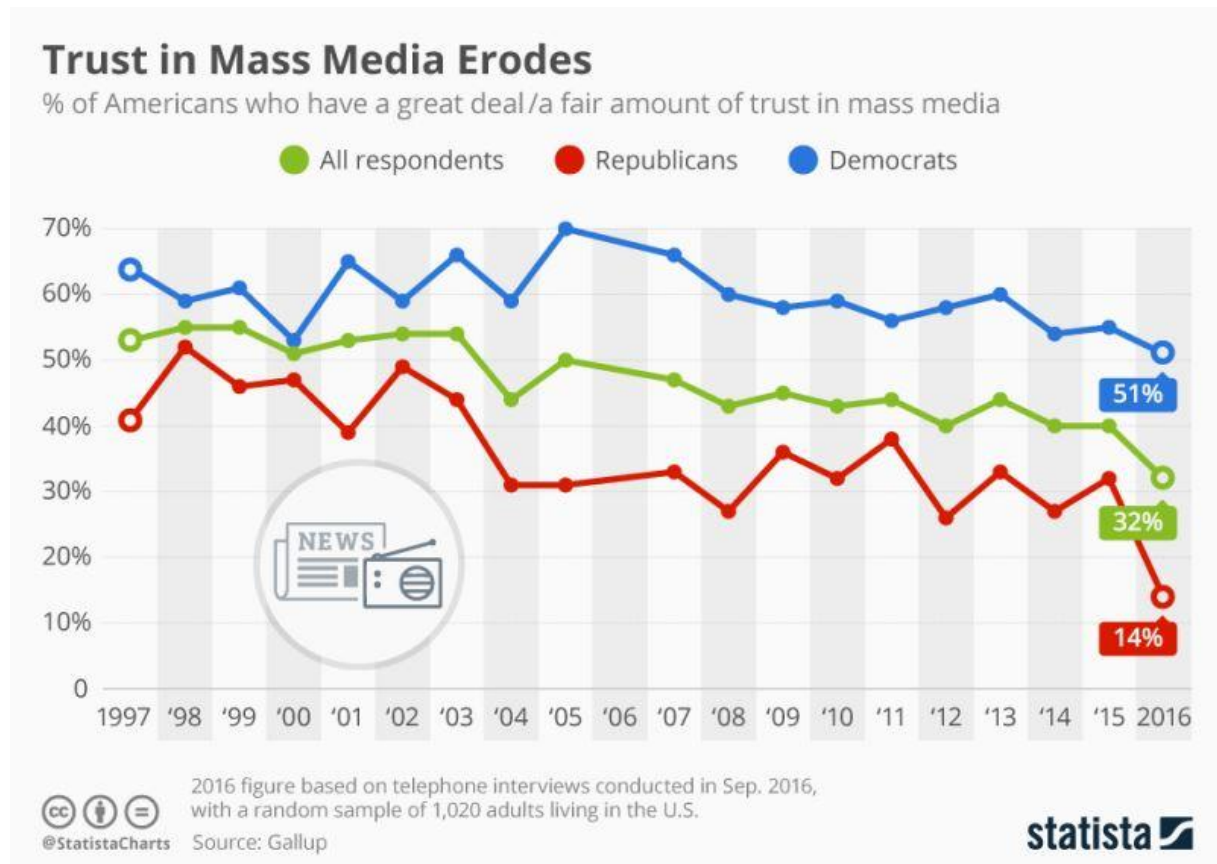
More Dollars, Higher Prices

But, in an economy with a total of \$1 trillion dollars in circulation, you could have thousands of homes worth \$2 million dollars.



پیوست ۲ آمریکا و بحران اعتماد عمومی به رسانه ها

به گزارش سرویس بین‌الملل جام نیوز، وب سایت آمریکایی استاتستیا در نظرسنجی اخیر خود بدست آورد که حدود ۷۰ درصد از آمریکایی‌ها به اخبار رسانه‌هایشان اعتمادی ندارند؛ میزان اعتماد حزب ترامپ به رادیو و تلویزیون تنها ۱۴ درصد است! این وب سایت افزود: نظرسنجی وب سایت گالوپ نیز نشان داده است که اعتماد به رسانه ها در سال ۲۰۱۶ سقوط کرده است.



پیوست ۳ بازخوانی جنبش اعتراضی مردم آمریکا موسوم به اشغال وال استریت

جنبش اشغال وال استریت چه بود؟ چه شد؟ و چشم انداز آن چیست؟

در گزارش زیر ریشه‌های شکل‌گیری جنبش اعتراضی اشغال وال استریت، سرانجام و چشم انداز آن در سیاست آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است. به گزارش [خبرگزاری فارس](#)، وال استریت قلب تپنده اقتصاد آمریکا محسوب می‌شود. ساختمان بازار بورس نیویورک که بزرگ‌ترین بورس جهان از نظر میزان معاملات و حجم مالی است، در خیابان وال استریت قرار دارد. همچنین مرکز بزرگ‌ترین مراکز اقتصادی ایالات متحده آمریکا و چند بورس مهم اقتصادی این کشور از جمله بازار بورس نیویورک (NYSE)، بازار بورس نزدک (NASDAQ)، بازار بورس آمریکا (AMEX)، بازار بورس تجاری نیویورک (NYMEX) و میز بازرگانی نیویورک (NYBOT) در این منطقه قرار دارد.

در طول زمان، نام وال استریت به عنوان «مکان افراد دارای نفوذ اقتصادی در آمریکا» شهرت یافته است هم از این رو بود که اعتراض‌ها و تجمعاتی خیابانی که از تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۱ در نیویورک آغاز شد از همین محل شروع شد و نام آن برگرفته از قلب اقتصادی آمریکا بود و به جنبش اشغال وال استریت شهره یافت.

«جنبش وال استریت را اشغال کنید» در وبسایت خود و در بخش معرفی آورده است: «ما ۹۹ درصدی هستیم که از خانه‌های خود بیرون رانده شده‌ایم. ما از خدمات درمانی مطلوب محروم بوده‌ایم. ما از آلودگی محیط زیست رنج می‌بریم. ما ساعات طولانی را برای مقدار اندکی دستمزد و بدون بهره‌مندی از حقوق قانونی خود سخت کار می‌کنیم، البته اگر بتوانیم کاری پیدا کنیم. در حالی که یک درصد دیگر از همه چیز برخوردار است، ما از هیچ چیز برخوردار نیستیم. ما ۹۹ درصد جامعه هستیم»

این جنبش اعلام کرده بود که قصد دارد ۲۰ هزار نفر را به محله منهتن نیویورک بیاورد تا برای چند ماه این محله را تسخیر کنند. چنین اقداماتی از تجمعات اعتراض‌آمیز مردم مصر، یونان، اسپانیا و ایسلند الهام گرفته شده بود و به گفته گردانندگان جنبش، این لشکرکشی برای سرنگونی بزرگ‌ترین انحراف ایجاد شده در دموکراسی، قلمداد می‌شود.

اعتراض به مسائلی همچون فقر، بیکاری، قدرت و نفوذ شرکت‌های بزرگ، نابرابری اجتماعی، جنگ‌های خاورمیانه، بدهی دانشجویان و پاداش‌های زیاد برای مجریان وال استریت، از جمله اهداف آغاز این جنبش اعلام شده است. تظاهرکنندگان همچنین خواهان وضع مالیات بیشتر بر طبقه ثروتمند و پاسخگویی بانک‌ها در قبال اقداماتشان هستند که به بحران اقتصادی آمریکا دامن زده است.

با آغاز این اعتراضات که نه تنها برای دولتمردان آمریکا بلکه برای دیگر مردم جهان نیز غیرمنتظره بود، در فاصله ای کمتر از یک ماه شعار محوری جنبش، «۹۹ در صد در برابر یک در صد» بازتاب جهانی عظیمی پیدا کرد و به بقیه نقاط جهان که در ارتباط با نظامی سرمایه داری بودند تسری یافت و اعتراض‌های بین‌المللی نسبت به آنچه «طمع سیستم بانکی» خوانده شده، ابعادی گسترده تر از قبل یافت.

در باب دلایل و رویکرد مردمی به انجام اعتراض‌های سراسری علیه نظام سرمایه داری در آمریکا، که در قالب جنبش تسخیر وال استریت آغاز و با عناوین دیگر در سایر شهرها گسترش یافته است، دیدگاه‌های مختلفی مطرح می‌شود. برخی کارشناسان، تغییرات در ساختار فرهنگی و درونی جامعه آمریکا و برخی افزایش افسارگسیخته ناهمگونی اجتماعی و فاصله طبقاتی را مطرح می‌کنند، برخی بر شرایط اقتصادی حاکم بر کشور و افزایش روز افزون فقر و گرسنگی و نیاز ۴۶ میلیون آمریکایی به کمک‌های دولتی را اولویت دانسته‌اند؛ برخی گسست میان مردم و دولتمردان آمریکا را دلیل اعتراض‌ها دانسته و برخی نیز سیاست خارجی و ناراضی‌ت‌های مردم از جنگ طلبی‌های دولتمردان و تزلزل موقعیت جهانی آمریکا و بحران نظام سرمایه داری را دلیل این اعتراض‌ها عنوان کرده‌اند.

کارشناسان اقتصادی، نقطه آغاز و منشاء بروز بحران اقتصاد سرمایه داری را در تشدید بحران اقتصادی آمریکا طی سال‌های اخیر و مشخصاً از سال ۲۰۰۸ می‌دانند. بحرانی که با رکود بازار مسکن آمریکا، افت شدید در بازارهای مالی آمریکا و کاهش ۳۰ تا ۳۵ درصدی ارزش دلار آغاز شد و تاثیر شدید آن بر اقتصادهای متاثر از آمریکا نظیر اقتصاد اروپا، اقتصاد شرق آسیا، آمریکای لاتین و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، این بحران را در ابعاد جهانی مطرح کرد.

در گزارشی که مرکز پژوهش‌های کنگره آمریکا آن را منتشر کرد آمده است که رویکرد نهادها و بنگاه‌های مالی و اقتصادی آمریکا به شکل‌گیری جنبش اعتراضی اشغال وال استریت کمک زیادی کرده است. در این گزارش اشاره شده است که اگر چه اعتراضات جنبش اشغال وال استریت که از سپتامبر سال ۲۰۱۱ آغاز شد، تقاضای واحد و مشخصی را

مطرح نکرده و معترضان نمایانگر طیف وسیعی از نگرش‌ها، خواسته و اعتراض‌ها هستند اما شاید بتوان از گسترش فاصله طبقاتی میان یک درصد ثروتمند جامعه که شامل بانکداران و مدیران نهادهای مالی می‌شود و ۹۹ درصد دیگر جامعه به عنوان نگرانی اصلی اشغال‌کنندگان وال استریت یاد کرد. به اعتقاد معترضان، ثروت و قدرت هنگفتی در اختیار یک درصدی قرار گرفته که علاقه‌ای به بهبود سلامت اقتصاد ندارند.

همچنین مطالعات مختلف نشان می‌دهند که بخش قابل توجهی از افزایش درآمد طی دهه‌های گذشته در آمریکا به ثروتمندان اختصاص یافته است. همان‌طور که در گزارش دفتر بودجه کنگره آمریکا که در اکتبر ۲۰۱۱ منتشر شد آمده طی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۷ درآمد یک درصد پردرآمد جامعه به میزان ۲۷۵ درصد رشد کرده در حالی که رشد درآمد ۶۰ درصد میانی جامعه کمتر از ۴۰ درصد بوده است.

«فرانکلین فیشر» استاد اقتصاد دانشگاه ماساچوست آمریکا درباره علل شکل‌گیری جنبش وال استریت می‌گوید؛ این جنبش را عوامل زیادی پدید آورده‌اند؛ اما آنچه بیش از همه، مردم را دور هم جمع کرده است احساس و اعتقاد فزاینده نسبت به دو موضوع است. نخست آن که شرایط اقتصاد آمریکا باعث شده است آنها به این اعتقاد برسند که نه تنها خودشان وضعیت مناسبی ندارند بلکه کودکانشان نیز آینده مناسبی نخواهند داشت. تظاهرکنندگان با مشکلات اقتصادی قابل توجهی مواجه هستند.

دوم آن که تظاهرکنندگان از وجود نابرابری فزاینده در درآمد و ثروت در آمریکا خشمگین هستند؛ نابرابری‌ای که جمهوریخواهان کنگره با اتخاذ هرگونه اقدام برای مقابله با آن مخالفت می‌ورزند. طرفداران جنبش وال استریت وضعیت جاری را شدیداً ناعادلانه و نامناسب می‌دانند.

روزنامه «گاردین» در اوج بحران اقتصادی غرب نوشت؛ «اگر کارل مارکس زنده بود از آشوب‌های امروز در نظام سرمایه‌داری به ذوق می‌آمد، زیرا در بحرانی که سراسر نظام مالی جهان را فرا گرفته، برخی از نظریات خود را محقق می‌دید.» بنابراین پر بیراه نیست که می‌گویند: مارکس خیلی اشتباه نمی‌کرد؛ یک سرمایه‌داری لگام‌گسیخته، آن‌گونه که ما شاهدش بودیم، دست آخر خود را نیز می‌بلعد.

باید اذعان داشت که بحران‌های بزرگ سرمایه‌داری در سال‌های ۱۸۵۷، ۱۸۷۰، ۱۹۰۷، دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، دهه ۱۹۷۰، دهه ۱۹۹۰ و دهه اول قرن ۲۱ نشان داد که سرمایه‌داری بنا به ماهیت متناقض خود همیشه بحران‌زاست. این واقعیت را حتی بسیاری از طرفداران سرمایه‌داری هم انکار نمی‌کنند. سرمایه‌داری نه‌قادر است بحران‌های متعدد و متنوع ذاتی خود را از بین ببرد، و نه بیکاری را ریشه‌کن نماید، یا عدالت اجتماعی واقعی برقرار کند.

به همین دلیل است که با گذشت ۲ سال از پایان جنبش وال استریت تحلیلگران عقیده دارند که این جنبش به پایان نرسیده است و هر لحظه ممکن است جرقه آن دوباره زده شود.

جنبش وال استریت چه شد؟

دولت آمریکا در ابتدا تلاش کرد با بی‌توجهی رسانه‌های جریان اصلی غرب وقوع چنین اعتراضاتی را کم‌اهمیت جلوه دهد و آن را سطحی و بدون ریشه به تصویر بکشد.

با گذشت بیش از یک هفته از شروع اعتراض‌ها، گردهمایی‌ها و مقابله پلیس با معترضان، اغلب غول‌های رسانه‌ای جهان، که هر روزه گزارش‌هایی با ریزترین جزئیات را از ناآرامی‌های مصر، لیبی و اسپانیا به تصویر می‌کشند، به آنچه در منتهن در جریان بود توجه بسیار کمی کرده یا آن را تکذیب کردند.

افتضاح رسانه‌های خبری بزرگ جهان به گونه‌ای بود که بسیاری از منتقدان غربی از جمله مایکل مور کارگردان و مستندساز آمریکا به وضوح این رویکرد را به باد انتقاد گرفت.

در واقع علت اصلی سکوت رسانه‌های خبری وابسته به دموکرات‌ها و جمهوریخواهان این بود که معترضان جنبش وال استریت منتقدان جدی رویکرد هر دو حزب اصلی آمریکا بوده و خواستار اصلاحات عمیق تر اقتصادی بودند، چیزی که به نظر می‌رسد به مذاق طبقه ثروتمند و سرمایه دار، که به گفته معترضان تنها یک درصد هستند، چندان خوش نمی‌آید. روزنامه‌های نیویورک تایمز و واشنگتن پست، شبکه‌های خبری سی ان ان، ای بی سی، پی بی سی و.. گزارش‌هایی انگشت شمار و کوتاه، آن هم زمانی که معترضان با پلیس درگیر می‌شدند، را درباره جنبش وال استریت منتشر کردند، گزارش‌هایی که در انتها مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که معترضان صرفاً هرج و مرج طلبانی‌هایی هستند که هدفشان ایجاد ناآرامی و بی‌ثباتی است.

دولت آمریکا زمانی که به این نتیجه رسید که اعتراضات وال استریت به قدری جدی است که ممکن است امنیت داخلی را نشانه رود از خود واکنش نشان داد.

دولت باراک اوباما با پشتیبانی رقیب جمهوریخواه خود بر آن شد که صدای معترضان را خفه کند. خشونت پلیس در برخورد با جنبش وال استریت یک واکنش کاملاً سازمان‌دهی شده بود و هیچ‌کس قبول نکرد که پلیس آمریکا به‌خاطر قرارگرفتن در شرایط خاصی به‌ناگاه ناگزیر از اعمال خشونت شده است. پراکنده‌سازی معترضان به‌هرنحوی که شده از اهداف پلیس بود.

طبق اظهارات برخی از آزادشدگان از بازداشتگاه‌های پلیس، در مدت زمان بازداشت، مسئولان زندان ساعت‌ها از خوردن و آشامیدن و رفتن آن‌ها به دستشویی جلوگیری می‌کرده‌اند. حمله با اسب میان معترضان و زیر گرفتن معترضانی که روی زمین افتاده بودند با موتورسیکلت بارها مشاهده شد. استفاده از گاز اشک‌آور برای متفرق کردن معترضان منجر به زخمی و بیهوش شدن تظاهرکنندگان می‌شد. پلیس چادرهای معترضین را پاره می‌کرد و کمپ‌های اعتراض را عامل کثیفی شهر و مضر برای سلامت شهروندان می‌دانست.

اینها همان اتفاقاتی بودند که اگر در هر جای دیگر دنیا به ویژه در کشورهای مخالف غرب رخ می‌داد از سوی آمریکا و متحدانش به نقض حقوق بشر، نقض حقوق شهروندان، خشونت طلبی، سرکوب و.. متهم می‌شدند. با گسترش اعتراضات و توجه جهان به وال استریت دولت آمریکا تلاش کرد با ابراز همدردی با معترضان خود را از زیر بار فشار بی‌رویه داخلی و بین‌المللی خارج کند.

در این رابطه باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا در اظهاراتی، اعتراضات وال استریت را نمایانگر ناامیدی مردم آمریکا از نظام اقتصادی این کشور دانست. وی تصریح کرد که در جریان سختی‌هایی که مردم عادی طی بحران اقتصادی در این کشور متحمل شده‌اند، قرار دارد.

با این وجود و علیرغم مخالفت‌های داخلی از جمله جمهوریخواهان با جنبش، جنبش اشغال وال استریت مدتی بعد از اعلام وجود، نشان داد که پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به یک قدرت سیاسی در آمریکا را دارد و می‌تواند موج مخربی برای به لرزه درآوردن پایه‌های حاکمیت دوحزبی در آمریکا و نظام سرمایه داری که زاینده نظام سیاسی آمریکا است باشد.

چشم انداز جنبش وال استریت

۱۷ سپتامبر برابر با ۲۶ شهریور ماه سالگرد آغاز جنبش وال استریت است. آیا این حرکت اعتراضی به تاریخ پیوسته است؟

در اوج اعتراضات مردم آمریکا علیه سیاست‌های اقتصادی دولت، کارشناسان و تحلیلگران ۳ گزینه را درباره آینده این جنبش متصور بودند؛

- ۱- بهبود اوضاع اقتصادی و در نتیجه برچیده شدن بساط اعتراضات
 - ۲- تلاش برای سرکوب یا منحرف کردن جنبش توسط هیأت حاکمه.
 - ۳- گسترش ابعاد جنبش و در نتیجه تغییر هیأت حاکمه از طریق تحول در نظام سیاسی و تصمیم‌گیری در آمریکا.
- اکنون با گذشته ۲ سال از آغاز اعتراضات می‌بینیم که اوضاع اقتصادی مردم آمریکا نه تنها بهتر نشده است بلکه بدتر هم شده است.

در حالیکه بیشتر کمپ‌های معترضان توسط پلیس و نیروهای امنیتی آمریکا تخریب شده است اما بسیاری از معترضان همان انگیزه و روحیه‌ای که منجر به آغاز اعتراضات شد را حفظ کرده‌اند اما انرژی خود را صرف راهپایی کرده‌اند که توجه رسانه‌ها را کمتر به خود جلب کرده است.

به طور اساسی باید اذعان داشت؛ همه شرایط و دلایلی که الهام بخش جنبش اعتراضی وال استریت بود همچنان به قوت خود باقی است و حتی مطالبات حداقلی معترضان نیز برطرف نشده است که انگیزه آنها را از بین برده باشد. نشریه آمریکایی «نیشن» در این زمینه نوشت: به عنوان مثال تجزیه و تحلیل آمارها نشان می‌دهد که شکاف درآمدی در آمریکا به تازگی به بالاترین میزان خود در قرن اخیر رسیده است.

در سال ۲۰۱۲، یک درصد آمریکایی‌ها درآمد ۱۹.۳ درصد خانوارهای آمریکایی را به خود اختصاص دادند. براساس این گزارش، نابرابری درآمدها افزایش یافته است، شکاف طبقاتی گسترش یافته است و کنگره آمریکا جز فقر و کاهش پشتیبانی از سیستم‌های حمایتی چیزی از خود نشان نداده است.

همچنین کنگره آمریکا قرار است روز پنجشنبه ۱۸ سپتامبر درباره طرحی تصمیم‌گیری کند که براساس آن ۴ تا ۶ میلیون آمریکایی فاقد شرایط لازم، از دریافت کمک‌ها و مزایای دولتی موسوم به SNAP محروم شوند. از آنجا که شرایط نابرابری‌های اجتماعی، شکاف طبقاتی و محرومیت از سال ۲۰۱۱ بدتر شده است، معترضان معتقدند که روح جنبش وال استریت هنوز کاملاً زنده است و تنها در اردوگاه‌هایی که زمانی محل تجمع آنها بود متمرکز نیست. نوام چامسکی زبان شناس، تحلیل‌گر و منتقد آمریکایی در کتاب خود تحت عنوان اشغال کنید نوشت: سه هدف اصلی این جنبش عبارتند از:

- (۱) اشغال جریان اصلی مردم و گذار از چادرها به قلب‌ها و ذهن‌های توده‌ها؛
- (۲) توقف سرکوب جنبش توسط محافظت از حق آزادی تجمعات ۹۹٪ و حق آزادی بیان بدون مورد حمله خشونت آمیز قرار گرفتن؛ و
- (۳) پایان دادن به شخصیت شرکت‌ها.

چامسکی معتقد است، یکی از دستاوردهای واقعی جنبش اشغال، گسترش ابراز واقعی عدم پذیرش شرایط موجود به روشی قابل توجه است. مردم درگیر در این جنبش به خاطر خودشان در آن نیستند. آنها به خاطر دیگران، برای جامعه‌ای بازتر و برای نسل آینده در جنبش و در نهایت به دنبال تغییر وضع موجود هستند. بنابراین تا زمانیکه خواسته‌های اکثریت جامعه محقق نشود پتانسیل و انگیزه لازم برای به چالش کشیدن وضع موجود وجود خواهد داشت.

آنچه که از ماهیت جنبش وال استریت پیداست یک روند سیاسی تحول خواه، طرفدار تغییر وضع موجود و معتقد به توان بالای سیاسی برای دستیابی به اهداف خود است. به نظر می‌رسد گفتمان تحول خواهی در آمریکا در لایه‌های مختلف جامعه آمریکا ریشه دوانده است و پتانسیل بالای جنبش اشغال وال استریت تحلیلگران را به این باور رسانده است که روند سیاسی ناشی از این جنبش در آینده حاکمیت سیاسی و اقتصادی ایالات متحده را به چالش خواهد کشید.
گزارش از: **مهدی محمودی**



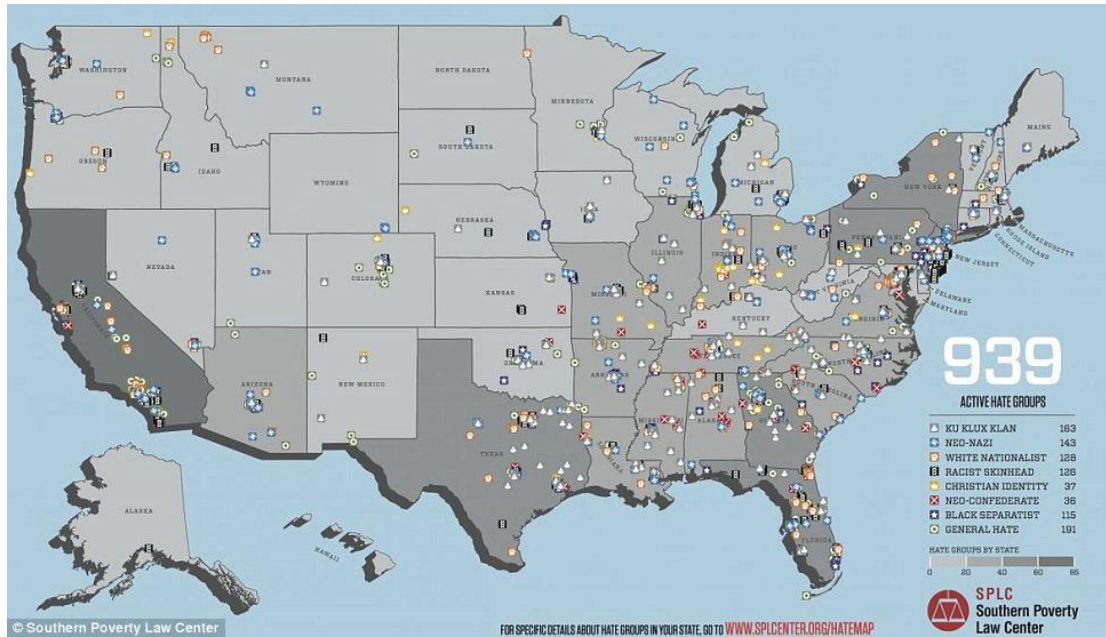
پیوست ۴ نقشه نفرت در آمریکا + عکس

هم اکنون در آمریکا ۹۳۹ گروه شناخته شده «تنفر» فعالیت می‌کنند.

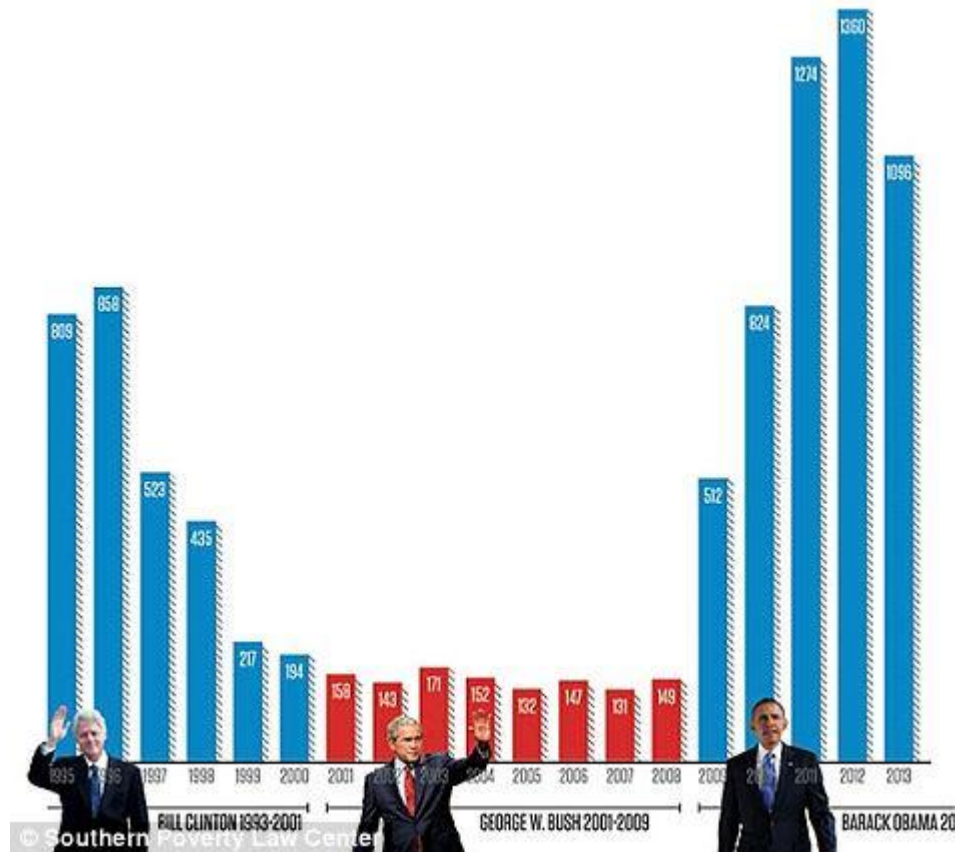
به گزارش پایگاه ۵۹۸ به نقل از سایت «DailyMail»، از زمانی که باراک اوباما رییس جمهور آمریکا شده، تعداد گروه های تنفر افزایش زیادی داشته، اما این رقم در سال ۲۰۱۳ در مقایسه با ۲۰۱۲ کمی کاهش پیدا کرده است. سال ۲۰۱۲ تعداد گروه های تنفر در آمریکا ۱۰۰۷ تا بود که در ۲۰۱۳ به ۹۳۹ گروه رسید .

کالیفرنیا با ۷۷، فلوریدا با ۵۸ و تگزاس با ۵۷ گروه بیشترین جمعیت های تنفر را دارند و هاوایی تنها ایالت آمریکا است که هیچ گروه شناخته شده ای در این زمینه فعالیت نمی کند .

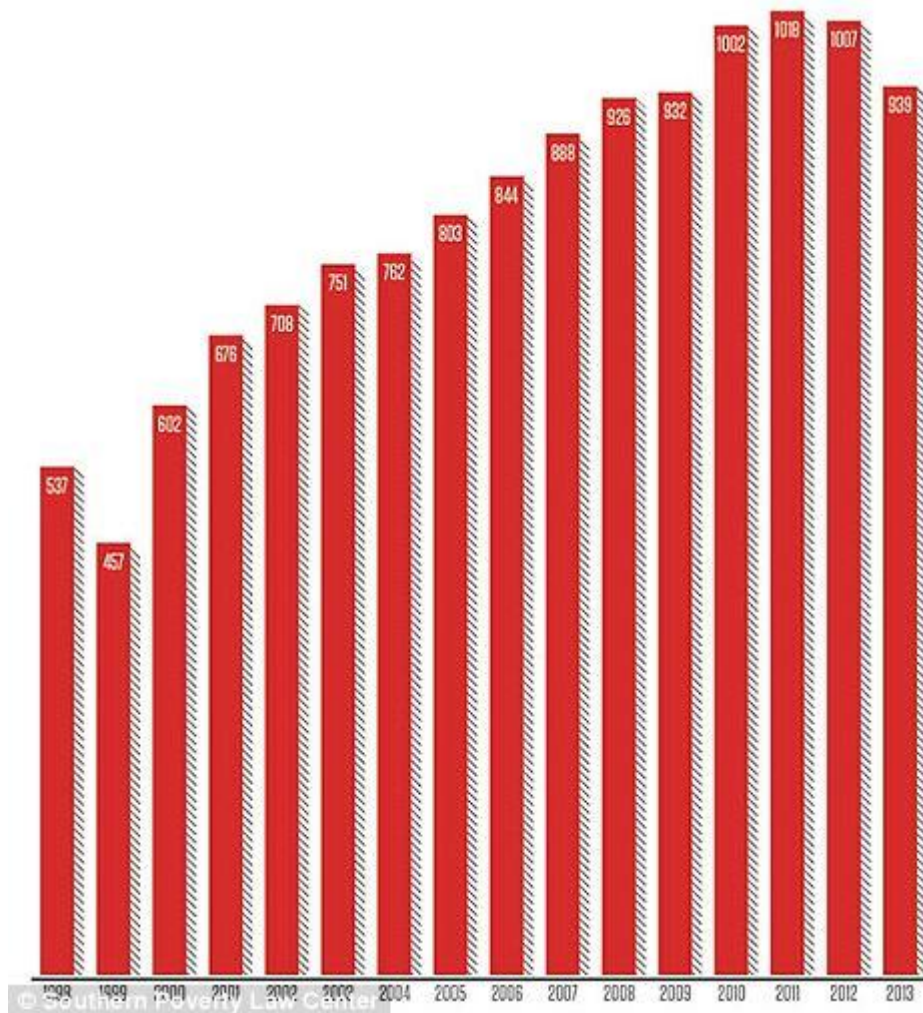
گروه های تنفر شامل افراد نژادپرست یا گروه های افراطی می شود، مثل نئونازی ها و سیاه های جدایی طلب. در نقشه ای که پراکندگی این گروه ها نشان داده می شود، جنوب غربی آمریکا بیشترین محل فعالیت این افراد است.



نقشه پراکندگی گروه ها در آمریکا



نمودار تعداد گروه ها در دوره ریاست جمهوری کلینتون، بوش و اوباما



نمودار تعداد گروه ها در سال های مختلف

ایالات متّحده آمریکا) به انگلیسی The United States of America : و به اختصار :
 (USA) کشوری در آمریکای شمالی، و به پایتختی شهر واشنگتن دی سی است. آمریکا سومین کشور پر جمعیت دنیا و سومین کشور پهناور جهان است، و از لحاظ نژادی و گوناگونی مردم، متنوع ترین کشور جهان شناخته می شود^[11]
 کشور آمریکا از شرق با اقیانوس اطلس، در غرب با اقیانوس آرام، از شمال با کشور کانادا، و از جنوب با مکزیک همسایه است. این کشور از راه پایگاه دریایی گوانتانامو نیز مرز مشترک اندکی با کوبا دارد. آمریکا همچنین از طریق آلاسکا با روسیه مرز آبی دارد. به علاوه، مجموعه ای از جزیره ها، ناحیه ها، و مناطق متعلق به آمریکا در سراسر جهان پراکنده اند.

پیوست ۵ ایالات متحده آمریکا در آستانه فروپاشی! کالیفرنیا و تگزاس پیشگامان جدایی طلبی ایالات متحده آمریکا در مسیری پیش می رود که بسیاری از ایالت های مهم آن هم اکنون خواستار استقلال و جدایی هستند .

اتاق خبر ۲۴ : تلاش ها یا خواسته تجزیه از ایالات متحده از زمان تولد این کشور یکی از ویژگی های سیاست این کشور بوده است .

برخی تجزیه طلبی را حتی طبق قانون اساسی و دیگران حق طبیعی انقلاب دانسته اند .

دادگاه عالی ایالات متحده تجزیه یک طرفه را مخالف قانون اساسی حکم کرده است ولی چنین نظر داده است که انقلاب یا رضایت ایالات می تواند منجر به تجزیه موفقیت آمیز شود .

یک جنبش مهم تجزیه طلبانه در جنگ داخلی آمریکا شکست خورد. در ۱۸۶۰ و ۱۸۶۱ یازده مورد از ۱۵ ایالات جنوبی که در آنها برده داری مجاز شمرده شده بود، از ایالات متحده اعلام جدایی کرده و با یکدیگر به عنوان ایالات مؤتلفه آمریکا متشکل شدند این کشور در ۱۸۶۵ پس از شکست جنگی به ایالات شمالی فروپاشید .

Maps from Ancestry & Ethnicity in America, ۲۰۱۲, Grey House Publishing, America, NY. Reprinted with permission.

The United States may be a melting pot, but many ancestry groups still stick together.

Take German-Americans, the country's largest ancestry group with ۴۹ million members. While they make up more than ۳۰٪ of the population in the Midwest, they account for less than ۱۰٪ of the population in the Deep South and California.

Irish-Americans are everywhere in the North East, but almost nowhere in the South West. Meanwhile, there are hardly any Mexican-Americans in New England.

Maps of the largest ancestry and racial groups in America based on the American Community Survey can be found in a book called "Ancestry & Ethnicity in America." With permission from Grey House Publishing, we're posting them here.

German Ancestry



This was a treaty between Spain and the United States. Andrew Jackson had led troops in to Florida and started the

First Seminole War. Because of this, Spain gave East Florida to the United States and declared Spanish Texas as part of Mexico in exchange for 25 million from the U.S.

ساز جدایی تگزاس از امریکا



رهبر "جنبش ملی گرای تگزاس" اعلام کرد که در پی پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا، تلاش ها برای جدا شدن این ایالت از امریکا جدی شده است.

"دنیل میلر" در گفت و گو با رادیو اسپوتنیک اعلام کرد، "جنبش ملی گرای تگزاس" در نظر دارد، با گردهم آوردن سازمان های جدایی طلب در این ایالت، روند جدایی مسالمت آمیز این ایالت از امریکا را آغاز کند. میلر در این گفت و گو تصریح کرد، رییس جمهوری امریکا هر که باشد، روند جدایی تگزاس از این کشور ادامه خواهد یافت.

به گفته میلر، "جنبش ملی گرای تگزاس" پس از آغاز به کار در دوازده سال پیش، این موضوع را مطرح کرد که تگزاس دیگر نمی تواند در چارچوب قوانین، قاعده ها و آیین نامه های ۱۸۰ هزار صفحه ای فدرال که از سوی ۴۴۰ آژانس مختلف و دو و نیم میلیون نهاد غیرمنتخب تدوین شده، به حیات خود ادامه دهد.

رهبر "جنبش ملی گرای تگزاس" در ادامه تاکید کرد که بهترین افراد برای حکومت بر تگزاس، مردم خود این منطقه هستند.

"دنیل میلر" در این سخنان همچنین با تشبیه وضعیت کنونی تگزاس به شرایط پیش از "برگزیت" در انگلیس تاکید کرد، مردم تگزاس در نهایت در رای گیری خروج این ایالت از امریکا شرکت خواهند کرد.

اعلام این خبر از سوی میلر در پی آن بود که شبکه امریکایی سی ان ان روز پنجشنبه گزارش داد، قرار است در سال ۲۰۱۹ همه پرسی در ایالت کالیفرنیا برای خروج از امریکا برگزار شود.

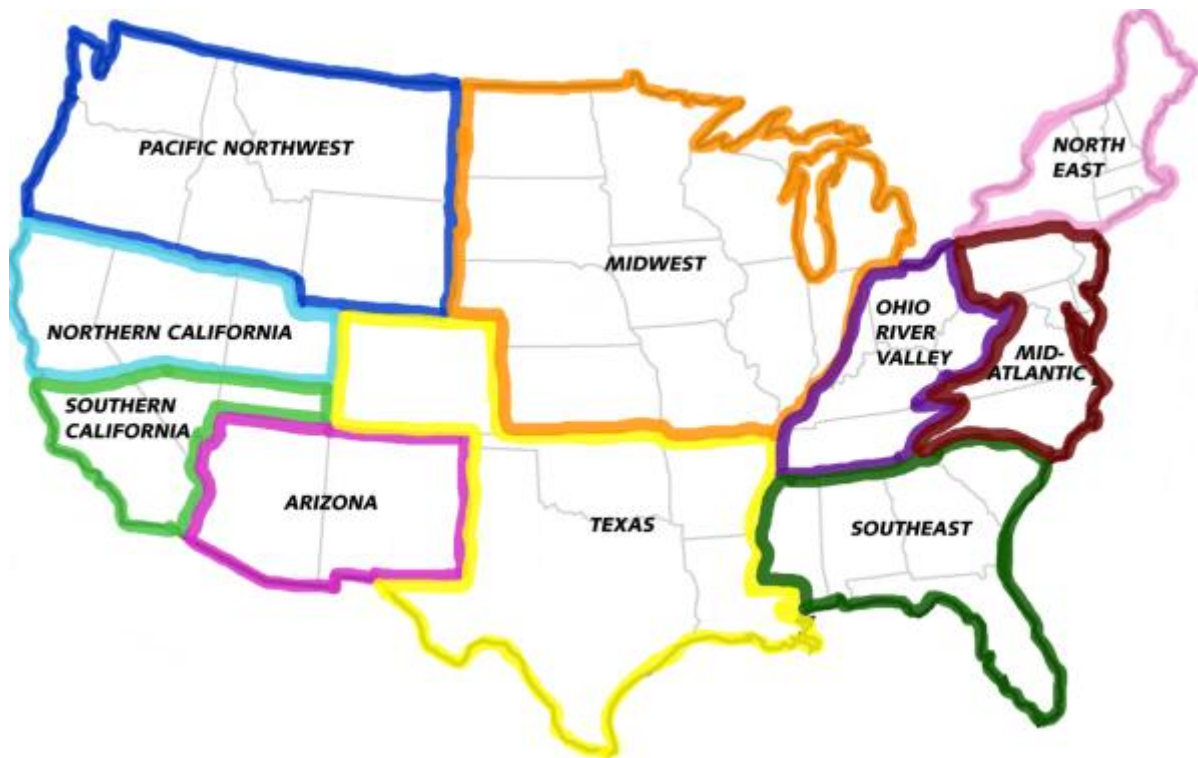
بر اساس این گزارش، جدا شدن کالیفرنیا از آمریکا، این کشور را از دو هزار و چهارصد و شصت میلیارد دلار محروم خواهد کرد.

فعالان در ایالت کالیفرنیا اعلام کردند، این ایالت سالانه به علت باقی ماندن در آمریکا شانزده میلیارد دلار را از دست می دهد و بار سنگین مالیات را بر دوش می کشد.

سی ان ان هشدار داد، کالیفرنیا ممکن است رویکردی را برای تمایل بسیاری از ایالت های آمریکا درباره جدا شدن از این کشور هدایت کند.

JSA States

The Junior State of America is composed of ten states and territories that together from the national organization. These states (Arizona Territory, Pacific Northwest, Northern California, Southern California, Texas, Mid-Atlantic, Northeast, Midwest, Ohio River Valley, and the Southeast Territory) are separate entities with separate governments. Each state or territory has its own constitution that broadly outlines its governing protocol. The vast majority of power lies with the individual states and territories.





پیوست ۶ نظر سنجی موافقین و مخالفین حق جدایی طلبی در آمریکا

من معتقد هستم که هر ایالت یا منطقه‌ای می‌تواند به صورت صلح آمیز از آمریکا جدا شده و تبدیل به یک جمهوری مستقل گردد. موافق ۲۲ درصد مخالف ۷۳ درصد بدون نظر ۵ درصد

درصد موافقین در میان جوانان ۱۸ تا ۲۵ ساله ۴۴ درصد

من معتقد هستم که سیستم آمریکا کارایی خود را از دست داده است و نمی‌توان با سیستم سیاسی و انتخاباتی سنتی دو حزبی آن را بهبود بخشید. موافق ۴۴ درصد مخالف ۵۳ درصد بدون نظر ۳ درصد

روند رو به رشد حامیان حق جدایی طلبی ایالت ها

براساس نظر سنجی انجام گرفته توسط موسسه راسموس rasmusse که در سال ۲۰۱۲ انجام گرفته در حدود یک چهارم مردم آمریکا معتقد هستند که ایالت ها می‌توانند از آمریکا جدا شوند.

به گفته اسکات راسموس موسس و رئیس موسسه گزارش های راسموس، گزارش های اخیر نشان می‌دهند که امریکایی ها نگران جدی و فزاینده در مورد دولت فدرال دارند.

راسموس در مصاحبه با شبکه خبری سی ان بی سی افزود: ما شاهدیم که مردم از جهات مختلفی در مورد دولت فدرال نگرانی دارند.

۵۱ درصد مردم معتقدند که دولت فدرال تهدیدی برای آزادی آنها است.

در سال ۲۰۱۰ زمانی که راسموس این نظرسنجی را برای اولین بار انجام داد و در حدود ۱۴ درصد با حق جدایی طلبی ایالت ها موافق بودند. سال بعد این رقم به ۲۱ درصد رسیده و در سال ۲۰۱۲، ۲۴ درصد موافق حق ایالت ها برای جدایی

طلبی هستند، بر اساس نظر سنجی تنها ۳۴ درصد افراد بالغ ساکن در آمریکا دولت را حامی و حافظ حقوق فردی می دانند.

آیا جدایی طلبی در آمریکا جدی است؟

برخی از کارشناسان بر این باورند که شواهد موجود نشان می دهد مردم آمریکا به اقدامات جدایی طلبانه رغبت کمی دارند.

آنها با اشاره به درخواست استقلال در ایالت های تگزاس، کارولینای جنوبی، جورجیا، لوئیزیانا، میسوری، تنسی، کارولینای شمالی، الباما، اوکلاهما و اوهایو که در مجموع بیشتر از ۷۰۰ هزار نفر آنها را امضا کرده بودند معتقدند این آمار در مقایسه با جمعیت ۳۱۲ میلیونی آمریکا بسیار ناچیز است.

تیل کارن، استاد دانشگاه در کارولینای شمالی، معتقد است امضا کنندگان این درخواست ها به دنبال جدایی نیستند، این کار تنها نارضایتی خود را از عملکرد دولت بیان می کنند.

در مقابل برخی دیگر از تحلیلگران پدیده جدای طلبی را جدی می دانند.

آنها با استناد به فعالیت های تجزیه طلبی معاصر در ایالت متحده آمریکا از جمله جمهوری تگزاس (نوین)، جمهوری کاسکادیا (متشکل از قسمت هایی از غرب آمریکا و کانادا) حرکت استقلال و خود مختاری هاوایی، حرب استقلال طلبان آلاسکا، جمهوری ورمونت دوم و لیگ جنوب (ایالات سابق متلفه) معتقدند جنبش بیداری آمریکا سربرآورده است و مانند آتشی زیر خاکستر ممکن است در آینده نزدیک منفجر شود.

توماس چیتام تحلیلگر نظامی آمریکا در سال ۱۹۹۶ در کتاب خود جنگ داخلی دوم فروپاشی آمریکا، پیش بینی کرد این کشور نهایتاً به سه بخش: سفید شمالی، سیاه و سفید جنوبی و اسپانیایی زبان جنوب غرب تقسیم شود.

نتیجه اینکه نباید ساده از کنار این موضوع گذشت، هرچند که تاکنون مقامات فدرال تمایل به استقلال ایالات را تجزیه طلبی عنوان و آن را مهار کرده اند.

اما این احتمال وجود دارد که تحولات ناگهانی و عمده سیاسی و اقتصادی باعث گسترش موج جدایی طلبی در ایالات شود و اوضاع را از کنترل کاخ سفید خارج نماید.

شاید تگزاسی ها که تاکنون زندگی زیر شش پرچم را تجربه کرده اند (اسپانیا ۱۵۱۹-۱۶۸۵-فرانسه ۱۶۸۵-۱۶۹۰، مکزیک ۱۸۲۱ تا ۱۸۳۶ - جمهوری تگزاس ۱۸۳۶ تا ۱۸۴۵ - ایالات متلفه آمریکا از سال ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ و ایالات متحده آمریکا) نخستین ایالت مستقل می باشند.

شاید آنها نخستین ستاره ایی باشند که از پرچم ایالات متحده آمریکا فرو می افتد.

منبع: باشگاه خبرنگاران

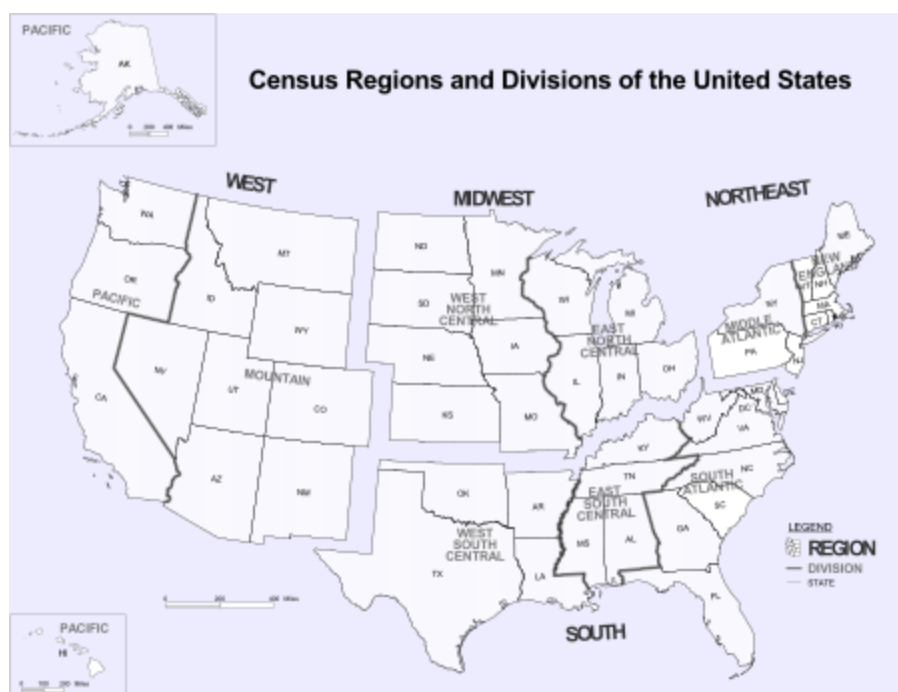
اگر لس آنجلس بزرگ را متشکل از ریورساید، سن برناردینو، انتاریو، لانگ بیچ، سنتا آنا و خود شهر لس آنجلس حساب کنیم، این منطقه شهری بیش از ۱۷,۰۸۰,۰۰۰ سکنه خواهد داشت که پس از کلانشهر نیویورک بزرگترین منطقه شهری ایالات متحده خواهد بود.

از نظر جغرافیایی و فرهنگی اگر لس‌آنجلس بزرگ را متشکل از ریورساید، سن برناردینو، انتاریو، لانگ بیچ، سنتا آنا و خود شهر لس‌آنجلس حساب کنیم، این منطقه شهری بیش از ۱۷۰۸۰۰۰،۰۰۰ سکنه خواهد داشت که پس از کلانشهر نیویورک بزرگترین منطقه شهری ایالات متحده خواهد بود. را می‌توان به مناطق مختلفی دسته‌بندی کرد. برخی ایالات با اینحال از نظر فرهنگی جزو یک دسته هستند، و از نظر جغرافیایی از دسته دیگری محسوب می‌گردند. بسیاری از ایالات نیز به دلیل موقعیت خاصی که دارند بطور مشترک و عضو بیش از یک گروه هستند. اما بطور کلی می‌توان ایالات آمریکا را از نظر فرهنگی و تاریخی و شباهت‌های عمومی به دسته‌های زیر دسته‌بندی کرد:

مناطق فراایالتی

مناطق رسمی ایالات متحده آمریکا

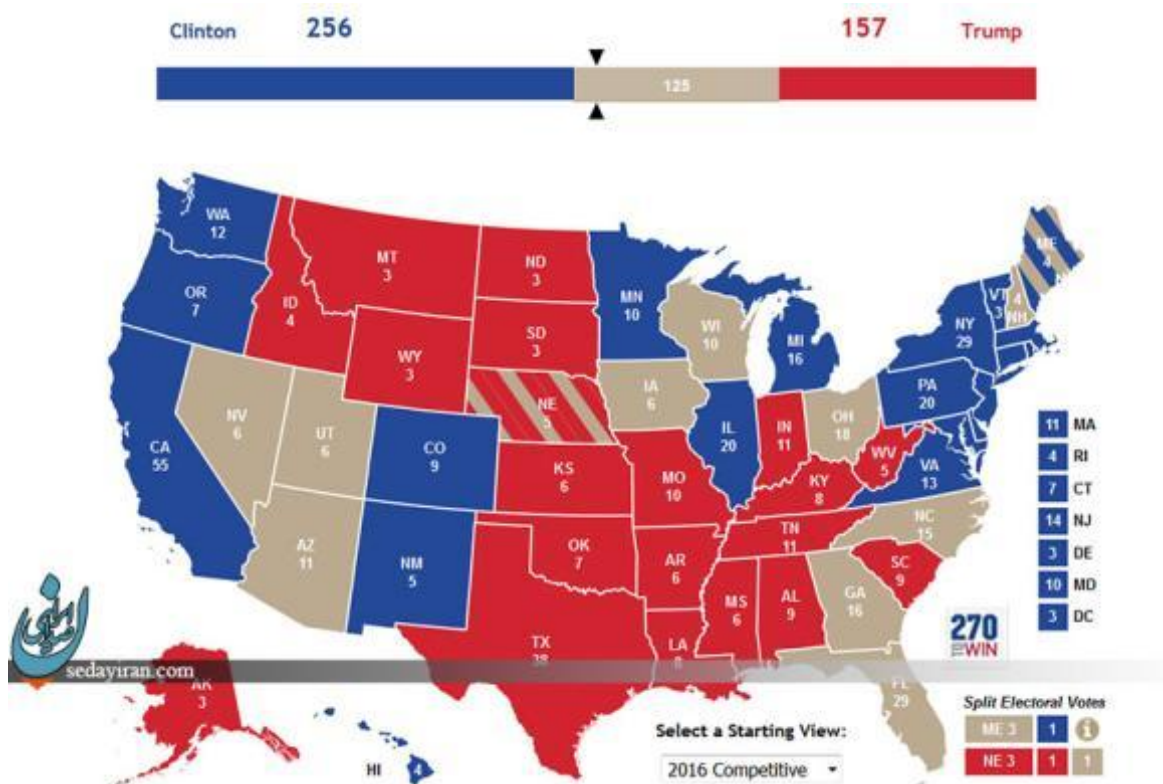
بسیاری از مناطق در آمریکا به وسیله قانون یا مقررات حکومت فدرال تعریف شده‌اند.



مناطق و بخش‌های تعیین شده به وسیله اداره سرشماری

- منطقه ۱: شمال شرق
- بخش ۱: نیو انگلند (کنتیکت، مین، ماساچوست، نیوهامپشایر، رود آیلند، و ورمانت)
- بخش ۲: میانه ساحل اقیانوس اطلس (دلاور، نیوجرسی، ایالت نیویورک، و پنسیلوانیا)
-
- منطقه ۲: ایالت‌های غرب میانه آمریکا (پیش از ۱۹۸۴ به منطقه غرب میانه منطقه مرکزی شمالی اطلاق می‌شد)

- بخش ۳: شمال مرکزی شرق (ایلینوی، ایندیانا، میشیگان، اوهایو، و ویسکانسین)
- بخش ۴: شمال مرکزی غرب (آیووا، کانزاس، مینه‌سوتا، میزوری، نبراسکا، داکوتای شمالی، و داکوتای جنوبی)
- منطقه ۳ : جنوب
- بخش ۵: جنوب ساحل اقیانوس اطلس (فلوریدا، جورجیا، مریلند، کارولینای شمالی، کارولینای جنوبی، ویرجینیا، واشینگتن، دی.سی.، و ویرجینیای غربی)
- بخش ۶: جنوب مرکزی شرق (آلاباما، کنتاکی، میسیسیپی، و تنسی)
- بخش ۷: جنوب مرکزی غرب (آرکانزاس، لوئیزیانا، اکلاهما، و تگزاس)
- منطقه ۴: غرب
- بخش ۸: کوهستانی (آریزونا، کلرادو، آیداهو، مونتانا، نوادا، نیومکزیکو، یوتا، و وایومینگ)
- بخش ۹: اقیانوس آرام (آلاسکا، کالیفرنیا، هاوایی، اورگن، و واشینگتن)





United States



2012 Election Result

Romney 206

Obama 303



2008 STATE WINNERS



2012 PRESIDENTIAL RACE



مهاجرت اجباری مدرن: قاچاق انسان

البته که میشود از مواردی کوچک چشم پوشی کرد، ولی قاچاق انسان در مقیاس بزرگ دیگر قانونی نیست. این نمودار تلاشی برای به تصویر درآوردن صنعت قاچاق انسان در عصر معاصر است. گزارشی از یک موسسه در سال ۲۰۱۴ پرده از ۱۲۲ قربانی قاچاق کارگر در آمریکا برداشت، و این در حالی بود که ۷۱ درصد از آن کسانی که قاچاق شده اند وقتی به آمریکا می رسند ویزا های قانونی دارند .

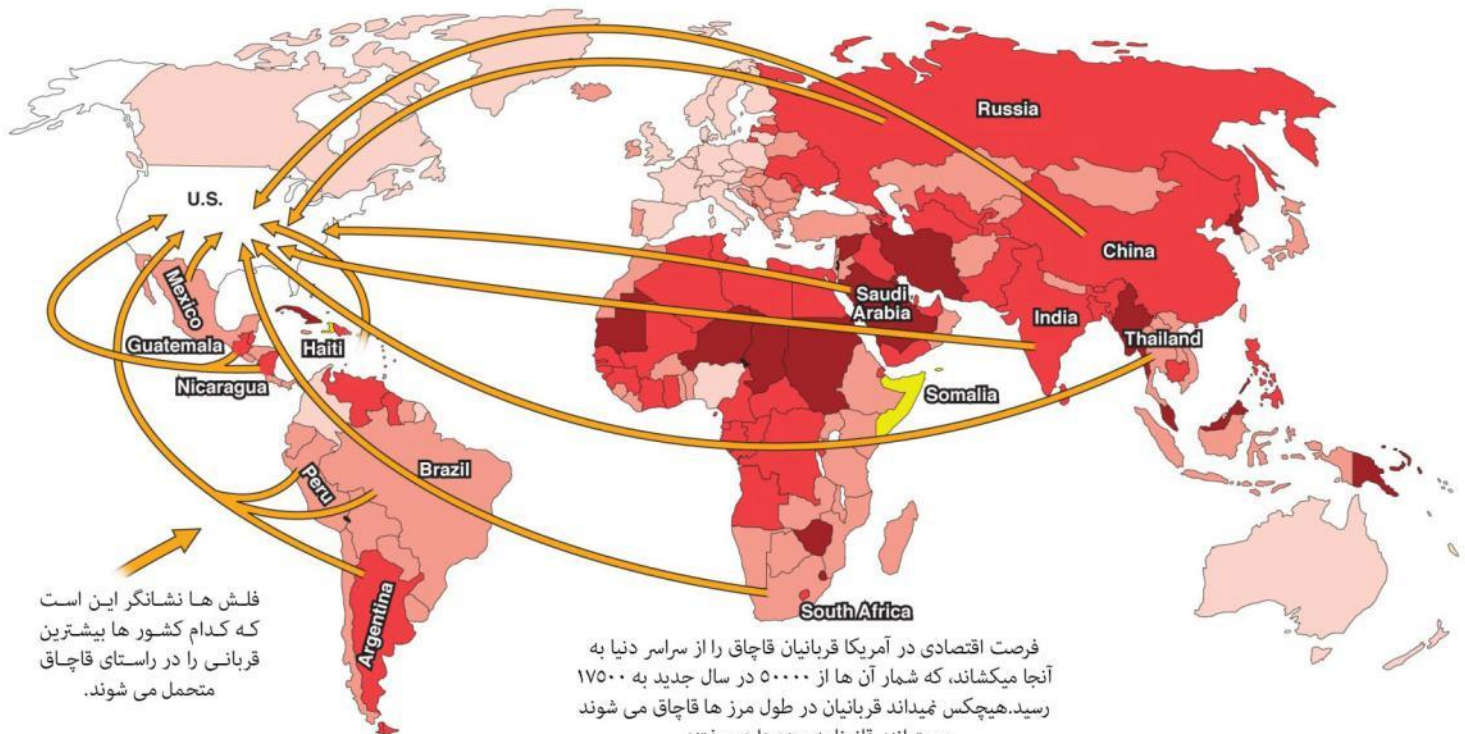
ولی به این دلیل که وضعیت قانونی بودن کارگرهای مهاجر بسته به کارفرمای آنها است، اکثر قربانی هایی که از دست قاچاقچی های خود فرار کردند وضعیت قانونی خود را به محض ارتباط با مراجع قانونی از دست دادند. فراتر از این گزارش ها اعلام کردند که مقامات دولتی غالباً زمانی که با قربانیان قاچاق برده مواجه می شوند نمی توانند متوجه اصل موضوع شوند یا حتی بدتر با قاچاقچی ها دست به یکی می شوند و شروع به تهدید قربانیان با معرفی آنها به ماموران اداره مهاجرت فدرال می کنند .

آمدن به آمریکا

قاچاق انسان در تمام قاره ها اتفاق می افتد. ایالات متحده مبارزه خود را در سال ۲۰۰۰ شروع کرد و در اولین دهه مبارزه موضوع به جایی رسیده که واضح تر بتوان تمرکز کرد.

چه کشورهایی موافقت کرده اند؟

- کشورهایی که با حداقل استاندارد های تصویب شده آمریکانیز موافقت کرده اند
- کشورهایی که با حداقل استاندارد ها موافقت نکرده اند و سعی در همراه شدن در این راه دارند.
- کشورهایی که تلاش های چشمگیری می کنند ولی مقدار زیادی قاچاق قربانی دارند، هیچ تلاشی در مقابله با قاچاق در این کشور ها در سال گذشته مشاهده نشده یا هنوز نیاز دارند که اقداماتی اضافی اجرا کنند تا به تعهداتشان عمل کنند.
- کشورهایی که با هیچ کدام از استاندارد ها موافقت نکرده اند هیچ تلاشی هم در این راستا نمی کنند.
- ایالات متحده هایتی و سومالی را لیست کرده به این دلیل که آنها دولت مرکزی ندارند.



تذکر: آمریکا با توجه به استاندارد های مورد استفاده برای دیگر کشور ها به خود نمره نداده.

USfacts
حقیق
آمریکا

منبع: U.S. State Department The Protection Project

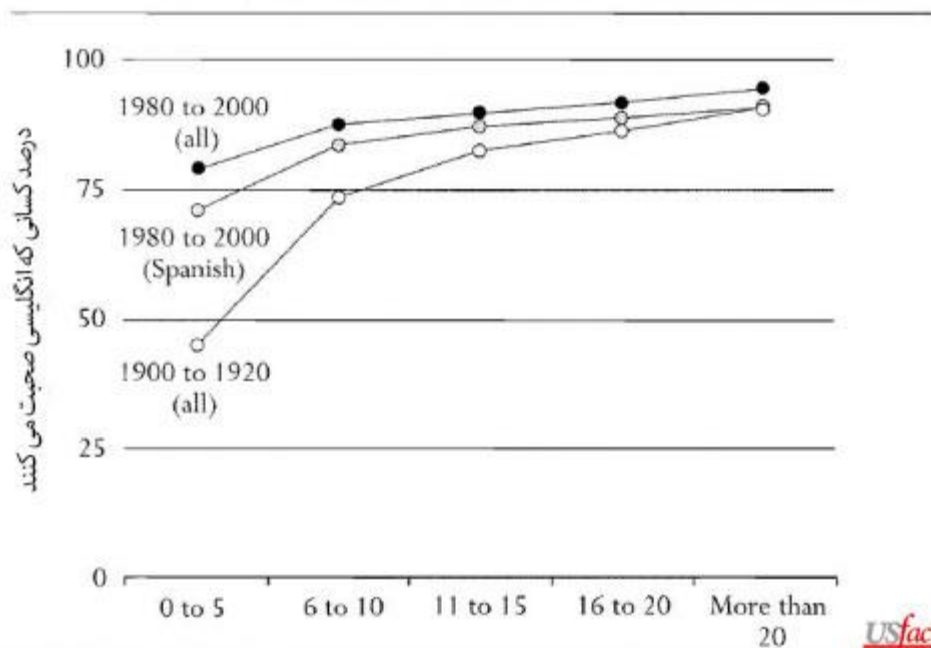
آیا مهاجران امروزه کمتر آمریکایی شده اند؟

حرکت آمریکایی شدن که در اوایل ۱۹۰۰ مطرح شد فقط مربوط کمک کردن به مهاجران نبود. این طرح بر این عقیده بنا شده بود که مهاجرانی که می توانند به این جو آمریکایی بودن عادت کنند مورد استقبال قرار گیرند. این ایده هنوز هم زنده است و به کنایه کوره ذوب نام دارد که از مهاجران می خواهد انگلیسی یاد بگیرند ولی در واقع هدف عادت به

جو موجود است .

علی رغم اینکه این نسل از مهاجران نسبت به نسل های قبل کمتر با این جو خو گرفته اند. مهاجران در اواخر قرن بیستم خیلی بیشتر انگلیسی میدانستند یا وقتی به آمریکا می رسیدند زودتر یاد می گرفتند نسبت به کسانی که در حال هاس بودند. حتی مهاجرین لاتین که عقب تر از بقیه مهاجران از نظر تحصیلی بودند در زمانی که طول می کشید تا انگلیسی صحبت کنند عملکرد بهتری نسبت به مهاجران اروپایی در سال های ۱۸۸۰ دارند .

استفاده از زبان انگلیسی توسط متولدین خارجی در آمریکا طی سال های ذکر شده



منبع : Claude S. Fischer, Mike Hout, Aliya Saperstein



زبان ها (۲۰۰۵)	
فقط انگلیسی آمریکایی	۲۱۶,۲ میلیون
اسپانیایی (دربردارنده زبان های کریول اسپانیایی)	۳۲,۲ میلیون
چینی	۲,۳ میلیون
فرانسوی (دربردارنده زبان های کریول فرانسوی)	۱,۹ میلیون
تاگالوگ	۱,۴ میلیون
ویتنامی	۱,۱ میلیون
آلمانی	۱,۱ میلیون

کشور ایالات متحده ی آمریکا دارای زبان رسمی نیست، گرچه انگلیسی آمریکایی نقش زبان ملی را دارد و در عمل نیز زبان اصلی کشور است. یکی از پیش نیازهای مهاجرت و اقامت در آمریکا برای خارجیان، تسلط نسبی به زبان انگلیسی است.

همچنین زبان انگلیسی در ۲۸ ایالت به عنوان زبان رسمی شناخته می‌شود، و فعالیت‌هایی برای به رسمیت شناختن انگلیسی به عنوان زبان رسمی دولتی نیز در جریان است.

زبان‌های مرسوم در آمریکا به ترتیب عبارت‌اند از:

- انگلیسی آمریکایی : ۸۲٫۱٪
- اسپانیولی : ۱۰٫۷٪
- سایر زبان‌های هند و اروپایی : ۳٫۸٪
- زبان‌های آسیایی و اقیانوسیه: ۲٫۷٪
- سایر زبان‌ها: ۰٫۷٪ .

اطلاعات بیشتر: فهرست شهرهای ایالات متحده آمریکا و فهرست شهرهای ایالات متحده آمریکا براساس جمعیت

ایالت	رتبه	جمعیت		رتبه	
		جمعیت با احتساب در محدوده شهری شهر (۲۰۰۷)	جمعیت حومه (۲۰۰۷)		
نیویورک	۱	۱۸٬۸۱۵٬۹۸۸	۸٬۲۷۴٬۵۲۷	نیویورک	۱
کالیفرنیا	۲	۱۲٬۸۷۵٬۵۸۷	۳٬۸۳۴٬۳۴۰	لس‌آنجلس	۲
ایلینوی	۳	۹٬۵۲۴٬۶۷۳	۲٬۸۳۶٬۶۵۸	شیکاگو	۳
تگزاس	۶	۵٬۶۲۸٬۱۰۱	۲٬۲۰۸٬۱۸۰	هوستون	۴
آریزونا	۱۳	۴٬۱۷۹٬۴۲۷	۱٬۵۵۲٬۲۵۹	فینیکس	۵
پنسیلوانیا	۵	۵٬۸۲۷٬۹۶۲	۱٬۴۴۹٬۶۳۴	فیلادلفیا	۶
تگزاس	۲۹	۱٬۹۹۰٬۶۷۵	۱٬۳۲۸٬۹۸۴	سن‌آنتونیو	۷
کالیفرنیا	۱۷	۲٬۹۷۴٬۸۵۹	۱٬۲۶۶٬۷۳۱	سن دییگو	۸
تگزاس	۴	۶٬۱۴۵٬۰۳۷	۱٬۲۴۰٬۴۹۹	دالاس	۹
کالیفرنیا	۳۰	۱٬۸۰۳٬۶۴۳	۹۸۹٬۴۵۶	سن خوزه	۱۰

مرکز اسلامی واشنگتن دی سی، قریب به ۷ میلیون مسلمان در ایالات متحده زندگی می کنند.

بر اساس آمار سال ۲۰۰۲، ترکیب مذهبی مردم آمریکا به شرح زیر بوده است: **پروتستان ۵۲٪**، **کاتولیک ۲۴٪**، **مورمون ۲٪**، **یهودی ۲٪**، **مسلمان ۱٪**، دیگران ۱۰٪، بدون دین ۱۰٪.

پروتستان های آمریکا نیز به فرقه های متعددی تقسیم می شوند. برخی از آنان میلیون ها نفر را دربر می گیرند، در حالی که کلیساهای کوچک، تنها هزاران عضو دارند.

برخی از فرقه های مذهبی معروف آمریکا عبارتند از:

اپیسکوپلین ها، پرسبترین ها، متدیست ها، باپتیست ها، یونیتارین ها، مریدان مسیح، کلیسای اصلاحی هلندی، کوایکرها و کانگروگیشنالیست ها



نقشه پراکندگی یهودیان آمریکا، یهودیان در این کشور اقلیتی کوچک اما قابل توجه محسوب می شوند. به عنوان نمونه ۳۷ درصد از کل برندگان آمریکایی جایزه نوبل از جمعیت ۲ درصدی این اقلیت اند.

جمعیت مهاجران آمریکایی بر اساس محل زادگاه آنها در دنیا، ۱۹۶۰ - ۲۰۱۲

قانون دهه ۱۹۲۰ که باعث شد مهاجرت تنها به چند کشور خاص محدود شود. و همچنین موجب مهاجرت های غیر قانونی شد که ما آلان آن را می دانیم .

قوانین سهمیه در اوایل ۱۹۲۰ تصویب شد؛ اما این قوانین بر اساس جریان های مهاجرت از سال ۱۹۸۰ بود، و همین تصمیم سیاسیون باعث شد که آنها در واقع مهاجرت را به کشورهای خاصی کاهش دادند. سیاسیون نگران بودند که مهاجران جدید از اروپای شرقی و جنوبی (به ویژه ایتالیایی ها و یهودیان) از نظر ژنتیکی در مرتبه ی "پست و پایینی" قرار داشته باشند و همین امر موجب تهدید کیفیت زندگی آمریکایی ها شود .

این دو نقشه از روزنامه نیویورک تایمز، تاثیرات قانون سهمیه را نشان می دهند: لایحه تصویب شده ی اصلیت های ملی سال ۱۹۲۴. نقشه ی سمت چپ اسلاید، مهاجرت های سالیانه به امریکا از کشورهای مختلف اروپایی قبل از تصویب این قانون را نشان می دهد؛ و نقشه ی سمت راست اسلاید نشان دهنده ی سهمیه ی مشخص شده برای هر کشور تحت قانون تصویب شده است. لایحه اصلیت های ملی موجب کاهش شدید جمعیت مهاجران قانونی شد - و "مهاجرت غیرقانونی" برای اولین بار به یک پدیده بسیار گسترده در تاریخ امریکا تبدیل شد. که این موضوع هنوز هم متوقف نشده است .

آمریکا چگونه به نیروی کار مکزیکی متکی شد

وقوع جنگ جهانی دوم موجب کمبود نیروی کار شد . همین موضوع باعث شد که امریکا شروع به جذب نیروی کار فصلی از مکزیکی کند. همانطور که نقشه نشان می دهد، تحت همین برنامه، ۲ میلیون کارگر کشاورزی از سرتاسر مکزیکی به بیشتر ایالت های امریکا مهاجرت کردند (از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۶۴). اکثر آنها مشغول کشاورزی بودند؛ اما تحت شرایط تنبیهی: بر اساس برخی از گزارش ها، کارگرهای کشاورزی مکزیکی با یک حشره کش قوی به نام ددت به طور مستقیم سم پاشی می شدند (یک حشره کشی که در حال حاضر برای انسان ها سمی و سرطان زا شناخته شده است) .

برنامه نیروی کار کشاورزی مکزیکی بر اساس این تصور بوده است که با ارسال ۱۰ درصد از حقوق ماهیانه این افراد به مکزیکی، مانع از اقامت آنها در امریکا شود. اما بسیاری از این کارگران کشاورزی مکزیکی تنها به این دلیل به مکزیکی برمی گشتند تا پولی را که از دست داده بودند پس بگیرند .

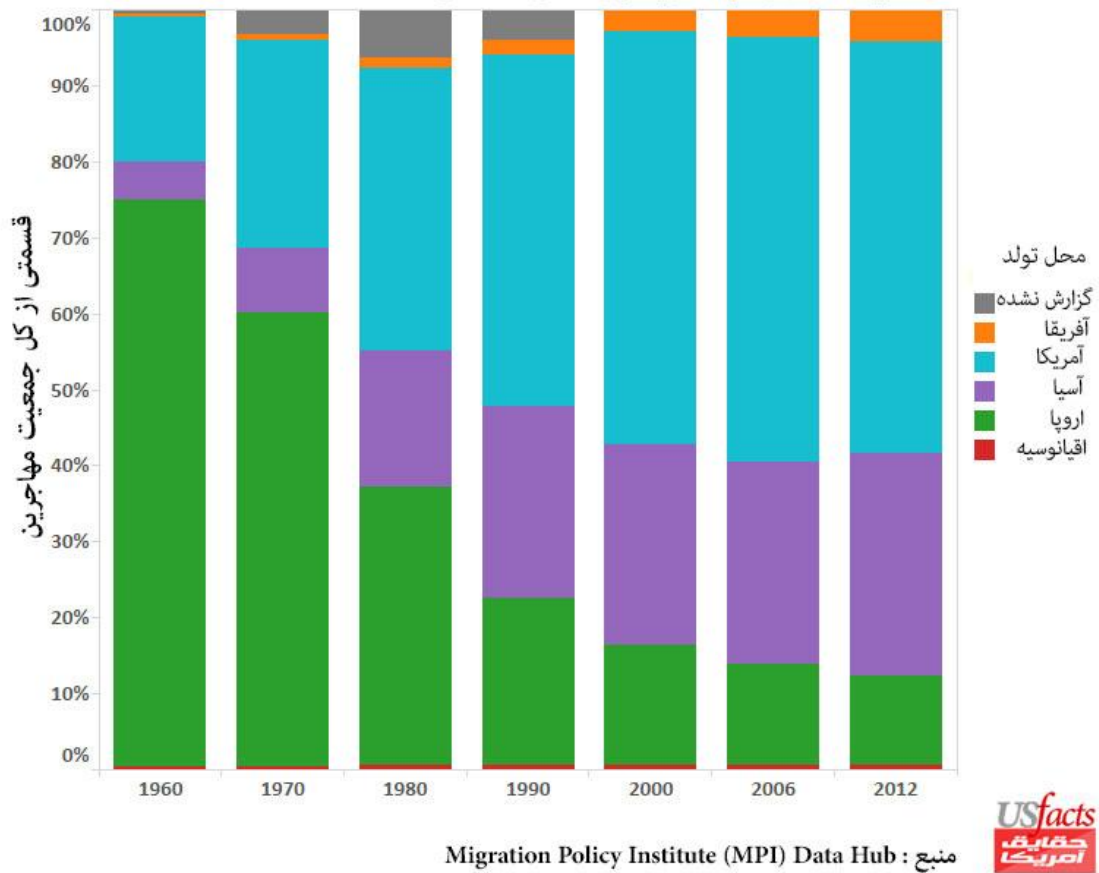
بسیاری از آمریکایی های مکزیکی کنونی از آن قشر کارگران کشاورزی هستند، و خاطره ی بدرفتاری هایی که در آن زمان با آنها می شد، بر عقاید آنها در مورد پیشنهادهای امروزی کارگر - مهمان اثر می گذارد .



آمریکا تنها به یک مقصد جهانی در ۵۰ سال گذشته تبدیل شده است

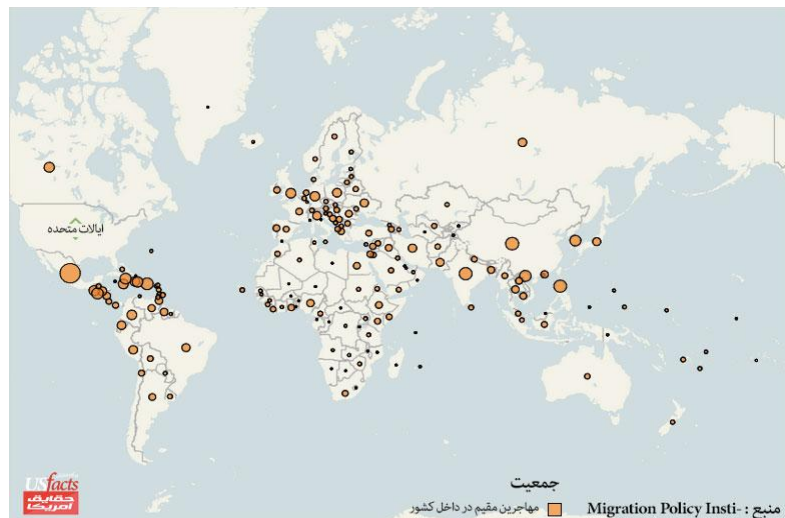
این نمودار بزرگترین موج مهاجرت غیرقانونی در تاریخ آمریکا را به صورت مستند نشان می دهد: از سال ۱۹۹۶، وقتی که اقتصاد آمریکا به یکباره بسیار رونق گرفت و یک قانون باعث شد که مهاجران غیر قانونی سخت تر بتوانند "به صورت قانونی" به آمریکا وارد شوند، تا اواخر سال ۲۰۰۰ که اقتصاد آمریکا با یک رکود روبرو شده است . منحنی خطی (و محور - ایکس سمت چپ) نشان دهنده ی تعداد مهاجرانی است که سالانه به طور غیرقانونی وارد کشور می شوند. و نمودار میله ای (محور - ایگرگ سمت راست) تعداد تخمین زده شده از مهاجران غیرقانونی را نشان می دهد که در آن زمان در آمریکا زندگی می کرده اند .

جمعیت مهاجران به آمریکا بر اساس محل تولدشان از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۲



مهاجرین از همه‌جای دنیا می‌آیند

از سال ۱۹۶۵ ورود مهاجرین به ایالات متحده آمریکا به پدیده‌ای کاملاً جهانی تبدیل شده است. دانستن این موضوع یک چیز است و این که آن را پیش‌روی خود ببینید چیز دیگری است .





بزرگترین کلان-شهرهای آمریکا با جمعیت بیش از دو میلیون نفر (۲۰۰۸) ■: شهرهای با جمعیت بین ۲ میلیون و ۳ میلیون نفر ■ شهرهای با جمعیت بین ۳ میلیون و ۵ میلیون نفر ■ شهرهای با جمعیت بین ۵ میلیون و ۶ میلیون نفر

آمار تکان دهنده از تجاوز به زنان، مردان و کودکان در آمریکا



طبق آمار یک سازمان مدنی آمریکایی در آمریکا در هر ۹۸ ثانیه یک تجاوز به عنف صورت می گیرد و در هر ۸ دقیقه یک کودک قربانی تجاوز می شود . العالم – آمریکا

به گزارش پایگاه خبری الجزیره، روزنامه "یو اس اس تودی" به نقل از یک شبکه ملی آمریکایی ویژه رصد تجاوز و اهانت، نوشت قربانیان تجاوزات جنسی که به طور میانگین در کمتر از یک و نیم دقیقه رخ می دهد هم زنان هستند و هم مردان.

این شبکه در گزارش خود نوشت دختران دانشجوی بین ۱۸ تا ۲۴ ساله سه برابر بیشتر از دیگر زنان مورد تجاوز قرار می گیرند.

بر اساس همین آمار میانگین تعداد قربانیان تجاوز در آمریکا هر سال به ۳۲۱ هزار نفر می رسند که اغلب ۱۲ ساله به بالا هستند.

طبق این آمار، ۵۴ درصد از قربانیان از ۱۸ تا ۳۴ ساله هستند.

روزنامه "اونیلا پرکینز" نیز به نقل از شورای مبارزه با تجاوزات جنسی در فلوریدا نوشت ۲۰ درصد از مردان در این ایالت مورد تجاوز قرار گرفته اند. این شورا در گزارش خود آورده است که از هر شش زن یک نفر در مقطعی از زندگی خود مورد تجاوز قرار گرفته است.

پیوست ۷ آمریکایی ها خواهان استقلال ایالت های خود هستند

نظر سنجی ۲۰۰۸ زاگی اینترنشنال نشان داد که ۲۲ درصد آمریکایی ها معتقد بودند که هر ایالت یا منطقه ای حق دارد به صورت صلح آمیز جدا و تبدیل به یک جمهوری مستقل شود طی سال ۲۰۱۲ طومارهایی به وب سایت کاخ سفید ارسال شد و در آنها خواسته شد که به هر یک از ۵۰ ایالت اجازه جدایی داده شود. درخواست استقلال ایالت های تگزاس، کارولینای جنوبی، جورجیا، لوئیزیانا، میسوری، تنسی، کارولینای شمالی، آلاباما، اوکلاهما و اوهایو بیش از ۲۵ هزار امضا داشت .

به این ترتیب دولت موظف شد به درخواست آنها جواب بدهد. نزدیک به ۷۰۰ هزار نفر این طومار را امضا کردند که تنها معادل ۲ دهم درصد جمعیت آمریکا است طومار استقلال تگزاس با ۱۱۸ هزار امضا بیشترین تعداد امضا را در میان ایالات داشت اما این رقم هم کمتر از نیم درصد جمعیت تگزاس است ایالت هایی که این طومار در آنها از بیشترین حمایت برخوردار بود همگی جز ایالاتی بودند که بیشترین گرایش را به "میت رامنی"، رقیب باراک اوباما نشان دادند .

چرا جدایی طلبی در آمریکا؟

پنج سال بعد از صدور اعلامیه استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶ پیمان اتحادی میان ۱۳ ایالت پیشگام به امضا رسید و به تدریج با تصور و خرید سرزمین های دیگر تعداد ایالت های متحد افزایش یافت اما کمتر از یک قرن بعد در سال ۱۸۶۰ که لینکلن رئیس جمهور جدید به دنبال لغو برده داری بود، ایالت کارولینای جنوبی از ایالات متحده جدا شد و به دنبال آن چند ایالت دیگر اعلام استقلال کردند این ایالات که نام «ایالات مؤتلفه آمریکا» برخوردار بود سال ۱۸۶۵ از ایالات شمالی شکست خوردند و به اتحاد بازگشتند با این حال سودای جدایی طلبی همواره در ایالت متحده وجود داشته در سال ۲۰۱۲ روزنامه آلمانی "دی ولت" نوشت در هر یک از ۵۰ ایالت آمریکا گروهی از شهروندان خواستار جدایی از

دولت فدرال بدون وقوع جنگ داخلی هستند تگزاسی‌ها در رأس فهرست جدایی طلبان هستند که باور دارند همه نیازهای دولت فدرال اعم از غذا، لباس و نیرو را آنها تأمین می‌کنند اما به اندازه هزینه، منافع بدست نمی‌آورند.

آنها با استناد به اعلامیه استقلال آمریکا استدلال می‌کنند هر زمانی که حکومت به یک رژیم ویرانگر تبدیل شود مردم حق دارند آن را تغییر دهند یا با نابودی آن حکومت جدیدی برپا کنند.

برخی ایالت‌ها در سه دهه اخیر فعالیت‌هایی انجام داده‌اند که به منزله تحرکات جدایی طلبانه می‌توان قلمداد نمود در ادامه به لیست این نوع فعالیت‌ها اشاره می‌گردد.

تحرکات جدایی طلبانه از دهه ۸۰ تا کنون

آلاسکا: در نوامبر ۲۰۰۶ دادگاه عالی آلاسکا در پرونده کولهایس علیه ایالت اعلام نمود که جدایی غیرقانونی است و اجازه نداد تا با برگزاری یک همه پرسی در میان مردم این ایالت جدایی طلبی از آمریکا به رأی گذارده شود حزب استقلال آلاسکا یکی از نیروهای فعال در این حوزه محسوب می‌گردد.

جدایی طلبی کالیفرنیا: برخی گروه‌های مردمی فعال در این ایالت خواهان استقلال آن از ایالات متحده هستند، آنها یک نشست در حمایت از جدایی طلبی در ۱۵ آوریل ۲۰۱۲ برگزار نمودند تا در مورد پیشرفت هدف خود به بحث و گفت‌وگو بنشینند.

جورجیا: در اول ماه آوریل ۲۰۰۹، سنای ایالتی جورجیا قطعنامه ۴۳-۱ را تصویب نمود که براساس آن ایالت‌ها می‌توانستند از اجرای قوانین فدرال سرباز زنند.

در این قطعنامه همچنین اعلام شد که اگر کنگره برخی اقدامات به مانند محدود ساختن تسلیحات یا مهمات را اجرا نماید، دولت ایالت متحده دیگر وجود نخواهد داشت.

هاوایی: جنبش خود مختاری هاوایی دارای برخی گروه‌های فعال است که تاکنون توانسته‌اند امتیازاتی را از ایالات هاوایی کسب نمایند برای مثال در مارس ۲۰۱۱ عبارت معاهده الحاق از یک تندیس حذف کردیم.

با تصمیم دادگاه عالی آمریکا برای رسیدگی به پرونده ناحیه کلمبیا علیه هلر در اواخر سال ۲۰۱۷ در اوایل سال ۲۰۰۸ جنبشی در منتانا آغاز گردید و حداقل ۶۰ مقام منتخب این ایالت اعلام کردند که اگر متمم دوم طوری تفسیر گردد که حقوق افراد را محدود نماید جدایی احتمالی از آمریکا مورد بحث قرار خواهد گرفت.

کارولینای جنوبی: در ماه می ۲۰۱۰ گروهی با عنوان جمهوری سوم کالمتو در کارولینای جنوبی اعلام موجودیت نمود عنوان این گروه اشاره به این واقعیت بود که ایالات مذکور دوبار تاکنون اعلام استقلال کرده است یک بار در سال ۱۷۷۶ و بار دیگر در سال ۱۸۶۰

این گروه به مانند گروه "جمهوری دوم ورمونت" بوده و اعلام داشته که هدفش استقلال و آزادی کارولینای جنوبی و عدم ورود به هر سیستم فدرال دیگر است.

جنبش جدایی طلبی تگزاس: گروه جمهوری تگزاس فعالیت‌های مجادله برانگیز خود را در اواخر دهه ۱۹۸۰ آغاز نمود این گروه به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد.

در سال ۲۰۰۹ ریک پری فرماندار تگزاس، در یکی از نشست‌های حزب جمهوری خواه مسئله جدایی را مطرح نمود و اعلام داشت تگزاس مکانی منحصر به فرد است وقتی در سال ۱۸۴۵ وارد ایالات متحده شدیم یکی از مسائل این بود که هرگاه بخواهیم می‌توانیم از آن خارج شویم امیدوارم که آمریکا و بالاخص واشنگتن بدین مسئله توجه داشته باشند اگر واشنگتن به تحقیر مردم آمریکا ادامه دهد چه کسی می‌داند که در آینده چه چیزی ممکن است رخ دهد؟

ورمونت : جمهوری دوم ورمونت که در سال ۲۰۰۳ تأسیس گردید شبکه متشکل از چندین گروه است که خود را به عنوان شبکه شهروندان غیر خشونت طلب و نیز یک اتاق فکر مخالف با استبداد آمریکای شرکتی و دولت ایالات متحده معرفی می‌نماید .

این شبکه سعی دارد از طرق صلح آمیز ایالت ورمونت را بار دیگر مستقل ساخته و در نهایت ایالت متحده را تجزیه نماید .

این گروه همکاری نزدیکی با مؤسسه میدلبوری دارد در سال ۲۰۰۴ و پس از برگزاری نشستی در ایالت ورمونت تأسیس شد. در ۲۸ اکتبر ۲۰۰۵ فعالین این جنبش کنفرانس استقلال ورمونت را برگزار نمودند اولین گردهمایی ایالتی در مورد جدایی از ایالات متحده پس از اینکه کارولینای شمالی در ۲۰ می ۱۸۶۱ تصمیم به استقلال گرفت .

این فعالین همچنین در نشست‌های جدایی طلبانه ملی که در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ توسط مؤسسه میدلبوری برگزار شدند نیز شرکت نمودند .

در این نشست‌ها ده‌ها گروه از سراسر آمریکا حضور یافتند .

جمهوری لاکوتا : برخی از ساکنین لاکوتا در مونتانا ویومنگ، نبراسکا، داکوتای شمالی و داکوتای جنوبی یک جمهوری تشکیل دادند تا استقلال ملتی را بدست آورند که همیشه دارای حاکمیت ملی بوده و به میل خود به ایالات متحده نپیوسته است بنابراین آنها در حقیقت خود را جدایی طلب نمی‌دانند .

کالیفرنیا : روزنامه تروود با اشاره به برگزاری نشست بین‌المللی مبارزان برای استقلال که در روز ۲۵ ماه جاری در مسکو برگزار خواهد شد اعلام کرد بیشتر ساکنان ایالت کالیفرنیا خواهان استقلال هستند و موضوع جدایی کریمه را الگوی مناسبی در این باره می‌دانند و امیدوارند روسیه در این زمینه به آنها کمک کند

وی آنچه را که پیش از بقیه موارد ساکنان کالیفرنیا را از حکومت مرکزی ناراحت و خشمگین کرده سیاست‌های مالیاتی عنوان کرد . مارلین می‌گوید: به لحاظ تاریخی دلایل زیادی برای جدایی کالیفرنیا وجود دارد زیرا این ایالت بیش از ظهور ایالت متحده آمریکا وجود داشته و تا سال ۱۸۵۰ میلادی مستقل بوده است تا اینکه بدون دریافت دیدگاه مردم به ایالات متحده ضمیمه شد .

وی افزود: ما امیدواریم که از کمک روسیه و دیگر کشورها در این راه برخوردار شویم و پس از آنکه در همه پرسی پیروز شدیم جامعه جهانی ما را به رسمیت بشناسد .

این فعال آمریکایی گفت: ما اگر مستقل شدیم سیاست خارجه صلح طلبانه‌ای خواهیم داشت و سیاست قلدری بین‌المللی را که دولت آمریکا در پیش گرفته کنار خواهیم گذاشت .

تگزاس : جنبش ملی گرای تگزاس آمریکا اطمینان دارد مردم این ایالت در سال ۲۰۱۸ به استقلال آن از آمریکا رأی می‌دهند و اکنون فرماندار این ایالت باید به درخواست تگزیت مردم آن پاسخ دهد .

تگزاس پیش از این نیز در سال ۱۸۶۱ یعنی ۱۵۵ سال پیش از ایالات متحده جدا شد و به عضویت ایالات مؤتلفه آمریکا درآمد گروهی که با شکست در جنگ داخلی آمریکا تگزاس را مجدداً مجبور به عضویت در ایالات متحده کرد .

اکنون به نظر می‌رسد که تاریخ در حال تکرار خود است چرا که با به جریان افتادن جنبش ناسیونالیست تگزاس احتمال تکرار این مسئله به زودی وجود خواهد داشت .

دنیل میلر رئیس این جنبش روز جمعه با انتشار بیانیه‌ای در این باره اعلام کرد پیروزی حامیان خروج از اتحادیه اروپا در انگلیس درها را برای تگزیت و داشتن مکالمه‌ای بزرگانه درباره استقلال و رأی نهایی مردم باز کرد .

با کسب ۲۶۱ هزار و ۲۳۱ حامی در وب سایت رسمی‌اش جنبش ناسیونالیست تگزاس از مردم این ایالت خواسته تا باز هم به این جنبش بپیوندند و فشار را بر گرگ ابوت، فرماندار این ایالت جهت فراهم کردن مقدمات رأی استقلال از آمریکا افزایش دهند .

به گفته میلر، تگزاس با داشتن اقتصادی به ارزش ۱.۶ تریلیون دلار در صورت جدایی از ایالات متحده در بین ۱۰ اقتصاد برتر جهان جای خواهد گرفت .

پیوست ۸ آمارهای تکان دهنده از مصرف مشروبات الکلی در آمریکا

چهارشنبه ۶ فروردین ۱۳۹۳ ساعت ۲۳:۲۲

درحالی که خبرگزاری‌های غربی از اعتیاد هزاران نفر در سایر نقاط جهان به الکل گزارش می‌دهند آمارها نشان می‌دهد که در آمریکا نزدیک به ۱۴ میلیون معتاد به الکل وجود داشته و میلیون‌ها تن نیز در مصرف آن افراط می‌کنند .

به گزارش جهان به نقل از ایرنا، براساس گزارش‌های پایگاه اینترنتی 'اطلاعات درباره مشروبات' این پایگاه اینترنتی آمارها و حقایق مربوط به مصرف مشروبات الکلی در آمریکا را از بررسی‌ها و پژوهش‌های انجام شده در آن کشور که در اینترنت منتشر شده گردآوری کرده است .

در این گزارش آمده است که تقریباً شش میلیون و ۶۰۰ هزار نوجوان کمتر از ۱۸ سال در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که حداقل یکی از والدین الکلی است .

هنگامی که این نوجوانان به سالهای آخر دبیرستان می‌رسند ۸۰ درصد آنان مشروب خورده و نزدیک به ۶۲ درصد نیز مست کرده‌اند .

آمارها نشان می‌دهد که سالانه ۵۰۰ هزار نفر در ایالات متحده با مصرف مشروبات مسموم می‌شوند و هر هفته تقریباً یک تن جان خود را بر اثر این مسمومیت قابل پیشگیری از دست می‌دهد .

براساس آمارهای سال ۲۰۰۲ مصرف مشروبات در آمریکا، دو میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از جوانان بین ۱۲ تا ۱۷ سال برای عیاشی مشروب مصرف می‌کنند .

یک بررسی نشان می دهد که ۵۶ درصد جوانان آمریکایی پنج تا ۱۲ ساله اعلام کرده اند که تبلیغات مربوط به استفاده از نوشابه های الکلی آنها را تشویق به نوشیدن آنها می کند .

الکلیم و سوء استفاده از الکل سومین عامل عمده مرگ و میر قابل پیشگیری در آمریکا محسوب می شود .

آمارهای تصادفات در این کشور نشان می دهد که روزانه ۶۵ نفر در تصادفات جاده ای به هلاکت می رسند که الکل مصرف کرده اند .

همچنین این آمار حاکیست که سه میلیون نوجوان بین ۱۴ تا ۱۷ ساله در آمریکا در شمار افراد معتاد به الکل هستند .

آمارهای جمع آوری شده از سوی این پایگاه اینترنتی حاکیست که در سال های دهه ۱۹۶۰ میلادی هفت درصد دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله به الکل اعتیاد داشتند اما این رقم در سال های اول دهه ۱۹۹۰ به ۳۱ درصد افزایش یافت .

پژوهش ها همچنین نشان می دهد که ۲۵ هزار آمریکایی در سال ۱۹۹۸ در حوادث رانندگی کشته و بیش از ۵۰۰ هزار تن مجروح شدند .

مصرف دراز مدت و افراط در نوشیدن الکل عامل عمده بیماری و مرگ ناشی از نارسایی های کبدی است .

خسارات ناشی از درمان نکردن سوء مصرف مواد مخدر و الکل در یک سال در آمریکا از نظر ضررهای تولیدی، هزینه های

اجرای قانون، مراقبت های بهداشتی و برنامه های رفاهی به ۲۷۶ میلیارد دلار می رسد که بسیار تکان دهنده است .

رانندگان مست مسئول ۵۰ درصد از تلفات رانندگی در بزرگراه ها هستند .

براساس این آمار ۹۵ درصد الکلی ها بر اثر ابتلا به بیماری و تقریباً ۲۶ سال زودتر از یک انسان معمولی جان می سپارند .

پیوست ۹ آمار تکان دهنده از مصرف مواد مخدر در آمریکا

وکیل و نویسنده آمریکایی با ارائه آمار تکان دهنده ای از مصرف مواد مخدر در آمریکا تاکید کرد: بسیاری از کسانی که

هم اکنون مسئول سلامت مردم هستند، همه تلاش خود را صرف توزیع مواد مخدر قانونی در جامعه آمریکا کرده اند .

به گزارش واحد مرکزی خبر از نیویورک، مایکل تی سیندر در مقاله ای با عنوان « نوزده آمار درباره مصرف مواد

مخدر در آمریکا که پذیرش آنها بسیار دیوانه کننده است» که در پایگاه اینترنتی

www.thesleuthjournal.com منتشر شد می نویسد: مردم آمریکا بیشترین آمار مصرف مواد مخدر را

در تاریخ کره زمین دارند .

این وکیل آمریکایی با اشاره به نگاه رسانه های آمریکا که فقط به موضوع مواد مخدر غیرقانونی می پردازند، تصریح کرد:

حقیقت این است که تعداد معتادان آمریکایی به مواد مخدر قانونی، به مراتب بیشتر از تعداد آمریکاییهایی است که به

مواد مخدر غیر قانونی معتاد هستند .

وی می افزاید: در حال حاضر حدود هفتاد درصد از آمریکاییها در حال استفاده از حداقل یک نوع مواد مخدر قانونی و

تجویز شده از سوی پزشک هستند. علاوه بر این شصت میلیون آمریکایی نیز به مصرف نادرست و بی رویه الکل اعتیاد

دارند و ۲۲ میلیون آمریکایی از مواد مخدر غیرقانونی استفاده می کنند .

مایکل سیندر از حقایق این آمار معضلات اجتماعی در جامعه آمریکا چنین نتیجه گیری کرده است که: این ارقام بدان

معناست که تقریباً با هرکس که در آمریکا برخورد می کنید، به یکی از مواد مخدر آلوده است .

وی می افزاید: این آمار و ارقام کاملاً دیوانه کننده به نظر میرسد اما حقیقت دارد، ما به معنای واقعی کلمه در حال

مصرف مواد روانگردان هستیم، در واقع امروزه هفتاد میلیون آمریکایی در حال مصرف مواد مخدر روانگردان هستند .

این وکیل آمریکایی در ادامه با تعبیری کنایه آمیز مینویسد: اگر به نظر می رسد این روزها بیشتر مردم نمیتوانند درست فکر کنند، به این علت است که نمی دانند، ما به مواد مخدر قانونی خود دل خوش کرده ایم و این موضوع با گذشت هر سال در حال بدتر شدن است .

مایکل سیندر، در ادامه به واقعیت اجتماعی مهم دیگری در جامعه آمریکا اشاره میکند و می افزاید: با توجه به این واقعیت که شرکتهای بزرگ با توزیع مواد مخدر در میان مردم ، چگونه دهها میلیارد دلار سود میبرند، انتظار نداشته باشید که چیزی به این زودی تغییر کند .

این نویسنده آمریکایی با بسیار دیوانه کننده خواندن پذیرش ۱۹ آماري که جمع آوری کرده، این موارد را به این شرح تشریح کرده است .

۱. عددی حیرت انگیز معادل ۷۰ میلیون آمریکایی امروزه در حال مصرف داروهای روانگردان قانونی هستند .

۲. با توجه به آمار مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری، در سال ۲۰۱۰ میلادی، پزشکان بیش از ۲۵۰ میلیون نسخه

برای داروهای ضد افسردگی نوشته اند .

۳. با توجه به مطالعه صورت گرفته از سوی کلینیک مایو، در حال حاضر برای حدود هفتاد درصد از آمریکاییها، حداقل

یک نوع مواد مخدر در حال تجویز است، آمار حیرت انگیز دیگر اینکه برای ۲۰ درصد از آمریکاییها حداقل پنج نوع مواد

مخدر در حال تجویز وجود دارد .

۴. آمریکاییها در سال ۲۰۱۳ میلادی بیش از ۲۸۰ میلیارد دلار برای مواد مخدر تجویز شده از سوی پزشکان پرداخت

کرده اند .

۵. با توجه به آمار مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری، از هر ۱۰ آمریکایی که حداقل ۶۰ سال دارند، حدود ۹ نفر می

گویند که آنها در ماه گذشته لاقط یک ماده مخدر تجویز شده مصرف کرده اند .

۶. شصت میلیون آمریکایی مصرف نادرست و بی رویه الکل دارند .

۷. طبق آمار دفتر سلامت و خدمات انسانی، ۲۲ میلیون آمریکایی از مواد مخدر غیرقانونی استفاده می کنند .

۸. باور کردنی نیست، اما بیش از ۱۱ درصد از آمریکاییها که ۱۲ سال یا بیشتر دارند، اعتراف میکنند که در طول سال

گذشته حداقل یک بار با حالت مستی رانندگی کرده و به خانه رفته اند .

۹. مطابق آمار مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری، در آمریکا هر ۱۹ دقیقه یک مرگ ناشی از مصرف غیرعمدی بیش

از حد مواد مخدر وجود دارد .

۱۰. امروزه در ایالات متحده آمریکا، تجویز مسکن های ضد درد در مقایسه با مجموع هروئین و کوکائین، آمریکاییهای

بیشتری را می کشد .

۱۱. بنا بر آمار مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری، در آمریکا از هر یک میلیون نفر، در هر سال حدود هفتصد و پنجاه

هزار نفر به علت عوارض جانبی مواد مخدر دارویی، مراجعه اضطراری به اورژانس دارند .

۱۲. مطابق آمار مرکز خبری آلترنت که البته اخباری غیر رسمی است، یازده مورد از دوازده داروی به بازار آمده و

تأیید شده از سوی اداره غذا و دارو آمریکا در سال ۲۰۱۲ میلادی، سالانه بیش از صد هزار دلار برای هر بیمار هزینه

داشته است .

۱۳. درصد زنان مصرف کننده داروهای ضد افسردگی در آمریکا بیشتر از هر کشور دیگری در جهان است .

۱۴. بسیاری از این داروهای ضد افسردگی در بردارنده این جمله هشدار دهنده هستند که « فکر خودکشی » یکی از

عوارض جانبی این دارو است که خوب است انتظار آن را داشته باشید .
میزان خودکشی آمریکاییهای بین سنین ۳۵ و ۶۴ سال در سال های ۱۹۹۹ و ۲۰۱۰ میلادی حدود ۳۰ درصد افزایش یافته است. در حال حاضر تعداد آمریکاییهایی که به علت خودکشی از دنیا می روند، بیش از تعداد آمریکایی هائی است که سالانه به علت حوادث رانندگی کشته می شوند .

۱۵. در سال ۲۰۱۰ میلادی نوجوانان به طور متوسط در آمریکا یک یا دو نوع از داروهای مربوط به سیستم مرکزی اعصاب را مصرف کرده اند، این داروها نوعی مواد مخدر هستند که برای مداوای بیماریهایی مانند احساس حقارت و افسردگی استفاده می شوند .

۱۶. کودکان آمریکایی در مقایسه با کودکان اروپایی، سه برابر بیشتر احتمال دارد که برایشان داروهای ضد افسردگی تجویز شود .

۱۷. گزارش تکان دهنده دفتر پاسخگویی دولت مشخص کرده است که حدود یک سوم از همه فرزندخوانده ها در آمریکا در حال مصرف حداقل یکی از داروهای روان درمانی هستند .

۱۸. تحقیقات موسسه ملی سوء مصرف مواد مخدر حاکیست بیش از ۱۵ درصد از همه دانش آموزان سال بالای

دبیرستانها در آمریکا، مصرف بی رویه ای از داروهای تجویز شده دارند .

۱۹. یازده شرکت داروسازی بزرگ آمریکا در مجموع در سال ۲۰۱۲ میلادی حدود ۸۵ میلیارد دلار سود برده اند و

این معلوم می کند که خرید و فروش مواد مخدر بسیار سودآور است .

مایکل سیندر پس از ارائه آمار و ارقام یادشده به تحلیل فرهنگی و روانشناختی موضوع مصرف دارو در آمریکا می پردازد و می نویسد: امروزه در آمریکا پزشکان اینطور تربیت شده اند که فکر کنند برای هر مشکل، تنها دو راه حل بالقوه وجود دارد، در هر صورت شما به عنوان یک پزشک باید یا یک قرص تجویز یا بیمار را عمل جراحی کنید چون جراحی و دارو، تقریباً تنها گزینه هایی است که پزشکان به مردم می دهند .

وی به علتی فرهنگی در این زمینه هم اشاره می کند و می افزاید: رگبار بی پایان تبلیغات تلویزیونی نیز همه مردم

آمریکا را چنین تربیت کرده که فکر کنند برای هر مشکل قرصی وجود دارد .

او در ادامه با قدری مبالغه، طنز و کنایه چنین می نویسد: - آیا درد دارید؟

- کافی است یک قرص بخورید .

- آیا احساس افسردگی می کنید؟

- کافی است یک قرص بخورید .

- آیا به جرقه ای در ازدواجتان نیاز دارید؟

- کافی است یک قرص بخورید .

مایکل سیندر در ادامه با آسیب شناسی فقر اطلاعاتی مردم آمریکا می نویسد : بیشتر آمریکایی ها چنین گمان می

کنند که همه این قرصها کاملاً بی خطر

هستند .

وی در ادامه جهت اصلی پیکان نقد خود را متوجه اولیاء امور میکند و می نویسد: در نهایت، این دولت است که هرگز

نباید چیزی را که بی خطر نیست، تأیید کند .

شاید مهمترین نکته این مقاله وکیل آمریکایی اشاره به همدستی پشت پرده و پنهانی دولت و شرکتهای دارویی است.

وی با ابراز تأسف از این حقیقت تلخ و مخفی می نویسد: چیزی که بیشتر آمریکاییها نمی دانند این است که بین شرکتهای دارویی بزرگ و سازمانهای دولتی، یک در چرخنده و دوار وجود دارد که ظاهرا بده بستان آنها را تنظیم و تعدیل می کند .

وی همچنین به یک نکته فرهنگی در افکار عمومی مردم آمریکا اشاره می کند و می نویسد: ما به ملتی از افراد نادان و معتاد تبدیل شده ایم و همه این جریان به عنوان امری قانونی رخ داده است .
این وکیل آمریکائی می نویسد: نکته خنده دار این است که بسیاری از این مواد مخدر قانونی نسبت به موارد مشابه غیر قانونی خود فقط کمی در ترکیبات تفاوت دارند .

مایکل تی سیندر در پایان با اعتراف ضمنی و البته نقادانه به روحیه لذت طلب و خوشگذران مردم آمریکا این سؤال را مطرح می کند که : اگر بیشتر آمریکایی ها درک می کردند که آنچه مصرف می کنند، واقعا چیست، آیا باعث می شد که آنها این کار را متوقف کنند؟ پاسخ نویسنده به پرسش یاد شده این است: شاید برخی این کار را متوقف کنند، اما بیشتر آمریکایی ها کاملا عاشق مواد مخدر خود هستند و ترک دادن آنها کار آسانی نیست .

مایکل تی سیندر، فارغ التحصیل مدرسه بازرگانی مکاینتایر در دانشگاه ویرجینیا است و همچنین از دانشکده حقوق دانشگاه فلوریدا، مدرک حقوق دارد .

وی وکیلی است که با برخی از بزرگترین و برجسته ترین شرکتهای حقوقی در واشنگتن همکاری داشته و در حال حاضر تلاش خود را به تحقیق و نگارش برای بیداری مردم آمریکا اختصاص داده است .

پیوست ۱۰ آمار و ارقام، اعتیاد آمریکایی ها به اسلحه را ثابت می کنند

ارسال شده توسط :محمد قاسمی ۲۰ مهر ۹۵ ساعت ۱۹:۵۱

آمار و ارقام رسمی منتشر شده در رابطه با کشور آمریکا نشان می دهد که سالانه ۱۱ میلیون سلاح گرم در این کشور تولید شده و ۵ میلیون سلاح نیز وارد می شود. در واقع می توان گفت که آمریکایی ها در جهان، بیش از هر فرد دیگری صاحب سلاح گرم هستند. البته نرخ خشونت مربوط به اسلحه در آمار سالهای اخیر آمریکا، ثابت بوده است. اما باز هم سالانه ۳۳،۰۰۰ آمریکایی در اثر شلیک گلوله، جان خود را از دست می دهند. حال یک سؤال مهم وجود دارد: به نظر شما چنین آماری می تواند نشانگر اعتیاد آمریکایی ها به اسلحه باشد؟

گزارش ها ، اعتیاد آمریکایی ها به اسلحه را نشان می دهند

شاید با دیدن این ارقام بسیاری از افراد به دنبال سرزنش کردن انجمن ملی اسلحه (National Rifle Association)، سرزنش اشکال در سیستم بهداشت روانی و ... باشند، اما باید بگوییم افزایش پیدا کردن تعداد شهروندان و تغییر قانون گذاران، می تواند یادآور نیاز به عوض شدن قوانین مربوط به حمل اسلحه باشد.

در نظرسنجی ماه نوامبر که در چندین ایالت مختلف انجام شد، رأی‌دهندگان اعلام کردند که در عوض ممنوعیت استفاده از سلاح‌های گرم، خواستار ممانعت از بروز مشکلات جانبی شدند Gavin Newsom. معاون فرماندار ایالت کالیفرنیا ضمن دفاع از امنیت و سلامت استفاده از سلاح‌های گرم در تمامی زمینه‌ها، اذعان داشت که باید از ورود تمامی خشاب‌هایی با ظرفیت بالا جلوگیری شده و نظارت بیشتری بر روی تمامی فعالیت‌های مربوط به این حوزه اعمال گردد. همچنین، در صورت دزدیده یا مفقود شدن هر سلاح گرمی، باید گزارش آن به پلیس ارائه شود. علاوه بر این، تمامی افراد باید نسبت به دریافت مجوز حمل اسلحه و دریافت تأییدیه مخصوص "Maine Background Check Initiative" اقدام کنند. این قانون شامل افرادی که سلاح گرم خود را پیش از این به ثبت رسانده‌اند نیز می‌شود.

شاید قانون بتواند در هر زمینه‌ای مؤثر باشد. حتی قانون باعث شده تا در حال سال‌های اخیر، نرخ قربانیان سلاح گرم نیز ثابت باشد، اما آماري که پیش از این نیز منتشر شده، می‌تواند بیانگر اعتیاد آمریکایی‌ها به اسلحه باشد.

پیوست ۱۱ آمار اعتیاد اینترنتی در آمریکا ترسناک است! *سند

به گزارش سرویس فرهنگی اجتماعی جام نیوز، کارشناس شبکه تصویر ایران با بیان اینکه اعتیادهای اینترنتی از بیماری‌های جدیدی است که در آمریکا رواج دارد با تاکید بر اینکه هنوز آمار دقیقی از تعداد معتادان به این بیماری وجود ندارد، گفت: «آماري که اخیراً در آمریکا منتشر شده بسیار ترسناک است!»

وی افزود: «این آمار نشان می‌دهد که در آمریکا از هر ۸ نفر یک نفر به یکی از بیماری‌های اعتیاد اینترنتی مبتلا هستند! یعنی تقریباً ۱۰ درصد از جمعیت آمریکا مبتلا به این بیماری است که این آمار بسیار زیادی است.»

کارشناس این شبکه ادامه داد: «این نوع اعتیاد هرچند در میان نوجوانان و جوانان بیشتر رواج دارد ولی فقط مسأله این قشر از جمعیت نمی‌باشد، چرا که بسیاری از بزرگسالان و افراد مسن‌تر نیز هستند که به این نوع اعتیاد مبتلا شده‌اند. به عنوان مثال خیلی از روابط زناشویی بخاطر اینکه یکی از زوجین مبتلا به نوعی بیماری اینترنتی است - که معتاد به نگاه کردن عکس و فیلم‌های سکسی در اینترنت می‌باشد - به هم خورده است!»

آمریکا چگونه به پایتخت اعدام جهان تبدیل شده است؟ به بهانه گزارش احمد شهید؛ + تصاویر

برای آن که آمار واقعی اعدام در آمریکا را بهتر درک کنیم، باید به این نکته توجه کنیم که هر ۲۸ ساعت، در این کشور یک سیاه‌پوست به دست نیروهای پلیس کشته می‌شود؛ نه محاکمه‌ای، نه دادگاهی، نه بازداشتی و نه قانونی؛ این در حالی است که تقریباً ۱۰۰۰ نفر از سال ۱۹۹۹ تاکنون در بازداشت پلیس آمریکا جان خود را از دست داده‌اند.

1 Black Man Is Killed Every 28 Hours by Police or Vigilantes: America Is Perpetually at War with Its Own People

From the war on drugs to the war on terror, law enforcement's battle against minorities serves as pacification.

By Adam Hudson / AlterNet May 28, 2013



55 COMMENTS

Police officers, security guards, or self-appointed vigilantes extrajudicially killed at least 313 African Americans in 2012 according to a recent study. This means a black person was killed by a security officer every 28 hours. The report notes that it's possible that the real number could be much higher.



Photo Credit: Shutterstock.com/Eugene Ivanov

آمریکا در زمره کشورهای پیشرو در حوزه روش‌های مدرن اعدام است

سرزمین فرصت‌ها اتفاقاً در زمره کشورهای پیشرو در حوزه مجازات‌های سنگین برای شهروندان خود است. آمریکا تنها کشور دنیاست که افراد نوجوان و نابالغ را به حبس ابد بدون امکان عفو مشروط محکوم می‌کند [۱۵]. این کشور که دست کم ۷۳ نفر را به خاطر ارتکاب جرم در سن ۱۳ یا ۱۴ سالگی به حبس ابد محکوم کرده است، سال ۲۰۰۶ در مقابل ۱۸۵ کشور ایستاد و به تنهایی به قطعنامه سازمان ملل برای پایان دادن به این نوع مجازات، رأی منفی داد [۱۶]. شاید این‌گونه تصور شود که حبس ابد، به عنوان جایگزینی برای اعدام در آمریکا در نظر گرفته می‌شود، اما واقعیت این است که آمریکایی‌ها تا کنون مبدع چندین و چند روش "مدرن" برای اعدام افراد نیز بوده‌اند.

اعدام به وسیله برق که منشأ آن آمریکاست [۱۷]، معمولاً با استفاده از یک "صندلی الکتریکی" انجام می‌شود. در این روش اعدام، فردی که قرار است اعدام شود را به یک صندلی مخصوص می‌بندند و جریان برق را به وسیله یک الکتروود که روی بدن فرد قرار دارد از بدنش عبور می‌دهند. این روش اعدام که توسط کارمندان "توماس ادیسون" ایجاد شده است تنها در آمریکا، و به مدت چندین دهه در فیلیپین (اولین بار در سال ۱۹۲۴ تحت اشغال آمریکا و آخرین بار در سال ۱۹۷۶) استفاده می‌شد [۱۸]. این روش هنوز هم در برخی ایالت‌های آمریکا مورد استفاده است. در روش اعدام به وسیله برق، اولین اثر جریان الکتریکی، بی‌هوشی فوری و مرگ مغزی است. پس از آن، جریان برق منجر به مرگ اعضای حیاتی بدن می‌شود. مرگ به این روش، اغلب به علت تحریک بیش از حد قلب به وسیله برق صورت می‌گیرد.

که صحت این آمار به هیچ عنوان قابل اثبات نیست [۲۸]. شمار این افراد هر روز ممکن است بیش‌تر یا کم‌تر شود. اما آن‌چه مسلم است این‌که هر فرد محکوم به اعدام در آمریکا به طور متوسط باید ۷.۴ سال برای اجرای حکم، صبر کند. بیش‌ترین مدتی که یک نفر در لیست انتظار اعدام قرار داشته به "گری آلورد" برمی‌گردد که ۳۹ سال، از سال ۱۹۷۳ تا سال ۲۰۱۳، در زندان به سر برد و نهایتاً همان‌جا جان باخت [۲۹].

آمارهای تعجب‌برانگیز دیگری هم در این باره وجود دارد. مثلاً این که هزینه یک پرونده اعدام در آمریکا معادل سه برابر هزینه نگهداری یک زندانی در زندانی با نهایت امنیت به مدت ۴۰ سال است [۳۰]. در حالی که ۱۲ درصد از جمعیت تگزاس سیاه‌پوست هستند، بیش از ۴۰ درصد از افراد لیست اعدام این ایالت [۳۱] را سیاه‌پوست‌ها تشکیل می‌دهند. تگزاس که بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۴ تعداد ۵۲۲ نفر را اعدام کرده بود، سال ۲۰۱۴ تنها ۱۰ نفر را اعدام کرد که این آمار، از سال ۱۹۹۶ تا آن سال، بی‌سابقه بود. در میان شهرهای این ایالت، "هاریس" با ۱۲۲ اعدام آمار بی‌نظیری دارد؛ بیش از هر "ایالت" دیگری، به جز تگزاس [۳۲].

Texas Death Penalty Facts

Executions

The State of Texas has executed 524 people since 1982; of these, 279 occurred during the administration of Texas Governor Rick Perry (2001-2014), more than any other governor in U.S. history. Executions peaked in Texas in 2000, when 40 people were put to death.

In 2014, the State of Texas executed 10 people, the fewest executions to take place in the state since 1996, when 3 people were put to death. Texas accounted for less than 30% of U.S. executions.

Harris County alone accounts for 122 executions, more than any state except Texas. Dallas County accounts for 54 executions, and Bexar accounts for 42.

Death Sentences

New death sentences in Texas have dropped nearly 80% since 1999. Juries condemned 11 new individuals to death in Texas in 2014. Death sentences peaked in 1990, when juries sent 48 people to death row. In 2010, new death sentences fell to their lowest number since the U.S. Supreme Court upheld Texas' revised death penalty statute in 1976.

Just five counties – 2% of the 254 counties in Texas – account for 60% of new death sentences since 2010.

Over the last five years, 60% of all new death sentences in Texas have been imposed on African-Americans.

While African-Americans comprise only 12% of the population of Texas, they comprise 41.8% of death row inmates, according to the Texas Department of Criminal Justice (TDCJ). Hispanics comprise 28.2% of the death row population, and whites comprise 20.1%.

As of May 1, 2015 TDCJ counted 259 death row inmates, which includes 7 women. This remains the lowest Texas death row population since the late 1980s, according to research by TCADP. More than one-third of these individuals were convicted in Harris County. Texas has the third-largest death row population in the nation, after California (751) and Florida (394).

هزینه پیگیری پرونده‌های اعدام از زندانی کردن افراد بسیار بیشتر است

به نظر می‌رسد اعدام کردن یا نکردن افراد در آمریکا انگیزه‌ای فراتر از ادعای حقوق بشر داشته باشد. این مسئله را می‌توان از محکومیت اشتباه ۱۵۰ نفر از سال ۱۹۷۳ تا کنون به اعدام و همین‌طور وجود شواهد متقن درباره اعدام افراد بی‌گناه به خصوص در ایالت تگزاس، از جمله "کارلوس دی‌لونا"، "روبن کانتو" و "کامرون تاد ویلینگهام" [۳۳]، به خوبی درک کرد. چه بسا هزینه‌های زیاد پیگیری پرونده‌های اعدام، دلیل بی‌رغبتی برخی ایالت‌ها به اجرای این حکم و از سویی، تلاش برای قاطع نشان دادن دادگاه‌ها در مقابل مجرمین، انگیزه‌ای برای سیاست "اعدام حداکثری" در ایالت‌های دیگر آمریکا باشد.

پیوست ۱۲ آمارهای خوفناک از حوادث تیراندازی در آمریکا

تیراندازی در فرودگاه "فورت لادرداله" در ایالت فلوریدای آمریکا، بار دیگر زنگ خطری برای خطرهای ناشی از حمل سلاح توسط مردم در آمریکا بود.



به گزارش گروه بین‌الملل باشگاه خبرنگاران جوان به نقل از العالم؛ روز جمعه، بر اثر تیراندازی فردی در فرودگاه "فورت لادرداله" در ایالت فلوریدا، ۵ نفر کشته و عده ای زخمی شدند. مشابه چنین حادثه ای، هزاران بار در سال های گذشته در آمریکا تکرار شده است.

طبق آمارهای مربوط به حوادث تیراندازی در آمریکا، در ۹ ماه اول سال ۲۰۱۶، حدود ۶ هزار مورد تیراندازی در مناطق مختلف آمریکا روی داد و بر اثر این تیراندازی ها دست کم ۱۵ هزار نفر کشته و بیش از ۳۰ هزار نفر زخمی شدند.

درمیان کشته شدگان بیش از ۶۰۰ کودک زیر یازده سال و بیش از سه هزار فرد بین ۱۲ تا ۱۷ سال بود، درحالیکه موارد کشتار جمعی به حدود ۴۰۰ مورد رسید.

طبق این آمارها، حدود ۲۵۰۰ مورد از تیراندازی ها در جریان عملیات سرقت مسلحانه از منازل روی داد، درحالیکه موارد دفاع از خود کمتر از دو هزار بود.

درسال ۲۰۱۵، موارد تیراندازی از ۵۳ هزار مورد فراتر رفت و درمجموع، بیش از ۱۳ هزار کشته برجای گذاشت که این آمارها به آمارهای سال قبل از آن که موارد تیراندازی از ۵۱ هزار مورد بیشتر بود، نزدیک بود.

طبق اعلام مرکز آمارهای حوادث تیراندازی، این حوادث، تا شب پایانی سال ۲۰۱۶ ادامه یافت، به طوری که در شب سال نو، ۱۵ نفر کشته و ۳۹ نفر مجروح شدند.

حمل سلاح درمیان مردم آمریکا به شکلی قابل توجه افزایش یافته است و بحرانی برای دولت باراک اوباما رئیس جمهوری فعلی که دوره فعالیتش رو به اتمام است، به وجود آورده است.

تلاش های دولت اوباما برای تغییر قوانین حق حمل اسلحه در مقابله با گروه های فشار قوی مدافع از حقوق افراد در داشتن سلاح ناکام ماند.



وزارت دفاع آمریکا به تازگی طی بیانیه‌ای آمار تجاوز به سربازان ارتش این کشور را بیش از ۶ هزار مورد اعلام کرده است.

به گزارش خبرگزاری خاورمیانه به نقل از وزارت دفاع آمریکا، بعد از گمانه‌زنی در مطبوعات آمریکایی، بالاخره پنتاگون در بیانیه‌ای اعتراف کرد که تنها در سال ۲۰۱۵ بیش از ۶ هزار مورد تجاوز به سربازان آمریکایی در ارتش این کشور به صورت رسمی ثبت شده است.

در بیانیه وزارت دفاع آمریکا آمده است که به نسبت سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴، در سال ۲۰۱۶ آمار تجاوزهای اعلام شده به این وزارتخانه بالغ بر سه هزار و ۶۰۴ مورد افزایش داشته که آماری سرسام‌آور است.

نت گالبرس، مشاور اجرایی دفتر مقابله با تجاوز جنسی در پنتاگون در این خصوص به رسانه‌های آمریکایی گفته است: در ارتش برای این امر سزایی در نظر گرفته نشده است و به همین دلیل آمار تجاوز در صفوف ارتش آمریکا روز به روز در حال افزایش است. اما بی شک با آن برخورد خواهد شد.

وی افزود: بیشتر از ۴۰٪ درصد زنان در ارتش آمریکا قربانی تجاوز از سوی همکاران خویش می شوند و در مقابل تنها ۱۰٪ درصد مردان در ارتش آمریکا مورد تجاوز واقع می شوند، اما در سال ۲۰۱۶ این آمار افزایش داشته و بالغ بر ۱۹٪ درصد مردان ارتش آمریکا مورد تجاوز واقع شدند.

همچنین در بیانیه پنتاگون آمده است که در سال گذشته بالغ بر ۶۸٪ درصد این تجاوزها از طرف دوستان و همکاران خود قربانیان انجام شده است و در مقابل ۳۸٪ درصد تجاوزها هم با قصد انتقام‌گیری به وقوع پیوسته است.

پیوست ۱۳ وضعیت حقوق بشر آمریکا در آینه رسانه‌ها آمریکا رکورددار آمار قتل و جنایت در جهان



نتایج تحقیق اندیشکده امنیتی برزیلی ایگراپه نشان می‌دهد که آمریکا از لحاظ آمار قتل و جنایت در رتبه اول جهان قرار دارد .

به گزارش گروه رسانه های خبرگزاری تسنیم، حقوق بشر موضوعی است که صرفاً بهانه ای شده برای اعمال فشارهای سیاسی به ایران تا شاید به خیال خود از این طریق بتوانند قدری از محبوبیت ایران در منطقه بکاهند و از گسترش ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران در بین دولت‌ها و ملت‌ها جلوگیری کنند.

متأسفانه ساختارهای بین‌المللی حمایت از حقوق بشر و برخی کشورهای غربی که همواره خود را جزء پاسداران و مدافعان انحصاری حقوق بشر در جهان معرفی می‌کنند، در عرصه حقوق بشر رویکردی تبعیض آمیز، دوگانه، غیر مستقل و غیرمنصفانه در پیش گرفته و با عملکردی متناقض، سابقه سیاه و تلخی از خود برجای گذاشته‌اند.

کاظم غریب‌آبادی، معاون امور بین‌الملل و همکاری‌های بین‌المللی قضایی ستاد حقوق بشر، در واکنش به انتشار گزارش سالانه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا، ضمن محکوم کردن این اقدام، اظهار کرد: آمریکا کشور ذیصلاحی نیست که بخواهد در حوزه حقوق بشر حرف بزند و کشورهای مثل ایران را که خود قربانی نقض حقوق بشر در اثر اقدامات این کشور و همپیمانان آن هستند، متهم به نقض حقوق بشر کند.

معاون ستاد حقوق بشر کشورمان تصریح کرد: آمریکا با نقض سیستماتیک حقوق بشر در داخل و خارج از قلمرو خود مواجه است و انتشار چنین گزارشاتی در مورد کشورهای دیگر را با هدف انحراف افکار عمومی از مشکلات حقوق بشری این کشور می‌توان ارزیابی کرد.

وی فقدان دادرسی عادلانه، شکنجه، خشونت، قتل، ناپدیدشدگی اجباری، تبعیض، نژادپرستی، اسلام‌ستیزی، نسل‌کشی، نقض گسترده حقوق زنان و کودکان و کارگران، اعمال محدودیت‌های غیرقانونی بر سر راه آزادی‌های مدنی و اجتماعی را بخشی از زنجیره نقض حقوق بشر از سوی آمریکا خواند که توجه جدی مکانیسم‌های بین‌المللی حقوق بشری را به خود می‌طلبد.

با توجه به جنایت‌های فراوان و اقدامات ضد حقوق بشری توسط رژیم صهیونیستی، گروهک تروریستی داعش و حمایت کشورهای غربی و چند کشور دیگر از جمله عربستان درصدد هستیم تا با رویکردی واقع‌گرایانه و بی‌طرفانه نسبت به

موضوع حقوق بشر در آمریکا، بخشی از واقعیات را از دریچه اخبار رسمی سازمانها و نهادهای مدنی فعال در حوزه حقوق بشر منعکس کنیم.

از این رو وضعیت حقوق بشر و میزان پایبندی به موازین و تعهدات حقوق بشری در آمریکا در حوزه‌های مشخصی در بخشی از سال ۲۰۱۴ و همچنین ۲۰۱۵ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتنی است این اخبار قسمت کوچکی از مهمترین موارد موضوعی نقض حقوق بشر در این کشور است. مطالبی که در این اخبار منعکس می‌شود برگرفته از کتاب وضعیت حقوق بشر در آمریکا است که توسط مرکز پایش معاونت امور بین‌الملل ستاد حقوق بشر تهیه و تدوین شده است.

انتقاد از عدم همراهی در حذف سلاح‌های مرگ بار اتوماتیک (دیده بان حقوق بشر - ۹۴/۲/۱۵)

دیده بان حقوق بشر با انتشار مطلبی ضمن انتقاد از سیاست‌های مبهم و دوگانه آمریکا در قبال سلاح‌های کشتار جمعی از این دولت خواست تا با جامعه بین‌المللی در نابودی کامل سلاح‌های خطرناک خود کار همراه گردد.

در این مطلب ضمن ذکر چندین نمونه از اقدامات آمریکا در توسعه سیستم‌های موشکی خودکار آمده است: هم اکنون برای تمامی کشورهای دنیا آشکار شده است که آمریکا اقدامات گسترده‌ای در حوزه توسعه این گونه تسلیحات برداشته است.

دیده بان همچنین ضمن اشاره به آخرین اجلاس برگزار شده در همین خصوص در ماه آوریل ۲۰۱۵ افزود: متأسفانه با وجود تاکید تمامی کشورهای شرکت کننده در اجلاس کنترل توسعه سلاح‌های اتوماتیک تنها دو کشور مخالفت کردند که یکی از آنها آمریکا بود (مخالف دیگر رژیم صهیونیستی بود).

آمریکا در توجیه توسعه سیستم‌های خودکار جنگی عنوان نمود که این کار خطاهای انسانی را کاهش می‌دهد.

پلیس مجهزتر از ارتش (اسپوتنیک - ۹۴/۲/۲۲)

به لطف برنامه جنجالی ۱۰۳۳ وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) که در سال ۱۹۹۷ آغاز شد شهرهای آمریکا از جمله بالتیمور امکان دسترسی به تجهیزات نظامی از اسلحه گرفته تا نارنجک انداز نورافکن دوربین دوربین دید در شب و خودروهای زرهی را یافته‌اند که معمولاً برای استفاده در جنگ کاربرد دارند.

در ناآرامی‌های شهر فرگوسن در سال ۲۰۱۴، یک کهنه سرباز سابق اعلام کرد که وی شاهد این بوده است که افسران پلیس سلاح‌های ۵.۵۶ میلی متری ارتش را حمل می‌کرده‌اند که قابلیت هدف قرار دادن اهداف را از فاصله ۵۰۰ متری دارند.

به گفته وی در این نآآرامی ها افسران پلیس در حالی که مانند نظامیان یونیفرم استتار پوشیده بودند سوار بر خودرویی "بیرکت" بودند که مشابه خودروهای زرهی "مارپ" ارتش است.

رافائل ریورا، کهنه سرباز سابق ارتش آمریکا گفت: پلیس فرگوسن تجهیزات زرهی و تسلیحاتی در اختیار دارد که من و همزمانم در جنگ نداشتیم. پی از نآآرامی های فرگوسن، پلیس آمریکا بار دیگر در طول نآآرامی هایی که پس از مرگ "فردی گری" حین بازداشت پلیس در شهر بالتیمور بروز کرد در ظاهری کاملاً نظامی مشاهده شد.

رکورددار آمار قتل و جنایت در جهان (ایگاراپه - ۹۴/۳/۵)

نتایج تحقیق اندیشکده امنیتی برزیلی "ایگاراپه" نشان میدهد که آمریکا از لحاظ آمار قتل و جنایت در رتبه اول جهان قرار دارد. بر اساس اطلاعات این اندیشکده ۵۸ درصد از موارد قتل و جنایت در جهان فقط در ده کشور روی می دهد که آمریکا اولین آنهاست. در ردیف های بعدی برزیل، هند، نیجریه، مکزیک، جمهوری دموکراتیک کنگو، آفریقای جنوبی، کلمبیا و پاکستان قرار دارند.

آمریکا همچنین مرگبارترین کشور صنعتی در غرب است. موناکو، لیختن اشتاین و سنگاپور کمتری آمار قتل و جنایت را دارند. آمار قتل و جنایت در کشورهای شمال آفریقا نیز از آمریکا پایین تر است. همچنین آمار قتل و جنایت در کشورهای لیبی، مصر، تونس، الجزایر و مراکش از آمار قتل در آمریکا پایین تر است. بر اساس یافته های این اندیشکده، احتمال کشته شدن گردشگران در این کشورها از احتمال کشته شدن آنها در شهری مانند نیویورک کمتر است.

تظاهرات علیه خشونت (کا. اس. ان - ۹۴/۳/۱۷)

مردم پایتخت آمریکا ضد خشونت های مسلحانه در این کشور تظاهرات کردند. شماری از مردم شهر واشنگتن دی سی، پایتخت آمریکا روز شنبه ۱۶ خرداد ۱۳۹۴ با حضور در خیابان های این شهر متوقف شدن خشونت های مسلحانه در این کشور را خواستار شدند .

گروهی از فعالان مدنی و خانواده های قربانیان خشونت های مسلحانه در آمریکا نیز در این تظاهرات شرکت داشتند . مردم شهر واشنگتن شعارهایی ضد سازمان ها و شرکت هایی که از خرید و فروش سلاح سرد می برند سر دادند.

قتل بی دلیل یک راننده (اسپاتنیک - ۹۴/۳/۲۲)

پلیس شعر "دس موینس" در آمریکا یک شهروند غیر مسلح را تنها به جرم حرکت به سمت خودروی پلیس به قتل رساند. افسر پلیس از داخل خودروی خود و بدون پایین کشیدن شیشه اتومبیل، اقدام به شلیک به سوی این فرد کرد .

قربانی این تیراندازی، "ریان کیت بولینگر" ۲۸ ساله بود که بر اثر شلیک گلوله، جان خود را از دست داد. پلیس و شاهدان عینی اعلام کردند که پس از تعقیب و گریزی آرام در شمال غربی این شهر، بولینگر از خودروی خود خارج شد و به سمت ماشین پلیس حرکت کرد.

پلیس دس موبنس در کنفرانس خبری پس از تیراندازی اعلام کرد: "وی عمداً به سمت خودرو حرکت می کرد." ونسا میلر، افسر ارشد پلیس که سابقه ۷ سال فعالیت در اداره پلیس را دارد چندین گلوله به سوی بولینگر شلیک کرد.

عدم رعایت استانداردهای مربوطه در استفاده از سلاح های مرگبار (عفو بین الملل – ۹۴/۳/۲۹)

براساس گزارش منتشره توسط عفو بین الملل، هیچ یک از ۵۰ ایالت آمریکا استانداردهای بین المللی درباره استفاده نیروهای پلیس از تسلیحات مرگبار را رعایت نمی کنند .

استانداردهای بین المللی که توسط سازمان ملل تدوین شده اند مقرر می دارند که نیروی مرگبار تنها به عنوان آخرین چاره برای حفاظت از افسران پلیس در برابر مرگ و یا آسیب های جدید باید مورد استفاده قرار گیرند .

با این حال هیچ یک از ایالت های آمریکا قانونی را در حمایت از این استانداردها تدوین نکرده اند. عفو بین الملل در گزارش خود همچنین اعلام کرد که ۱۳ ایالت حتی از استانداردهای خود آمریکا نیز تبعیت نمی کنند.

زدن دستبند به فردی که گلوله به سرش اصابت کرده بود (گاردین – ۹۴/۳/۳۱)

اخیراً فیلمی در فضای مجازی منتشر شده که خشم زیاد کاربران را به همراه داشته است. در این فیلم نیروهای پلیس شهر لس آنجلس پس از شلیک به سر شهروندی غیر مسلح وی را در حالت بی هوشی و خونریزی شدید دستگیر کردند .

یک رهگذر از این حادثه فیلم گرفته و آن را در شبکه های مجازی منتشر کرده است .این فیلم نشان می دهد نیروهای پلیس پس از تیراندازی، قربانی را که بر روی زمین افتاده و به شدت درحال خونریزی است دستبند می زنند .

اداره پلیس لس آنجلس با تایید این خبر، اعلام کرد فرد قربانی حوله ای در دست خود پیچیده که دو افسر پلیس تصور کرده اند اسلحه مخفی کرده است وضعیت قربانی که مردی از اقلیت های "هیسپانیک" است وخیم اعلام شده است.

قتل مرد میانسال با شلیک ۱۹ گلوله (آسوشیتدپرس – ۹۴/۴/۴)

افسران پلیس بالتیمور در ایالت "مریلند" مرد غیر مسلحی را که هیچ گونه سلاحی به همراه نداشت به ضرب ۱۹ گلوله به قتل رساندند. ماجرا از این قرار بود که نیروهای پلیس به خانه ای در "اوینگز میلز" رفتند تا به دعوایی خانوادگی رسیدگی کنند که به محض نزدیک شدن به خانه مورد نظر، صدای درگیری می شنوند و با شکستن در وارد می شوند . ماموران بعد از ورود به خانه با یک مرد بزرگسال رو به رو می شوند و این مرد یک شیء را که این افسران تصور می کردند اسلحه بود به سمت آنها می گیرد که در نتیجه افسران پلیس بدون هیچ هشدار اقدام به تیراندازی می کنند و با شلیک ۱۹ گلوله، او را به قتل می رسانند .

این مرد ۴۱ ساله که اسپنسر لی مک کین نام داشت برای درمان به بیمارستان انتقال یافت که در نهایت می میرد.

منبع:میزان

پیوست ۱۴ آمار تکان دهنده از مصرف مواد مخدر و الکل در بین دانشجویان آمریکایی

بنا بر گفته روانشناسان آمریکایی دانشجویان سال اول دانشگاه های آمریکا اعتیاد شدیدی به مواد الکلی دارند و این مسئله سبب بروز مشکلات درسی و اجتماعی شده است .



به گزارش خبرنگار کلینیک گروه علمی پزشکی باشگاه خبرنگاران؛ اکثر دانشجویان کالج های مختلف آمریکا از نوشیدنی های غیر مجاز و سرشار از قند فروان در زمان استراحت شان استفاده می کنند که این مسئله کارشناسان را به فکر و ارائه تصمیم گیری برای پیشگیری از مصرف زیاد آن وا داشته است .

بنا بر نظر انجمن سوء مواد نوشیدنی های الکلی آمریکا ، تاثیر زیاد این مواد بر روند یادگیری دانشجویان منفی بوده و مصرف مایعات الکلی سبب می شود که مسائل اجتماعی دانشجویان تحت تاثیر مصرف آن قرار گیرد .

بر اساس این تحقیق مصرف الکل در بین دانشجویان سال اول ۴۶۲ مورد برای ۵۵ هفته تحصیلی از ماه ژانویه و در هنگام تعطیلی دانشگاهها بیشتر از دیگر زمان سال است که این آمار در فصل تابستان تا ۳۱ درصد افزایش می یابد . روان شناسان در این رابطه می گویند ، دانشجویانی که در طول سال نوشیدنی های الکلی استفاده می کنند نمرات درسی آنها پایین تر از افراد دیگر بوده و روحیه منفی گرایی در آن ها بیشتر است .

در یک نظر سنجی که از تعدادی دانشجویان آمریکایی انجام شد اطلاعاتی به دست آمد که به شرح زیر است :

عده ای از آن ها اعلام کردند برای مصرف مواد مخدر و الکل تحت فشار هستند. آنها این کار را انجام می دهند تا به دیگران نشان دهند از مصرف مواد مخدر و نوشیدن الکل ابایی ندارند. تعدادی از دانشجویان فکر می کنند مصرف مواد مخدر و الکل آنها را آرام می کند. گروهی از دانشجویان باور دارند مصرف مواد مخدر و نوشیدن الکل اضطراب شان را که نتیجه فشار کار، تحصیل و مشکلات مالی است را از میان می برد. تعدادی از افراد گمان می کنند الکل و مواد مخدر کمبود اعتماد به نفس و کم رویی را از میان می برد. و عده ای از آن ها اعتقاد دارند گاهی اوقات، مواد مخدر و الکل، ارتباطات فردی، دستاوردهای تحصیلی و رضایت فردی را ارتقاء می دهند .

مصرف نوشیدنی های الکلی اثر منفی بر اعصاب و روان و مسائل جنسی می گذارد و در خانم های جوان ناباروری را به همراه می آورد . منبع: مدیکال دیلی

پیوست ۱۵ آمار بیماری های روانی در مردم آمریکا

از هر ۶ آمریکایی کم در آمد یک نفر از نوعی بیماری روانی رنج می برد یا به مواد مخدر اعتیاد دارد.



به گزارش گروه بین الملل باشگاه خبرنگاران جوان به نقل از اسپوتنیک، گزارش روز گذشته دیوان محاسبات آمریکا نشان داد از هر ۶ آمریکایی کم در آمد و بیمه نشده یک نفر (برابر با ۳ میلیون نفر) از نوعی بیماری روانی جدی رنج می برد و یا به مواد مخدر معتاد است .

این گزارش با تخمین داده های سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ بدست آمد و نشان داد ۱۷ درصد از افراد کم در آمد و بیمه نشده از نوعی بیماری روانی رنج می برند و یا به مواد مخدر اعتیاد دارند .

نتایج این گزارش همچنین نشان داد افراد کم درآمد در شرایط روانی نامناسبی به سر می برند و به مراقبت های مطلوب دسترسی ندارند .

پیوست ۱۶ آمار تکان دهنده خودکشی در آمریکا

هر سال در آمریکا یک میلیون و سیصد هزار اقدام به خودکشی صورت می گیرد .

صراط : انجمن روان شناسی خودکشی در آمریکا اعلام کرد: هر سال در آمریکا یک میلیون و سیصد هزار اقدام به خودکشی صورت می گیرد .

تصویب بودجه هفتاد و شش میلیون دلاری تورکشی پل گلدن گیت شهر سانفرانسیسکو در شمال ایالت کالیفرنیا آمریکا که به نماد خودکشی تبدیل شده، معضل خودکشی را در جامعه پرهیاهوی این کشور برجسته کرده است . پل دروازه طلایی سانفرانسیسکو که با معماری کم نظیر خود در دهه سی میلادی، نماد افتخار آمریکای مدرن محسوب می شد، در هفتاد و هفت سالی که از تاسیس آن می گذرد، شاهد خودکشی یک هزار و چهارصد آمریکایی بوده است که از فشار زندگی صنعتی این کشور به ستوه آمده بودند .

فقط در سال پیش چهل و شش نفر خود را از فاصله هفتاد و شش متری به داخل آب پرتاب کردند که این رقم رکوردی جدید محسوب شده است .

گفته شده در صورت اختصاص کامل بودجه، عملیات اجرایی نصب موانع تا چهارسال آینده بطول می انجامد اما سوال اساسی اینجاست که آیا موانع فیزیکی می تواند علت های خودکشی را در این جامعه پر هیاهو رفع کند؟

آمارها به علل مختلف دقیق و به روز نیست اما انجمن روان شناسی خودکشی در آمریکا اعلام کرد: هر سال یک میلیون و سیصد هزار اقدام به خودکشی صورت می گیرد. (در جامعه ۳۱۵ میلیون نفری آمریکا یعنی هر بیست و چهار

ثانیه یک اقدام به خودکشی). سه سال پیش تعداد خودکشی موفق سی و نه هزار و پانصد و هجده مورد بود . بنا به اعلام این انجمن بیشترین خودکشی ها، از سوی بومیان سرخپوست و آلاسکایی در آمریکا و سپس سفید پوستان رخ داده است .

مرکز کنترل و پیشگیری از امراض آمریکا نیز در گزارش جداگانه تاکید کرد: خودکشی از نگرانی های سلامتی در آمریکا محسوب می شود. این مرکز در گزارش سال ۲۰۱۳ خود تاکید کرد: شمار کسانی که به دلیل ارتکاب به خودکشی جان خود را از دست دادند، نسبت به کسانی که در تصادفات رانندگی کشته می شوند، افزایش یافته است . در سال ۲۰۱۰ میلادی، سی و سه هزار و ششصد و هشتاد و هفت نفر در تصادفات رانندگی کشته شدند در حالی که سی و هشت هزار و سیصد و شصت و چهار نفر با روش های مختلف خود را کشته اند .

دکتر موری فین گلد " ژن شناس " و متخصص بیماری های اطفال در نشریه اگزمینر با تاکید بر اینکه خودکشی در آمریکا بسیار رخ می دهد، گفت: خودکشی رتبه دهم مرگ و میر آمریکایی ها را به خود اختصاص داده و پنجمین علت مرگ در دوره نوجوانی و بلوغ بین جوانان این کشور است .

روزنامه نیویورک تایمز نیز در مقاله ای، افزایش روند خودکشی بین افراد میانسال در آمریکا را علت افزایش نگرانی ها درباره نسلی نامید که با مشکلات اقتصادی بسیاری روبرو هستند .

نیویورک تایمز با اشاره به بروز رکود اقتصادی در آمریکا و ادامه تاثیرات آن بر قشر میانسال چنین نتیجه گیری کرده است که به طور تاریخی، نرخ خودکشی در زمان استرس های مالی و اقتصادی افزایش می یابد .

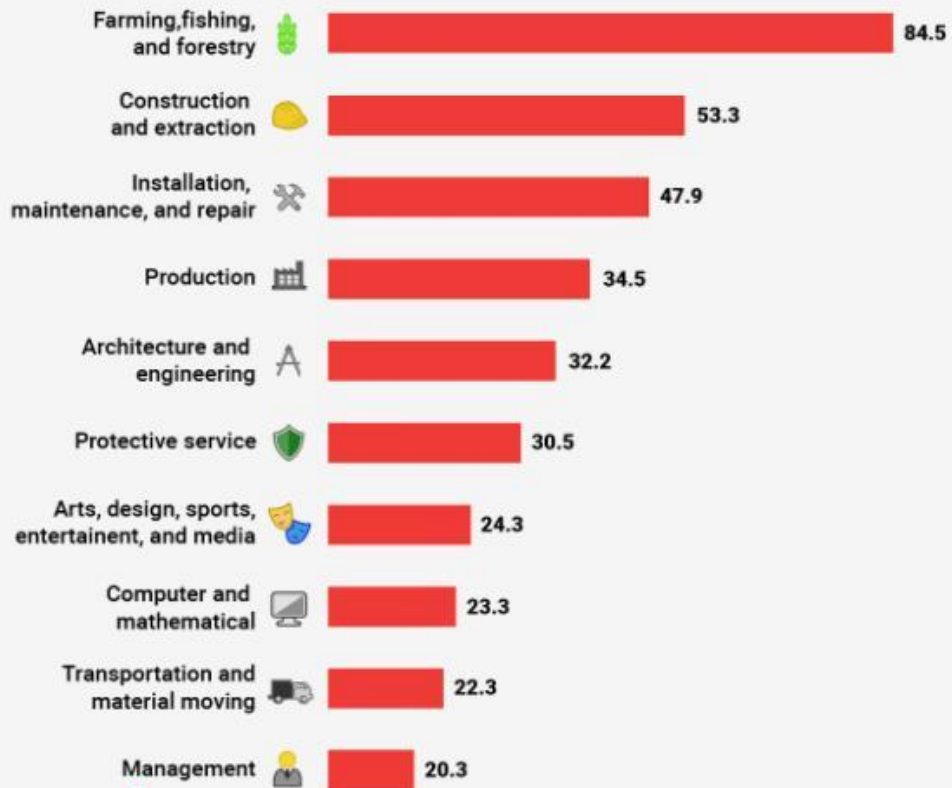
" جولی فیلیپس " استاد جامعه شناسی در دانشگاه "راتگرز" ایالت نیوجرسی نیز با اشاره به اینکه رقم موثقی درباره شمار خودکشی ها در آمریکا وجود ندارد، گفت: در بسیاری از موارد، خودکشی ها گزارش نمی شوند به همین دلیل نمی توان همه موارد خودکشی را به طور دقیق شمارش کرد . منبع: باشگاه خبرنگاران

به گزارش گروه فضای مجازی خبرگزاری میزان به نقل از زومیت، بر اساس تحقیقات انجام شده در ایالات متحده آمریکا، هنوز رابطه مستقیمی بین خودکشی و شغل فرد بدست نیامده اما با توجه به این که افزایش فشارهای روانی و افسردگی می توانند از علل شایع بروز چنین رفتاری باشند، می توان با شناخت مشاغل پر استرس، گامی مهمی در جهت حفظ سلامت کارکنان و کارمندان شاغل در این زمینه ها برداشت .

طبق این تحقیقات، خودکشی یکی از ۱۰ علل اصلی مرگ و میر در ایالات متحده آمریکا است و از هر ۱۰۰ هزار نفر، ۸۴.۵ نفر خودکشی می کنند !

بر اساس اطلاعات مربوط به ۱۱۷ ایالت که به تازگی نتایج آن در یک پژوهش مربوط به سال ۲۰۱۲ منتشر شده، افرادی که در مشاغل کشاورزی، ماهیگیری و جنگلداری فعالیت می کنند دارای بالاترین میزان خودکشی هستند .

TOP 10 JOBS WITH THE HIGHEST RATES OF SUICIDE



MIZAN
NEWS AGENCY

SOURCES:

30 INSIDER

پیوست ۱۷ آخرین آمار آلتایمر آمریکا



اطلاعات کلی، دمانس (فرسایش مغز)، مراجع و منابع

آمار مربوط به سال ۲۰۱۶ آمریکا و پیش بینی گسترش بیماری آلزایمر در آینده.

www.alz.org

> بیش از پنج میلیون نفر مبتلا به آلزایمر در سال ۲۰۱۶ و بالغ بر ۱۶ میلیون نفر در سال ۲۰۵۰

> ششمین علت مرگ و میر و به تنهایی بیش از مجموع تعداد سرطان پستان و پروستات

> مراقبت توسط فامیل و دوستان بدون پرداخت دستمزد بیش از ۱۸ میلیارد ساعت در سال گذشته

> برآورد هزینه جمع انواع دمانس در سال ۲۰۱۷ بالغ بر ۲۵۹ میلیارد دلار؛ و در سال ۲۰۵۰ بیش از یک تریلیون دلار

> از سال ۲۰۰۰ تا به حال، مرگ و میر بیماران قلبی ۱۴٪ کم شده در حالیکه مرگ و میر بیماران مبتلا به آلزایمر در همین مدت ۸۹٪ افزایش داشته است

> در آمریکا، در هر ۶۶ ثانیه یک نفر به جمع بیماران آلزایمر اضافه می شود.

پیوست ۱۸ آمار رسمی بی عفتی در جهان

صفحات مستهجن آمریکا از کجا مدیریت می شود/ بیشترین فرزندان نامشروع در کدام کشورها هستند+ نمودار



ایالات متحده آمریکا با ۴۲۸ میلیون، هلند با ۱۸۷ میلیون و انگلیس با ۵۲ میلیون در رتبه های اول تا سوم کشورهای دارنده صفحات مستهجن هستند.

به گزارش خبرگزاری فارس، حسن عباسی در سخنرانی سوم خرداد خود در دانشگاه تهران با توجه به آمارهای رسمی جهانی که در ذیل خبر آمده است، علت پایین بودن تعداد تولدهای خارج از ازدواج، کشورهای اسلامی را بالا بودن سطح فرهنگ در این کشورها دانست. در عین حال وی آمار وحشتناک تعداد وبسایت های غیراخلاقی در این کشورها را با

تعداد زنازادگان در این کشورها مرتبط دانست و این دو مقوله را ذیل جاهلیت مدرن و لیبرالیسم فرهنگی در این کشورها تعریف کرد:

نمودار شماره یک

همچنین در گزارشی که به تازگی در سایت نقشه خانواده جهانی منتشر شده است، آمار تعداد تولدهای خارج از ازدواج یا همان زنازادگان به تفکیک مناطق مختلف جهانی آورده شده است. در این آمار رسمی جهانی و عجیب، کشورهایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که تعداد تولدهای خارج از ازدواج آن‌ها به علت بالا بودن، ارزش بررسی را داشته است.

بالاترین آمار زنازادگی مربوط به کشور کلمبیا با ۸۴٪ و کمترین آن مربوط به کشور هند با ۱٪ است. همچنین با در نظر گرفتن آمارهای منطقه‌ای، بخش مرکزی و جنوبی قاره آمریکا بیشترین و خاور میانه کمترین میزان تعداد زنازادگان را داراست.

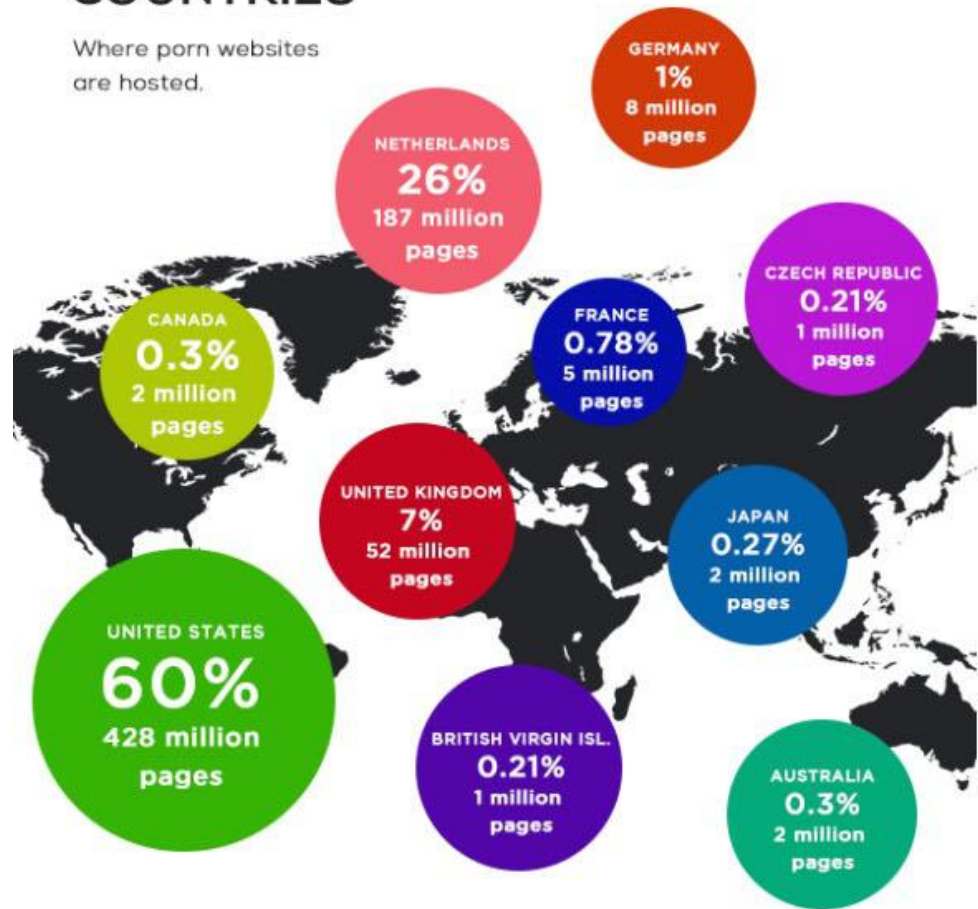
نمودار شماره دو

منبع: مشرق

INTERNET PORN

TOP 10 COUNTRIES

Where porn websites are hosted.



1 UNITED STATES
428.3 MILLION PAGES
(4,199,521 DOMAINS)

2 NETHERLANDS
187.2 MILLION PAGES
(1,836,104 DOMAINS)

3 UNITED KINGDOM
52.2 MILLION PAGES
(512,118 DOMAINS)

4 GERMANY
8.2 MILLION PAGES
(80,649 DOMAINS)

5 FRANCE
5.5 MILLION PAGES
(54,149 DOMAINS)

11 UKRAINE
1.1 MILLION PAGES
(11,264 DOMAINS)

12 TAIWAN
935 THOUSAND PAGES
(9,175 DOMAINS)

13 SPAIN
935 THOUSAND PAGES
(9,168 DOMAINS)

14 BAHAMAS
889 THOUSAND PAGES
(8,723 DOMAINS)

15 AUSTRIA
769 THOUSAND PAGES
(7,540 DOMAINS)

پیوست ۱۹ درصد آمریکایی ها از طریق روابط نامشروع متولد شده اند

تاریخ انتشار : دوشنبه ۸ حوت ۱۳۹۰ ساعت ۰۰:۳۲



به گزارش خبرگزاری صدای افغان (آوا)، گروهی از محققان دانشگاه واشنگتن طی پژوهشی دریافته اند، از میان رده های مختلف سنی زنان حدود ۴۰ درصد از آنها هنگام وضع حمل، به صورت نامشروع باردار شده اند و رشد سریع تولدهای نامشروع طی ۲۰ سال اخیر، بیشتر به زنان سفیدپوست با تحصیلات عالی دانشگاهی اختصاص دارد .
روزنامه دیلی میل نوشت؛ هر چه به پیش می رویم آثار مخرب و ویرانگر تفکرات لیبرالیستی و سکولار بر جامعه غرب و به ویژه آمریکا بیشتر نمایان می شود، به طوری که روزانه بر تعداد و حجم اخباری که بر سقوط و فروپاشی اخلاقی در این جوامع صحنه می گذارند، افزوده می شود .

به گزارش خبرگزاری زنان، به تازگی یک گروه از محققان دانشگاه واشنگتن مطالبی را گردآوری کرده و در روزنامه نیویورک تایمز منتشر کرده اند که ثابت می کند، بیش از ۵۰ درصد کودکانی که توسط زنان زیر ۳۰ سال آمریکایی متولد می شوند، نامشروع هستند .

همچنین در بخشی از این پژوهش که از میان رده های مختلف سنی زنان صورت گرفته، مشخص شده است که حدود ۴۰ درصد از آنها هنگام وضع حمل، دارای زندگی مشترک نبوده و در زمان مجردی دچار آن شده اند .

این اطلاعات کاملاً نشان می دهد که رشد سریع تولدهای نامشروع طی ۲۰ سال اخیر، بیشتر به زنان سفیدپوست با تحصیلات عالی دانشگاهی اختصاص دارد، ضمن آنکه، دو سوم از کودکان نامشروع متولد شده در آمریکا، سن مادران شان هنگام تولد، زیر ۳۰ سال بوده و این حاکی از آن است که عمده تولدها در سرتاسر آمریکا، نامشروع می باشد .

این پژوهشگران معتقدند که ازدواج هم اکنون در آمریکا تبدیل به یک معامله تجملاتی گشته است . آنچه که بیشتر باعث نگرانی پژوهشگران در این مطالعات شده است نتایج و عواقب این تولدها می باشد، آنها در مشاهدات خود دریافته اند که کودکان حرام زاده و نامشروع، علاوه بر آنکه در مدرسه بیشتر با دیگران کشمکش و درگیری دارند، فوق العاده از مشکلات رفتاری و عاطفی رنج می برند .

از سوی دیگر آنها دریافتند که متولدین در دامن خانواده و از طریق روابط مشروع، تحصیلات، عملکرد رفتاری، شناختی و اجتماعی بهتری از خود بروز می دهند .

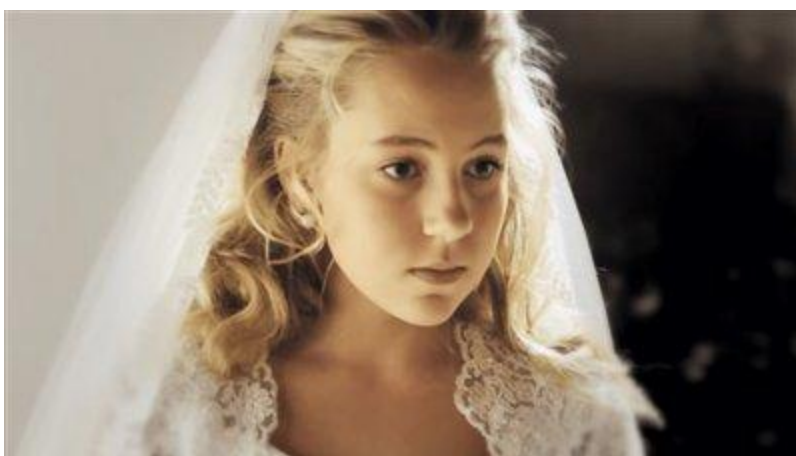
دیلی میل در ادامه با اشاره به رواج رابطه های نامشروع و علل شیوع آن افزود: «درباره کاهش ازدواج و تشکیل خانواده، دلائل مختلفی از سوی تحلیل گران مطرح شده است، عده ای معتقدند با درآمد کم مردم، تعداد مردان آماده برای ازدواج کاهش پیدا کرده است. دیگری هم معتقدند که انقلاب جنسی، انگیزه برای ازدواج را کاهش داده است .»

این روزنامه انگلیسی می افزاید: «در اواسط دهه ۹۰، آمار آمریکائی هایی که به صورت نامشروع متولد شده بودند یک سوم

بود اما اکنون این آمار به ۴۱ درصد افزایش یافته است.»
دیلی میل در ادامه با اشاره به نگاه متزلزل جامعه غرب نسبت به ازدواج و خانواده در اثر تبلیغ افکار فمینیستی، ضد خانواده، همجنس گرا توسط دولت های غربی، اضافه کرد: «امروزه بسیاری در آمریکا نسبت به ازدواج تردید پیدا کرده اند و آن را ناکارآمد می دانند، ضمن آنکه، تعدادی از زنان، با توجه به شرایط اقتصادی، تکیه کردن به یک مرد را، غیرلازم می دانند.»

دیلی میل در پایان نوشت: «نکته نگران کننده دیگر این تحقیق آن است که بسیاری از مادران، به این دلیل ازدواج می کنند که مزایائی هم چون حق عائله مندی و غذا از سوی دولت به آنها ارائه می شود که به گفته محققان این گونه از زندگی های مشترک، برای جامعه، خیلی بنیادی و اثرگذار نمی باشد.»

پیوست ۲۰ آمار بالای ازدواج اجباری و زودهنگام کودکان در آمریکا



روزنامه نیویورک تایمز با انتشار گزارشی از آمار بالای ازدواج زودهنگام دختران در برخی ایالت های آمریکا خبر داد.

به گزارش ایسنا به نقل از ستاد حقوق بشر قوه قضاییه، در ایالت فلوریدای آمریکا به طور متوسط هر روز یک دختر ۱۶ ساله و پایین تر ازدواج می کند که بسیاری از آنها نیز اجباری است.

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در بخش از این گزارش، به تحقیقات انجام شده از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ در مورد ازدواج دختران زیر ۱۷ سال و پایین تر در ۳۸ ایالت آمریکا پرداخته است. در ایالت تگزاس و در بازه زمانی مذکور، ۳۴۷۹۳ ازدواج زیر ۱۷ سال به ثبت رسیده است که از لحاظ تعداد، بیشترین رقم آماری است.

پس از این ایالت، ایالت فلوریدا با ۱۴۲۷۸ مورد و ایالت کنتاکی با ۱۱۶۵۷ مورد در رده های بعدی قرار دارند.

در مجموع، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، بیش از ۱۶۷ هزار دختر زیر ۱۷ سال در ۳۸ ایالت آمریکا تن به ازدواج داده اند که در بین آنها دخترانی با سنین ۱۰ و ۱۱ سال نیز دیده می شوند.

این گزارش آمار کل این ازدواج ها در ۵۱ ایالت آمریکا را حدود ۲۵۰ هزار مورد پیش بینی کرده است.

در این بازه زمانی، ایالت ایاهو آمریکا به نسبت جمعیتی که دارد، بیشترین آمار ازدواج های زود هنگام و اجباری را به خود اختصاص داده است.

همچنین دو سوم از این ازدواج ها دوامی نداشته و ظرف مدت چند ماه از هم پاشیده شده اند.

در بخش دیگری از این گزارش آمده است: بیش از نیمی از ایالت های آمریکا هیچ قانونی در خصوص سن ازدواج ندارند.

نیویورک تایمز در گزارش خود به عنوان نمونه به مورد یک دختر ۱۱ ساله در ایالت فلوریدا اشاره کرده که پس از مورد تجاوز واقع شدن از سوی یک مرد ۲۰ ساله، مجبور به ازدواج با وی شده است.

ترامپ: آمارهای رسمی اشتغال در آمریکا ساختگی است

نامزد جمهوریخواهان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با جعلی دانستن آمارهای رسمی اشتغال در این کشور گفت: «دیگر هیچ کس اعتقادی به این آمارها ندارد. آمارهایی که آنها منتشر می کنند ساختگی است.»



به گزارش مشرق، به نقل از رویترز، هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ دو نامزد اصلی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، روز جمعه در آخرین کشمکش ها برای راهیابی به کاخ سفید در مورد میزان توان اقتصاد آمریکا با یکدیگر درگیر شدند. در این میان کلینتون از گزارش اخیر بازار کار آمریکا تمجید کرده، اما ترامپ این گزارش را یک فاجعه فریب آمیز خواننده است.

در حالی که ۳ روز تا روز رای گیری باقی مانده، هر کدام از این دو کاندیدا با حمله به دیگری طرف مقابل را برای ریاست جمهوری فردی نامناسب توصیف کردند. این در حالی است که نتیجه رقابت در برخی ایالت های کلیدی طی روزهای آینده سرنوشت انتخابات در روز سه شنبه را مشخص خواهد کرد. بر اساس نظرسنجی رویترز که نتیجه آن روز جمعه منتشر شد، کلینتون ۵ درصد از میلیاردر نیویورکی پیش است، و با وجود نزدیکی رقابت در برخی ایالت ها، کلینتون توانسته فاصله خود در نظرسنجی های سراسری را با ترامپ حفظ کند.

کلینتون که خود را ادامه دهنده راه دولت باراک اوباما می داند دیروز گفت: «ما کار ناتمامی داریم که باید انجام دهیم، باید موانع بیشتری را درهم بشکنیم و با کمک شما سقف شیشه ای را یک بار برای همیشه ترک بیاندازیم.»

وی در میتینگ انتخاباتی خود در پیتسبورگ با اشاره به آمارهای اخیر دولت آمریکا از میزان فرصت های شغلی ایجاد شده، این گزارش را گواه قدرت اقتصاد آمریکا دانست. این گزارش ادعا می کند میزان دستمزدها در ماه اکتبر بالا رفته و ۱۶۱ هزار فرصت شغلی جدید ایجاد شده که در نتیجه آن نرخ بیکاری از ۵ به ۴.۹ درصد کاهش یافته است .

کلینتون در جمع هوادارانش گفت: «من معتقدم اقتصاد ما در آستانه اوج گرفتن و پیشرفت قرار دارد... زمانی که وضعیت طبقه متوسط بهبود یابد، آمریکا پیشرفت می کند» .

اما دونالد ترامپ، کاندیدای جمهوری خواهد در واکنش به صحبت های اقتصادی کلینتون گفت، گزارش هایی که دولت آمریکا از وضعیت ایجاد اشتغال منتشر می کند «یک فاجعه مطلق» است و با استفاده از تعداد بالای افرادی که دست از جستجو برای یافتن شغل کشیده اند و دیگر در بازار کار حضور ندارند، منحرف شده است .

ترامپ گفت: «دیگر هیچ کس اعتقادی به این آمارها ندارد. آمارهایی که آنها منتشر می کنند ساختگی است» .

اقتصاد آمریکا و نگاه متفاوت کاندیداها به آینده می تواند نقشی تعیین کننده در نظر رای دهندگان امریکایی در ایالت هایی نظیر اوهایو، پنسیلوانیا و میشیگان داشته باشد که از نظر اقتصادی دچار مشکل هستند .

هر دو کاندیدا روز جمعه سری به ایالت های اوهایو و پنسیلوانیا زدند، در حالی که ترامپ سفری نیز به نیوهمپشایر داشت و کلینتون هم به میشیگان رفت. هر کدام از این ایالت ها نقشی تعیین کننده در کسب ۲۷۰ رای مورد نیاز هر یک از دو رقیب انتخاباتی در الکتورال کالج برای راهیابی به کاخ سفید دارند .

نظرسنجی رویترز در اواسط اکتبر نشان داد که اکثریت رای دهندگان در ایالت های اوهایو و پنسیلوانیا معتقدند تجارت بین المللی با کاهش دستمزدها و فرصت های شغلی در داخل آمریکا، موجب آسیب دیدن امریکایی های طبقه متوسط می شود . منبع: تسنیم

پیوست ۲۱ آمار سنگین طلاق در آمریکا و کانادا

رئیس هیئت علمی دانشگاه پزشکی لس آنجلس آمریکا اظهارداشت: ۵۰ درصد زنان و شوهران در آمریکا به نوعی به یکدیگر خیانت می کنند .

به گزارش صراط به نقل از مهر، پروفیسور محسن بازرگان به مسائل روانی زنانی که همسرشان با زن دیگری ارتباط دارد، اشاره کرد و گفت: در آمریکا و کانادا نرخ طلاق برای اولین ازدواج حدود ۵۰ درصد است. یعنی اینکه نیمی از ازدواجهای اول مرد و زن به جدایی منجر می شود.

وی با اعلام اینکه ۷۰ درصد زنان به دلیل ازدواج دوم همسرشان طلاق می گیرند، افزود: این آمار برای کسانی که سه بار ازدواج داشته اند به ۸۰ درصد می رسد.

عضو هیئت علمی UCL آمریکا با اشاره به اینکه ۵۰ درصد پدران طلاق برای چند سالی فرزندانشان را نمی بینند، گفت: بچه های طلاق شامل سه دسته اند که هر کدام به نوعی خودشان را در جدایی والدین شان مقصر می دانند.

بزرگان به دسته بندی بچه های طلاق اشاره کرد و افزود: خردسالان، نوجوانان و جوانان در این دسته بندی قرار می گیرند. به طوریکه کودکان ۹ تا ۱۲ ساله دچار افسردگی می شوند و بچه های ۱۳ تا ۱۹ ساله دست به کارهای ریسکی می زنند و حتی درگیر روابط جنسی می شوند.

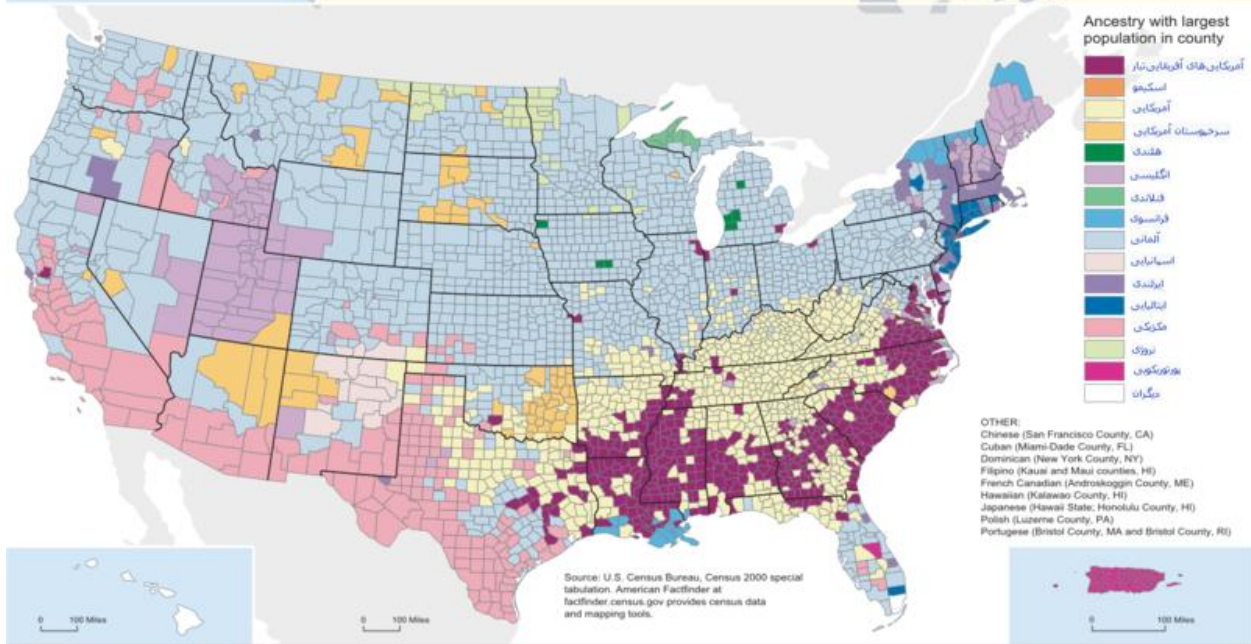
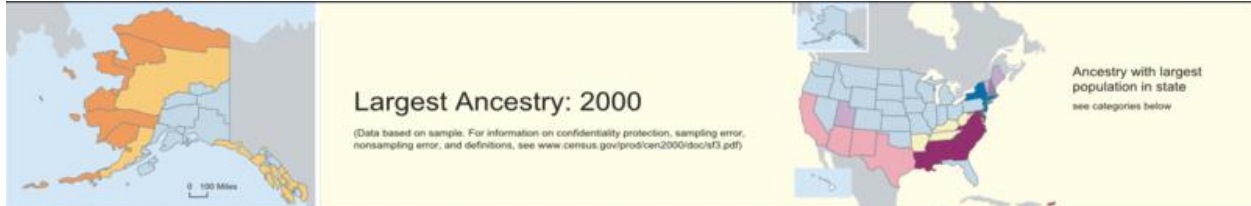
این استاد جامعه شناسی پزشکی با عنوان این مطلب که ۵۰ درصد زنان و شوهران در آمریکا به نوعی به یکدیگر خیانت می کنند، گفت: فقط ۵۰ درصد ازدواجها در غرب سر و سامان دارد. وی تاکید کرد: حالا غرب به این نتیجه رسیده که تمامی مشکلات بر اثر پاشیده شدن ساختار خانواده است.

پیوست ۲۲ آب و هوا

آب و هوای ایالات متحده در بسیاری مناطق گرم است. در فلوریدا و هاوایی آب و هوا استوایی، در آلاسکا قطبی، در گریت پلینز خشک، در سواحل کالیفرنیا مدیترانه ای و در گریت بیسین بیابانی است. آب و هوای مناسب ایالات متحده برای پرورش انواع مختلفی از محصولات کشاورزی نقش مؤثری در مطرح کردن این کشور به عنوان یک قدرت داشته است.

با پایان جنگ جهانی دوم ایالت های غربی آمریکا رشد بالایی را در اقتصاد و جمعیت تجربه کردند و همین امر سبب تغییر کاربری منابع آب و انرژی این مناطق از مصرف در کاربردهای زراعی به سمت مصرف در مناطق تجمع جمعیت و صنایع شد. به عقیده مرکز منابع آب ایالت کالیفرنیا در صورتی که تا سال ۲۰۲۰ منابع بیشتری برای تأمین آب این منطقه پیدا نشود این ایالت با کمبود آبی به اندازه مصرف امروزی آب خود مواجه خواهد شد.





پیوست ۲۳ مصاحبه تفصیلی استاد حسن عباسی درباره تحول در نظم جهانی قسمت اول

تاریخ ۲۲: مهر ۱۳۹۳

این نظام نوینی که آمریکائی‌ها می‌گویند این است، کاری کنند که همه دنیا آن‌طور که آنها می‌خواهند، فکر کنند و حقایق را وارونه بفهمند. نظم نوینی که آمریکا در پی استقرار آن است، متضمن تحقیر ملت‌ها و به‌معنای امپراطوری بزرگی است که در رأس آن آمریکا و پس از آن قدرت‌های غربی است. بازگشت به جامعه جهانی — که آمریکا منادی آن است — به‌معنای پذیرش سلطه فرهنگ غرب است.



این نظام نوینی که آمریکائی‌ها می‌گویند این است، کاری کنند که همه دنیا آن‌طور که آنها می‌خواهند، فکر کنند و حقایق را وارونه بفهمند. نظم نوینی که آمریکا در پی استقرار آن است، متضمن تحقیر ملت‌ها و به‌معنای امپراطوری بزرگی است که در رأس آن آمریکا و پس از آن قدرت‌های غربی است. بازگشت به جامعه جهانی — که آمریکا منادی آن است — به‌معنای پذیرش سلطه فرهنگ غرب است.

این نکته مهمی بود که رهبر معظم انقلاب در خصوص نظم نوین جهانی تأکید فرمودند؛ بر این اساس و طبق آنچه از این نظریه استخراج می‌شود، نسخه‌پیچی آمریکایی برای جهان نه‌تنها از حیث قطب‌بندی بلکه در ابعاد هویتی، ماهیتی، ادبیات کنش‌گری در جهان و نیز از حیث کارکردی و ابزاری مخدوش شده است. در حقیقت؛ سفارشات آمریکایی که در قالب هندسی مخروطی شکل، با رأس و محوریت ایالات متحده برای بخش‌های زیرین نظام بین‌الملل، تقسیم کار می‌کرد، در دوره جدید، شکل مخروطی خود را به فضایی مسطح داده و در نتیجه، سیاست‌گذاری برای روندهای جهانی، به این سمت و سو می‌رود که در سطحی یکسان و به‌آرامی میان ملت‌ها مورد بررسی قرار گیرد. ملت‌ها نیز اندک اندک دریافتند که وابستگی به نمادهای هژمونی مانند سازمان‌های به‌اصطلاح بین‌المللی مانند صندوق جهانی پول و بانک جهانی، نه‌تنها

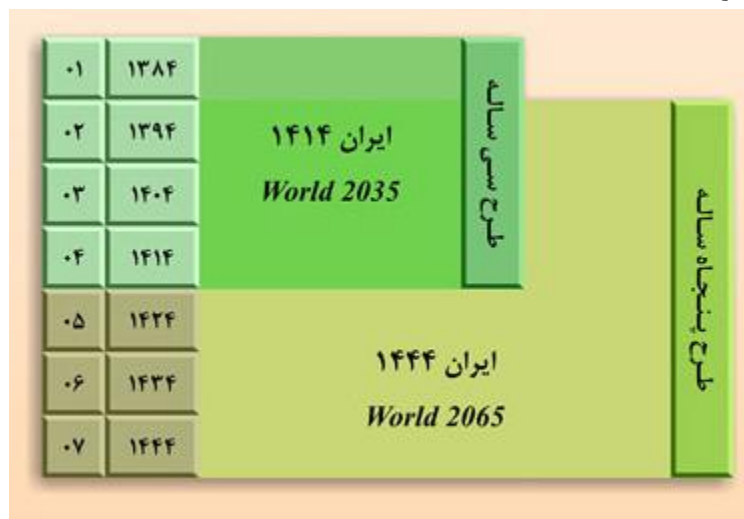
در جهت رشد همه‌جانبه ملت اثر مثبتی ندارد، بلکه این سازمان‌ها در مواقع لزوم به‌عنوان ابزار و بازوی سلطه جهانی عمل و کشورهای وابسته را استثمار می‌کند.

این نکته نه تنها در اندیشه معاصر شرق در دهه اخیر مورد تأکید قرار گرفته و آثار آن با ظهور قدرت‌های بزرگ سیاسی و اقتصادی مشهود است، که نظریه پردازان رئالیست آمریکایی نیز به این نکته اذعان دارند چنان‌که «کیسینجر» کهنه‌کار در وال استریت ژورنال لب به اعتراف گشوده می‌گوید: «لیبی در جنگ داخلی است، شبه‌نظامیان بنیادگرا در حال بنا کردن خلافت در سوریه و عراق‌اند و دموکراسی جوان افغانستان در آستانه فلج شدن قرار گرفته است و علاوه بر این‌ها اختلافات با روسیه بار دیگر ظاهر شده و رابطه با چین هم به تبادل اتهام در برابر عموم و همکاری تقسیم شده است. مفهوم نظمی که اساس انگاره‌های غربی بود با بحران مواجه شده است.»

در همین راستا خبرگزاری تسنیم در سلسله گزارش‌ها و گفت‌وگوهای ویژه با کارشناسان روابط بین‌الملل به بررسی ابعاد این پوست‌اندازی هندسه قدرت جهانی پرداخته است.

در ادامه این گفت‌وگوها، دیدگاه دکتر حسن عباسی رئیس مرکز بررسی‌های دکترينال و کارشناس مسائل استراتژیک را پیرامون شکل‌گیری این تحول جویا شدیم.

مرکزی که عباسی آن را اداره می‌کند مرکز بررسی‌های دکترينال است که به طور تخصصی روی دکترين‌های سطوح مختلف کشور و حوزه بین‌الملل کار می‌کند و تنها مرکز تخصصی از این حیث در کشور و جهان اسلام است، در واقع فعالیت آن شباهت زیادی به فعالیت‌های «مرکز ترودوک (tradoc)» در ایالات متحده یا مرکز DCDC در انگلستان دارد.



وظیفه این مرکز تمرکز بر تبیین دکترين‌ها در سطوح مختلف است و جهت‌گیری تبیین دکترين‌ها به طیف‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و اجتماعی برمی‌گردد و این حوزه‌ها نیز در سطوح مختلف مانند حوزه‌های ملت‌سازی، دولت‌سازی و نظام‌سازی بررسی می‌شود. پروژه اصلی مرکز، «هرم جامعه هجری» است و تنها مرکزی است که به طور تخصصی در خصوص جامعه‌سازی هر ۴ سطح ملت‌سازی، دولت‌سازی، نظام‌سازی و ملک‌سازی فعالیت می‌کند. افق واسط این مرکز سال ۱۴۱۴ و افق دور آن، ۱۴۴۴ است و از این حیث هم در آینده‌شناسی در کشور و جهان اسلام، تنها مرکز آینده‌پژوهی در افق‌های ۵۰ ساله محسوب می‌شود.

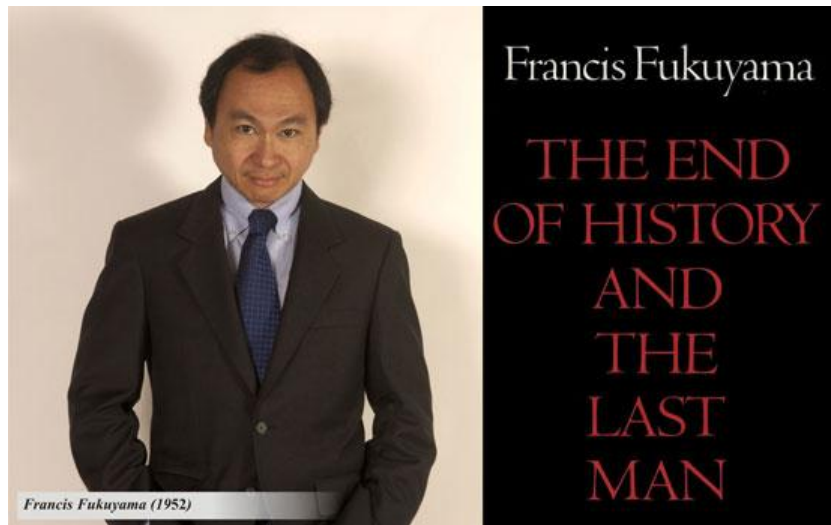
رئیس مرکز بررسی‌های دکترينال معتقد است در فرايند نظم جهانی در طول ۳۰۰۰ سال گذشته هميشه تقابل نظم غربی شرقی وجود داشته است، مصداق این امر، یک بار در دیدگاه هومر یا در تقابل امپراطوری ایران و روم وجود دارد و یا در جنگ‌های صلیبی پدید می‌آید و در دوره جدید در جنگ‌های شوروی و آمریکا بروز می‌کند هم اکنون نیز با کنار رفتن شوروی و یک‌پارچه شدن قدرت در جهان مدرن، اسلام در این تقابل جایگزین شده است. عملاً نظم جهانی را از یک دیدگاه، با ماهیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی روی زمین و جغرافیا تعریف می‌کنیم، که تعریف ما جغرافیامحور است. از یک دیدگاه نیز درخصوص نظم جهانی، ناظر بر مباحث تمدنی بحث می‌کنیم که نظریات “ساموئل هانتینگتون” خود را برجسته نشان می‌دهد؛ یعنی نظم جهانی مبتنی بر اتصال تمدن‌ها و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز یا تقابل تمدن‌ها، اما در حالت اولی‌تر، نظم جهانی را نظم فرهنگی می‌بینیم که مبتنی بر ایدئولوژی‌ها است تا تقابل ایدئولوژی‌ها با یکدیگر را بررسی کنیم.

بخش نخست از مشروح این گفت‌وگوی تفصیلی را از نظر می‌گذرانید:

*تسنیم: آقای دکتر عباسی؛ تعریف شما از نظم جهانی چیست و اصولاً به نظم جدید و نظم قدیم از چه منظری نگاه می‌کنید؟

-عباسی: طبق اشاره‌ای که شما داشتید پس از فروپاشی شوروی و همچنین، جنگ نفت عراق و آمریکا در کویت، مفهوم (new world order) بر سرزبان‌ها افتاد و بوش پدر این مفهوم را مطرح کرد و در همین حال، شوروی محو شده و حدود ۱۵ کشور پیرامون فدراسیون روسیه شکل گرفت و امپراطوری شرق عملاً بدون هیچ جنگی فرو پاشید و با رخدادهایی مانند کودتا علیه گورباچف، یلتسین توانست صحنه را مدیریت و فضا را تثبیت کند که در نهایت، پروژه جهان تک قطبی مطرح شد.

جهان تک قطبی آنقدر خوشبینی ایجاد کرده بود که “فوکویاما” در مقاله معروف پایان تاریخ، عملاً از تک ایدئولوژی شدن نظام بین‌الملل یاد کرد. زمانی بحث ما نظم نوین جهانی از حیث یک کشور هست، اما زمانی یک مسئله‌ای فراتر از یک کشور مثل آمریکا که یک تمدن را نمایندگی می‌کند پیش می‌آید.

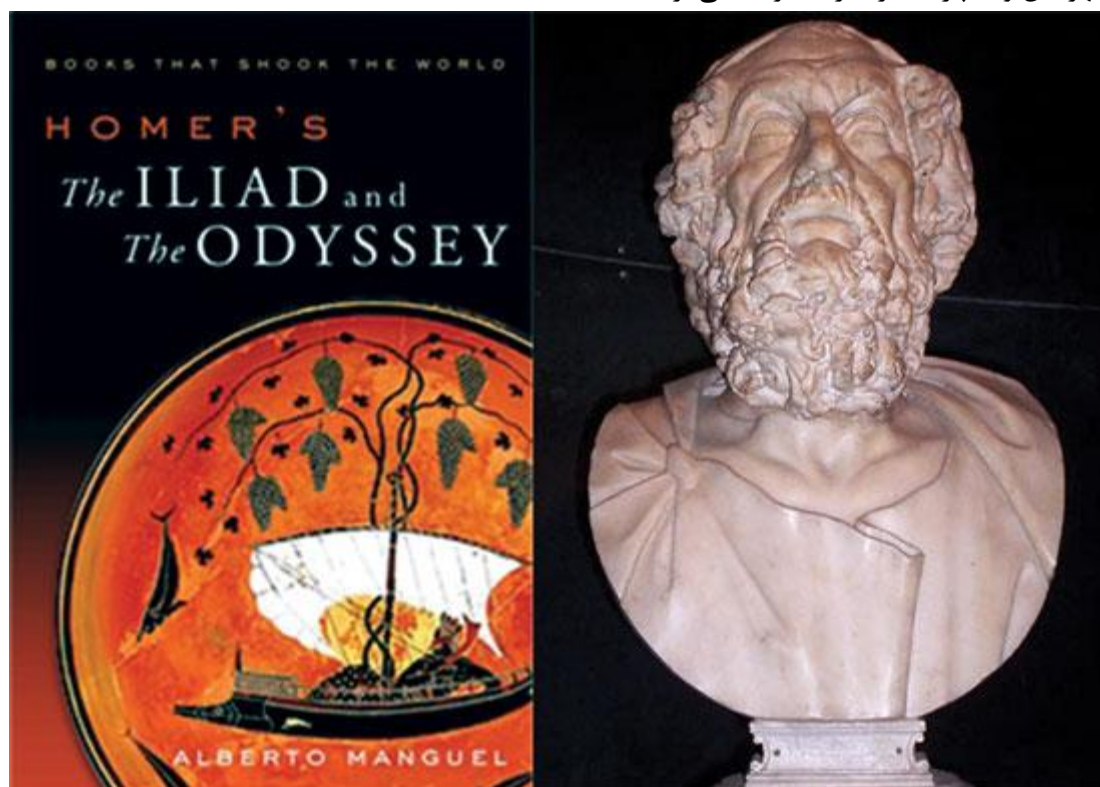


پس ما دو مفهوم داریم؛ یک مفهوم، نظام تک قطبی از حیث کشور-تمدن و مفهوم دوم؛ نظام تک قطبی به مفهوم ایدئولوژی لیبرالیسم، که در آن یک ایدئولوژی، تمدن و قدرت جهانی را به ارمان می‌آورد. این اتفاق پیشینه دارد چرا که ما همواره نظم جهان را به صورت دوقطبی غربی-شرقی دیدیم. فوکویاما مسئله ایدئولوژی برتر را که در دهه اخیر از آن به

عنوان نئولیبرالیسم یاد می‌کنند مطرح کرد و مدعی شد که ایدئولوژی لیبرالیسم، حرف اول و آخر را می‌زند چرا که در طول ۱۰۰ سال، ایدئولوژی مارکسیسم، نازیسم و فاشیسم را در جنگ جهانی دوم و جنگ سرد از سر راه برداشته است. او اسلام را رقیب ویژه‌ای برای لیبرالیسم محسوب نکرد و معتقد بود با لیبرالیسم، تاریخ دیگر تمام می‌شود و این حرف اول و آخر تاریخ است که لیبرالیسم جهان را اداره می‌کند.

*تسنیم: به مصداق‌هایی از این نظم غربی-شرقی اشاره می‌کنید؟

-عباسی: به عنوان نمونه؛ نظم غربی شرقی در دوره یونان باستان، بین تروا در ترکیه امروزی در شرق اژه دولت-شهر آتن و دولت-شهر اسپارت در منطقه غربی ایجاد شده بود، بنابراین از اولین متن برجای مانده غربی‌ها و کتاب ایلید و اودیسه هومر، نظم جهان دوقطبی بوده است، نظمی غربی-شرقی که در ماجراهای افسانه ای ایلید و اودیسه، تروا، شرق را و شهر آتن و اسپارت، غرب را مدیریت می‌کرد.



این تقابل غربی - شرقی در دوره هخامنشیان هم ادامه دارد، تمدن غربی که تمدن یونان است و تمدن شاخص شرقی که امپراطوری هخامنشی است. این نظم غربی-شرقی در دوره حمله اسکندر به ایران و اشکانیان و سلوکیان و موضوع بیرون راندن اسکندر از ایران هم وجود داشت.

در ۲۰۶۰ سال پیش که مرکزیت ثقل غرب در امپراطوری رم و ایتالیای امروز به رهبری ژولیوس سزار بود، سپهبد سورنا شکست سختی به غرب می‌دهد و نظام دوقطبی تثبیت می‌شود و لذا، تقابل غربی-شرقی میان ایران و رم، به عنوان نماد غربی-شرقی تا زمان ساسانیان هم ادامه دارد.

تسنیم: در حقیقت، جنگ‌های اسلام و مسیحیت در دوره قدیم هم در این چارچوب ارزیابی می‌شود؟ در زمان جنگ‌های صلیبی در یک دوره چندصد ساله نظام بین‌الملل، نظم دوقطبی را به عنوان نظم شاخص می‌بینیم که بر اساس آن، جنگ‌های اسلام و مسیحیت بر سر نقطه کلیدی بیت‌المقدس ایجاد شده بود، که بعد از آن هم دوره

مدرن آغاز شد و نظم جدید با صلح معاهده وستفاليا شکل گرفت. تقریباً در ۲۰۰ یا ۳۰۰ سال بعد از معاهده وستفاليا، مفهوم دولت-ملت با چارچوب‌هایی که دارد جای ساختار قبلی را می‌گیرد و از آن پس، ساختار دولت‌ها مبتنی بر مرزهای ملی ایجاد شد و آرام آرام به نظام نوین جهانی می‌رسیم که این نظم نوین در قرن ۲۰ با شکل‌گیری جامعه ملل و پس از آن در جنگ جهانی دوم با شکل‌گیری سازمان ملل و واگذاری حق وتو به ۵ کشور پیروز جنگ، وارد پروسه جدیدی می‌شود که این نظم هم، باز یک نظام دو قطبی غربی-شرقی است که شوروی شرق را نمایندگی می‌کند و بلوک شرق کمونیستی-سوسیالیستی با رنگ قرمز مشخص شده و بلوک آبی به رهبری آمریکا جایگزین امپراطوری انگلیس می‌شود. مشخصاً جامعه ملل در جنگ جهانی اول و سازمان ملل در جنگ جهانی دوم برآمده از جنگ‌هایی بود که صورت گرفت و عملاً مفهومی به نام نظم نوین جهانی با آرایش پس از جنگ‌ها شکل گرفت و ۵ کشور برتر دارای حق وتو در سازمان ملل همگی در یک دوره ۱۰ ساله و پس از جنگ سرد، صاحب سلاح اتمی شدند.

عملاً نظم نوین جهانی یک دوره ۴۵ ساله جنگ سرد را طی کرد و با فروپاشی شوروی نظم تک‌قطبی ایجاد شد. از سال ۱۹۹۰ یک دوره فترت وجود داشت که بوش پدر مفهوم (new world order) را مطرح کرد و پس از حدود ۱۰ سال در اواسط سال ۲۰۰۱، برج‌های دوقلو با توطئه خود آمریکایی‌ها و به نام القاعده، منهدم شد که در نهایت، این اتفاق نظام دو قطبی جدیدی را ایجاد کرد که یک سوی آن آمریکا بود و سوی دیگر دشمنی به نام اسلام و از آنجا جنگی دروغین علیه تروریسم مطرح شد و این مبارزه دروغین با تروریسم هنوز هم ادامه دارد و همین روزهای پیش، آمریکا حملاتی به سوریه انجام می‌دهد. پس در واقع در فرایند نظم نوین جهانی، اگر چین و هند و یا اینکاها و مایاها در تمدن آمریکای قدیم و مصر را در تمدن آفریقایی کنار بگذاریم، مشخصاً در طول ۳۰۰۰ سال گذشته همیشه تقابل نظم غربی شرقی وجود داشته است، مصداق این امر، یکبار در دیدگاه هومر یا در تقابل امپراطوری ایران و رم وجود دارد و یا در جنگ‌های صلیبی پدید می‌آید و در دوره جدید در جنگ‌های شوروی و آمریکا بروز می‌کند و هم اکنون نیز با کنار رفتن شوروی و یکپارچه شدن قدرت در جهان مدرن، اسلام در این تقابل جایگزین شده است.

نظم نوین جهانی؛ عرصه تقابل ایدئولوژیک

عملاً نظم جهانی را یک بار با ماهیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی روی زمین و جغرافیا تعریف می‌کنیم پس تعریف ما تعریف جغرافیا محور است. یک بار هم در خصوص نظم جهانی، ناظر بر مباحث و تعاریف تمدنی بحث می‌کنیم که نظریات "ساموئل هانتینگتون" خود را برجسته نشان می‌دهد؛ یعنی نظم جهانی مبتنی بر اتصال تمدن‌ها و هم زیستی مسالمت آمیز یا تقابل تمدن‌ها، اما در حالت اولی تر نظم جهانی را نظم فرهنگی می‌بینیم که مبتنی بر ایدئولوژی‌هاست تا تقابل ایدئولوژی‌ها با یکدیگر را بررسی کنیم و ببینیم تقابل ایدئولوژی‌ها باهم کجاست؟

کشوری کاملاً شرقی است مثل ژاپن، اما فرهنگ لیبرالی دارد یا تایوان، کره جنوبی و سنگاپور کشورهای شرقی هستند که طبیعتاً باید از شینتوئیسم، هندوئیسم و بودیسم بهره ببرند اما در عرصه عمل نظام اجتماعی جهانی از لیبرالیسم و کاپیتالیسم سرمایه‌داری بهره می‌برند، ممکن است در جهان اسلام هم همین تقسیم‌بندی را مشاهده کنیم هم اکنون، امارات و قطر از مفهوم اسلام استفاده می‌کنند اما عملاً ایدئولوژی‌شان لیبرالیسم است. یا در ترکیه که شرقی است ولی علاقه دارد به اتحادیه اروپا بپیوندد، هم ایدئولوژی لیبرالیسم و نئولیبرالیسم را مشاهده می‌کنیم.

پس در واقع عملاً نظم نوین جهانی بیش از آنچه که به سبک و سیاق سابق، ناظر بر ژئوپلتیک و ژئواستراتژی باشد و روی زمین تعریف شود و بیش از آنچه که برخلاف نظر هانتینگتون، تمدن محور باشد و هم‌زیستی و یا تقابل تمدن‌ها را کنار هم مد نظر داشته باشد، بیشتر مفهومی ایدئولوژیک است که تقابل ایدئولوژی‌ها را نشان می‌دهد، بر این اساس اگر ظهور و بروز ایدئولوژی‌ها را در زندگی و مناسبات اجتماعی مردم بررسی کنیم به این نکته می‌رسیم که شاید کسی در چین، روسیه، آفریقای جنوبی، مکزیک و یا ایران زندگی کند اما ایدئولوژی او از لحاظ سبک زندگی ایدئولوژی لیبرالیسم باشد و سبک زندگی آمریکایی و *American Lifestyle* را پذیرفته باشد پس اگر که به سیاق پیشین بنگریم یک تعریف این است که نظم نوین جهانی را مبتنی بر جغرافیا تعریف کنیم، یک دیدگاه این است که نظم را از منظر تقسیم تمدنی ببینیم و میان هر تمدنی خطی رسم کرده آن را جدا کنیم، اما وقتی ایدئولوژی‌ها را مبنی قرار دادیم، به طور مشخص نمی‌توانیم بگوییم به کدام زمین و یا تمدن صرف باز می‌گردد بلکه ایدئولوژی می‌تواند در کشور رقیب هم پذیرفته شده و در سبک زندگی یک کشور خود را نشان دهد، بنابراین تعریف نظم نوین جهانی به شدت دستخوش متغیرهای متعددی شده که دیگر به شکل ساده پیشینی نیست.

*تسنیم: اعتراض‌های جهانی نسبت به سیاست‌های آمریکایی و صهیونیستی، امروز حتی در شهرهای آمریکا و اروپا مشاهده می‌شود، در سایر کشورها نیز این انتقادات کاملاً مشهود است. این نشانه کلی از تغییر در نظم جهانی است، از نگاه شما علل و علائم این تحول چیست؟

-عباسی: من تقسیمات ژئوپلتیکی و ژئواستراتژیک قبلی نظم جهانی را مبنا نمی‌دانم، نه اینکه به عنوان متغیر قبول نداشته باشم بلکه متغیرهای جدید را در شکل‌گیری و فروپاشی قدرت مبنا قرار می‌دهم، چرا که هر نظامی خودش علت یک قدرت و هر قدرتی زمینه‌ساز یک نظم است. بنابراین پیش از اینکه نظام بین‌الملل را در تئوری سیستم‌ها بشناسیم تا نظم نوین را استنباط کنیم باید به مناسبات یا مکاتب متعدد قدرت روی بیاوریم تا اصلاً مشخص شود که قدرت به قول "نافلر" در حال جابجایی است یا خیر؟

به نظر می‌رسد قدرت نظامی که نظم جهانی را تا اواخر جنگ سرد رقم می‌زد اولویت اول ندارد یعنی نظم جهانی برخاسته از مفهومی به نام قدرت نظامی صرف و قدرت سخت نیست و با نظریات ژوزف نای مؤلفه‌ای به نام قدرت نیمه‌سخت و قدرت نرم در این حوزه نقش آفرینی می‌کند. در جمهوری اسلامی ایران هم نوع بومی این مفاهیم توسط شخص رهبر معظم انقلاب از ۱۳۷۹ تحت عنوان "تهدید نرم و نیمه‌سخت و سخت" مطرح و در طول ۱۳ یا ۱۴ سال گذشته تئوریزه شد. در نتیجه، مفهوم (soft power) قدرت نرم و semi-power قدرت نیمه‌سخت است که در واقع به جای مفهوم (hard power) و قدرت سخت نقش اصلی را ایفا می‌کند بنابراین در نظم جدید حوزه اقتصاد اهمیت زیادی پیدا می‌کند که در همان دوره پس از فروپاشی شوروی نیز این مفهوم هم توسط "نافلر" و هم توسط "لسترتارو" مطرح شد. به تعبیر آقای "مایک ملونی" اقتصاد دان آمریکایی، ابتناء ابرقدرتی و امپراطوری آمریکا بر مفهومی به نام دلار است.



در همین راستا مقابله‌هایی نیز با مفهوم دلار صورت گرفت که مصداق‌های آن، بعد از “برتون وودز” پس از فروپاشی شوروی و شکل‌گیری “پیمان اقتصادی کومکن” سازمان اقتصادی کشورهای کمونیست که پیمانی بود روبروی بازار مشترک اروپایی، به نسبت پیمان ورشو به پیمان ناتو که دو پیمان سیاسی و نظامی بودند، این دو پیمان‌های اقتصادی بودند) ظاهر شد، و پیمان اقتصادی کومکن در مقابل بازار مشترک اروپایی و مناسباتی که نفتا در آمریکای شمالی داشت، قرار گرفت.

با فروپاشی کومکن، بلوک شرق و پیمان ورشو و بعد از “برتون وودز” به دلیل پشتوانه نفتی دلار، شاهد ایجاد مفهوم امپراطوری دلار بودیم که این مفهوم، ناظم اصلی نظام بین‌الملل و این رژیم متأثر از سازوکار دلار عمل می‌کرد، هنوز هم مایک ملونی ادعا دارد که مؤلفه اصلی امپراطوری و نظم آمریکایی در نظام بین‌الملل و وابستگی بیش از نیمی از کشورهای دنیا به‌عنوان کشورهای اقماری، به آمریکا، ناشی از مفهوم پترودلار است و از اینجا است که پیمان تجارت جهانی WTO مطرح شد و سازمان تجارت جهانی از ابتدای سال ۱۳۷۴ خورشیدی برای مدیریت روابط تجارت چندجانبه بین‌المللی جایگزین سازمان «گات» شد.

امروز WTO تلاش می‌کند این نظم را رقم بزند بنابراین عملاً نظم اقتصادی جهان، ترکیبی است از دلار نفتی با ساختارهای تجارت جهانی که یک درهم تنیدگی را به وجود می‌آورند و با مبانی ایدئولوژیک اقتصادی غرب یعنی مکتب شیکاگو، نگاه فریدمنی و یا نئوکینزی جمع شده و یک نظم جهانی را در حوزه قدرت نیمه سخت رقم می‌زنند.

پس مولفه‌های قدرت سخت؛ تقسیمات زمینی، جغرافیایی و ژئوپلتیکی، سلاح‌ها و ذرادخانه‌های نظامی هستند و از سوی دیگر؛ معیارهای قدرت نیمه سخت، پول مبنا در جهان یعنی پترودلار که پشتوانه آن نفت است نه طلا، استانداردهای تجارت جهانی، مفهومی به نام نرم‌افزار اقتصادی جهان که همین ایدئولوژی‌های اقتصادی است که از جهان آنگلو ساکسون یعنی انگلیس و آمریکا به جهان تسری یافته، هستند.

پس از فروپاشی شوروی و بسط این دیدگاهها در حوزه نظم نوین جهانی، کتاب‌های “ساموئل هانتینگتون”، “الوین لویس تافلر” و کتاب‌های “لستر تارو” و دیدگاه‌های فرانسیس فوکویاما در ایران بسیار خوانده می‌شد و اگر شما به

انتشار این کتابها در سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴ سری بزید می‌بینید که بازار این کتابها بسیار داغ بود و مدیران ترغیب می‌شدند این کتابها را مطالعه کنند و حتی در برخی از وزارتخانه‌ها جلسات کارشناسی بررسی محتوای این کتابها برگزار می‌شد، پس عملاً مولفه "اقتصاد دلارمینا" و مولفه ساختار تجارت جهانی WTO بعد از پیمان گات و بعد از آنها هم مبانی نظریه غربی در نظام تک قطبی حتی در چین و روسیه دوران آقای یلتسین یا آقای پوتین و ژاپن زمان آقای کویزومی و دیگر کشورها و حتی در ایران هم مبنی قرار گرفته بود.

اما در قدرت نرم مفهوم lifestyle خود را نشان می‌دهد، در نظام تک قطبی، آمریکایی‌ها تلاش می‌کردند که سبک زندگی خود را از طریق هالیوود جا بیندازند. آمریکایی‌ها مفهومی به نام American Dream به معنی رویای آمریکایی دارند، رویای آمریکایی از بازار مسکن آمریکا با شعار "هر آمریکایی یک خانه" تا صنعت خودرو، صنعت فضایی و دموکراسی آمریکایی ادامه دارد و دموکراسی آمریکایی اصلاً جزئی از رویای آمریکایی است. رویای آمریکایی همچنین، شقوق مختلف سبک زندگی در آداب معاشرت، در پوشاک مانند پوشش شلوار جین و کفش نایک، در نوع خوراک مانند مک دونالد و انواع فست‌فوودها از این جنس و به ویژه پپسی‌کولا و کوکاکولا، موتورسیکلت هارلی دیویدسون و در موسیقی؛ سبک پاپ، جاز، بلوز و رپ و انواع سازوکارها و محصولات فرهنگی که سبک زندگی را شکل می‌دهد را در بر می‌گیرد.

*تسنیم: متولیان اصلی رویای آمریکایی و عاملان اجرایی آن چه بخش‌هایی هستند؟

-عباسی: نظم جهانی در حوزه قدرت نرم، نظمی بود که به زندگی تک تک شهروندان جهانی خط می‌داد و متولی اصلی آن ابتدا هالیوود در سینمای هر کشور و سپس تلویزیون آن کشور از طریق سریال‌ها و انیمیشن‌ها بوده است.

*تسنیم: بنابراین مولفه‌های قدرت را که تا الان برشمردید مختصر اشاره‌ای بفرمایید که شامل چه مواردی است؟

با این تقسیم بندی، مبنای نظم نوین جهان در دوره قبل از فروپاشی شوروی را به این عنوان بررسی می‌کنیم که مولفه‌های قدرت را به ۳ بخش سخت، نیمه سخت و نرم تقسیم می‌کنند. قدرت سخت در حوزه تقسیمات جغرافیایی، بنیه و سلاح‌های نظامی است که این تقسیمات مبنای جنگ سرد بود، ولی در قدرت نیمه سخت ۳ مولفه کلیدی شامل؛ نرم افزار اقتصادی یعنی مکاتب متعدد اقتصاد لیبرالی، ثانیاً؛ ساختارهای تعرفه و تجارت به ویژه استانداردهای تجارت جهانی در WTO و ثالثاً؛ مفهوم پترودلار و مبنای قرار گرفتن دلار آمریکا در معاملات و مراودات اقتصادی وجود دارد. این موارد، نظم نوین جهانی پس از جنگ جهانی دوم و جنگ سرد و فروپاشی شوروی را در عصر جرج بوش پدر رقم زد که تا امروز هم ادامه دارد.

به قدرت نرم که می‌رسیم ظرافت‌های عمیق‌تر پیدا می‌کند و ما از حوزه بلوک‌های قدرت که جهان را به دو قسمت آبی و قرمز، شوروی و آمریکا و ورشو و ناتو تقسیم می‌کرد، عبور کرده و به این نکته متمرکز می‌شویم که در این مرحله؛ تک افراد می‌توانند از حیث سبک زندگی و اینکه باورها و اعتقاداتشان به کدام بلوک عضو بلوک الف یا ب باشند، لذا سبک زندگی افراد که تغییر می‌کند، دیگر شهروند آن بلوک محسوب می‌شوند.

در این مرحله، چهار مولفه لیبرالیسم، دموکراسی، جامعه مدنی و حقوق بشر خیلی برجسته می‌شود که این چهار مولفه نرم افزاری و ایدئولوژیک، اساس قدرت نرم آمریکایی را تشکیل می‌دهد و در مفهوم رویایی آمریکایی متولد و متبلور می‌شود، دستگاه رویاپردازی آمریکا یعنی هالیوود هم موظف است تا این رویا را در سراسر آمریکا شکل داده و معرفی کند.

با وجود این تقسیمات و در دسته بندی مهمترین گزاره‌هایی که برای نظم جهانی موجود و حرکت به نظم آینده فائلیم، پایین‌ترین امتیاز را به قدرت نظامی سخت و تقسیمات ژئوپولیتیکی و جغرافیایی تسلیحاتی داده و بالاترین امتیاز را به قدرت نرم، سبک زندگی و انگاره‌های جامعه‌سازی و آنچه جامعه مدنی می‌نامند می‌دهیم و البته ما در تئوری‌های اجتماعی بومی خود و در مقابل جامعه مدنی، مفهوم جامعه هجری را در انگاره‌های قرآنی و جامعه مهدوی داریم و در میانه این دو نیز قدرت نیمه سخت هست که جایگاه دلار و سازوکارهای WTO در آن موقعیت ویژه دارد.

نکته حائز اهمیت دیگر، ضریب نفوذ بالای اینترنت و فضای سایبر در اواخر جنگ سرد و زمان فروپاشی شوروی است و هرچه از فروپاشی شوروی در ۱۹۹۰ به این سو پیش می‌آییم این ضریب نفوذ بیشتر شده است.

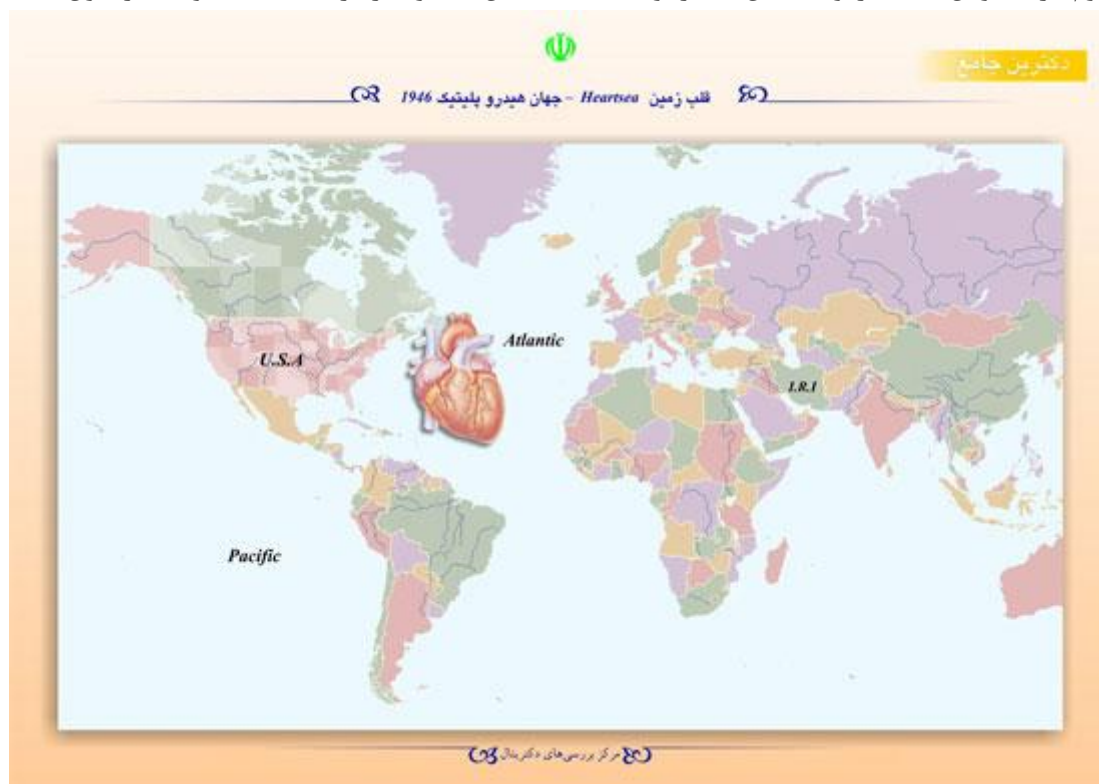
***دعوی مکیندر، اسپایکمن و ماهان بر سر قلب جهان

اهمیت این مفهوم در تبیین قلب حیاتی جهان است. در قرن بیستم، مفهومی به نام هارتلند وجود داشت که منطقه‌ای بود در آسیای میانه کنونی از شمال افغانستان و شمال خراسان ایران و کشورهای ۵ گانه آسیای مرکزی، تا تنه آسیای روسیه در کوههای ماوراء آرال قرار داشت.

مکیندر و شاگردانش روی این نکته تاکید داشتند که هر کشوری قلب بزرگترین خشکی کره زمین را در اختیار داشته باشد بر کل کره زمینه سیطره خواهد داشت، چون کره زمین سه چهارم آب است و قلب آن یک چهارم باقی مانده هم که خشکی هست اروپا و آسیای به هم چسبیده است و قلب این بخش، آسیای میانی است.



اما "اسپایکمن" معتقد بود که حاشیه سرزمین جهانی یعنی حاشیه اروپا و آسیا اهمیت دارد که این نظریه بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد و با نظریه اسپایکمن، ۳ پیمان پیرامون شوروی به وجود آمد، پیمان ناتو در اروپا و پیمان سنتو میان ایران، پاکستان و ترکیه و پیمان سیتو و شاگرد اسپایکمن این تقسیمات را به مباحث تمدنی برد. ۱۲۰ سال پیش "آلفردماهان" به عنوان اولین "هیدرو پلیتیسین" دوره جدید، فرض دیگری را طرح کرد و آن هم مفهوم دریای حیاتی در مقابل نظریه قلب جهانی و هارتلند که مبتنی بر دیدگاه مکیندر بود مطرح شد. ماهان معتقد بود هر کشوری بر دریا حکومت کند بر خشکی‌های زمین نیز حکومت خواهد کرد و این نیز موجب شد که آمریکا بر اساس این نظریه، کره زمین را به ۷ قسمت تقسیم و ۷ ناوگان ایجاد کند و پس از آن، آمریکا ابتدا به عنوان یک امپراطوری دریایی و بعد از جنگ جهانی دوم و باز شدن پای انسان به فضا، به یک امپراطوری فضایی تبدیل شد. در مقابل تقسیمات هارتلند و ریملند و امپراطوری دریاها، مفهوم برینلند جهان به جای هارتلند و منطقه هارتسی جهانی مطرح شد و مثلث برمودا به عنوان منطقه حائز اهمیت مورد نظر قرار گرفت که طرح آن افسانه‌ها بعد از جنگ جهانی دوم در خصوص مثلث برمودا به این خاطر بود که اهمیت این محدوده را برجسته کنند، و لذا در طول



۲۰ سال اخیر مفهومی نزد دکترین‌ها و استراتژیست‌های آمریکا تحت عنوان برینلند جهانی شکل گرفت. *تسنیم: به واسطه این نظریه پردازی‌ها، راهبرد کلانی که آمریکا ذیل کارکرد نفوذ خود اتخاذ کرده چیست؟ -عباسی: مغز حیاتی سایبری جهانی جایی است در کنار جاده بالتیمور در شمال شرق واشنگتن دیسی که حدود ۹ هکتار سوپر کامپیوتر دارد که این سوپر کامپیوترها در زیر زمین و جایی که در جنگ اتمی صدمه نبیند روزانه حدود ۳۰۵ میلیارد پیام را از تماس‌های تلفنی، پیامک‌ها و تلفن‌های ثابت و مطالبی که در فضای سایبر به اشتراک گذاشته می‌شود رصد و جمع‌آوری می‌کنند و این کاری است که بر عهده NSA گذاشته

شده است و طبعاً سازمان اطلاعاتی NSA که (سال پیش با پناهنده شدن یکی از مأموران NSA به نام اسنون به روسیه بخشی از اطلاعات این سازمان لو رفت (به عنوان متولی مغز مجازی جهان عمل می کند و اینترنت جهانی، سرورها، تمام کاربرانی که وصل هستند و اطلاعاتشان از طریق این سرورها به اشتراک گذاشته می شود، موتورهای جستجوی یاهو و گوگل، سیستم عامل لینوکس و ویندوز و تمام نرم افزارها را رصد کرده و شبکه یک پارچه جهانی را برای ایجاد نظم جهانی سایبرنتیک رقم زده اند .



عملاً سیستم سایبر به هر ۳ بخش قدرت سخت، نیمه سخت و نرم مربوط است و همان طور که حوزه جغرافیایی زمینه ای برای مناسبات قدرت است، فضای مجازی هم بستری است که در آن ملت تمدن ها ایجاد می شوند، چنانکه ملت — تمدنی مانند فیس بوک به اندازه کشور چین و هند جمعیت دارد و وقتی ۱ میلیارد نفر انسان، در این شبکه اجتماعی روابطی دارند، این یک نظم است و آنچه نظام الکترونیک نامیده می شود عملاً اتفاق می افتد.

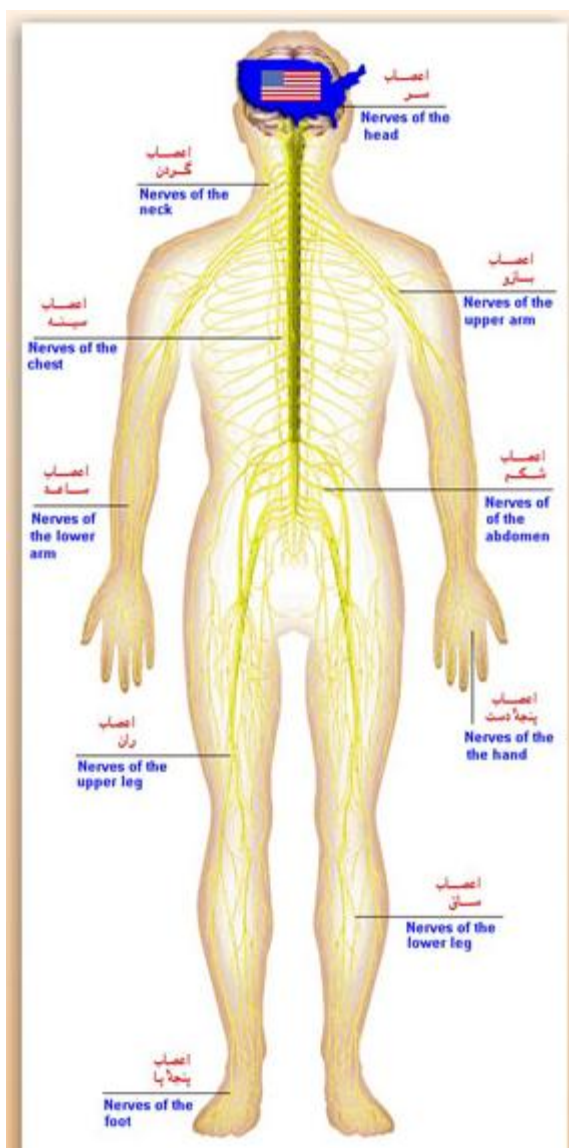
بنابراین مغز جهان در نظم سایبرنتیک، در شمال شهر واشنگتن دی سی در کنار جاده بالتیمور است که تمام این اطلاعات که از طریق فضای سایبر در شبکه های اجتماعی به اشتراک گذاشته می شود، ظرفیتی از حیث تماس ها، مرادوات و مکالمات ثابت و موبایل ها، در این حوزه پدید می آورد که همه رصد و ثبت می شود و این ظرفیت به گونه ای است که تمام افراد در این سیستم پروفایل خود را دارند تا تمام افراد به عنوان شهروندان جامعه جهانی سایبرنتیک، قابلیت کنترلی داشته باشند و در نتیجه، بسر فاضی مجازی برای نظم جهانی شکل می گیرد و در مقابل ACTUAL SOCIETY یک VIRTUAL SOCIETY به وجود می آید.

وقتی فضای مجازی برای شما یک ID در نظر گرفته و سازمان شما هم وبسایتی دارد که هویتی در فضای سایبر دارد این پدیده، آرام آرام به هویت یک زبان و هویت یک تمدن و هویت یک کشور تبدیل می شود و در نهایت، شبیه همین جهان موجود در فضای سایبر به شکل مجازی شکل می گیرد و ضریب نفوذش روز به روز در زندگی اجتماعی بیشتر شده و انحصار آمریکایی موتور جستجو و سیستم های عامل و زیرساخت شبکه این هویت سایبری، این اقتدار جهانی را برای این کشور استمرار می دهد.

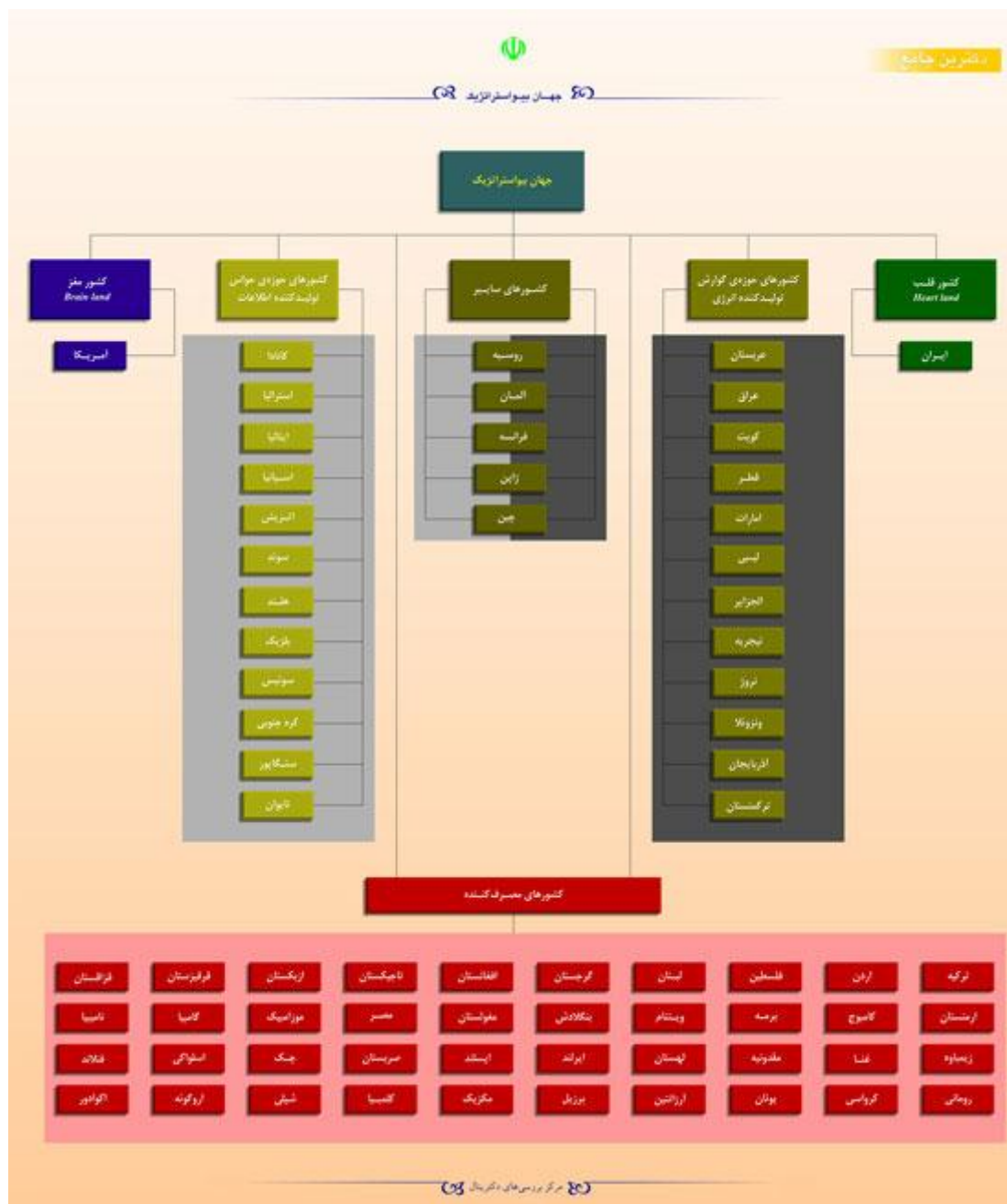
*تسنیم: نسبت هویت سایبری جهانی به تقسیمات قدرت به در سه بخش قدرت سخت، نیمه سخت و نرم چگونه می‌شود؟

-عباسی: عملاً سیستم سایبر به هر ۳ بخش، مربوط است و بستری برای این سه بخش است، همانطور که حوزه جغرافیایی و محیطی، زمینه‌ای برای مناسبات قدرت است، فضای مجازی هم بستری است که در آن ملت-تمدن‌ها ایجاد می‌شود و ملت تمدنی مانند فیسبوک با ۱ میلیارد نفر جمعیت در این شبکه روابطی دارند.

***مغز سایبری و بدن مجازی آمریکایی؛ تجویزی برای نظام جهانی/انتقال قدرت از غرب به شرق
 قدرت سایبر، از هر سه وجه و مولفه قدرت برخوردار است، ما وقتی در نظم نوین، مبنی را این ۳ سطح قرار می‌دهیم و مولفه‌های آن را هم مشخص می‌کنیم، مفهوم قدرت سایبر را منحصرأ به هیچ کدام از این ۳ واگذار نمی‌کنیم بلکه قدرت سایبر به مثابه شبکه عصبی بدن عمل می‌کند چنان که مغز انسان از طریق سیستم نخاع و شبکه عصبی تا کل اندام‌ها گسترش می‌یابد .



با این تعریف، نظام بین‌الملل به یک بدن مجازی تبدیل می‌شود که مغز مجازی آن در ایالات متحده و انتهای اندام‌ها در بخش‌های دیگری است که وظیفه هر کشور نیز معین شده است، مثلاً ونزوئلا و عربستان نفت و ترکمنستان، گاز تولید کند و در کل اقتصادهای تک محصولی در تولید اطلاعات و انرژی فعال باشد و سپس برخی کشورهای انتهای اندام و مصرف‌کننده هستند مثل



کشورهایی که ماهیت مصرفی دارند .

مجموعاً این تقسیمات برای جلوگیری از فرسایش قدرت آمریکا برنامه‌ریزی شده است، به تعبیر آقای ریچارد واتسون در ترندگذاری سال ۲۰۱۰ یکی از ۱۳ مگاترند افق سال ۲۰۵۰ این است که از غرب به شرق **POWER SHIFT** و انتقال قدرت صورت می‌گیرد، در نتیجه برای اینکه این انتقال قدرت از غرب به شرق صورت نگیرد، تلاش می‌شود تا این مولفه‌ها در کنار هم جلوی فرسایش تمدن غرب و آمریکا را بگیرند تا اولاً، موازنه نظامی از بین نرود و همچنان برتری قدرت نظامی در حوزه قدرت سخت برای ایالات متحده حفظ شود و

همچنین، پراکندگی جغرافیایی پایگاههای آمریکایی و ۱۲۰ پایگاهی که در سراسر جهان دارد مخدوش نشود، در قدرت نیمه سخت، اقتدار دلار آمریکا نشکند و معیارهای آمریکایی در تجارت جهانی و سازمان WTO حفظ شود و همچنان مبانی نظری اقتصادی آمریکاییها به خصوص اقتدار مکتب شیکاگو، مکتب پولی و مکتب نئوکینزیها که مربوط به انگلیسیهاست نشکند و این مکاتب، همچنان مبنا قرار گیرند چرا که به هر حال، هر کشوری از این مکاتب بهره گیرد، غرب برد داشته است.



آنچه آمریکا در نظر دارد این است که در حوزه قدرت نرم هم مشخصاً رویای آمریکایی شامل سبک زندگی آمریکایی و مولفه‌هایی مانند لیبرالیسم و دموکراسی و جامعه مدنی و همچنین حقوق بشر، مبنای مناسبات قدرت نرم باشد. راهکاری که آمریکا برای معرفی این مولفه‌های قدرت نرم خود به جهان در نظر گرفته استفاده از فضای سایبر برای یکپارچه سازی جهانی است پس فضای سایبر یک زیرساخت است و آمریکا سعی دارد تا از طریق ۳ منشا قدرت نیمه سخت، نرم و سخت، فروپاشی خود را به تاخیر انداخته و متقابلاً، روند شکل‌گیری نظم نوین جهانی در خارج از حوزه تمدنی غرب را به تاخیر اندازد تا نظم نوین جهانی خارج از حوزه تمدن غرب شکل نگیرد. به این معنا که اگر قرار است نظامی شکل بگیرد که مبنای آن، سمت غربی اقیانوس اطلس در آمریکای شمالی نیست، حداقل این نظم در سمت غربی یعنی در اتحادیه اروپا صورت گیرد.

*تسنیم: با این تعریف در هدف تشکیل اتحادیه اروپا به معنای همکاری‌های پولی و مالی و سایر مسایل اینچنین هم تشکیک می‌شود؟

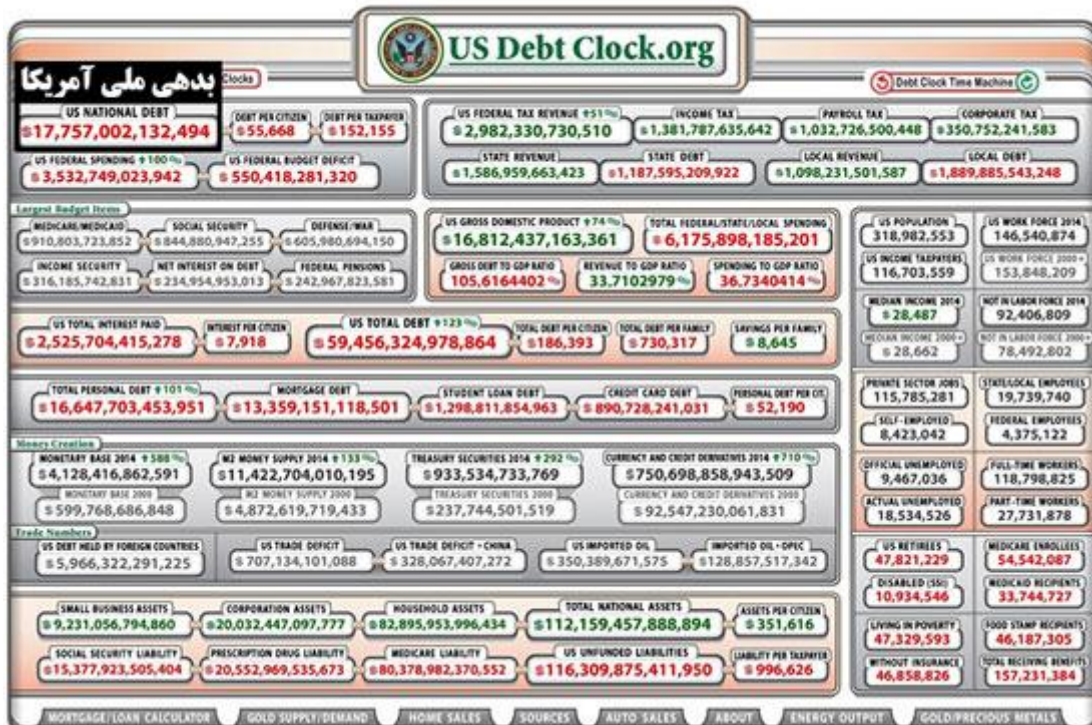
-عباسی: بله؛ اصلاً انسجام اتحادیه اروپا به نسبت این بود که در کنار ایالات متحده آمریکا یک اتحادیه اروپا شکل بگیرد و اصلاً از پیمان ماستریخت به این سو، نیت این بود که به نسبت ایالات متحده آمریکا یک ایالات متحده اروپا شکل بگیرد و اروپا یک کشور گسترده با ۴۰۰ میلیون جمعیت باشد که پس از فروپاشی آمریکا بتواند و کیوم قدرت در غرب را حفظ کند و خلاء قدرت جهانی را بپوشاند و در خلاء آمریکا، چین، هند، روسیه، برزیل و ایران مدعی نشوند، بلکه اتحادیه اروپا این کار را انجام دهد. اما عملاً مشخص شده است که اتحادیه اروپا چنین کاری را نمی‌تواند انجام دهد. پس وقتی ما عموماً صحبت از فرسودگی تمدن غرب و خصوصاً اشاره به فرسایش قدرت آمریکا داریم، بحث ما ناظر بر این است که در قدرت سخت، قدرت نظامی آمریکا به چالش کشیده شده و هرچه زمان گذشته، توان نظامی ایران بالا رفته و از طرف دیگر؛ یکه‌تازی آمریکا در چین، هند و آمریکای لاتین کاهش یافته و بنابراین قدرت آمریکایی اثرش را از دست داده است.

مؤلفه دوم اینکه «اقتصاد پول‌مبنا» و خصوصاً اقتصاد مبتنی بر دلار نیز به چالش کشیده شده و شاهد این مدعا پیمان پولی «بریکس» است که میان روسیه، برزیل، آفریقای جنوبی، هند و چین منعقد شده و قرار شد این کشورها پیمان پولی مشترک خود را بسط داده و یک صندوق مشترک داشته باشند تا در مقابل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی قرار گیرد و بی‌تردید، اتحادیه‌هایی که میان کشورهای مختلف زمینه پیمان پولی دوجانبه را فراهم می‌کند روز به روز موقعیت دلار را بیشتر تضعیف می‌کند و موضع سازمان تجارت جهانی در عرصه تجارت جهانی تضعیف می‌شود. پس مؤلفه قدرت بعدی هم در نظام نوین جهانی دوره بعد از جنگ سرد و ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۴ در این ۲۰ یا ۲۴ سال به سرعت به چالش کشیده می‌شود و اگر پیمان پولی دوجانبه زمینه مراودات اقتصادی باشد به بستری برای تجارت دوجانبه تبدیل می‌شود که در معیارهای WTO تعریف نشده که در نتیجه، موضع تجارت جهانی هم تضعیف می‌شود.

در خصوص مسئله مکاتب اقتصادی، مکتب اقتصاد فریدمنی، مکتب شیکاگو و اقتصاد پولی در آمریکا مصیبت ایجاد کرده است و اندیشمندان آمریکایی، مقصر مشکلات ایالات متحده را شاگردان آقای فریدمن می‌دانند.

*تسنیم: نشانه‌های مصیبت مکاتب اقتصادی آمریکایی چیست؟

نشانه‌های این مشکلات شامل آنچه رخداد جنبش وال استریت و قریب به ۱۸ تریلیون دلار بدهی ایالات متحده اقتصاد آمریکا است که این مسایل از رهاوردها و دستاوردهای مکتب شیکاگو و مکتب اقتصاد پولی است. سند این ادعا دیدگاه مایک ملونی و آقای ژوزف استگلیتس است که در کتاب معروف سقوط آزاد، استگلیتس رسماً اعلام می‌کند که این اقتصاد آمریکا نیست که سقوط آزاد کرده، این علم اقتصاد آمریکا است که سقوط آزاد کرده و وقتی علم اقتصاد سقوط آزاد کرده نمی‌تواند نیازها را پاسخ دهد و دیگر چه تفاوتی می‌کند که مکتب الف با مکتب ب را در اقتصاد لیبرالی استفاده کنید، چرا که کلاً جوابگوی اداره اقتصاد نیست.



*****جامعه مدنی آمریکا دیگر برای روشنفکران چشمگیر نیست**

در حوزه قدرت نرم نیز، جامعه مدنی آمریکایی دیگر جذابیت سابق را ندارد، جذابیتی که ۲۰ سال پیش و حتی ۱۰ سال پیش داشت.

۱۰ سال پیش در اواخر جریان رفرمیست‌ها در ایران و دوره دولت هفتم و هشتم، طرح مفهوم جامعه مدنی از سوی جریان شبه روشنفکری، چقدر برای برخی از افراد، جذابیت داشت اما معلوم شد که این یک حربه‌ای از سوی آمریکاست وگرنه آمریکا برای کشوری مانند عربستان که برایش نفت را پمپ کرده و به تمدن غرب می‌رساند قائل به مفهوم جامعه مدنی نیست، در مورد مفهوم حقوق بشر که دموکرات‌ها از ۳۵ سال پیش در زمان کارتر به آن می‌پرداختند، اتفاقات عراق

و فجایع ابوغریب مشاهده می‌شود، در ۵۰ ماه گذشته نیز ۲۰۰ هزار نفر در سوریه توسط شبکه‌های تروریستی مورد حمایت آمریکا کشته شدند و عملاً حقوق بشر آمریکایی به چالش کشیده شده است.

لایه بعدی مسئله سبک زندگی آمریکایی با زمینه لذت جویی گسترده در درون آن است. این مسئله نیز در کشورهای مختلف با تردید نگریده می‌شود و یک قلم این تردید، سن بالای ازدواج در آمریکا، فروپاشی خانواده و نادیده گرفته شدن این انگاره‌ها بوده است که طبعاً از انقلاب فرهنگی و جنسی ۱۹۵۰ در آمریکا، یک دوره ۵۰ تا ۶۰ ساله نیاز بود که نسلی که این لذت‌گرایی را بسط می‌دهد روی دست آمریکا بماند تا با ایجاد خانواده‌های متلاشی شده آمریکایی، متوجه این مخاطرات شوند بنابراین سبک زندگی آمریکایی، در آمریکای لاتین و خود آمریکا و آسیا با چالش مواجه شده است. در نهایت رویای آمریکایی جهانگیر نشد و با ضریبی که دلار آمریکایی در جهان مبنای اقتصادی شد و اینترنت و نرم افزارهای آمریکا در جهان زمینه بروز یافت، چنین امکانی برای سبک زندگی، حقوق بشر و جامعه مدنی و دموکراسی آمریکایی فراهم نشد، چون آمریکا دموکراسی را برای همه تجویز کرد، اما در عین حال، کشورهای دوست آمریکا همواره با کودتا سرکار آمدند.

به عنوان مثال آمریکایی‌ها در کشور قطر، پسری را به عنوان جایگزین پدرش بر سر قدرت آوردند و پس از اینکه دوره او تمام شد، نوه او بر مسند نشست؛ یعنی در قطر، بحرین، عربستان، امارات، مغرب و اردن اصلاً دموکراسی مطرح نیست، آمریکا در کشورهای دوست خود مفهوم دموکراسی را دنبال نمی‌کند پس مفهوم لیبرال دموکراسی، نسخه‌ای است که آمریکا در کتاب‌ها می‌پیچد و در فضای خارج از منافع ملی خود آن را اعمال نمی‌کند و استاندارد دوگانه‌ای در دموکراسی دارد و این را در جامعه مدنی و حقوق بشر اعمال کرده است.

بنابراین قدرت نرم آمریکا به عنوان استاندارد یکپارچه برای تمام دنیا تجویز نمی‌شود و اگر بخواهیم مثال روشنی بیاوریم؛ ارزش آمریکایی به نام دموکراسی، در بحرین به ضرر آمریکاست، لذا ۵۰ ماه است مردم بحرین صبح تا شب در خیابان راهپیمایی می‌کنند اما آمریکا اجازه جابجایی قدرت را نمی‌دهد. آقای گیتس در دوره قبلی، صحبت‌هایی با حاکم بحرین داشت و چند ساعت بعد به عربستان سفر کرد و بعد از مذاکره با عربستان، این کشور، بحرین را اشغال کرد که همچنان بحرین در اشغال نظامی عربستان به سر می‌برد اینکه با یک حضور ساده رابرت گیتس این اتفاق می‌افتد، مردم بحرین می‌بینند دموکراسی اصلاً با فرمول‌هایی که آمریکایی‌ها می‌گویند همخوانی ندارد.

بنابراین عملاً ارزش‌های آمریکایی مانند سبک زندگی و رویای آمریکایی غیر از بخش‌هایی که انحطاط ایجاد می‌کند و در آن فساد اخلاقی هست، امکان بروز نیافت و هم اکنون در حال خنثی شدن هست.

مؤلفه دیگر، قدرت سایبر است که انحصار آمریکا بر موتورهای جست‌وجو و فضای سایبر هم توسط چین شکسته شده و این کشور اکنون، سیستم عامل و موتور جست‌وجوی مورد نظر خودش را دارد، روس‌ها موتور جست‌وجو و سیستم عامل بومی و زیرساخت شبکه مستقلی را دنبال می‌کنند، کشورهای آمریکای لاتین در حال تدوین شبکه اینترنت قاره‌ای هستند و ایران نیز حداقل ۱۰ سال است که در حوزه سیستم‌های عامل و موتورهای جست‌وجو و اینترنت ملی استقلال خود را دنبال می‌کند و این موضوع در ۱۰ سال آینده به جایی می‌رسد که همه حساب خود را در فضای سایبر از NSA و ایالات متحده جدا کنند. تک‌تک این مؤلفه‌هایی که به‌اجمال اشاره شد حاکی از افول و فرسودگی روزانه قدرت آمریکا است.

*تسنیم: در مجموع طی ۲ دهه اخیر، نظم جهانی تک‌پایه برحسب ایالات متحده در حوزه نرم، نیمه‌سخت و سخت و همچنین، بستر زیرساخت شبکه، سیستم عامل و چارچوب‌های سایبری رقم خورد و آمریکا رشد

عمومی از خود نشان داد اما این قدرت به سرعت در حال فرسایش است و نظم جدید جایگزین آن خواهد شد، ویژگی‌های این نظم جدید چیست؟

این نظم جدید چند ویژگی دارد؛ ویژگی اول آن در کثرت جمعیت است. کاهش جمعیت اروپا، آمریکا و ژاپن و کشورهای پیشرفته صنعتی به عنوان کشورهای پیر که نیروی کار ارزانی ندارند و سبک زندگی‌شان گران است، زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا این‌ها در تراز قدرت، قدرت‌های تراز می‌محسوب نمی‌شوند.

قدرت‌های نوظهور قدرتی‌هایی هستند که از جمعیت جوان و شاداب زیادی برخوردار هستند بنابراین متغیر جمعیت که در تئوری قدرت خیلی جدی دیده نمی‌شد در حال حاضر جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است.

نکته دوم؛ منابع استراتژیک ده‌گانه است، که در همین راستا اهمیت یکی از آنها نفت و دیگری گاز است و منابع دیگری مثل اورانیوم، مس، طلا و منابع زیرزمینی استراتژیک، روز به روز بیشتر می‌شود، چون جمعیت جهان بیشتر می‌شود و مصرف روزانه بالا رفته و منابع کره زمین کاهش جدی می‌یابد.

در نظم نوین جهانی که در حال شکل‌گیری است مسئله این منابع در کشورهای مختلف آرایش قدرت را بر هم می‌ریزد. متغیر سوم در نظم نوین جهانی تغییرات آب و هوایی است. در آینده روسیه و کانادا از حیث آب و هوا به دلیل آب شدن یخ‌های قطبی شرایط ممتازی پیدا می‌کنند، چون در نتیجه آن استپ‌ها و تندراهای روسیه برای زیست مساعد می‌شود و روسیه و کانادا سرزمین قابل سکونت بیشتری نسبت به کشورهای دیگر جهان پیدا می‌کنند. این وضعیت در کشورهای دیگری مثل آمریکا، آفریقا و چین موقعیت نگران‌کننده‌ای پیدا می‌کند و در ایران هم بخش عمده‌ای از ایران هم قابلیت سکونت پیدا می‌کند اما در بررسی وضعیت آمریکا مشاهده می‌شود که خشکسالی عظیمی دوسوم آمریکا را فرا گرفته است.

مستندهای زیادی در این خصوص ساخته شده است؛ به عنوان مثال در مستند ۲۱۰۰ نشان می‌دهد در ۸۰ یا ۹۰ سال آینده اتفاق عجیبی خواهد افتاد و مردم از جنوب آمریکا مجبور به مهاجرت به سرزمین‌های شمالی نزدیک با مرز کانادا می‌شوند، این جابجایی جمعیت را در سال‌های اخیر حتی در ایران هم مشاهده می‌کنید.

'EARTH 2100': IS THIS THE FINAL CENTURY OF OUR CIVILIZATION?



Experts say over the next hundred years the "perfect storm" of population growth, resource depletion and climate change could converge with catastrophic results.

ایران هفتمین سال خشکسالی را طی می‌کند و از هر ۱۰ شهری که رودخانه داشتند رودهایش خشک شده است، بنابراین جابجایی جمعیت عظیمی در جهان در حال شکل‌گیری است که حکایت از این دارد که خیلی از زمین‌ها را در

نزدیکی خط استوا از باب امکان سکونت نامناسب خواهد بود و بشر در نیم کره شمالی و جنوبی به سمت دو قطب دست به مهاجرت بزند.

حتی در بررسی طرح‌های مراکز مطالعات استراتژیک آمریکا، چین و هند که جمعیت عظیمی دارند در یک دهه آینده سرزمین و منابع‌شان کفاف جمعیت را نمی‌دهد، در نتیجه این کشورها برای تنه آسیایی روسیه خواب‌هایی دیده‌اند، به طوریکه یکی از نگرانی‌های روسیه برای آینده، تجزیه این کشور است و اینکه سرریز جمعیت هند و چین آرام آرام به سرزمین‌های خالی از سکنه روسیه مانند تندرها و استپ‌های شمالی آن که برای زیست آماده می‌شود، گسیل شوند. در سال‌های اخیر گزارشات متعددی در برخی رسانه‌ها منتشر شده که چینی‌ها در کشور پهناور قزاقستان زمین‌های زیادی را برای کشاورزی به صورت ۹۹ ساله اجاره کرده و سرریز جمعیت خود را به بخش عمده‌ای از قزاقستان که بسیار پهناور و کم جمعیت است منتقل می‌کنند و این مسئله آرام آرام به روسیه هم تسری می‌یابد، البته چین و هند نگاهی هم به سرزمین‌های آفریقایی دارند.

اما به هر جهت، مسئله اول شامل جمعیت و مسئله دوم شامل منابع و مسئله سوم شامل مفهوم گرم شدن زمین و تغییرات زیست محیطی از مولفه‌های نظم بخشی به نظام نوین جهانی آینده است.

از همه مهم‌تر اینکه در نظم آینده جهانی، پول واحدی به عنوان مبنای نظام اقتصادی جهان محسوب نمی‌شود و واحد پول کشورها هر کدام اعتبار خاص خود را می‌یابد و تلاش ایران برای اینکه موضع جریان اداری و دانشگاهی در دولت‌های مختلف که پایبند به دلار است تضعیف و موضع ریال ایران ارتقا یابد نیز، در همین راستا است.

*تسنیم: نئولیبرالیسم، کاپیتالیسم، سکولاریسم و سایر مکاتب و نظریات پشتوانه نظم آمریکایی، هم اکنون در چه وضعیتی به سر می‌برند؟

-عباسی: مسئله نرم افزار اداره جهان موضوع بسیار حائز اهمیتی است. کامپیوترها حتما برای انجام هر پردازشی یک سیستم عامل ویندوز یا لینوکس لازم دارند، تا سیستم عامل نباشد کامپیوتر به کار نخواهد افتاد؛ هر حکومت و جامعه هم سیستم عامل می‌خواهد که این سیستم عامل، همان ایدئولوژی است که برای اداره جامعه در علم معیشت تا فرهنگ و اقتصاد و سایر حوزه‌ها برمی‌گزیند.

امروز ایدئولوژی مارکسیسم برای اداره جهان جوابگو نیست و در زمان فروپاشی شوروی کنار گذاشته شده است و کشورهای محدودی مانند کره شمالی، بولیوی، و بعضی رگه‌ها و قسمت‌های بلاروس، ونزوئلا و کوبا از آن استفاده می‌کنند که محلی از اعراب ندارند پس مارکسیسم دیگر به عنوان سیستم عاملی که بر حکومت‌ها و جوامع نصب شده و پاسخگوی نیازهای فکری و متدیک جهان باشد عمل نمی‌کند.

ایدئولوژی دوم دوره مدرن که فوکویاما معتقد بود که این ایدئولوژی حرف اول و آخر دوره مدرن را خواهد زد و با این اتفاق تاریخ تمام خواهد شد ذیل عنوان لیبرالیسم و نئولیبرالیسم عملاً به فروپاشی و اضمحلال ذاتی و درونی رسیده و گزاره‌های ضد و نقیض در درون آن بسیار گسترده است. بنابراین نظم نوین جهانی بر پایه ایدئولوژی‌های جدید و رقیب است و نظم جدید را جامعه‌ای رقم می‌زند که ایدئولوژی نوینی را در اقتصاد، فرهنگ و سیاست ارائه کند.

*تسنیم: یعنی عملاً یک رقابت نفس گیر میان چین، ژاپن، هند، روسیه، اتحادیه اروپا و آمریکا، آفریقا و آمریکای لاتین و جهان اسلام مبنی اینکه در افق ۲۰۳۵ میلادی کدام کشور می‌تواند ایدئولوژی جایگزین لیبرالیسم را ارائه کند وجود دارد؟

-عباسی: بله؛ در حال حاضر نئولیبرالیسم به عنوان سیستم عامل برخی حکومت‌ها نصب شده که پاسخگو نیست و الگوهای اقتصادی آن جواب نمی‌دهد.

اگر لیبرالیسم ناکارآمد است الگوی جایگزین آن چیست؟ پیش‌بینی‌ها این است که تنها کشوری که این امکان را دارد که به جای ایدئولوژی نئولیبرالیسم ایدئولوژی جدید و کاربردی ارائه کند حوزه تمدنی جهان اسلام است و در درون تمدن اسلامی هم، جمهوری اسلامی ایران از این ظرفیت برخوردار است. شما وقتی به مسترپلن “ریچارد واتسون” در ۲۰۰۵ میلادی نگاه کنید کشورهای ایران، ترکیه و مکزیک را در آن مقطع صاحب کلید قدرت جهانی می‌داند.

در نظم آینده، قدرت نرم حرف اول را می‌زند و اصالت با قدرت نرم است و باید دید که چه کشوری ذیل قدرت نرم مند و روش متفاوتی برای اداره جهان ارائه می‌کند.

هر کشوری حدود ۱۴۰۰ سیستم عمده و اصلی دارد و جامعه هم از سیستم‌های متعددی تشکیل شده که از این سیستم‌ها، حدود ۱۰ درصد سیستم‌ها، استراتژیک و بقیه سیستم‌های عملیاتی و تاکتیکی هستند. نرم افزار اداره جامعه، زیرنظام‌هایی است که وقتی شکل می‌گیرند تک تک آنها باید بومی باشند بنابراین، یک مکتب اقتصادی کلی ذیل عنوان اقتصاد لیبرالیستی، اقتصاد مارکسیستی و اقتصاد اسلامی نداریم بلکه ذیل اقتصاد، حداقل ۵۰ تا ۶۰ زیرسیستم وجود دارد که یکی از آنها نظام پولی و مالی و یکی نظام مالیات و یا گمرک است. در فرهنگ، نظام آموزش عالی، نظام هنر و رسانه، نظام تحقیق و پژوهش و غیره را داریم که در نهایت باید ادبیات بومی هر یک از این زیرنظام‌ها تولید شده باشد و برای جوامع الگو شود.

*****ایران تنها کشوری بوده که خیزش علمی با توجه خاص به بومی‌گرایی داشته است**

از مهر سال ۱۳۷۹ و سخنرانی معروف رهبر معظم انقلاب در مدرسه فیضیه قم که برای نخستین بار، موضوع جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم مطرح شد تا الان که حدود ۱۴ سال می‌گذرد.

از آن زمان تاکنون، این موضوع در مراحل مختلفی پیش رفت و ایران امروز در تحول علمی، یکی از کشورهای پیش‌تاز محسوب می‌شود. ایران در رشته‌های علوم زیستی و پزشکی و سپس در علوم فنی و پایه و در انتها هم، لنگان لنگان در حوزه علوم انسانی، پیشرفت خوبی داشته است و عملاً، تنها کشوری که این خیزش علمی را با توجه خاصی به بومی‌گرایی داشته، جمهوری اسلامی ایران بوده است. در حالیکه کشورهای ترکیه، چین، پاکستان، مصر، مکزیک و برزیل فقط در درون پارادایم علم غربی دست به تولید علم زده‌اند و هرچه تولید می‌کنند تمدن غرب بیشتر بهره‌اش را می‌برد و تنها کشوری که موفق بوده تا حرف‌های متفاوتی نسبت به پارادایم علم غربی بزند، جمهوری اسلامی بوده است و همینکه درمی‌یابیم که مبنای علوم غربی به درد ما نمی‌خورد و از نظر زیرساخت با زیرساخت فکری ما در تعارض است این توجه، ۵۰ درصد موضوع را حل می‌کند.

رهبر انقلاب در ماه رمضان امسال و در دیدار اساتید دانشگاهها، نکته حیرت‌انگیزی را راجع به علوم انسانی به صورت کلی تاکید کردند، مبنی بر اینکه “مبنای علوم انسانی غربی غیرالهی، مادی و غیرتوحیدی است” و طبعاً علوم انسانی غرب به درد جامعه ما نمی‌خورد.

*****عمده رشته‌های علوم انسانی غرب، ماهیتی تثلیثی دارند/مونتسکیو نظریه قوای سه‌گانه را از اقنوم سه‌گانه مسیحیت برداشت کرده است.**

عمده رشته‌های علوم انسانی غرب، ماهیتی تثلیثی دارند، بررسی کارشناسی ما در سال‌های اخیر این مبنای غیرتوحیدی را در بسیاری رشته‌ها و حتی در علوم زیستی و پایه، نشان می‌دهد.

در نگاه امام علی(ع) مفهومی به نام معرفت توحیدی وجود دارد، اصولا یک وجه ممتاز توحید امام علی(ع) این بود که معرفت توحیدی داشتند و اصولا روش تفکر ایشان توحیدی بوده است. اما در جامعه‌شناسی، روانشناسی، فلسفه و مکاتب فلسفه و حقوق اساسی غرب، مبنا تثلیثی است.

***تسنیم: طبق این بیان، به عنوان مثال نظریه قوای سه‌گانه مونتسکیو هم ماهیت تثلیثی دارد؟ یعنی می‌توان آن را در این قالب ارزیابی کرد؟**

-عباسی: بله؛ همین مسئله در حقوق اساسی که نظریه‌پردازان غرب، متن آن را منتشر کردند نیز وجود دارد، مونتسکیو نظریه قوای سه‌گانه را ارائه کرده و بر اساس اینکه مذهبی بوده، از "پدر، پسر و روح‌القدس" الگوبرداری کرده است، در واقع نرم‌افزاری که امروز در مباحث مختلف از فلسفه تا مدیریت و اقتصاد و رشته‌های متعدد در جامعه پذیرفته شده، اساس و جوهره‌اش در متد تثلیثی است.

Holy Trinity
Lesson 2

We have one God, which is a Trinity. Three separate persons, yet act as one.

How can three persons be one?

A good example of three persons as one, (trinity) is our U.S. Government.

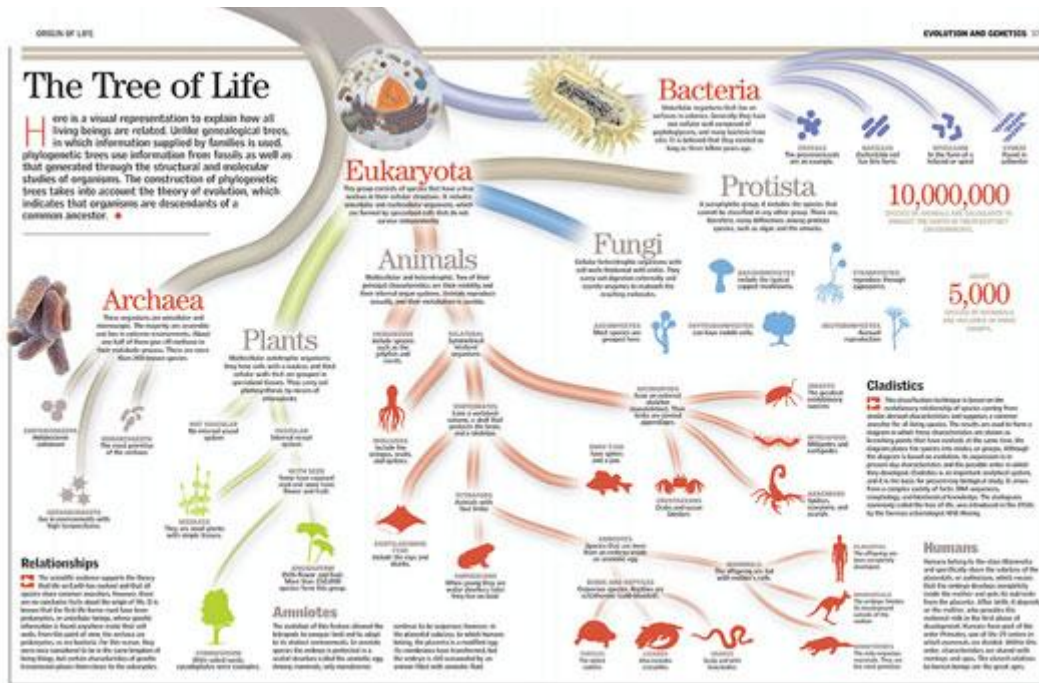
One U.S. Government

One God Holy Trinity

*We have one government, but three branches, a trinity:
The Executive, Legislative and Judicial branches.*

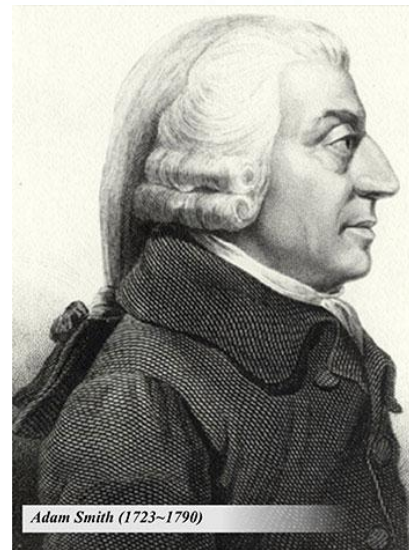
*We have one God, yet three persons, a trinity.
Our Heavenly Father would be in the Executive branch as President.
Jesus would be in Judicial branch as Supreme Judge.
The Holy Spirit would be in the Legislative branch as the writer of laws (Bible).*

وقتی که یک مسیحی صلیب می‌کشد، فرد مسلمان با خود می‌گوید این کار شرک است، اما همین مسلمان وقتی در علم وارد می‌شود رشته علمی او تثلیثی است. مثلا در زیست‌شناسی، داروین، اساس کارش را طبق "آرخیا، باکتریا، یوکاریوت‌ها" قرار می‌دهد که در نتیجه، وقتی ۳ مورد اساس حیات، تثلیثی است کلا مبنای تئوری خلقت زیر سؤال می‌رود و این وجهی است که مقام معظم رهبری به آن اشاره کردند که مبنای علوم انسانی غربی؛ مادی، غیرالهی و غیرتوحیدی است.



تنها نظامی که می تواند نرم افزاری با مبنای الهی که صرفا مادی نبوده و بن مایه توحیدی داشته باشد را ارائه کرده و برای تبیین آن، ترندگذاری و تعیین مسیر کرده، جمهوری اسلامی و رهبر معظم انقلاب است.
 *تسنیم: این نرم افزار الهی و چند وجهی که اشاره کردید، چه چیزی را به چالش می کشد؟

-عباسی: نظم جهانی در واقع، یک نظم نرم افزاری است که اولین چیزی را که به چالش می کشد ۲۰۰ سال سیطره مدرنیته است.
 مدرنیته ای که در حقیقت از سال ۱۸۰۰ و عصر روشنگری و همزمان با طرح مسئله جامعه مدنی از سوی هگل، ایجاد شد، زمانی که در ۱۸۰۳، توماس جفرسون، منطقه لوئیزیانا را از ناپلئون بناپارت خرید و آمریکا در ۲۱۱ سال پیش یکپارچه شد.



از آن زمان و فضای بعد از انقلاب فرانسه و عصر پسا روشنگری تا امروز غرب مدام برای اداره جامعه جهانی، نرم افزار باز تولید کرده، رو به افول می رود و روند پرشتاب تولید نرم افزار آن کند و با رکود مواجه شده است در حالی که رقیب جدی آن قادر است به نیازهای روز پاسخ دهد.
 مهم ترین مسئله در پاسخ به نیازهای روز این است که دردهای روز را خوب تشخیص دهید و متوجه شوید که اقتصاد غربی چه مشکلات اساسی و جوهری دارد. مثلا اقتصاد غربی اصالتا ذات ربوی دارد یعنی اساسا از زمان "آدام اسمیت" به این سو، نگاه عمده متفکرین اقتصادی غربی، ربا بوده است، چنانکه انگار نظریه پردازان غرب ربا را روبروی خود گذاشته و از آن طراحی ساختار فکری و اقتصادی انجام داده اند.

در ایران وقتی از شیوع ربا در نظام اقتصادی جهانی می‌گوییم عوام فکر می‌کنند منظور ما بهره بانک‌ها است، در حالی که اقتصادی که پول بدون پشتوانه "فیات" و currency را به جای money تولید می‌کند در حقیقت ربای دولتی و سودخواری انجام می‌دهد. بنابراین اقتصادی که جوهره مکاتب آن غیرالهی و مزموم و حرام است طبعا دیر یا زود متلاشی خواهد شد.

همین مبانی در دیدگاه‌های فرهنگی هم وجود دارد، وال استریت نه یک جنبش اقتصادی بلکه جنبشی فرهنگی و اجتماعی بود، در حقیقت جهت‌گیری آن اشغال وال استریت بود، اما بر پلاکاردهای جنبش در شهرهای مختلف کلمه Greed به معنی حرص و طمع نوشته درج و بر روی آن علامت ممنوع کشیده شده است و وقتی به وبسایت‌های جنبش مراجعه می‌کنید رنج این قشر از مفهوم فرهنگی Greed مشهود است



اولیور استون در دو فیلم "وال استریت" که یکی ۲۵ سال پیش و دومی سال ۲۰۱۰ بعد از مشکلات فروپاشی اقتصادی آمریکا ساخته شد به زیبایی این مسئله جامعه غرب را به تصویر کشده است. در قسمت اول "وال استریت" یک شخصیت بورس باز به نام "کاکو" مشکلاتی به وجود آورده و به زندان می رود و بعد از بیست سال از زندان آزاد می شود، قسمت دوم وال استریت هم ادامه زندگی همان فرد است.

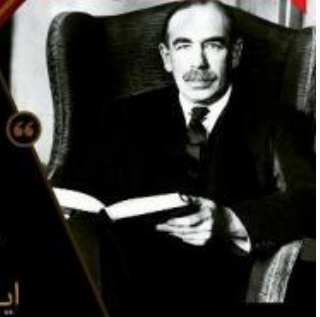
بنابراین؛ عملاً جنبش اجتماعی مورد نظر آمریکایی ها در دوره اشغال وال استریت یک جنبش فرهنگی-اجتماعی بود، مسئله حرص و طمع در ایران نیز در حال رشد است و متأسفانه تبلیغات رسانه ای هم به آن دامن می زند. پس در حقیقت، مشکل اصلی و اساسی نظام تمدنی غرب، اصالت دادن به طمع و حرص است که نظام اجتماعی را نابود می کند و موجب طغیان ملت های غربی می شود. بنابراین به نظر می رسد غیر از اینکه تئوری های اقتصادی شان با شکست مواجه شده تئوری های فرهنگی غرب نیز با چالش مواجه است.

مصاحبه از سیدمیثم رحمتی منبع: خبرگزاری تسنیم ویرایش: سایت دکتر عباسی



اگر مسئولان و مردم بتوانند اقتصاد مقاومتی را به معنای واقعی محقق و کشور را از جادوی مالی و پولی دشمن خلاص کنند و ارزش و آثاری دایر را در زندگی اقتصادی بشکنند، کشورهای دیگر را نیز نجات داده‌اند و برای آنها الگو خواهند شد.

دیپلار با فرمانشمان سپاه - ۹۵/۶/۲۸



جان مینارد کینز (۱۸۸۳-۱۹۴۶)
اقتصاددان برجسته‌ی قرن بیستم

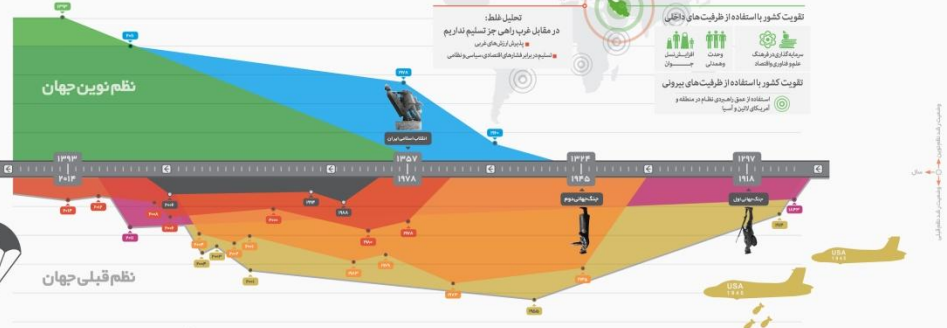
تنزل ارزش پول رایج، تمام نیروهای پنهان اقتصادی را در راستای نابودی به‌کار می‌گیرد و این عمل را به‌گونه‌ای انجام می‌دهد که حتی یک نفر از میلیون‌ها نفر متوجه آن نمی‌شوند.



اجلاس داووس، دولت جهانی صهیونیسم و ذوب شونده‌گان در نظم نوین جهانی

نظم نوین جهان

همسره قدرتمندی‌ها حکم بر دنیا بعد از جنگ جهانی اول و دوم چهار تغییرات اساسی شده. در دوران فعلی نیز نظم جهان در حال گذار به یک نظم نوین است. در این انجمن‌ها یک عنوان از این نظم جهانی و جهان و منطقه جمهوری اسلامی در آن راساسی برپا شد. بعد از انقلاب اسلامی در دیپلار با اعضای مجلس خبرگان (۱۳۶۰-۱۳۶۹) مورد شده است.



وظیفه جمهوری اسلامی ایران

- آماده‌سازی کشور**
 - تقویت کشور با استفاده از ظرفیت‌های داخلی
 - سرمه‌گذاری در فرهنگ و معنای
 - تقویت کشور با استفاده از ظرفیت‌های بیرونی
- پرهیز از تحلیل غلط و اقیبات**
 - تحلیل غلط: در مقابل غرب راهی جز تسلیم نداریم
 - پایه‌گذار ناکلامی است: کشور در راه‌های اقتصادی-سیاسی

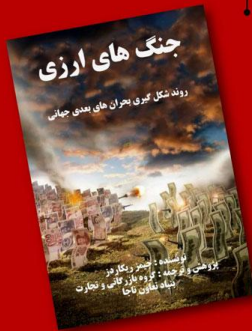
چالش‌های عملی غرب

- بحران اخلاقی و معنوی در غرب**
 - از بین رفتن معنای زندگی
 - سوزناک‌ترین شکست‌ها در جبهه فرهنگی و معنوی
 - روح‌انسان پاره و پاره در بی‌رحمی و بی‌انسانیت
 - منشی‌ها در برابر خانواده
- تعارض‌های عملی با شعارهای غربی**
 - استفاده از یک‌جانبه‌گرایی
 - توانمندی‌های بی‌سابقه در تولید
 - توانمندی‌های بی‌سابقه در تولید
 - توانمندی‌های بی‌سابقه در تولید
- پناه بردن به زور، خشونت و سرکوب**
 - تحریم اقتصادی
 - تورم و راه‌اندازی برپایه‌های تورمی
 - مداخله آمریکا در افغانستان
 - مداخله آمریکا در عراق
 - مداخلات مغایر با پاکستان
- جریان‌سازی در کشورها**
 - ایجاد جریان افکار در افغانستان
 - ایجاد جریان افکار در افغانستان
 - ایجاد جریان افکار در افغانستان
- افزایش گرایش به مذهب و اسلام**
 - گرایش به اسلام با دست‌نشان نظامی
 - گرایش به اسلام با پروژهای نظامی
 - گرایش به اسلام با پروژهای نظامی
- نا توانی در مقابله با ایستادگی ملت‌ها**
 - توانمندی‌های بی‌سابقه در تولید
 - توانمندی‌های بی‌سابقه در تولید
 - توانمندی‌های بی‌سابقه در تولید

“جنگ های ارزی” داستانی است از

چگونگی شروع فرآیند فروپاشی دلار آمریکا در جنگ تمام عیار اقتصادی

“امروز ما درگیر جنگ ارزی تازه ای هستیم و بار دیگر بحران بی اعتمادی به دلار در راه است، روند رو به رشد جهانی شدن، رواج مشتقات پولی و افزایش شدید نسبت بدهی ها به دارایی خالص در طول چهل سال گذشته، موجب واگمهی ای مسری و مهارناپذیر در عرصه پول و اعتبار شده است. بحران تازه احتمالاً از بازارهای ارز شروع خواهد شد و به سرعت به بازارهای سهام، اوراق قرضه و کالاهای اساسی گسترش خواهد یافت. وقتی دلار فروپاشد، بازارهای تحت سیطره ای آن نیز فرو خواهند پاشید و هراس و اضطراب به سرعت همه جای جهان را در بر خواهد گرفت.” (صفحه ۷ کتاب)



داستان این کتاب به پیش دستی ایالات متحده آمریکا در بررسی و مطالعه مفهوم مدرن “جنگ ارزی” می پردازد و موجبات فروپاشی نظام اقتصادی مبتنی بر دلار را از طریق “بازی جنگ ارزی” در آزمایشگاه فوق سری فیزیک کاربردی در واشنگتن روایت می کند. این بازی توسط جمعی از فرماندهان ارشد نظامی و متخصصان اقتصادی پس از بحران مالی سال ۲۰۰۷ میلادی به اجرا درآمد. اهمیت بررسی جنگ های ارزی به مفهوم کلان و پراهمیت جنگ اقتصادی بازمی گردد که رهبر معظم انقلاب امام خامنه ای (مدظله العالی) دیدار با کارگزاران نظام و اقتصاددانان کشور در اسفند ماه سال ۱۳۹۰، ضمن ابلاغ سیاست های اقتصاد مقاومتی، به طور رسمی ایران را درگیر در یک جنگ تمام عیار اقتصادی عنوان کردند و میدان مبارزه ای این نبرد را شفاف نمودند.

از سوی دیگر بررسی مفهومی “جنگ ارزی” به جبهه بندی مبارزه ای تمام عیار دلار آمریکا با دیگر ارزهای رایج جهانی مربوط می شود و پول ایران، به عنوان ایدئولوژیک ترین دشمن آمریکا در رأس این جبهه قرار دارد.

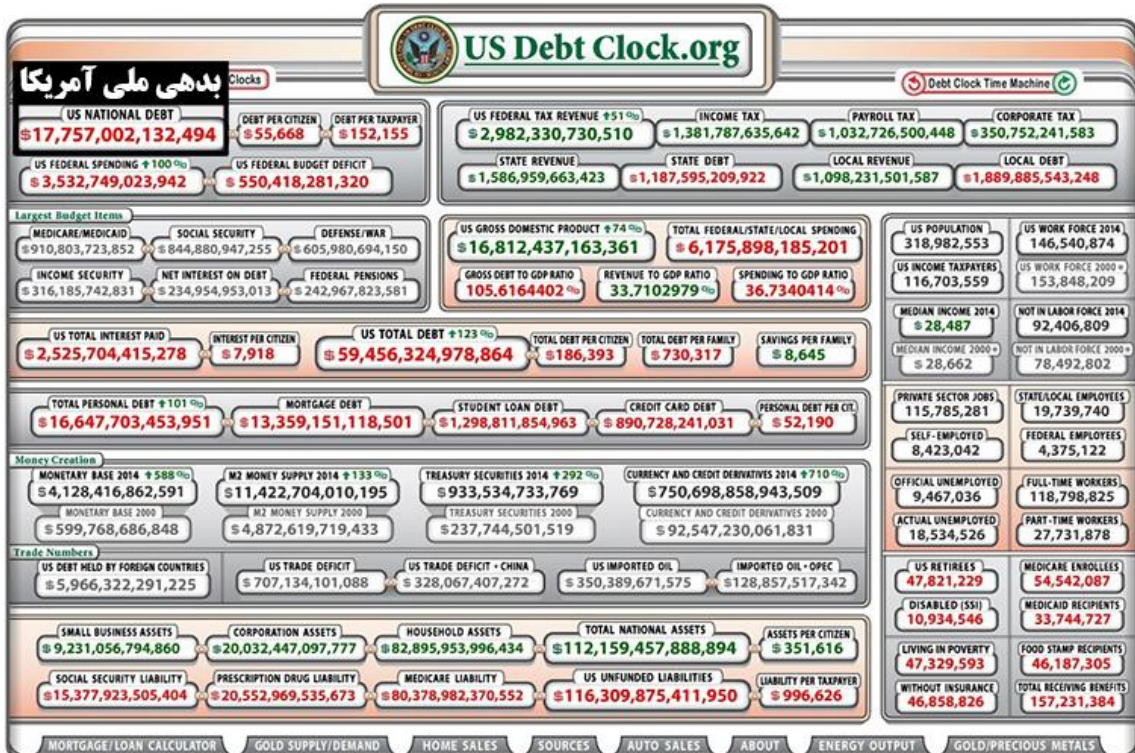
این کتاب را باید در زمره ی متون استراتژیک حوزه ای اقتصاد مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

برای تهیه کتاب با شماره زیر تماس بگیرید.

۰۲۱-۷۷۹۸۴۱۸۱

پایگاه کد آمایی

مرکز پخش استراتژیک فروپاشی اقتصاد



اگر مسئولان و مردم بتوانند اقتصاد مقاومتی را به معنای واقعی محقق و کشور را از جادوی مالی و پولی دشمن خلاص کنند و ارزش و آقایی دلار را در زندگی اقتصادی بشکنند، کشورهای دیگر را نیز نجات داده‌اند و برای آنها الگو خواهند شد.

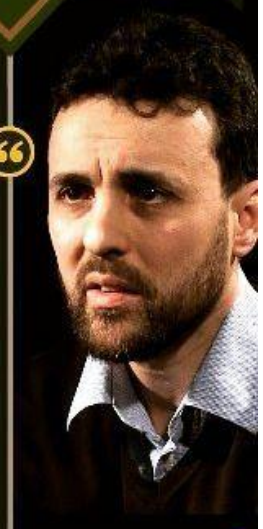
دیدار با فرماندهان سپاه - ۹۵/۶/۲۸

اگر مردم می‌دانستند که سیستم بانکی چطور کج و کوله است، به گفته‌ی هتری فورد «فردا صبح انقلاب می‌گردند.» اکثریت مردم فکر می‌کنند که بانک‌ها از پول‌های سپرده شده، وام می‌دهند. ولی آن‌ها پول بدون پشتوانه چاپ می‌کنند و در ازای بهره، وام می‌دهند.

اگر من در خانه‌ام اسکناس چاپ کنم، به این‌کار می‌گویند جعل پول. اما وقتی بانک پول چاپ می‌کند، این‌کار قانونی محسوب می‌گردد؛ و تا وقتی که بخواهند این خیانت را قانونی محسوب کنند، مشکلاتی در اقتصاد پیش می‌آید که در مقابل‌شان ناتوان هستیم.

بانک‌ها حاضر به تغییر سیستمی که اینقدر برای‌شان سودآور است، نشده و گناه مشکلات اقتصادی را به گردن مردم می‌گذارند. هزینه‌های مسکن بالا می‌رود، زیرا خودشان با مسکن سفته‌بازی می‌کنند. بانک‌ها می‌گویند که دلیل افزایش قیمت‌ها، چاپ پول بدون پشتوانه و بی‌ارونه و بی‌مأز آن به داخل سیستم می‌باشد.

66



■ طارق الديوانى

تاجر سابق اوراق بهادار

■ مستند «چهار سوار

سروششت» - تدريس

شده در جلسات ۴۹۳ و ۴۹۴

۳

فروپاشی قلب صنعتی غرب

استاد حسن عباسی - ۱۳۹۲ فروردین ماه

آمریکا اگر می‌توانست وضع اقتصادی ما را بعد از تحریم درست کند، وضع اقتصادی خودش را درست می‌کرد.

دیترویت

چهارمین شهر صنعتی آمریکا است و به واسطه حضور سه کمپانی بزرگ کرایسلر، جنرال موتورز و فورد بزرگترین شهر صنعت خودرو محسوب می‌شود. شهر دیترویت در سال ۱۳۹۲ فروپاشید و ورشکست شد. اگر آمریکا می‌توانست مشکل اقتصادی ما را حل کند، مشکل شهر دیترویت خود را حل می‌کرد.



DETROIT



تهدیه ورشکسته



وضعیت اضطراری، زمینه پیدایش جنگ ارزی

جیمز ریکاردز - کتاب جنگ‌های ارزی - صفحه ۵۴ و ۵۵



در دل هر جنگ ارزی تناقضی نهفته است. از یک سو این جنگ‌ها بین المللی است؛ اما از سوی دیگر، عامل پدید آورنده آن‌ها **اضطرار داخلی** است. جنگ‌های ارزی در محیطی رخ می‌دهند که رشد داخلی کافی نباشد. کشوری که کام در راه این جنگ می‌گذارد، عموماً با نرخ بالای بیکاری، رشد کم یا رو به کاهش، استیصال نظام بانکی، و وخامت منابع مالی عمومی دست به گریبان است...

...چنین جنگی یادآور سال‌های دهه ۱۹۷۰ است، در آن سال‌ها، در اثر تلاش ایالات متحده برای تضعیف دلار از راه قطع ارتباط آن با طلا، قیمت دلاری نفت چهار برابر شد.



جنگ تمام‌عیار اقتصادی

فهرست‌ها
اسماء حسن عباس



nasim
INTERNATIONAL NEWS AGENCY OF SHORT MESSAGE

Photo: AP



پیوست ۲۴ فراماسونری - رؤسای جمهور آمریکا

خاستگاه روسای جمهور آمریکا و اهدافی که تحت عنوان منافع ملی این کشور از آن یاد می کنند، به قدری متناقض است که بسیاری را به تعمق درباره خاستگاه آنها و نقشی که به عهده گرفته اند، وا داشته است. شواهدی زیادی وجود دارد که ثابت می کند عملکرد روسای جمهور آمریکا از محافلی هدایت می شود که به منافع ملی این کشور توجه نداشته و سعی در خدمت به لایه های دیگری دارند که از نظرها پنهان بوده و در سایه حرکت می کنند. این محافل پنهان، حلقه های فراماسونری هستند که بر مقدرات این کشور حاکم شده اند.

از میان روسای جمهور آمریکا از زمان جورج واشنگتن تاکنون تنها سه نفر از آنها در گروه های فراماسونری عضویت نداشته اند. این سه نفر عبارتند از آبراهام لینکلن (Abraham Lincoln)، جerald کندی (John F. Kennedy) و اولیسیس گرانت (Ulysses S. Grant). از میان این سه دو نفر از آنان ترور شده اند در حالی

که هیچ یک از روسای جمهور غیرماسون ترور نشده اند. جورج بوش رئیس جمهور سابق آمریکا عضو گروه ماسونی اسکلت و جمجمه (Skull and Boes) بود. جان کری نیز در همین گروه عضویت داشت و در واقع رقابت دو دوست بود.

بنیان آمریکا از ابتدا به وسیله ماسون ها گذاشته شد. هر چهار نفر از امضا کنندگان استقلال آمریکا ماسون بودند. جورج واشنگتن (Georg Washington)، جان آدامز (John Adams)، بنجامین فرانکلین (Benjamin Franklin) و توماس جفرسون (Thomas Jefferson). در واقع آنها این کشور را ساختند تا در آینده در اختیار اهداف این شبکه جهانی قرار گیرد. لابی آنها در انگلیس این کشور را مجبور کرد به هیچ وجه متعرض آمریکا نشود تا بتواند خود را قوی کرده و برای نقشی که بدان سپرده خواهد شد، آماده کند. انگلستان به دلیل فشار همین لابی به راحتی از آمریکا عقب نشست و هرگز متعرض آن نشد و در نهایت به شکل یک دنباله رو درآمد.

اما نکته مهم به رئیس جمهور کنونی آمریکا یعنی باراک اوباما باز می گردد. وی و هیلاری کلینتون در سال ۲۰۰۸ که رقابت های انتخاباتی ایالات متحده بسیار گرم بود در اجلاس گروه ماسونی بیلدربرگ شرکت کردند که نشان از برنامه های این شبکه جهانی برای به قدرت رساندن یکی دیگر از اعضایش با غافلگیری جامعه جهانی داشت زیرا آنها برای اولین بار شرایطی را پیش آوردند که انتخاب به یک سیاهپوست و یک زن محدود شد. هر یک از این دو پیروز می شد سروصدای زیادی را ایجاد می کرد که شاهد آن بودیم.

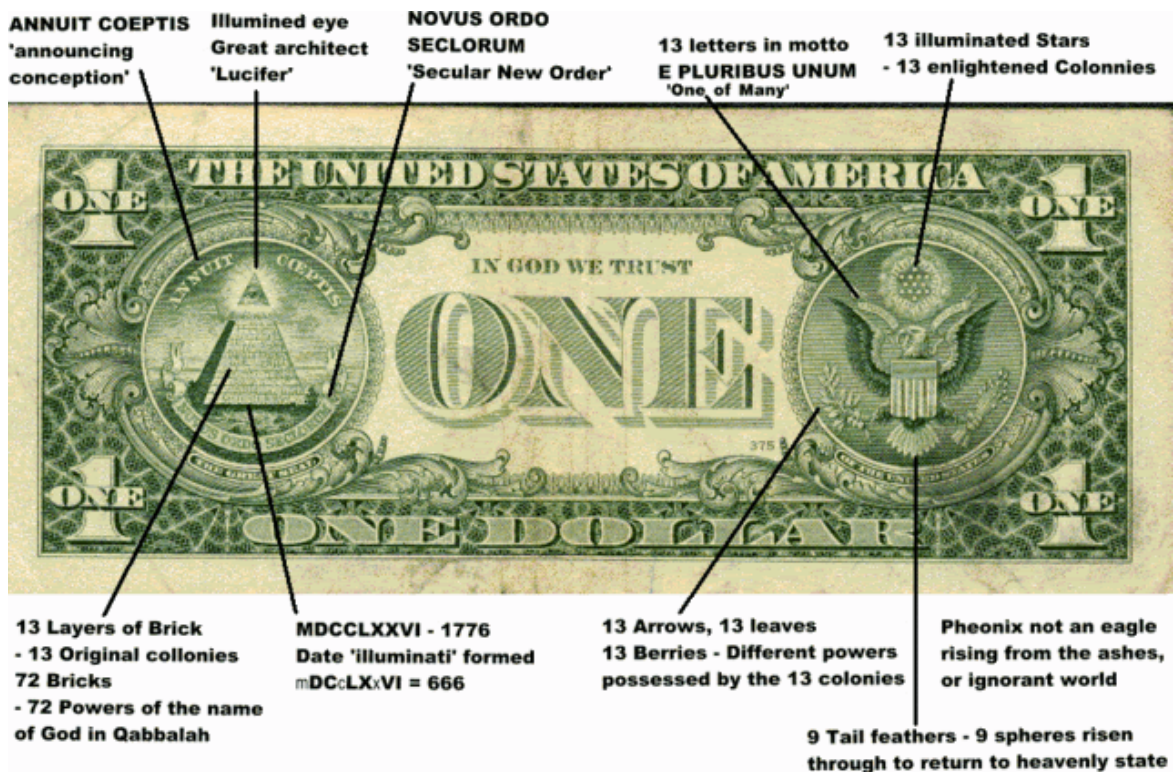
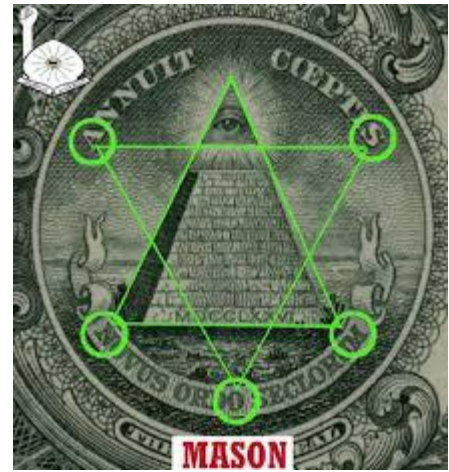
دلیل روی آوردن شبکه جهانی فراماسونری به این تاکتیک، آگاهی های روزافزون جهانی نسبت به نقش آنها بود زیرا در شرایطی که هر روز عده بیشتری از مردم به فعالیت آنها و نقشی که در هدایت جریان های سیاسی دارند افزایش می یافت به یک باره با روی آوردن به یک سیاهپوست که از طرف حلقه های پنهان آنها آماده شده است توجهات را به ناکجا آبادها منحرف کردند.

جرالد کندی که به وسیله عوامل سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا ترور شد، با دولتی در افتاد که درون دولت رسمی ایجاد شده بود و جریان ها را هدایت می کرد. این لایه پنهان می توانست تصمیمات رسمی را بی اثر ساخته و یا آنها را به گونه ای هدایت کند که ارتباطی با منافع ملی آمریکا نداشته باشد. در حالی که در اوج پریشانی و آشفتگی رژیم اسرائیل لایه پنهان آمریکا این رژیم را اتمی می کرد، رئیس جمهور کندی از شنیدن خبر اتمی شدن آن برآشفته شد. این نشان می داد که بالاترین تصمیم سیاسی ممکن می تواند بدون اطلاع شخص اول کشور به اجرا گذاشته شود. کسانی که از موضوع قدرت لابی اسرائیل در آمریکا بی اطلاع اند، همین موضوع یعنی تعجب کندی از اتمی شدن این رژیم را مثال می زنند تا ثابت کنند لابی اسرائیل در آمریکا قدرتی ندارد در غیر این صورت رئیس جمهور باید از چنین اتفاقی مطلع می بود؛ غافل از اینکه کندی غریبه ای در میان روسای جمهور آمریکا بود و در نهایت حذف گردید.

لایه پنهان ماسون های یهود ساخته در همه جا آماده دفاع از منافع این رژیم است. هنگامی که صدام حسین به ضرب سکه ای با طرح بخت النصر (پادشاه آشور که بنی اسرائیل را به بندگی گرفته به بابل برد) اقدام کرد، رژیم اسرائیل تبلیغات زیادی برای حمله به عراق به راه انداخت و در نهایت جورج بوش بدون مجوز شورای امنیت به این کشور حمله برد. این اقدام به حدی شگفت آور بود که دو متخصص برجسته روابط بین الملل یعنی جان میرشایمر و استفن والت،

علیرغم تهدیدهای آتی که آنها را پس از طرح چنین موضوعی بیمناک می کرد، در کتابی لابی قدرتمند اسرائیل و نقش آن در هدایت سیاست خارجی آمریکا بر پایه منافع اسرائیل را اثبات کردند.

تردستی ماسون ها در روی کار آوردن باراک اوبامای سیاهپوست اوج اقتدار آنها در نظامی سیاسی ایالات متحده را نشان می دهد. وی که پشتوانه بسیار ضعیفی داشته و تنها مجری سیاست های دیکته شده می باشد تاکنون به طور کامل در خدمت اسرائیل بوده و وزیر خارجه وی یکی از متعهدین به پیگیری آرمان های صهیونیسم است. هر اندازه منافع رژیم صهیونیستی به دلیل خیزش ملت های منطقه بیشتر به خطر می افتد، آمریکا نقش روشن تری در حمایت از این رژیم ایفا می کند. هومن یوسفی



پیوست ۲۵ سخنرانی استاد حسن عباسی با موضوع فروپاشی آمریکا

۲۹ بهمن ۱۳۹۵ درسرخرانی‌های دانشگاهی، اخبار، سخنرانی‌ها دیدگاه‌ها برای سخنرانی استاد حسن عباسی با موضوع فروپاشی آمریکا بسته هستند

نخستین جلسه از سلسله نشست‌های (بیداری دانشجویی) روز سه‌شنبه - ۲۶ بهمن ۹۵ - با موضوع «فروپاشی آمریکا» و سخنرانی استاد حسن عباسی برگزار شد.

استاد حسن عباسی با اشاره به تفاوت شاخص‌های رؤیای آمریکایی و رؤیای ایرانی-اسلامی گفت: رویای جامعه شیعی، مهدویت است که البته قرائت‌های مختلفی از آن انجام شده است. عده‌ای می‌گویند ما فقط منتظریم تا امام ظهور کنند اما رؤیای ایرانی اسلامی می‌گوید، حضرت در جامعه ما حضور دارند و این انقلاب و بیداری اسلامی را مدیریت می‌کنند. وی با اشاره به سیره عملی ذلت‌ناپذیر امام حسین^(ع) در مقابله با یزیدیان، گفت: فرهنگ عاشورایی امروز در ایران، لبنان، عراق، یمن و بحرین منشاء برکات زیادی بوده است و یک فرهنگ بن‌بست شکن در زندگی فردی و جمعی شیعیان بوده است.

عباسی افزود: مراکز تحقیقات استراتژیک غرب پروژه‌های متعددی در مورد فروپاشی و تجزیه ایالات متحده آمریکا در دستور کار داشته‌اند. نتیجه تحقیقات این بوده که افول آمریکا چند سال است که شروع شده و این کشور امکان خیزش ندارد و در سال‌های آینده، این شرایط به مراتب بدتر می‌شود.

رئیس مرکز بررسی‌های دکتینال خاطر نشان کرد: ترامپ در تبلیغات انتخاباتی خود به این موضوع اشاره کرد که رؤیای آمریکایی مُرد و من برای احیای آن آمده‌ام. منظور ترامپ از رؤیای آمریکایی، اقتصاد این کشور است که رؤیامحور است. رؤیای آمریکایی، آن چیزی است که شما در هالیوود می‌بینید و سازوکار آن اصالتی دارد که لذت و راحتی و رفاه در حد اعلا آن است.

وی گفت: به گفته نظریه‌پردازان آمریکایی، موتور محرکه جامعه کاپیتالیستی، طمع است. بدانید جامعه‌ای که شالوده و اصل آن طمع شد، بر اساس سنت الهی به سمت فروپاشی حرکت خواهد کرد. در اعتراضاتی که منجر به جنبش وال استریت شد، مردم از طمعی که پایه و اساس اقتصاد این کشور است، به ستوه آمده بودند و بعد از مدتی و همه‌گیر شدن این خواسته مردم، تظاهرات به جنبش ۹۹ درصدی در مقابل ۱ درصد تبدیل شد.

حسن عباسی اشاره کرد: شاخص دیگری که آمریکا را به سمت فروپاشی هدایت می‌کند، رشد یکسان و همزمان خشم و شهوت در جامعه آمریکا است. اگر این‌ها به اوج و نقطه انفجار برسند، آن زمان، همان لحظه‌ای است که حتی بدون شلیک یک گلوله، آمریکا از هم خواهد پاشید.

این تحلیل‌گر سیاسی گفت: ترامپ شخصی است که همچون گورباچف، آمریکا را به فروپاشی می‌کشاند. هنوز در ایالات مختلف آمریکا، اعتراضات علیه ترامپ ادامه دارد و در صورت جدایی یک ایالت، کشور دچار تجزیه کلی می‌شود. در صورت فروپاشی آمریکا، کشوری برای جایگزینی آمریکا نیست و این سبب انقلاب جهانی و یا جنگ جهانی خواهد شد. جنگ جهانی که منجر به کشتار میلیونی مردم جهان خواهد شد و بعد از آن یک سازمان ملل جدید با تقسیمات مرزی جدید شکل خواهد گرفت.

حسن عباسی در پایان خاطر نشان کرد: در نظام مهندسی اجتماعی دست جامعه دینی ما پر است و در این مسائل نیاز به ترجمه از دیدگاه‌های غربی نداریم. متأسفانه برای دردهای جامعه به قرآن و روایات مراجعه نکردیم و به غرب پناه آوردیم.

شایان ذکر است سلسله نشست های «بیداری دانشجویی» با حضور دانشجویان دانشگاه های مشهد و به همت موسسه جوانان آستان قدس رضوی برگزار می شوند. منبع: پایگاه اطلاع رسانی موسسه جوانان آستان قدس رضوی

استاد حسن عباسی در اولین جلسه از سلسله جلسات بیداری دانشجویی با موضوع فروپاشی آمریکا که در مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی برگزار شد، با تسلیت ایام فاطمیه، اظهار داشت: زندگی ما ۱۴ حالت خواهد داشت و در شرایط گوناگون بهترین رویه‌ای که می‌تواند ما را نجات بدهد استفاده از روشی است که معصومین^(ع) در آن شرایط انجام داده‌اند. وی با بیان اینکه حسنین^(ع) و زینب^(س) ثمره فؤاد فاطمه هستند افزود: فؤاد محل رؤیت حق و باطل است یعنی بصیرت حوزه عقل بوده و رؤیت کار فؤاد است اما بسیاری از انسان‌ها قدرت فؤاد ندارند و کور هستند.

رئیس اندیشکده یقین با اشاره به تحقیقات مراکز استراتژیک غرب و آمریکا تصریح کرد: افول آمریکا چند سالی است که آغاز شده و آمریکای گذشته دیگر باز نمی‌گردد و در سال‌های آینده شرایط آن بدتر خواهد شد.

عباسی تأکید کرد: هر ملتی زمانی در اوج حرکت فرهنگی است که رؤیای حرکت داشته باشد و رؤیای شیعه، مهدویت است که امیدواریم با ظهور حضرت مهدی^(عج) جامعه آرمانی به وجود آید.

وی با بیان اینکه رؤیای ایرانی و اسلامی به ظهور اعتقاد دارد، خاطرنشان کرد: اعتقاد به ظهور، نهضت را ۳۸ سال جلو برده و در لبنان، سوریه، نیجریه و عراق تکثیر شده است تا امروز کسانی مثل سیدحسن نصرالله و شیخ زکزاکی در جهان مقابل ظلم غرش کنند.

کارشناس مسائل سیاسی با اشاره به رؤیای آمریکایی و غربی، گفت: رؤیای آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و روسی فرهنگ مهاجم دارد یعنی همان چیزی که در هالیوود نمایش داده می‌شود و فیلم‌ها به سمت خورشید به اتمام می‌رسد یعنی توقع راحتی و رفاه به حد اعلی را ایجاد می‌کند.

عباسی در ادامه تأکید کرد: اقتصاد آمریکا رویاپرور است و در فرهنگ آمریکا فقط طمع دیده می‌شود، در فرهنگ ایران، اسفندپار نماد طمع‌ورزی است.

وی خاطرنشان کرد: اساس تمدن آمریکا بر مبنای طمع است یعنی نظام اقتصاد کاپیتالیستی که در آن همه پدیده‌ها کالا است و موتور محرک جامعه کاپیتالیستی طمع است که جامعه را حریص می‌کند تا به حرکت درآید.

کارشناس مسائل سیاسی ادامه داد: در مقابل حریص، زاهد است یعنی کسی که فقیر و ناتوان نیست و توانایی مالی دارد اما نمی‌خواهد تجمل‌گرا شود.

وی تأکید کرد: مطابق فرهنگ اقتصادی آمریکا، طمع جامعه را از ورشکستگی نجات می‌دهد و اگر طمع و مصرف زیاد را از اقتصاد غربی بگیرد جامعه آن‌ها نابود می‌شود.

عباسی تصریح کرد: طمع شالوده جامعه کاپیتالیستی است و هر تحول اقتصادی که می‌گوید بیشتر بخرید، برای تحریک اقتصادی جامعه مناسب است ولی این امر با تذهیب و زهد متضاد است.

وی ادامه داد: افرادی با حقه‌بازی در بورس ۱۸۰ هزار میلیارد تومان از بخش دولتی را در جیب خود گذاشتند اما اگر همین مقدار به گردش اقتصادی وارد شود، می‌تواند موجب اتفاقات مثبتی شود.

وی خاطرنشان کرد: این سازوکار آمریکا را نابود کرده است و سرزمین فرصت‌ها بالاخره نابود می‌شود، امروز با اجرای سیاست درهای بسته و در اثر طمع به فلاکت رسیده است.

رئیس اندیشکده یقین گفت: آمریکا فرهنگی بنام طمع را زیرساخت تحرک اقتصادی خود قرار داده است و اگر طمع را از آن‌ها بگیریم می‌ایستد و نابود می‌شود.

عباسی افزود: تا بشر زکات و انفاق را جدی نگیرد نظام معیشتی آن درست نمی‌شود چراکه مردم وقتی طمع کار می‌شوند بیشتر می‌دوند و در نهایت چرخ صنعت بیشتر می‌چرخد اما بشر در یک‌زمان باید این چرخه را قطع کند و فقط شیعیان و مسلمان باید این کار را انجام دهند.

وی خاطرنشان کرد: جامعه آمریکا رباخوار شده و بدون شلیک یک گلوله آمریکا جوری از هم می‌پاشد که کسی باور نمی‌کند چراکه تاروپود آن رباست.

کارشناس مسائل سیاسی تصریح کرد: آمریکایی‌ها شنیع‌ترین سازوکار ضد اخلاقی را تصویر کرده و جهان را به این امر ترویج می‌دهند و بیماری تفریط همه آمریکا را گرفته است، بیماری‌ای که می‌گوید همه عالم در محضر من است و خودرایی دارد که خطر عظیمی است.

عباسی با بیان اینکه با فروپاشی آمریکا زلزله در جهان اتفاق می‌افتد، خاطرنشان کرد: اگر یک ایالت از آمریکا جدا شود همه ایالت‌ها دومینووار جدا می‌شوند، لذا در مقابل این فروپاشی‌ها آمریکا سیاست درهای بسته را در پیش گرفته است که نمونه آن را در احداث دیوار مکزیک می‌توان دید.

وی افزود: انگلیس هم با خروج از اتحادیه اروپا سیاست درهای بسته را اجرا می‌کند اما ما تازه سیاست درهای باز را آغاز کرده‌ایم.

وی خاطرنشان کرد: درواقع آمریکا می‌خواهد مکزیک را از مرزهای اقتصادی خود جدا کند چراکه طبق تحقیقاتی در آمریکا در سال ۲۰۳۵ سه کشور کلید قدرت را در دست دارند؛ اول ترکیه که اجازه ندادند به اتحادیه اروپا بپیوندند، دوم مکزیک که با حضور مکزیکی‌ها در آمریکا به قدرت بزرگ تبدیل می‌شوند، سوم ایران، از آنجایی که روش‌های اداره جهان را می‌داند و به سایر کشورها ارائه می‌دهد.

کارشناس مسائل سیاسی تصریح کرد: اگر ما علاوه بر مستشاری نظامی در کشورهای منطقه مستشار فرهنگ و اقتصاد هم شویم درواقع سیستم‌عامل اداره جهان را ارائه داده‌ایم و ضریب نفوذ ایرانی‌ها بیشتر می‌شود.

عباسی با اشاره به اینکه طبق پیش‌بینی‌ها جهان به سمت انقلاب جهانی یا جنگ جهانی می‌رود، خاطرنشان کرد: اگر کشور سوریه را نجات دهیم اما نتوانیم در سازندگی و اقتصاد آن‌ها موفق شویم از این فرصت کشورهایی مثل چین استفاده می‌کنند.

وی ادامه داد: از دید برخی مسؤولان و بدنه جامعه، خارج فقط اروپا و آمریکا است، درحالی‌که ما می‌توانیم در یمن، عراق و سوریه از فرصت‌های پیش‌آمده استفاده کنیم.

کارشناس مسائل سیاسی گفت: آمریکای پساترامپ، آمریکای ویژه‌ای خواهد شد چراکه ترامپ رئیس‌جمهور ضعیفی است که آمریکا را بیش‌ازپیش تضعیف می‌کند و آمریکا برای ما درس عبرت است و باید انگاره‌هایی که آن‌ها را ضعیف کرد کنار بگذاریم.

رئیس مرکز دکترینال امنیت بدون مرز گفت: برخی نظریه‌پردازان و سیاستمداران آمریکائی احتمال می‌دهند که آمریکا بر اثر بحران شدید مالی به ۱۰ کشور مستقل تجزیه شود .

به گزارش فارس، حسن عباسی رئیس مرکز دکترینال امنیت بدون مرز طی سخنانی با اشاره به ادعاهای آمریکا مبنی بر اقدام علیه جمهوری اسلامی خاطرنشان کرد: قاطعانه بگویم، آمریکا از هیچ اقدام سیاسی، اقتصادی، تجاری و یا حتی نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران به نتیجه‌ای دست نخواهد یافت .

وی با بیان اینکه بیش از نیمی از نظریه‌ها و تبلیغات آمریکا بلوف و ادعایی بیش نیست، افزود: معتقدم که آمریکا یک نظام پیچیده و تئوریک و برنامه‌ریزی شده برای تمامی نقاط دنیا ندارد و این فقط یک بلوف سیاسی است چرا که عملکرد دولت و سیاستمداران این کشور از ابعاد اقتصادی، تجاری و سیاسی بسیار در تعارض است و همخوانی ندارد و نمی‌توان این حرکات متعارض را برنامه‌ریزی شده و قائل به نتیجه دانست .

رئیس مرکز دکترینال امنیت بدون‌مرز با اشاره به موج‌های بیداری در جهان عرب، اروپا و آمریکا و تغییر دولت‌های تونس، مصر و لیبی در آفریقا و یونان، ایتالیا و اسپانیا در اروپا و نیز تداوم و گسترش جنبش اشغال‌وال‌استریت را نشان از شکنندگی درونی آمریکا و غرب نسبت به مبانی ایدئولوژیک دانست که به فروپاشی اقتصاد و رکود جهانی اقتصاد منجر خواهد شد .

*آمریکا عامل و نقطه عطفی در فروپاشی اقتصاد جهانی است؛ امکان اعلام تجزیه آمریکا به ده‌ها کشور کوچک عباسی در ادامه، تحولات جهانی را بسیار پر شتاب قلمداد کرد و با اشاره به ادعای تقابل شدید ایران و آمریکا در سال ۲۰۱۲ میلادی اظهار داشت: آمار و ارقام، وضعیت بدهی‌های خارجی آمریکا را بسیار تأسفبار نشان می‌دهد تا جایی که خود به تنهایی عامل و نقطه عطفی در فروپاشی اقتصاد جهانی محسوب می‌شود بنابراین نظریه‌پردازان و سیاستمداران آمریکایی سه گزینه اعلام ورشکستگی، اعلام تجزیه آمریکا و تبدیل به ده‌ها کشور مستقل و یا تغییر در نظم جهانی و ایجاد جنگ در جهان را برای رهایی آمریکا از این وضعیت اعلام کرده‌اند .

*آمریکا جز ایجاد جنگ راهی برای رهایی از بحران ندارد اما در وضعیتی نیست که بتواند سرباز به نقطه‌ای از دنیا اعزام کرده تا برای او بجنگد

وی که در برنامه کنکاش شبکه جهانی جام جم سخن می‌گفت، گزینه سوم را مدنظر سیاستمداران و دولتمردان آمریکایی برای رهایی از رکود و فروپاشی اقتصاد جهانی توصیف کرد و گفت: آمریکا برای گذر از بحران متوسل به جنگ و بروز چالش در نظم جهانی می‌شود اما این کشور با آنکه راهی جز ایجاد جنگ و درگیری برای رهایی از بحران ندارد اما در وضعیتی نیست که بتواند سرباز به نقطه‌ای از دنیا اعزام کرده تا برای او بجنگد .

رئیس مرکز دکترینال بدون‌مرز با اشاره به دکترین شوک و بلوف‌های دولت آمریکا در مواجهه با بحران‌های جهانی خاطر نشان کرد: آمریکا در بسیاری از موارد با استفاده از حربه شوک در مسائل اقتصادی، اجتماعی و نظامی به مقاصد خود می‌رسد اما اکنون در شرایطی نیست که بتواند شوک مصنوعی یا طبیعی و یا حتی شوک روانی در کشور هدف ایجاد کند چرا که با مشکلات عدیده و پیچیده‌ای دست به گریبان است که حتی در خود آمریکا هم امکان تجزیه و تحلیل و در نهایت حل آن وجود ندارد .

عباسی افزود: آمریکا در سال جاری میلادی در صدد ایجاد شوک اقتصادی و تجاری به چین و شوک سیاسی به روسیه است با آنکه بر روی مسائل و چالش‌های اقتصادی و سیاسی برای ایران فعال است .

وی اضافه کرد: آمریکا بلوف حمله نظامی به کشورمان را نیز مطرح کرده است، در حالی که در چنین وضعیتی نیست و تنها با تبلیغات و قدرت رسانه‌ای فعالیت می‌کند .

*ایران بر دریای عمان، خلیج فارس و بخش عظیمی از اقیانوس هند تسلط نظامی دارد
این کارشناس مسائل استراتژیک با اشاره به برگزاری مانور ولایت ۹۰ و گذر ایران از یکی از قدرت دریایی ساحلی به یک نیروی دریایی راهبردی جهانی و قاره‌ای اضافه کرد: در این مانور به جهانیان نشان دادیم که ایران بر دریای عمان و خلیج

فارس و بخش عظیمی از اقیانوس هند تسلط نظامی دارد و از نظر تجهیزات نظامی و پشتیبانی دریایی سطحی و زیر سطحی و هوایی بسیار پیشرفت کرده است .

*ایران به پیچیده‌ترین تجهیزات و فناوری صنعتی و نظامی دست یافته است

عباسی همچنین خاطرنشان کرد: کشوری که طی ۳۲ سال بعد از انقلاب بدون کمک هیچ کشوری روی پای خود ایستاده و به پیچیده‌ترین تجهیزات و فناوری صنعتی و نظامی دست یافته است .

وی در پایان تأکید کرد: ایران هواپیمای فوق پیشرفته جاسوسی آمریکا را منحرف کرده و بر آن مسلط می‌شود و بیش از ۶۶ درصد انرژی جهان از زیر دست او منتقل می‌شود، با این بلوف‌های آمریکا و غرب و شوک‌های اقتصادی، تجاری، اجتماعی و نظامی از میدان خارج نخواهد شد چرا که اکنون آنقدر جامعه ایران از نظر اقتصادی، سیاسی، تجاری، نظامی و اجتماعی قابلیت و ظرفیت پیدا کرده که هیچ سناریویی علیه ایران اسلامی برای نظام سلطه نتیجه بخش نبوده و حتی نتیجه‌ای معکوس برای آنان خواهد داشت

پیوست ۲۶ نشانه‌های سقوط آمریکا

ارسال شده توسط قاسمی (دبیر بخش رصد استراتژیک)

تاریخ ۵: مهر ۱۳۹۳



اگر عبارات «سقوط آمریکا» یا «پایان امپراتوری آمریکا» را در اینترنت جستجو یا به قولی سرچ کنید بین ۱۲۰۰۰۰۰ تا ۱۱۴۰۰۰۰۰۰۰ مورد را به عنوان Result بر روی صفحه کامپیوتر خود دریافت می کنید. برخی وقوع آن را تا سال

۲۰۱۶ و عده ای دیگر تا ۲۰۲۰ پیش بینی کرده اند. تاریخ نشان می دهد که تمام امپراتوری ها، دولت ها و قلمروهای قدرتمند مانند مصر باستان، بابل و روم سقوط کردند. طبق گفته یک مطلع سیاسی بنام Kevin Phillips، تمامی امپراتوری های بزرگ یک سیکل سقوط قابل پیش بینی ای را طی مدت ۱۰ تا ۲۰ سال پس از اوج قدرت پیموده اند و تمامی نشانه ها یکی بوده است: حرکت سرمایه های اقتصاد از تولید به سمت احتکار و سوداگری، بالا بودن قروض، نابرابری اقتصادی در سطح وسیع و هزینه های بیش از حد نظامی. کتاب John Bagot Glubb ژنرال و تاریخ دان انگلیسی در The Fate of Empires and the Search for



Survival در سال ۱۹۷۸ در مورد سقوط امپراطوری های گذشته، الگوی مشترکی که سقوط برخی امپراطوری ها را در برمی گیرد توصیف کرده است. او می گوید تمامی امپراتوری ها سیکل مراحل شروع، توسعه، رشد و بلوغ، نزول و سقوط را طی می کنند.

Alfred McCoy نویسنده و پروفیسور تاریخ در مورد سقوط امپراتوری ها می گوید: مدت زمان سقوط برای پرتغالی ها یک سال، برای شوروی ۲ سال، برای فرانسه ۸ سال، برای عثمانی ۱۱ سال، برای انگلیس ۱۷ سال بوده و از سال ۲۰۰۳، ۲۲ سال هم برای آمریکا محاسبه شده است. تاریخ نویسان آینده حمله جرج بوش به عراق را آغاز سقوط آمریکا قلمداد می کنند. به جای خونریزی، سوزاندن شهرها، سلاخی کردن شهروندان به عنوان نشانه های پایان بسیاری از امپراتوری ها، سقوط امپراتوری قرن ۲۱ با سقوط اقتصادی ساکت و غیر قابل رویت ویا با جنگ سایبری همراه است. شورای امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۸ برای اولین بار پذیرفت که قدرت جهانی آمریکا در مسیر سقوط قرار دارد. آمریکا در سال ۲۰۲۶ در رتبه دوم بعد از چین (که الان اقتصاد دوم جهان را داراست) و در سال ۲۰۵۰ بعد از هند قرار خواهد گرفت. چند روز پس از آنکه اوباما گفت من رتبه دوم را برای آمریکا نمی پذیرم، معاون وی -جو بایدن- اعتراف کرد که تحقق پیشگویی کِنِدی برای ایجاد یک ملت بزرگ به شکست انجامیده چون کنترل اقتصادی از دست ما خارج شده و بیش از اندازه طول کشیده است. طبق نظر سنجی که در اگوست ۲۰۱۰ انجام شد ۶۵ درصد مردم آمریکا معتقدند که کشورشان اکنون در وضعیت سقوط قرار گرفته است. آنچه که تفوق آمریکا در اقتصاد جهان را تهدید می کند یکی نزول ابداعات تکنولوژیکی آمریکا و دیگری پایان وضعیت ممتاز دلار به عنوان پول رایج ذخیره جهانی است.

نشانه های سقوط

تحلیلگران، تاریخدانان، سیاسیون و دیگر اندیشگران غرب با مصاحبه ها و مقالات متعددی به نشانه های سقوط آمریکا پرداخته اند که مختصر و فشرده آن از نظر تان می گذرد:

-خانواده: واحد خانواده پی و اساس یک جامعه است. در آغاز امپراتوری روم پدر و مادر در آموزش و تعلیم فرزندان نقش بسیار جدی داشتند ولی به تدریج والدین به سمت نازپروری و در نتیجه تباه کردن فرزندان خود روی آوردند. روابط نامشروع زن و مرد و خارج از چهارچوب خانواده منجر به افزایش آمار طلاق شد. مشابهنهتاً واحد خانواده در غرب تحت هجوم مداوم هستند و اکنون خانواده های از هم پاشیده یک امر عادی است و تک والدی رواج دارد. بچه های نازپرورده امروزی با احساس " ترس از خدا " و اینکه « قبل از خود به دیگران بیندیشند » بار نمی آیند بلکه همیشه « حق با آنهاست ». والدین امروزی معتقدند که بهتر از به وجو دآورندگانشان (پدر و مادر) چیز می دانند. بچه های امروز بچه هایی هستند که برای والدینشان قانون وضع می کنند و احترامی برای پیران قائل نیستند.

-آموزش: امپراتوری روم با یک سیستم آموزشی که تاکید بر توسعه اخلاقیات، شخصیت و ارزشهای اجتماعی داشت شروع شد که بتدریج به آموزش علم محض بدون اخلاق و بدون قوه تمیز درست از نادرست تبدیل گردید. در مدارس امروزی غرب نیز مذهب و وظایف و تکالیف مدنی محو شده است.

-مذهب: رومی ها بت پرست بودند ، خدایان یونانی ها را برداشته و نام های رومی به آنها دادند. آنها مانند یونانی ها ارقام اسطوره ای را می پرستیدید که به بروز امیال شهوانی آزادی می داد. پیروان آنها بدون سمت و هدف رها شدند. در شرایط کنونی نیز این چنین است. پیغام رهبران مذهبی نیز « خدای بدون قانون » است که پیروان خود را به هیچ استانداردی رهنمون نمی سازد.

-لذت جویی: رومی ها سرآمد در لذت جویی بودند. سرگرمی آنها گلاادیاتورها و شرط بندی در مورد زنده ماندن و مردن یکی از آنها بود. آنها از دیدن دریدن و خوردن دشمنانشان بطور زنده و توسط حیوانات درنده لذت می بردند. اکنون نیز با برنامه های تلویزیونی بی محتوا، غیر واقعی و پر از صحنه های غیر اخلاقی خود را سرگرم می کنند. غرب نیز سقوط می کند همانگونه که روم سقوط کرد.

-منبع اصلی ثروت: اصالتاً مالکیت بر اراضی منبع اصلی ثروت رومی ها و بیشترین منبع مالیات بود. بعد از مدتی واردات غذا از سرزمین های مغلوب آغاز شد و تجارت، اقتصاد مصرفی را به وجود آورد و به جای تولید بر روی خدمات متمرکز شد مثل آمریکا و انگلیس. همانطوری که امپراتوری روم توسعه می یافت هزینه های عملیات نیز افزایش می یافت. به سرعت رشد بوروکراسی دولت موجب افزایش هزینه نگهداری آن شد. برای جبران تورم، رومی ها در قرن دوم و سوم سکه های بیشتری ضرب کردند که دیگر از نقره و طلا ساخته نمی شد و این موجت تحلیل و کاهش تدریجی ارزش پول رایج شد. شهروندان متحمل مالیات های سنگین شدند. امروز آمریکایی ها قبل از دریافت حقوق، مالیاتهای فدرالی، ایالتی، محلی و شهرداری را باید بپردازند. آنها با مالیات های خرید اجناس، بنزین، ماشین، ملک، گواهینامه ها، حیوانات خانگی، اشیا لوکس، بلیط هواپیما و اقلام نامحدود دیگر دست و پنجه نرم می کنند. اکثر مردم آمریکا بر روی کردیت (credit) زندگی می کنند و اصل « برای امروز زندگی کن و فردا را فراموش کن » را پذیرفته اند.

-سیستم آموزشی: آمریکا که منبع دانشمندان و مخترعان آتی است از رقبا جامانده و در سال ۲۰۱۰ به مقام ۱۲ نزول کرده است World Economic Forum. آمریکا را در رتبه ۵۲ بین ۱۳۹ کشور از نظر کیفیت آموزش ریاضی و

علوم دانشگاه ها در سال ۲۰۱۰ معرفی کرد. تقریباً نیمی از دانشجویان رشته علوم در آمریکا خارجی هستند که بیشترشان به کشورشان باز می گردند و مثل قبل در آمریکا نمی مانند. به عبارت دیگر تا سال ۲۰۲۵ آمریکا با کمبود دانشمندان رو به رو خواهد شد. در سال ۲۰۰۸ آمریکا بعد از ژاپن در رتبه دوم جهانی با ۲۳۲ هزار درخواست Patent قرار گرفت در حالیکه چین به سرعت با ۱۹۵ هزار درخواست، خود را نزدیک کرد.

–**نظام توتالیتار**: یکی از سیاست مداران کهنه کار آمریکا می گوید: دولت آمریکا یک دولت استبدادی totalitarian government است. تمام شهروندان را کنترل می کند. سیستم شنود تلفنی دارد. می خواهد کردیت کارت ها (Credit Cards) را کنترل کند. ما در این کشور به طور کامل تحت کنترل پلیس هستیم و این کاملاً مخالف قانون اساسی آمریکاست. مثلاً پلیس دیگر برای بازرسی ماشین ها به مجوز نیاز ندارد و CNA با ثبت میلیونها عکس چهره در بخش Image در اینترنت به جاسوسی مشغول است.

–**جنگهای داخلی**: پیش بینی جنجالی پروفیسور Igor Panarin تحلیلگر و عضو هیئت علمی وزارت خارجه روسیه در سال ۱۹۹۸، بر این اساس بود که گرایش جمعیت، اقتصاد، و امور مالی بحران های سیاسی و اجتماعی در آمریکا را برمی افروزاند و جنگهای داخلی موجب تقسیم آمریکا میشود. کالیفرنیا جمهوری کالیفرنیا را تشکیل می دهد که تحت نفوذ چین قرار می گیرد.



جمهوری تگزاس زیر نفوذ مکزیک می رود. واشنگتن و نیویورک آمریکای آتلانتیک را تشکیل می دهند که ممکن است به اتحادیه اروپا متصل شود. جمهوری آمریکای شمال مرکزی تحت سلطه کانادا قرار می گیرد و هواوایی با نفوذ ژاپن و یا چین مستقل می شود.

–طبق نوشته اکونومیست، در سال ۱۹۸۸ آمریکا بهترین مکان برای متولد شدن بود در حالی که در سال ۲۰۱۲ به رتبه شانزدهم رسید.

طبق آمار بانک جهانی GDP آمریکا در سال ۲۰۰۱، ۳۱/۸ درصد فعالیتهای کل جهان را تشکیل می داد در حالیکه در سال ۲۰۱۱ به ۲۱/۶ در صد رسید. این یک کاهش نیست بلکه سقوط آزاد است.

نرخ فقر: روم ۱۷۰ سال قبل از میلاد حدود ۱/۲ میلیون نفر جمعیت داشت و دولت برای آنها غذا و سیرک (سرگرمی) فراهم می کرد و تقریباً نیمی از افراد غیر برده روی کمکهای مالی دولت بودند. طبق آمار اداره سنسوس ، در سال ۲۰۱۲ نرخ فقر بچه های آمریکا ۲۲ درصد است . در نوامبر ۲۰۰۸ ، ۳۰/۸ میلیون آمریکایی بر روی غذای کوپنی بودند که این رقم در سال ۲۰۱۲ به ۴۷/۱ میلیون نفر رسید و از هر ۴ بچه، یک بچه غذای کوپنی دریافت می کنند. در سال ۲۰۱۳ از هر ۵ نفر یک نفر بر روی غذای کوپنی است. طبق آمار Gall up در سال ۲۰۱۲، بیست درصد آمریکایی ها به اندازه کافی پول ندارند تا غذای مورد نیاز خانواده شان را بخرند. بر اساس گفته جیمی کارتر رییس جمهور سابق آمریکا: طبقه متوسط در آمریکا رو به نزول است و این طبقه در حال حاضر مانند طبقه فقرا در زمان ریاست جمهوری من هستند.

بیکاری: در سال ۲۰۰۷ نرخ بیکاری برای سنین ۲۰ تا ۲۹ سال ۶/۵ در صد بود که در سال ۲۰۱۲ به ۱۳ درصد رسید. همچنین در سال ۱۹۵۰ بیش از ۸۰ در صد مردان، کار داشتند که در سال ۲۰۱۲ به کمتر از ۶۵ در صد رسیده است. در سال ۲۰۱۳ Merk یکی از بزرگترین بازارهای دارویی آمریکا ۸۵۰۰ نفر از کارکنان خود را اخراج کرد. در سال ۲۰۱۳ کلیه شرکتها در مجموع ۳۸۷۳۸۴ مورد استخدامی را حذف کردند و اخراج کارکنان در سال ۲۰۱۳ ، ۱۹ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۲ بود. تقریباً از هر ۴ نفر یک نفر از کارکنان نیمه وقت زیر خط فقر قرار دارند و فقط ۴۷ در صد آمریکایی ها کار تمام وقت دارند. زمانی آمریکا صاحب بزرگترین شهرهای کارخانه ای بر روی زمین بود که الان آنها به دوزخی تبدیل شده اند، مانند دیترویت. پلیس اعلام کرده است که اگر می خواهید از شهر دیترویت دیدن کنید با مسئولیت خودتان است. بیش از ۵۶ هزار تاسیسات تولیدی در آمریکا از سال ۲۰۰۱ تعطیل شده اند. در سال ۲۰۱۰ روزانه ۲۳ کارخانه تعطیل شدند.

قروض داخلی: در سال ۲۰۰۱ قروض داخلی آمریکا کمتر از ۶ تریلیون دلار بود که در سال ۲۰۱۲ به بیش از ۱۶ تریلیون رسید و در هر ساعت ۱۰۰ میلیون دلار به آن اضافه می شود یعنی ۲۳ بار بیشتر از زمان جیمی کارتر. کنگره آمریکا موافقت کرده است که سقف قرض را ۶۰ برابر بیش از زمان جنگ جهانی دوم کند.

صادرات: تا سال ۲۰۰۸ آمریکا به رتبه ۳ در صادرات جهانی سقوط کرد یعنی اتحادیه اروپا با ۱۶ درصد، چین ۱۲ درصد و آمریکا ۱۱ درصد صادرات جهانی را به خود اختصاص دادند. کسری موازنه تجاری آمریکا با چین در سال ۲۰۱۱، ۲۸ بار بیشتر از سال ۱۹۹۰ بود.

اقتصاد انرژی: طبق نوشته فایننشال تایمز، David Walker دبیر امور مالی آمریکا می گوید آمریکا بر روی سکوی سوزانی ایستاده است Kenneth S. Rogoff. اقتصاددان و رییس پیشین صندوق مالی بین المللی گفته است: کشورهای جهان، دیگر عقیده ندارند که آمریکا از لحاظ سیاست اقتصادی بهتر از همه می داند. چین در تابستان ۲۰۱۰ مصرف کننده شماره یک انرژی شد، رتبه ای که آمریکا قرن ها آن را نگه داشته بود Michael Klare. متخصص در

امر انرژی معتقد است این تغییر نشان دهنده آنست که چین در شکل دادن به آینده جهان پیشقدم خواهد بود. در سال ۲۰۲۵ ایران و روسیه تقریباً نیمی از گاز طبیعی جهان را تهیه می کنند که با اضافه کردن ذخایر نفتی بطور بالقوه به آنها قدرت عظیمی در مقابل اروپای تشنه انرژی می دهد و همان طور که شورای امنیت ملی آمریکا اخطار کرده است در عرض ۱۵ سال دو کشور ایران و روسیه شاه کلید انرژی در جهان خواهند بود. در آینده، چین و هند پرمصرف کننده ترین انرژی می شوند و تقاضا و قیمت سوخت فسیلی بالا می رود و این در حالیست که آمریکا کار کمی در خصوص توسعه منابع جایگزین انجام داده در صورتی که در سه دهه اخیر وابستگی اش به واردات نفت خارجی دو برابر شده است. طبق آمار بین سالهای ۱۹۷۳ و ۲۰۰۷، انرژی مصرفی در آمریکا از ۳۶٪ به ۶۶٪ رسیده است.

اطلاعات و امنیت: ضربه به اطلاعات امنیتی آمریکا توسط جولیان آسانژ موسس WikiLeaks و افشای اسناد محرمانه آمریکا از طریق منینگ و سپس ادوارد اسنودن تحلیلگر سابق آژانس امنیتی ملی، نفاق و دو چهره بودن آمریکا را در جهان نمایان کرد. از آنجاییکه نفاق مرکز قدرت نرم آمریکاست، با رو شدن دست او با افشای اسناد، به سیاست خارجی آمریکا ضربه زد. به عنوان نمونه آمریکا برای ممانعت از فعالیتهای غیر قانونی چین در فضای سایبری از طریق تهدید هکرهای چینی و اعلام جرم علیه آنها به چین فشار می آورد، اما بعد از افشاگری اسنودن، چین به این اسناد در مجامع مختلف استناد می کرد تا نفاق آمریکا در خصوص امنیت اینترنت را نشان دهد.

ابعاد نظامی (تسلیحاتی-سایبری McCoy): (می گوید امپراتوری ها اغلب با مشاوره های بد در رویدادهای ناگوار نظامی فرو می روند. تاریخ دانان امپراتوری ها به این پدیده میکرو میلیتاریسم می گویند و بنظر می آید این پدیده یک تلاشی است تا با اشغال قلمروهای جدید، زهر عقب نشینی یا شکست خود را تسکین دهد. نتیجه این عملیات اغلب تضعیف قدرت امپراتوری را سرعت می بخشد. امپراتوری های مشکل دار در طی سالها به تکبر و نخوت مبتلا می شوند که آنها را به رخدادهای ناگوار نظامی عمیقی غوطه ور می سازد تا جایی که شکست به سرنگونی آنها منجر می شود. در سال ۴۱۳ قبل از میلاد آتنی های ضعیف ۲۰۰ کشتی به سیسیلی روانه کردند که به مسلخ کشیده شدند. در سال ۱۹۲۱ امپراطوری اسپانیای در حال احتضار، ۲۰ هزار سرباز را روانه مراکش کرد تا اینکه توسط پارتیزان های بربر مراکشی قتل عام شدند. در سال ۱۹۵۶ امپراتوری بی رنگ انگلستان پرستیژ خود را با حمله به سوئز خراب کرد و در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ آمریکا افغانستان و عراق را اشغال کرد. واشنگتن سربازان خود را در افغانستان به صد هزار نفر افزایش داد و جنگ را به پاکستان کشاند و تعهدات خود را تا سال ۲۰۱۴ و حتی بعد از آن تمدید کرد. وی معتقد است که میکرو میلیتاریسم یک امر غیر منطقی است. با حضور ارتش آمریکا از سومالی تا فیلیپین و وجود تنشهایی که در اسرائیل، ایران و کره بوجود آمده، بحران فاجعه نظامی برون مرزی چندین برابر است.

البته روند اطاعت کشورهای زیر مجموعه امپریالیست از آمریکا کم رنگ تر شده است به عنوان نمونه استرالیا و ترکیه، متحدان نظامی قدیمی آمریکا، سلاح های ساخت آمریکای خود را برای مانورهای هوایی و دریایی با چین استفاده می کنند. مک کوی سپس به سناریوی جنگ جهانی سوم می پردازد و ادامه می دهد: در تابستان ۲۰۱۰ تنش نظامی بین آمریکا و چین در اقیانوس آرام غربی جایی که زمانی دریاچه آمریکا قلمداد می شد رخ داد. پکن ادعا می کند که منطقه دریایی وسیعی از کره تا اندونزی تحت سلطه ناوهای آمریکاست. در آگوست ۲۰۱۰ بعد از اینکه واشنگتن اظهار داشت که

در دریای چین جنوبی منفعت ملی دارد و ناوگانش را به آنجا فرستاد، پکن با عصبانیت گفت: مسابقه کشتی چین و آمریکا بر سر دریای چین جنوبی، حاکم آینده جهان را تعیین می کند.

با توسعه پیوسته موشک Long March V و به فضا فرستادن ۵ ماهواره، پکن نشان داد که کشورش گامهای بلندی تا سال ۲۰۲۰ نسبت به ایجاد شبکه مستقل با ۳۵ ماهواره خود در فضا برداشته است. آمریکا به منظور ممانعت از چین و توسعه نظامی اش قصد دارد که شبکه دیجیتالی رباطهای هوا فضا، تواناییهای جنگ سایبری پیشرفته و دیده بان الکترونیکی را بسازد. سپر پهپاد فضایی آمریکا از لایه استراتوسفر تا اگزوسفر کشیده شده است و مجهز به موشک و متصل به سیستم ماهواره ای ماژولی عکس العملی است و از طریق دیده بان تلسکوپی صورت می گیرد که تا سال ۲۰۲۰ به فضا فرستاده می شود. در ماه اپریل گذشته، پنتاگون تاریخ ساز شد و عملیات پهپاد را به لایه اگزوسفر امتداد داد. با به فضا فرستادن شاتل فضایی بدون سرنشین X-۳۷B به مدار ۲۵۵ مایلی سیاره، این اولین شاتل از نسل ماشینهای بدون سرنشین است که فضا را کاملا تسلیحاتی می کند. تکنولوژی فضا و جنگ سایبری بسیار جدید و آزمایش نشده است. لازم به یادآوری است که در اکتبر ۲۰۰۹ وزارت دفاع چین اعلام کرد که پرسرعت ترین سوپر کامپیوتر جهان-Tianhe ۱A داراست و در همان موقع یک کارشناس آمریکایی اعتراف کرد که این اختراع چینی ها سوپر کامپیوتر شماره یک آمریکا را کنار زد. مک کوی سپس به پردازش سناریوی جنگ جهانی سوم در سال ۲۰۲۵ می نشیند و اینگونه می نویسد: تصور کنید که ساعت ۱۱:۵۹ پنجشنبه شب عید شکرگزاری است. صفحه پانورامای تکنسین های نیروی هوایی آمریکا در SST تلسکوپ فضایی خاموش می شود. هزار مایل دورتر در مقر فرماندهی سایبری در تگزاس، جنگجویان سایبری ویروسی را کشف می کنند که اثر انگشت دیجیتالی ارتش آزادیخواه مردم چین را نشان می دهد. ویروس چینی ها پهپاد خورشیدی و بی سرنشین که در ۷۰ هزار پایی تنگه سوشیما بین کره و ژاپن پرواز می کند را به کنترل در آورده است و موجب شده که موشکهای خود را به دریای زرد بریزد، کاخ سفید به فرماندهان نیروی هوایی کالیفرنیا مجوز انتقال کد را به پهپاد فضایی X-۳۷B که در مدار ۲۵۰ مایلی زمین قرار دارد می دهد تا دستور آتش موشکهای Terminator را به ۳۵ ماهواره چین بدهد. جواب صفر. نیروی هوایی ماشین کروز هایپر سونیک فالکون را به قوس ۱۰۰ مایلی بالای اقیانوس آرام می فرستد. درست ۲۰ دقیقه بعد کد کامپیوتری را برای آتش کردن موشکها به سمت ۷ ماهواره چین نزدیک مدار می دهد. ناگهان کد دستور آتش غیر عامل می شود و در عرض چند ساعت قدرت نظامی که یک قرن در جهان تفوق داشت در جنگ جهانی سوم شکست می خورد بدون اینکه حتی یک نفر زخمی شود.

دلار: چین، برزیل، آلمان و روسیه و دیگر کشورهای کلیدی صادراتی متقابلا ارزش پول رایج خود را کاهش می دهند. ژاپن سیاست کاهش ارزش ین را از سال ۲۰۰۴ در پیش گرفت. سرمایه گذاران به سمت فلزات گرانبها به جای پول رایج کاغذی دلار می روند. این فلزات گران بها نیست که قیمتش رو به افزایش است بلکه کالاهای اصلی نیز در سال ۲۰۱۱ به سرعت افزایش قیمت داشت. نزدیک ترین شرکای اقتصادی آمریکا به آمریکا پشت کرده و به سمت نرخهای پول رایج چین رفته اند. نیویورک تایمز پس از سفر اوباما به آسیا در سال ۲۰۱۰ تیتیر زد که: نظرات اقتصادی اوباما رد شد. چین، انگلیس و آلمان، آمریکا را به مبارزه طلبیدند. مذاکرات تجاری با سنول نیز به شکست انجامید.

در اواسط سال ۲۰۰۹ مدویدوف رییس جمهور روسیه اصرار داشت که باید به حفظ مصنوعی سیستم تک قطبی یعنی یک پول رایج ضعیف خاتمه داد. همزمان بانک جهانی چین پیشنهاد کرد که در آینده ممکن است پول رایج ذخیره

جهانی از دلار قطع شود. همچنین سطح بالای قروض در ایرلند، پرتغال و اسپانیا این ترس را بوجود آورده است که یورو آماده واژگونی است. ارزش دلار از زمان ایجاد فدرال رزرو ۹۶ در صد کاهش پیدا کرده است. یکی از مقامات رسمی سیتی بانک آمریکا در سال ۲۰۱۰ اعلام کرد که وی معتقد است بانکهای مرکزی در دیگر نقاط جهان دلار آمریکا را کنار خواهند گذاشت. رئیس بانک جهانی اعلام کرد: اگر فدرال رزرو آمریکا فکر می کند که با چاپ اسکناس می تواند این مشکلات را حل کند اشتباه می کند چرا که ملتها به دلار آمریکا اعتماد نمی کنند Peter Koeing. اقتصاددان و از کارمندان سابق بانک جهانی طی مقاله ای نوشت: روسیه نه تنها تجارتش را از دلار جدا می کند بلکه تجارت هیدرو کربن را با روبل روسیه و پول رایج محلی صورت می دهد نه با دلار. تجارت هیدرو کربن روسیه در حدود یک تریلیون در سال است. بزودی گروه بریکز به پسروری از روسیه پترو دلار برای نفت و گاز را کنار خواهند گذاشت. این یعنی از دست دادن تقاضای ده ها بلیون دلار در سال است (GDP). آمریکا در آخر سال ۲۰۱۳، ۱۷ تریلیون است.)

در ادامه این تغییر ، راشا پرس تی وی اعلام کرده است که چین جاده ابریشم قدیم را مجدداً به عنوان مسیر تجاری احیا خواهد کرد تا آلمان ، روسیه و چین را به هم وصل کند. آلمان به عنوان راننده اتومبیل اقتصاد اروپا و چهارمین اقتصاد بزرگ جهان (۳/۶ تریلیون GDP) مانند یک آهن ربای بزرگی خواهد بود که دیگر شرکای اروپایی خود را به سمت جاده ابریشم جذب می کند. بعلاوه BRICS تصمیم دارد پول جدیدی را بوجود آورد .همچنین یک سیستم جدید برای پرداختهای بین المللی جایگزین IBAN و SWIFT خواهد کرد که هژمونی BIS در سوییس یا به عبارتی بانک مرکزی بانکهای مرکزی دنیا را می شکند. کوینینگ می گوید این تغییرات، امپراتوری آمریکا را بدون ریختن قطره خونی به زانو در می آورد. مک کوی پیش بینی می کند که به دلیل عدم توانایی پرداخت ، ابرقدرتی آمریکا کم رنگ می شود و چین، هند، ایران، روسیه و دیگر کشورهای قدرتمند، تفوق آمریکا در اقیانوسها، فضا و فضای سایبری را به مبارزه میطلبند.



منابع:

<http://theeconomiccollapseblog.com/archives/۳۴-signs-that-america-is-in-decline>

<http://www.globalresearch.ca/collapse-of-an-empire-why-america-fell-so-far-so-fast/۵۳۳۴۲۱۹>

<http://www.alamongordo.com/۱۰-signs-the-us-is-on-brink-of-collapse/>

<http://realtruth.org/articles/۰۰۲-۰۷۰۸۳۱-ssoafn.html>

<http://www.ucg.org/united-states/life-cycles-empires-lessons-america-today/>

<http://www.thenation.com/article/۱۵۶۸۵۱/decline-and-fall-american-empire>

<http://theeconomiccollapseblog.com/archives/۲۲-reasons-to-be-concerned-about-the-u-s-economy-as-we-head-into-the-holiday-season>

<http://online.wsj.com/articles/SB۱۲۳۰۵۱۱۰۰۷۰۹۶۳۸۴۱۹>

<http://www.foreignaffairs.com/articles/۱۴۰۱۵۵/henry-farrell-and-martha-finnemore/the-end-of-hypocrisy>

<http://www.informationclearinghouse.info/article۳۸۱۶۵.htm>

نتیجه نظرسنجی مؤسسه گالوپ :

ایران در رتبه چهارم دشمن ترین دشمنان آمریکا از نگاه مردم آمریکا

نتایج یک نظرسنجی نشان می دهد ایران با ۷٪ دشمنی کمتر نسبت به پارسال، در فهرست دشمن ترین دشمنان آمریکا از نگاه مردم این کشور در جایگاه چهارم قرار گرفته است .

به گزارش سرویس سیاسی جام نیوز، بر اساس نظرسنجی جدید مؤسسه گالوپ (Gallup) که به تازگی منتشر شده، تنها ۹٪ آمریکایی ها ایران را دشمن درجه یک خود می دانند.

بر اساس نتایج این نظرسنجی که بین روزهای ۱۹ تا ۲۲ بهمن ماه میان ۸۳۷ فرد آمریکایی در محدوده سنی ۱۸ سال به بالا انجام گرفته است، روسیه با ۹٪ افزایش نسبت به آمار سال گذشته در رتبه اولین دشمن ایالات متحده از نگاه مردم آمریکا قرار گرفت و به این ترتیب با اختصاص ۱۸٪ از نتایج این نظرسنجی، از کره شمالی که پارسال در رتبه اول این فهرست قرار داشت عبور کرد.

این نظرسنجی نشان می دهد در نگاه آمریکایی ها ایران با ۷٪ دشمنی کمتر نسبت به پارسال، پس از روسیه (۱۸٪)، کره شمالی/کره (۱۵٪)، و چین (۱۲٪)، در فهرست دشمن ترین دشمنان آمریکا در جایگاه چهارم قرار گرفته است و عراق با ۸٪ نتایج در رتبه پنجم قرار دارد. در نظرسنجی سال گذشته، ایران به طور مشترک با کره شمالی در رده دوم فهرست جای گرفته بود.

برای این نظرسنجی گزینه مشخصی در نظر گرفته نشده و تنها بر اساس اظهارات تلفنی افراد صورت پذیرفته است. همینطور بر اساس این نظرسنجی که ساعاتی پیش از توافق اخیر بر سر آتش بس در شرق اوکراین انجام گرفته است، ۴۹٪ مردم آمریکا قدرت نظامی روسیه را تهدید مهمی برای آمریکا می دانند. این آمار در نظرسنجی سال گذشته ۳۲٪ بود.

در حالی که سه سال پیش از این نگاه مثبت مردم آمریکا به روسیه بر نگاه منفی غالب بود، امسال تنها ۲۴٪ به روسیه نظر مثبت دارند. بر اساس نظر سنجی های سالانه مؤسسه گالوپ، آمار ۷۰ درصدی نگاه های منفی نسبت به روسیه در نظرسنجی امسال در ۲۶ سال گذشته بی سابقه بوده است.

داعش خطرناک تر از روسیه

این در حالی است که نتایج نظرسنجی دیگری توسط مؤسسه گالوپ نشان داد آمریکایی ها خطر داعش و تروریسم جهانی را به مراتب مهم تر از روسیه می دانند.

نتایج این نظرسنجی که سه روز پیش منتشر شد نشان می دهد ۸۴٪ آمریکایی ها شبه نظامیان اسلامی موسوم به داعش را در عراق و سوریه بزرگترین خطر برای آمریکا در ۱۰ سال آینده می دانند و تروریسم جهانی همین میزان از نگرانی را در بین آمریکایی ها به خود اختصاص داده است.

این نظرسنجی همچنین نشان می دهد ۷۷٪ مردم آمریکا توسعه سلاح هسته ای توسط ایران را تهدید مهمی برای خود می دانند و ۱۶٪ دیگر همین موضوع را برای منافع آمریکا در ۱۰ سال آینده مهم اما نه تهدید کننده ارزیابی کرده اند.

همچنین قدرت نظامی کره شمالی (۶۴٪)، قدرت نظامی روسیه (۴۹٪)، نزاع اسرائیل و فلسطینیان (۴۹٪)، نزاع روسیه و اوکراین (۴۴٪) و قدرت اقتصادی چین (۴۰٪) از طرف مردم آمریکا تهدید کننده منافع ده ساله آمریکا شناخته شده است.

بنا بر نتایج این نظرسنجی، بیشتر مردم آمریکا (۵۴٪) مخالف ارسال کمک های نظامی آمریکا به دولت اوکراین برای مقابله با جدایی طلبان هستند و تنها ۴ نفر از میان هر ۱۰ آمریکایی (۴۰٪) نسبت به ارسال سلاح نظر مساعدی دارند.

با وجودی که در زمان انقلاب نارنجی اوکراین در سال ۲۰۰۵ میلادی، ۵۷٪ مردم آمریکا نسبت به اوکراین نگاه مساعدی داشتند، آمار ۲۰۱۵ گالوپ نشان می دهد پس از گذشت یک دهه این نگاه مثبت در میان مردم آمریکا رو به افول گذاشته و نظرسنجی امسال، آماری ۵۲ درصدی را از نگاه مثبت آن ها به نمایش می گذارد. همچنین، نظر یک سوم (۳۶٪) مردم این کشور نسبت به اوکراین مساعد نیست.

چالش های هویت در آمریکا :

ساموئل هانتینگتون، ۱۳۸۴،

انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۵۰۰ص.

عنوان انگلیسی این کتاب *who we are?* (ما کیستیم) است که ...

چالش های هویت در آمریکا:

ساموئل هانتینگتون، ۱۳۸۴،

انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۵۰۰ص.

عنوان انگلیسی این کتاب *who we are?* (ما کیستیم) است که در چهار بخش و دوازده فصل تدوین شده است. هانتینگتون سعی کرده است در آن به مسئله هویت اصیل آمریکایی بپردازد، به بیان دیگر به آن نوع هویتی بپردازد که فردی که در آمریکا زندگی می کند قبل از هر چیزی خود را یک آمریکایی بداند و نه اینکه خود را با انواع و اقسام شاخه های فراملی و فروملی تعریف کند و مبنای تعریف از خود را ویژگی های زبانی، قومی، و فرهنگی بداند که با آن به آمریکا مهاجرت کرده است. هانتینگتون در هیچ جای کتاب کتمان نمی کند که تعصب شدیدی به ملیت آمریکایی دارد و همواره از خود به عنوان یک وطن پرست یاد می کند. در واقع آنچه برای او به عنوان یک آمریکایی دوست داشتنی است اصول " منش آمریکایی " یکپارچه است. این کتاب بازنمایاننده مباحثی است که پیرامون هویت و تغییر هویت آمریکایی در طول تاریخ شکل گرفته است، سپس به هویت های هیبریدی یا ترکیبی با غلبه عناصر غیر آمریکایی می پردازد که هانتینگتون شدیداً نگران این مسئله است و در چشم انداز خود به احیای هویت آمریکایی اشاره می کند. نویسنده در این

کتاب پس از مقدمه‌ای کوتاه، در بخش اول به مسائل مرتبط با هویت، بحران هویت ملی و هویت‌های ملی و غیرملی می‌پردازد. در بخش دوم به هویت آمریکایی و مولفه‌های آن، فرهنگ انگلو - ساکسون و دین و مسیحیت به عنوان عناصر زیربنایی هویت آمریکایی و نهایتاً به پیدایش، رونق و اضمحلال این هویت پرداخته است. بخش سوم به چالش‌های پیش روی هویت آمریکایی اختصاص دارد و در آن مباحثی از قبیل تخریب هویت آمریکا و ظهور هویت‌های نیمه‌ملی، همانندگرایی و تغییر تابعیت‌ها، مهاجرت‌های روزافزون و یکپارچه شدن آمریکا با جهان مطرح می‌شود. بالاخره در بخش چهارم به چشم‌اندازهای احیای هویت آمریکایی و خطوط گسل قدیم و جدید، و آمریکایی قرن ۲۱ پرداخته است.

فرض اساسی این کتاب که با آن نیز شروع می‌شود این است که هویت و علی‌الخصوص هویت ملی زمانی برای مردم اهمیت پیدا می‌کند که در معرض تهدید قرار بگیرد. به عنوان مثال انگیزه اصلی نوشتن این کتاب می‌تواند حملات تروریستی یازده سپتامبر باشد. آنجا که به وضوح هانتینگتون برافراشته شدن پرچم‌های آمریکا را بعد از این حملات بر سر در ادارات و مغازه‌های شهر نشانه بازبینی هویتی مردم آمریکا می‌داند که این امر باعث تقویت حس وطن‌پرستی آمریکایی‌ها شده است، ولی آنچه برای هانتینگتون، علاوه بر خصومت‌های روزافزون برای آمریکا و کاهش محبوبیت آن در جهان، تهدید کننده است گسترش روزافزون مهاجران خارجی (عمدتاً مکزیکی و هیسپنیک) است. هانتینگتون به وضوح از اینکه زبان اسپانیایی به دومین زبان مردم آمریکا تبدیل شده است احساس نگرانی می‌کند. اما وی برای حفظ و بقای هویت آمریکایی چهار عنصر را لازم و ضروری می‌داند که عبارتند از: نژاد، قومیت، فرهنگ (مشخصاً زبان و مذهب) و ایده‌ئولوژی که این چهار عنصر به لحاظ تاریخی هویت آمریکایی را شکل می‌دهند.

<http://www.ethnolog.blogfa.com/aspix۸۵۱۰>

پیوست ۲۷ ایالت به ایالت در آمریکا در حال جمع آوری امضا برای جدایی هستند



رئیس مرکز دکترینال بدون مرز در ادامه ضمن اشاره به شرایط متزلزل رئیس جمهور منتخب آمریکا گفت: دولت ترامپ از نظر سیاسی یک دولت ضعیف بوده و اجماع داخلی نسبت به او وجود ندارد، جدایی طلبی در آمریکا در این دوره در

حال افزایش بوده و شکاف های بین ایالت های این کشور رو به فزونی است و مشکل دیگری که ترامپ با آن دست به گریبان است بدهی ۲۰ تریلیون دلاری کشور آمریکا است؛ البته در حوزه سیاست خارجی همه از ترامپ می ترسند.

عباسی بیان کرد: این احتمال وجود دارد که در دوره ترامپ به عنوان یک رئیس جمهور ضعیف شده یک پدیده و واقعه دیگر مانند واقعه ۱۱ سپتامبر رقم بخورد و دنیا را تا هفت هشت سال دیگر درگیر این مسئله کنند.

وی با بیان اینکه اعتراضات مردمی به نتیجه انتخابات در آمریکا همچنان ادامه دارد افزود: معترضین که در حال جمع آوری امضا و تهیه تومار برای جدایی ایالت های خود از آمریکا هستند اعلام کرده اند که تا روز تحلیف ترامپ به اعتراضات خود ادامه می دهند در هر حال اگر کسانی بخواهند به این جمع بندی برسند که نتیجه انتخابات این کشور را باطل کرده و ترامپ را کنار بگذارند این به منزله نابودی دموکراسی در آمریکا بوده و اگر انتخابات باطل نشود با توجه به استمرار اعتراضات وقتی ترامپ در کاخ سفید قدرت را در دست می گیرد یک رئیس جمهور ضعیف شده مانند رئیس جمهور دولت دهم ایران است که با عدم پذیرش برتری نسبت به جناح مخالف مواجه شد.

رئیس مرکز دکترینال بدون مرز گفت: با توجه به اعتراضات مردمی در آمریکا دونالد ترامپ در حال تضعیف شدن بوده و امتیاز یکپارچگی و انسجام درونی این کشور را از دست داده است. زمینه تجزیه ۵۳ ایالت آمریکا فراهم شده است

عباسی با بیان اینکه ایالت به ایالت در آمریکا در حال جمع آوری امضا و طومار برای جدایی از آمریکا هستند، افزود: با توجه به وجود ۴۰۰ گروه جدایی طلب زمینه تجزیه ۵۳ ایالت آمریکا فراهم شده است.

وی اظهار کرد: ایالت کالفرنیا که یک ایالت ثروتمند بوده و یا ایالت تگزاس که ذخایر اصلی نفت آمریکا در این ایالت قرار دارد می گویند که چرا ما باید بار دیگر ایالت ها را به دوش بکشیم به همین دلیل این ایالت ها خواستار جدایی از آمریکا هستند.

رئیس مرکز دکترینال بدون مرز گفت: جدایی طلبی در آمریکا که نتیجه گسل ها و شکاف های اجتماعی در این کشور است در دوران ترامپ بیش از گذشته بروز پیدا می کند.

عباسی اضافه کرد: واقعیت این است که دولت ترامپ یک دولت ضعیف شده است و نمی تواند اجماع گسترده ای را که جرج بوش با به راه انداختن بازی مبارزه با تروریسم و حمله به افغانستان و عراق ایجاد کرد این اجماع را به وجود بیاورد؛ البته اوباما هم توانست اجماع داخلی و جهانی را نسبت به خود ایجاد کند اما امروز شاهدیم که در آلمان، فرانسه، ژاپن و آمریکا راهپیمایی هایی علیه ترامپ برگزار می شود.

به گفته وی اگر جرج بوش با رعب و وحشت توانست اجماع داخلی در آمریکا را به وجود آورد اما در مقابل نه در داخل کشور آمریکا و نه در بیرون از مرزهای این کشور هیچ اجماعی نسبت به ترامپ وجود ندارد.

رئیس مرکز دکترینال بدون مرز گفت: سوال این است که برای ایجاد اجماع داخلی در آمریکا آیا یک ۱۱ سپتامبر دیگر در ماههای اول دوره ترامپ شکل می گیرد؟ البته امروز اگر بگوییم که ۱۱ سپتامبر کار آمریکا نبوده و کار القاعده و

عربستان بوده برای کسی مهم نیست امروز همه می گویند که عربستان پشت سر النصره، داعش، الشباب و بوکوحرام است در واقع منشاء صدور نفرت پدیده ای به نام عربستان و ایدئولوژی وهابیت است.

مردم کالیفرنیا در تلاش اند تا با استفاده از شرایط و ظرفیت های ممکن، استقلال را به فراندوم بگذارند. اتفاقی که پس از سال ۱۸۶۱ برای بار دیگر در آمریکا رخ می دهد.

آمریکا سالهاست که با بحث جدایی برخی از ایالت ها روبروست، اما هیچگاه شکل جدی به خود نگرفت. یک دوره از جدیت در جدایی ها مربوط به پایان قرن ۱۸ بود، دوره بعدی به دهه ۱۹۸۰ تاکنون برمی گردد که سرانجام سر از صدور مجوز جمع آوری امضا برای جدایی کالیفرنیا از آمریکا در آورده است که در نوع خود گامی جدید و بی سابقه است و به گفته تحلیل گران سیر تاریخی و حجم بسیار چالش ها و تمایلات جدایی طلبانه در تجمیع نهایی خود به فریاد امروز کالیفرنیا و سپس تگزاس جهت جدایی انجامیده است.

رهبان ۷ ایالت جدا شده از ایالات متحده در سال ۱۸۶۱ تحت عنوان «اتتلاف جنوب» به ریاست جمهوری «جفرسون دیویس»

درست مانند زمانی که باراک اوباما به عنوان رییس جمهور آمریکا انتخاب شد و ایالات جنوبی محافظه کار خواستار جدایی از آمریکا شدند، کالیفرنیا هم در سال ۲۰۱۷ پس از پیروزی یک جمهوریخواه به نام «دانلد ترامپ» ساز جدایی را کوک کرده است. اما این بار قضیه کمی متفاوت است و جدایی طلبان پیشرفت هایی حاصل کرده اند. با به حد نصاب رسیدن جمعیت (تقریباً ۷ هزار نفر) جنبش «کالیفرنیا آری» که به همان «کالگزیت» (خروج کالیفرنیا از ایالات متحده آمریکا) مشهور شده، «الکس پادیلا» مسئول امور انتخابات ایالت کالیفرنیا مجبور به صدور مجوز جمع آوری امضا برای جدایی کالیفرنیا از آمریکا شد. حامیان طرح جدایی تا ۲۵ جولای فرصت دارند که ۵۸۵ هزار و ۴۰۷ امضاء که ۸ درصد از جمعیت کل رای دهندگان ثبت نام کرده این ایالت را در بر می گیرد جمع کنند. طبق اعلام پادیلا، اگر حامیان طرح موفق به این امر بشوند، آنگاه تغییر بندهای مربوط به عدم امکان جدایی از آمریکا در قانون اساسی کالیفرنیا قابل تغییر است. سپس، در سال ۲۰۱۹ یک فراندوم برگزار می شود که اگر اکثریت رای به خروج از ایالات متحده آمریکا بدهند، کشور جدیدی تحت عنوان «جمهوری کالیفرنیا» به نقشه جغرافیای جهان اضافه می شود.

در مورد بحث جدایی کالیفرنیا چندان تعجبی وجود ندارد. این ایالت پیوسته خود را قربانی مالیات دهی به نفع ایالت های دیگر می دیده است و به ادعای مردم اش دارای ارزش های کاملاً متفاوت با سایر نقاط آمریکا در زمینه های فرهنگی، سیاسی، مهاجرتی، و محیط زیستی است. رسد ناخالص داخلی کالیفرنیا را می شود با کشور فرانسه مقایسه کرد که در نوع خود عالی است. این ایالت، برای خود یک گول تجاری و اقتصادی بزرگ است و در برهه های مختلف زمانی به داد حکومت آمریکا رسیده است. در یکی از جدیدترین بررسی های بعمل آمده مشخص شده که کالیفرنیا در لیست ایالت های وابسته به حکومت آمریکا دارای رتبه ۴۶ است و این یعنی در واقع کالیفرنیا نیازی به ایالات متحده آمریکا ندارد.

اما چیزی که روشن است این است که مهمترین دلیل جدایی طلبی کالیفرنیا که بزرگترین، پرجمعیت‌ترین، و ثروتمندترین ایالت آمریکاست به رییس‌جمهوری به نام «داندل ترامپ» برمی‌گردد. کالگریتی‌ها، معتقدند که سیاست‌های دولت ترامپ به هیچ‌وجه با اولویت‌ها و ارزش‌های آنان سازگاری ندارد. اما در این میان، «جری براون» فرماندار این ایالت و دیگر مقامات دموکرات آن خود را از قضایای کالگریتی جدا کرده و به نوعی صف نظامی علیه آن چیده‌اند. همین امر می‌تواند موجب تحریک احساسات ایالت‌گرایانه شده و نفت به آتش کالگریتی بریزد. یکی از آخرین سیاست‌های اعلامی ترامپ، تهدید ایالت‌های بزرگ و اول به قطع بودجه فدرال بود که به اذعان دوست و دشمن ترامپ، منظور وی از آن ایالت‌ها همان کالیفرنیاست که در آمریکا به «ایالت طلایی» مشهور است .

ایالت کالیفرنیا پیوسته رویکرد مثبت و نرمی نسبت به پناهندگان و مهاجرین داشته است. در سال ۲۰۱۴ قانونی در این ایالت به تصویب رسید که طبق آن مراجع و نهادهای قضایی حق نداشتند مهاجرانی که مرتکب جرم می‌شوند را بیشتر از حد زمان معین در زندان نگاه دارند مگر اینکه جرم موردنظر جزو جرائم جنایی، پرخطر، و سازمان‌یافته باشد. این قانون در آمریکا در نوع خود یک حرکت نو بود. کالیفرنیا، اکنون پا در راه بزرگ و سرنوشت‌سازی گذاشته. شکل ظاهر قضیه به ما می‌گوید که جنبش جدایی طلب «کالیفرنیا آری» را چندان جدی نگیریم اما شکل باطنی قضیه یادآور می‌شود که اولاً با توجه به شرایط منطقی موجود و پتانسیل این ایالت بزرگ برای اداره خود این امر ممکن است و دوما وقتی در اوج ناباوری می‌شود داندل ترامپ ره بر کرسی ریاست جمهوری در کاخ سفید دید، پس «کالگریتی» هم ممکن است .

اگر کالگریتی‌ها موفق بشوند که در رای‌گیری سال ۲۰۱۸، ۵۰ درصد + یک درصد را از آن خود بکنند، قانون اساسی کاملاً به نفع آنها عمل خواهد کرد و می‌توانند وارد مرحله فراندوم شوند. اگر هم در مرحله رفرنداوم حداقل ۵۰ درصد رای‌دهندگان ثبت‌نام شده شرکت کنند و موفق به ارائه حداقل ۵۵ درصد آراء شوند، آنگاه عملاً و رسماً از ایالات متحده آمریکا جدا خواهند شد و به عنوان کشوری مستقل تحت نام «جمهوری کالیفرنیا» در جهان شناخته خواهند شد. اما یک مشکل بزرگ در اینجا وجود دارد که کالیفرنیا بی‌ها همچون بسیاری از ایالات دیگر آمریکا و چه بسا بیشتر از آنها تمایل به حضور در انتخابات نداشته و اصولاً به نظام سیاسی کشور خود اعتماد ندارند. آمار آخرین مشارکت آنها ۴۲ درصد بوده است .

اگر کالیفرنیا از آمریکا جدا شود، سایر ایالت‌ها هم برای استقلال به تکاپو می‌افتند مگر اینکه به اقتصاد هسته مرکزی بسیار وابسته باشند که در این بین فقط چند ایالت به هسته مرکزی قدرت وابسته نیستند. اما در هر صورت چالش بسیار بزرگی ایجاد خواهد و نخبگان سیاسی آمریکا از آنجایی که هیچ علاقه‌ای به تجربه سال ۱۸۶۱ (که در آن سال در پی دستیابی لینکلن به ریاست جمهوری، ۷ ایالت از ایالات متحده جدا شدند) ندارند، قطعاً از تمامی قدرت خود جهت جلوگیری از بروز کالگریتی استفاده خواهند کرد. «اد کیلگور» تحلیل‌گر «نیویورک مگزین» معتقد است که کالگریتی فریاد دادخواهی مردم کالیفرنیا علیه ترامپیسم است. تفکری هواداران نژادپرست و بی‌فرهنگ ترامپ را قدرت بخشیده تا در آینده‌ای نزدیک صداهای بسیاری را در نطفه خفه کنند. وی، معتقد است که اگر کالگریتی رخ بدهد، احتمال سقوط حزب جمهوریخواه بسیار زیاد می‌شود. این تحلیلگر در پایان تحلیل خود می‌نویسد: «من گمان نمی‌کنم که کالگریتی رخ بدهد اما این نشانه خشم کرانه‌های غربی کشور آمریکا نسبت به دولتی و تفکر محافظه‌کارانه غالب فعلی است. اما این خشم فروخورده برای آمرزیکا خطرناک است. خشم فروخورده‌ای که از تفاوت‌ها و شکاف واقعاً عمیق درون این کشور نشات می‌گیرد. غده بدخیمی که در زیر پوست آمریکاست و زمانی بیرون خواهد زد .»

منابع :

<http://nymag.com/daily/intelligencer/2017/01/is-california-really-going-to-secede.html>

<http://www.telegraph.co.uk/news/2017/01/27/calexit-californians-start-campaigning-secede-us-dont-have/>

<http://www.latimes.com/opinion/op-ed/la-oe-friedersdorf-calexit-unprogressive-2017-01-29-story.html>

به گزارش جام جم آنلاین به نقل از مشرق، به دنبال پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا این شهروند ایرانی - آمریکایی به نام «شروین پیشهور» رهبری کمپینی را برای جدایی ایالت کالیفرنیا از آمریکا برعهده گرفته است.

از زمان اعلام پیروزی ترامپ در انتخابات آمریکا، شمار زیادی از مردم با تظاهرات در شهرهای کالیفرنیا خواستار استقلال این ایالت از آمریکا و ایجاد کشور کالیفرنیا شدند.

سایت سی ان بی سی آمریکا نوشت: شروین پیشهور فعال اقتصادی ایرانی - آمریکایی و یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران و مغز متفکر در پشت فعالیت‌ها برای درخواست استقلال ایالت کالیفرنیا از آمریکا بود.

این رسانه افزود: شروین پیشهور یکی از سرمایه‌گذاران بزرگ و اصلی در زمینه نانو فناوری‌ها در جهان و سهم بزرگ‌تر را در شرکت (Uber) متخصص در زمینه حمل و نقل دارد که دفتر آن در شهر سانفرانسیسکو در ایالت کالیفرنیا است. در این گزارش آمده است: این شهروند ایرانی - آمریکایی سهم بزرگی را نیز در شرکت «هایپرلوپ وان» (Hyperloop One) فعال در زمینه حمل و نقل دارد.

شروین پیشهور در مصاحبه با این سایت خبری نیز گفته است که هدفش از این کمپین، درخواست استقلال کالیفرنیا تحت شعار «Calexit» است.

او قبل از این در کمپین‌های جمع‌آوری پول برای ستاد تبلیغاتی هیلاری کلینتون کاندیدای دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا فعالیت می‌کرد.

ناظران سیاسی می‌گویند که این ایالت همه ویژگی‌ها را برای اینکه دارای دولت مستقل شود، دارد. ایالت کالیفرنیا واقع در جنوب غربی آمریکا و در ساحل اقیانوس آمریکا با داشتن ۴۰ میلیون نفر جمعیت، پرجمعیت‌ترین ایالت آمریکاست. کالیفرنیا همچنین بعد از آلاسکا و تگزاس بزرگ‌ترین ایالت آمریکا از نظر مساحت است.

مرکز ایالت کالیفرنیا شهر ساکرامنتو و لس‌آنجلس، سن دیگو، سن خوزه و سان‌فرانسیسکو از شهرهای مهم آن است. اکثریت ساکنان ایالت کالیفرنیا هواداران حزب دموکرات هستند و در انتخابات اخیر نیز در این ایالت، هیلاری کلینتون کاندیدای دموکرات‌ها توانست بر رقیب جمهوری‌خواه خود یعنی ترامپ پیروز شود و تمامی ۵۰ رای الکترال این ایالت را از آن خود کرد.

پیوست ۲۸ پیش‌بینی مایکل مور درباره آینده سیاهی که در انتظار آمریکا است



فرهنگ > سینما - مایکل مور، مستندساز برجسته آمریکایی در تازه‌ترین دور حملات خود به دونالد ترامپ مدعی شد که او آمریکایی‌های بسیاری را به کشتن خواهد داد .

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، کارگردان برنده جایزه اسکار که در آخرین فیلمش با عنوان «سرزمین ترامپ» به شکل انتقادی آینده آمریکا در صورت ریاست‌جمهوری ترامپ را به تصویر کشیده بود، رئیس‌جمهور منتخب را رهبری خطرناک و نامناسب توصیف کرد.

مور سخنان اخیر ترامپ درباره عدم حضور در جلسات توجیهی امنیتی را هدف انتقاد قرار داد و در این باره نوشت: «احتمالا همه با من موافق هستند که نخستین وظیفه رهبر هر کشور حفظ امنیت شهروندان است. در میان کارهای رئیس‌جمهور هیچ کاری مهم‌تر از شرکت در جلسه‌ای درباره تهدیدات پیش‌روی کشور وجود ندارد. اینکه ترامپ حضور در یک جلسه ۲۰ دقیقه‌ای درباره تهدیدات پیش‌روی کشور و شهروندان آمریکایی با حضور مقامات ارشد اطلاعاتی و امنیتی را آزاردهنده و طاقت‌فرسا می‌داند، به سادگی باعث وحشت می‌شود.»

این کارگردان در ادامه توییت‌های ترامپ را خشمناک و کودکانه توصیف کرد. به نظر مور رئیس‌جمهور به جای هدر دادن وقتش برای توییت‌های کودکانه باید به موضوعات مهم کشور بپردازد .

او قسمتی از نوشته خود را به آینده آمریکا در صورت وقوع یک حمله تروریستی اختصاص داد. کارگردان «بولینگ برای کلمباین» در این باره نوشت: «هموطنان آمریکایی هنگامی که حمله تروریستی بعدی در آمریکا روی دهد که همه می‌دانیم وقوع آن اجتناب‌ناپذیر است و پس از پایان تراژدی مرگ و ویرانی که می‌شد جلوی آن را گرفت، خواهید دید که ترامپ جز خودش همه را سرزنش خواهد کرد. او حقوق مردم طبق قانون اساسی را به حالت تعلیق در خواهد آورد. هر کسی را که در نظرش تهدید باشد زندانی خواهد کرد. جنگ به راه خواهد انداخت و کنگره جمهوری خواه هم بی‌شک او را حمایت خواهد کرد. البته آن زمان دیگر کسی به یاد نمی‌آورد که او روزگاری تهدیدات روبه رشد را نادیده گرفته بود، در جلسات توجیهی امنیتی شرکت نکرده بود و به جای آن با گلف بازی کردن، ملاقات با سلبریتی‌ها و یا توییت کردن درباره بی‌انصافی سی‌ان‌ان وقت گذرانده بود.»

مور بی‌مبالاتی‌های ترامپ را با جرج دبلیو بوش رییس‌جمهور پیشین آمریکا مقایسه و پیش‌بینی کرد که ترامپ به مراتب از بوش بدتر خواهد بود. او در پایان با اطمینان اعلام کرد که این بی‌مبالاتی‌ها به قیمت از دست رفتن جان بسیاری از شهروندان آمریکا تمام خواهد شد.

منبع: [گاردین](#) / ۱۴ دسامبر

پیوست ۲۹ آینده‌ی آمریکا: کنشگری جهانی در برابر سناریوهای مختلف

تحولات پس از یازده سپتامبر به گونه‌ای پیش رفت که ایالات متحده و آینده‌متصور برای آن به موضوع تحلیلی جذابی برای بسیاری از نویسندگان و متفکران آمریکایی و غیر آن بدل گشت. موضوعی که به ظهور دیدگاه‌های مختلفی در این خصوص انجامید؛ دیدگاه‌هایی که هر یک آینده‌ای متفاوت را برای این کشور ترسیم می‌نمود. نخستین پرسش‌هایی که در این رابطه می‌توان مطرح کرد عبارتند از اینکه: شرایط جهانی آمریکا چگونه است؟ آیا آمریکا در حال سقوط است؟ آیا هژمونی آمریکا از پایداری برخوردار است؟ دنیای پسا آمریکایی چگونه می‌باشد؟ اینها نمونه‌هایی از پرسش‌هایی است که در رابطه با جایگاه‌های جهانی آمریکا در سرتاسر جهان، توسط پژوهشگران، سیاستمداران و دست‌اندرکاران امور بین‌المللی مورد بحث و گفتگو واقع شده و البته پاسخها به این پرسش‌ها به هیچ‌رو یکدست نیست و رنگین‌کمان از آرا و عقاید را در سپهر پاسخ‌گویی به این پرسشها می‌توان دید. آنچه در این میان جلب توجه می‌کند آن است که شاید بیش از هر مکان دیگری، این پرسش‌ها در میان محافل دانشگاهی و آکادمیک ایالات متحده مطرح است و جالب‌تر آنکه، فاصله میان پاسخها زیاد بوده و طیف‌های گوناگونی در عرصه پاسخگویی حضور دارند.

در یک دسته‌بندی کلان می‌توان حداقل سه‌گرایش و گفتمان را در باره شرایط آمریکا در عصر حاضر مورد شناسایی قرار داد که عبارتند از: «گفتمان افول قدرت آمریکا»، «گفتمان هژمونی آمریکا» و «گفتمان بینابینی» که در هر یک از آنها، در سطح جزئیات و ظرافت‌های مفهومی و همچنین استنادها، تمایزات و تفاوت‌های چشم‌گیری وجود دارد.

در باره نخستین گفتمان، یعنی افول‌گرایی، نخست باید اشاره شود که بحث‌های مربوط به ظهور و افول آمریکا گفتمان جدی در میان پژوهشگران روابط بین‌الملل و سیاست خارجی این کشور نبوده، اما هر از چندی این بحث شدت گرفته و در مواردی در حاشیه قرار می‌گیرد. آنچه سبب شده به این گفتمان به عنوان چارچوبی کلان برای آینده‌ی آمریکا نگاه شود، غلظت ادبیات آن نسبت به گذشته است که به نظر می‌آید بازتابی از شرایط واقعی آمریکا در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی باشد. گفتمان افول‌گرا که از آن با عنوان مکتب افول (۵) یاد می‌شود و باورمندان به آن افول‌گرا (۶) نامیده می‌شوند، در تاریخ معاصر آمریکا، حجم قابل توجهی از ادبیات و نوشتار تولید کرده و به ویژه با اتکا به مقایسه قدرتهای بزرگ در گذشته و فراز و فرود امپراتوری‌های عمده، عصر آمریکا تسلط بر جهان را پایان یافته می‌پندارد. این مکتب، چندین مرتبه در آمریکا مطرح شده و توجه‌ها را به خود معطوف داشته که یکی از موارد عمده آن، پایان افتضاح آمیز جنگ ویتنام و شکست آمریکا در این جنگ در حوالی نیمه دهه هفتاد میلادی است. تحولات بعدی بین‌المللی در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی که در آن به جایگاه بعدی بین‌المللی در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی که در آن به جایگاه جهانی قدرت آمریکا آسیبهای جدی وارد شد به برآمدن این مکتب کمک کرد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران و خروج ایران از مدار قدرت آمریکا در پایان دهه هفتاد، وضعیت خاورمیانه، افزایش قدرت سلاحهای استراتژیک شوروی در

این دوران و برآمدن اقتصاد ژاپن در اوایل دهه هشتاد میلادی از جمله رخدادهایی هستند که به مکتب افول گرایی موقعیت خاصی دادند. مکتب افول با قدرت یافتن رونالد ریگان و سقوط شوروی و جنگ اول آمریکا علیه عراق در اواخر دهه هشتاد و اوایل دهه نود، تا حدودی در مجادلات دانشگاهی و پژوهشی به حاشیه رفت، اما پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و به طور ویژه پس از لشکرکشی آمریکا به افغانستان و عراق و نتایج نامطلوب و ادامه دار آنها فضای نوینی یافت. باید در نظر داشت که دهها رخداد و پدیده بین المللی از جمله دگرگونی در کانونهای قدرت جهانی و افزایش توان مراکز آسیایی قدرت به ویژه چین در این زمینه نقش داشتند.

دهها کتاب ومقاله که به گونه ای متمرکز بر مکتب افول هستند. در سالیان اخیر در آمریکا به چاپ رسیده است. به هر رو مکتب افول در داخل محافل آمریکایی صعود کرده و رنگین کمانی از ایده ها را می توان در میان افول گرایان مشاهده کرد. برخی از آنها معتقدند، هر چند که آمریکا با افول نسبی قدرت جهانی خود روبروست اما همچنان ظرفیت بازسازی را داشته و می تواند با تعدیلهای و ترمیم هایی، نه فقط از افول بیشتر خود جلوگیری کند، بلکه امکان رهبری جهانی را داشته باشد.

اغراق نخواهد بود اگر گفته شود که راهیابی باراک اوباما به کاخ سفید تا حدودی با استفاده از گفتمان افول آمریکا عملی شد. البته او در سخنرانی های انتخاباتی از گفتمان افول آمریکا عملی شد. البته او در سخنرانی های انتخاباتی و بعد از پیروزی انتخابات به ویژه در سخنرانی مشهور افتتاحیه دوران ریاست جمهوری در ژانویه ۲۰۰۹، ضمن شمارش عناصری از گفتمان افول، بر ظرفیت و امکان بازی قدرت جهانی آمریکا تأکید کرد. بن مایه فکر بین المللی اوباما اعتقاد به امکان بازسازی قدرت جهانی آمریکاست. می توان گفت، او با بهره برداری از ضعفها و افولها، اما با طرح امکان گذر و عبور از آنها توانست در سال ۲۰۰۸ به کاخ سفید راه یابد. خط فکری و عملی اوباما و تیم او همین است که ترکیبی از بازسازی قدرت نظامی و عملیاتی آمریکا به همراه همکاری با دیگر مراکز قدرت در جهان، موقعیت جهانی آن کشور را ارتقا خواهد بخشید. کارنامه دو ساله او نشان می دهد که هر چند برخی از حوزه های بین المللی، آمریکا توانسته ترمیم هایی انجام دهد ولی با چالشهای ساختاری گوناگونی روبروست.

فراتر از سطح رسمی، مجادلات و گفتمانهای علمی و آکادمیک داخل آمریکا درباره موقعیت جهانی آن کشور فراوان بوده و گروهی از پژوهشگران روابط بین الملل آمریکایی، هژمونی آمریکا را بلامنازع دیده و باوری به افول قدرت آن ندارند. برخی از آنها معتقدند که به رغم چالشهای بین المللی که آمریکا با آنها روبروست، هنوز هیچ قدرت جهانی، به ویژه از نظر نظامی برابر و حتی نزدیک به آن کشور وجود ندارد. به علاوه آمریکا از طریق مجموعه و منظومه ای از ابزارها، سامانه ها و نهادها، برتری خود را در نظام بین المللی حفظ کرده و توان ادامه وضعیت را داراست. در این باره نیز تنوعی از آرا وجود داشته و برخی معتقدند به رغم حفظ ظاهر هژمونی، آمریکا نمی تواند وضعیت موجود را ادامه دهد و باید از درسهای مربوط به ظهور و سقوط قدرتهای جهانی گذشته استفاده کند. « فرید زکریا »، تحلیل گر بنگالی تبار آمریکایی، در آثار خود، آمریکا را به فرا گرفتن از امپراتوری انگلیس فرا می خواند که به زعم او، نسبت به سایر قدرتهای جهانی، دوران پساهژمونی خود را با تشخیص به موقع به نفع خود شکل داده و در عین حال هزینه های حفظ هژمونی را که فراتر از ظرفیت آن بود، به عهده نگرفته است.

در این میان دیدگاههای بینابینی نیز که ترکیبی از افول نسبی و هژمونی نسبی را در درون خود جا می دهند به چشم می خورد. در این گروه تأکید بر تدوین چارچوبهای مدیریتی نظام بین المللی است که آمریکا ضمن شناسایی ضعفها و

کاستی های خود، با وارد کردن بازیگران جدید و نوظهور و هماهنگی با آنها، دوره گذار کنونی را پشت سر گذاشته و با حفظ برتری و هژمونی، همچنان در رأس و در کانون قدرت جهانی باقی بماند.

پیوست ۳۰ سرمقاله واشنگتن پست پس از انتخاب ترامپ

روزنامه آمریکایی در سرمقاله امروز (چهارشنبه) نوشت: دونالد ترامپ در روز سه شنبه (به وقت محلی آمریکا) به عنوان چهل و پنجمین رئیس جمهوری آمریکا برگزیده شد. اینها همه عباراتی است که ما هرگز دلمان نمی خواست آن را تقریر کنیم.

واشنگتن پست در ادامه سرمقاله خود افزود: ترامپ همه متصدیان امر انتخابات را شوکه کرد و راهی را پیش تاخت که بخش اعظم آن را رای دهندگان روستایی و نقاط محروم (ایالت های کم برخوردار) هموار کردند همان کسانی که احساس می کردند دستگاه سیاسی کشور آنها را به حاشیه رانده است .

برخلاف خود آقای ترامپ که اگر رقیبش 'هیلاری کلینتون' برنده می شد، ما اکنون از همه آمریکایی ها می خواهیم که به رای یکدیگر احترام قائل باشند و بیایند و با هم برای حصول بهترین دستاورد ممکن که این انتخابات می تواند برای کشور و جهان به ارمغان آورد؛ با هم کار کنند.

معنای این کلام در عمل چیست؟

نخست آنکه، امیدوار باشیم ترامپ آن رئیس جمهوری نیست که ما تا دیروز از او وحشت داشتیم .
هر جا او درست عمل کرد، ما باید از او حمایت کنیم.

ترامپ بزودی فرماندهی دستگاه عریض و طویل دیوانسالاری فدرال -سازمان فوق العاده متبحر و در عین حال پیچیده مجری قانون، آژانس های اطلاعاتی کشور و نیز قدرتمندترین دستگاه نظامی جهان را به دست می گیرد.

ما آرزو می کنیم او متوجه این نکته مهم باشد که سیستم حکومتی آمریکا قائم به شخص نیست. او بتنهایی نمی تواند این سیستم را ساماندهی کند. 'خانه تخم مرغی' (کاخ سفید) هرگز تنبیه مخالفان ترامپ را تاب نخواهد آورد. ترامپ خود در روزهای انتهایی رقابت انتخاباتی آن را مطرح کرده بود.

رئیس جمهوری جدید از همان روز نخست کاریش با چالش هایی بس سنگین و بی امان مواجه خواهد بود. او میراث دارد جهانی است که در آن لیبرال دمکراسی رو به عقب نشینی است و رهبری آمریکا بر جهان هم بشدت زیر سوال رفته است.

خاورمیانه غرق در آشوب و هنگامه است، زرادخانه هسته ای کره شمالی رو به گسترش دارد و روسیه و چین با هم زورآزمایی می کنند.

در داخل رئیس جمهوری 'اوباما' خود را وقف سامان دادن به اقتصادی کرده که در مجموع در سلامت به سر می برد اما با مشکلاتی بیشمار دست و پنجه نرم می کند، اعم از کندی رشد، نابرابری لجام گسیخته و بودجه فدرال که مدتهاست در تنگناست.

ما نمی توانیم به قول هایی که آقای ترامپ در رقابت انتخاباتی داده، خوشبین باشیم و متوهم شویم که او برای همه این مشکلات یک شبه پاسخ های عقلایی رو کند.

او حتی نخواهد توانست یک انضباط و خردگرایی را برای حل این همه مشکل کشف کند، زیرا تا حال همچین استعدادی از خود بروز نداده است.

ترامپ در سرتاسر دوران درازمدت رقابت انتخاباتی، از لزوم زندانی شدن 'هیلاری کلینتون' صحبت کرد و از تعقیب قانونی زنانی که او را به بی حرمتی اخلاقی به خود متهم کرده بودند و از عقیم ساختن رئیس مجلس نمایندگان و لغو آزادی مطبوعات سخن گفت.

او از تشکیل یک سوپر PAC صحبت کرد که خود را وقف انتقامجویی سیاسی کند.

ترامپ قول داده است که میلیونها تن را از کشور اخراج کند، تمام توافق نامه های تجاری را پاره کند، آزمونهای دینی از مهاجران به عمل آورد و تلاشهای بین المللی در راه مبارزه با تغییرات آب و هوایی را تخریب کند.

تک تک این طرح ها و برنامه هایی که ترامپ وعده آنها را داده است، اگر اجرا شود، انسانهای بسیاری در سرتاسر جهان لطمه خواهند دید.

اگر تلاش او بر این باشد که به تمام این اهداف و تمایلات از پیش اعلام شده اش برسد، بقیه مردم باید در دفاع از اصول قانون اساسی و دفاع از یک دولت بی خطر و بی عیب و نقص راهپیمایی کنند.

رهبران جمهوریخواهان در کنگره با این شرط بندی ترامپ را تایید کردند، که او امکان دارد از دستور کار قانونگذاری آنها دفاع کند و به حاکمیت و اقتدار آنها در کنگره احترام بگذارد.

خوب اکنون برای آنها این فرصت آزمون و خطا ایجاد شده است.

دستگاه های مجری قانون باید مقابل هر تلاشی که از آنها در روندی غیر قانونی به عنوان ابزار استفاده کند، بایستند .

در اینجا نقش دستگاه قضا، ادارات دولتی، رسانه ها و جوامع مدنی بنحوی فزاینده مهمتر خواهد بود.

آمریکایی ها تا حال هرگز به دلیل همخونی و یا هم کیشی با هم متحد نبوده اند، بلکه وفاداری به نظام دموکراسی مجموعه دستگاه حاکمه که صاحب قدرت کشور است و قانون را حرمت می دارد و به کرامت آحاد ملت احترام قائل است، عامل اصلی این وحدت است.

پیوست ۳۱ پروژه آینده شناسی نیروی هوایی آمریکا

یک گروه ۱۰۰۰ نفره از آینده شناسان و کارشناسان مسایل استراتژیک در عظیم ترین پروژه آینده شناسی نیروی هوایی آمریکا، که در سال ۱۹۹۵ انجام شد، آینده های تیره ای را برای این کشور پیش بینی کردند و به پنتاگون هشدار دادند که اگر

تصویر بزرگ بحث

در حالی که حمله مشکوک آمریکا به عراق ظاهراً به نفع آمریکا پیش می‌رود، چند سوال استراتژیک وجود دارد که این روزها ذهن تحلیل‌گران مسائل امنیتی - نظامی را به خود مشغول کرده است :

پیش‌زمینه‌ها و انگیزه‌های آمریکا در حمله به عراق چه بوده است؟

آمریکا چه اهدافی را از حمله به عراق دنبال می‌کند؟

پیامدهای این جنگ مشکوک برای جهان، منطقه خاورمیانه، و خصوصاً ایران اسلامی چه خواهد بود؟

جنگ عراق چنان رویداد غیرمتعارفی است که حتی اگر به‌عنوان یک نقطه عطف در تاریخ بشریت ارزیابی شود، عمیقاً گمراه‌کننده خواهد بود. جنگ عراق یک گسست بزرگ در روند تکوین نظام نوین جهانی است که رویاهای گذشته بشریت معاصر را نقش بر آب می‌کند و دلالت بر شکل‌گیری آینده‌ای دارد که تقریباً هیچ شباهتی به گذشته نخواهد داشت .

جنگ عراق یک سیگنال قوی از آنتن‌های پنتاگون است که به جهانیان هشدار می‌دهد: شب ظلمانی بشریت آغاز شده است! اکنون جامعه جهانی به کفاره انفعال خود در برابر تجاوزگری شیطان بزرگ باید منتظر حوادث دردناکی باشد که زخم‌های عمیق آن جز با ظهور سپیده مبارک التیام نخواهد یافت .

اگر در گذشته از کنار بعضی حقایق و آموزه‌ها به سادگی می‌گذشتیم، این جنگ و حوادث پس از آن ما را لاجرم متقاعد خواهد کرد که فرآیند تکامل بشریت و کسب آمادگی برای حیات طیبه فراتر از آنچه که تصور می‌کرده‌ایم، دردناک خواهد بود. وقتی دانش و قدرت ناشی از آن در تیول افرادی قرار می‌گیرد که تزکیه نشده‌اند و برای لاپوشانی این واقعیت مدام بر طبل سکولاریزم می‌کوبند، چرا بشریت باید منتظر حوادثی غیر از این باشد؟! مسکوت گذاشتن آموزه‌های قدسی و بی‌اعتنایی رنج‌آور بشریت و حکومت‌ها به خون‌دهایی که اولیای الهی خورده‌اند، آیا نباید هیچ کفاره‌ای داشته باشد؟ با این همه به‌نظر می‌رسد که فرارسیدن شب ظلمانی بشریت متضمن این بشارت بزرگ است که تا ظهور سپیده مبارک چیزی نمانده است .

شوک ناشی از جنگ عراق، جهانیان را مجبور به یک خانه‌تکانی ذهنی اما دردناک خواهد کرد؛ خوش‌باوری‌ها و ساده‌انگاری‌ها جایشان را به واقع‌بینی خواهند سپرد؛ و تفکر خطی که آینده را استمرار گذشته می‌بینید به زودی منسوخ خواهد شد. در آینده نزدیک شاهد اشاعه الگوی نوینی از تفکر موسوم به تفکر غیرخطی خواهیم بود که می‌تواند گسست‌های ناگهانی در روندهای جهانی را بفهمد و هضم کند، و بپذیرد که گذشته لزوماً نمی‌تواند چراغ راه آینده باشد. در جهان فردا، آینده چراغ راه آینده خواهد بود .

درحالی‌که تفکر غیرخطی لااقل در آمریکا به‌خوبی شناخته شده است، اشاعه آن در کشورهای اسلامی موجب خواهد شد که دوره انفعال در برابر آینده در این کشورها به سر برسد، و نهضت مبارک آینده‌پژوهی اسلامی به‌عنوان یک جنبش فکری نوین، در مسیر شکوفایی قرار گیرد .

همانطور که قابل‌پیش‌بینی بود جهان اسلامی در برابر جنگ عراق موضعی انفعالی و متشتت دارد و آشکارا بر سر دوراهی و چندراهی قرار گرفته است. این انفعال از آنجا ناشی می‌شود که در جهان اسلام تقریباً هیچ قرائت مشترک و سازمان‌یافته‌ای از آینده که بتوان آن را قرائت اسلامی آینده‌نامید، عملاً وجود ندارد (به استثنای درک خاص تشیع از آینده جهان که هنوز منحصر به ایران اسلامی و مجامع شیعی در سایر کشورهای اسلامی است .)

مسکوت بودن گفتمان آینده‌پژوهی اسلامی اساساً به این دلیل است که جهان اسلام هنوز به این تراز فکری نرسیده که

می‌تواند ابتکار عمل را در نظام بین‌الملل به دست گیرد و حرکت سازمان‌یافته‌ای را برای شکل‌دهی به آینده جهان آغاز کند که جوهره ناب اسلامی داشته باشد .

در مقابل، ایالات متحده از مدت‌ها پیش با تئوریزه کردن فعالانه پدیده جهانی‌سازی تصویر خاصی از آینده جهان را ابداع و القا کرده است که بدون وجود آمریکا - به‌عنوان یک قدرت بلامنازع - قابل‌تصور نیست. همانطور که این گزارش نشان خواهد داد، جنگ عراق بیش از پیش این واقعیت را آشکار کرد که نظریه‌پردازان پنتاگون در جایی که پای آینده آمریکا و ارزش‌های آمریکایی در میان باشد، از هیچ اقدامی و به هر قیمتی فروگذار نمی‌کنند. پنتاگون از این موضوع غافل نبوده است که شبیخون به عراق می‌تواند تأثیراتی منفی و دیرپا بر افکار عمومی جهان داشته باشد و هزینه‌های سیاسی گزافی را بر آمریکا تحمیل کند. اما نگرش‌ها و ارزش‌هایی که طی قرن بیستم در پنتاگون نهادینه شده‌اند به هیأت حاکمه آمریکا دیکته می‌کنند که هیچ چیز نباید در ترازوی مصالح آینده آمریکا قرار گیرد و هر هزینه‌ای که آینده این کشور را تضمین کند باید به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری تلقی شود؛ حتی اگر بی‌اعتنایی و توهین به شعور بشریت باشد .

تحلیل ما نشان خواهد داد که حمله آمریکا به عراق، حمله به یک کشور نیست، بلکه نماد خشنی از واکنش پنتاگون به آینده‌های تاریکی است که هفت سال پیش در عظیم‌ترین پروژه آینده‌شناسی قرن بیستم برای آمریکا تصویر شده است. این رویداد حاکی از آن است که آمریکا برای تضمین آینده مطلوب خود، به‌گونه‌ای ددمنشانه مصمم است تا آینده بشریت را مصادره کند .

عظیم‌ترین پروژه آینده‌شناسی نیروهای مسلح آمریکا در قرن بیستم و یافته‌های آن؛ نیروی هوایی ۲۰۲۵
سابقه پروژه نیروی هوایی ۲۰۲۵

پیشینه فعالیت‌های آینده‌شناسی در آمریکا، که ابتدا رنگ تکنولوژیک داشته است، به دهه ۱۹۳۰ - زمان ریاست‌جمهوری روزولت - باز می‌گردد. با شروع جنگ جهانی دوم، پای مطالعات رسمی آینده‌شناسی به نیروهای مسلح آمریکا باز شد . در سال ۱۹۴۵ که مقارن با تأسیس اندیشگاه رند (RAND) در نیروی هوایی آمریکا است، ارتش این کشور مطالعاتی را با عنوان به‌سوی افق‌های نو برای پی بردن به تأثیر تکنولوژی‌های آینده بر قدرت دفاعی آغاز کرد. به این منظور، بسیج همگانی آینده‌شناسان، دانشمندان، نویسندگان داستان‌های علمی - تخیلی، افسران، و تکنولوژیست‌های غیرنظامی را به راه انداخت و آن‌ها را در هم‌اندیشی‌های متعدد گردهم آورد. این مطالعات، به‌ویژه با کوشش نیروی هوایی که بازوی اصلی فعالیت‌های آینده‌شناسی در ارتش آمریکا است، کماکان تا امروز دنبال شده است .

تازه‌ترین و عظیم‌ترین پروژه آینده‌شناسی نیروی هوایی آمریکا، پروژه نیروی هوایی ۲۰۲۵ است که در اوایل سال ۱۹۹۵ آغاز شد و یافته‌های تکان‌دهنده آن سرانجام در ۳۳۰۰ صفحه و ۱۰ مجلد تنظیم و به فرماندهی نیروی هوایی آمریکا ارائه گردید :

در اوایل سال ۱۹۹۵ نیروی هوایی آمریکا تنی چند از افسران کارآمد خود و تعدادی از افسران سایر نیروها را مأمور کرد تا عمیقاً به پیشرفت‌های تکنولوژی، سیاست‌های جهانی، روندهای اجتماعی و دیگر عوامل تعیین‌کننده نگاه کنند و بدترین وضعیتی را که ممکن است ایالات متحده در ۳۰ سال آینده با آن روبرو شود را به تصویر در آورند؛ و به این وسیله نیروی هوایی کشور را برای مواجهه با چالش‌های آینده مهیا نمایند .

در بخش دیگری از اسناد این پروژه خاطر نشان شده است :

طرح نیروی هوایی ۲۰۲۵ در دانشگاه هوایی آمریکا فراهم شده است. در تهیه این طرح از افراد مختلفی مانند تکنولوژیست‌ها، آینده‌شناسان، نویسندگان داستان‌های علمی - تخیلی، دانشمندان، تاریخدانان و افسران شاغل و

بازنشسته نیروی هوایی استفاده شده است. هدف نهایی پروژه این بود که شرایط اقتصادی، سیاسی و نظامی جهان در سال ۲۰۲۵ ترسیم، و نیز راههای افزایش استعدادها و قابلیت‌های نیروی هوایی آمریکا برای سازگاری با این شرایط بررسی شود.

همزمان با پروژه نیروی هوایی ۲۰۲۵ که در تابستان سال ۱۹۹۶ به پایان رسید، مطالعه دیگری با عنوان نگرشی به جهان نو نیز توسط کمیته مشاوران نیروی هوایی انجام شد:

در پروژه نگرشی به جهان نو، تکنولوژی‌های نوظهور و دارای پتانسیل استراتژیک مورد بررسی قرار گرفتند تا با سرمایه‌گذاری مناسب بتوان از آنها برای تقویت استعدادها و قابلیت‌های نیروی هوایی استفاده کرد. فرمانده وقت نیروی هوایی آمریکا، ژنرال کلی، به صراحت در مورد دیدگاه حاکم بر پروژه نیروی هوایی ۲۰۲۵ گفته است: چیزی که ما سعی در انجام آن داشتیم این بود که یک موقعیت بسیار مشکل را پیش روی نیروی هوایی قرار دهیم! از نظر ما این یک روش دوراندیشی و کسب آمادگی برای آینده است. ما نمی‌خواهیم ناگهان با ابرلیزرهای ۳۰ سال آینده روبرو شده و غافلگیر شویم.

اهداف کلیدی و پرسش‌های محوری در پروژه نیروی هوایی ۲۰۲۵

اهداف کلیدی

پروژه نیروی هوایی ۲۰۲۵ آمریکا، سه هدف کلیدی زیر را دنبال می‌کرده است:

خلق چند تصویر واقع‌بینانه از جهان در سال ۲۰۲۵

نشان دادن بدترین وضعیتی که آمریکا ممکن است در ۳۰ سال آینده با آن روبرو شود.

تدوین استراتژی ۳۰ ساله نیروی هوایی آمریکا، به طوری که این نیرو را برای مواجهه با بدترین شرایط ممکن در سال ۲۰۲۵ آماده نماید.

پرسش‌های محوری

این پروژه سه پرسش محوری داشته است:

ارتش آمریکا در ۳۰ سال آینده با چه مسایلی در ابعاد جهانی و ملی روبرو خواهد شد؟

به‌طور خاص، نیروی هوایی آمریکا در ۳۰ سال آینده با چه چالش‌ها و مسایلی دست به‌گریبان خواهد بود؟

نیروی هوایی برای غلبه بر این چالش‌ها و مسایل از هم‌اکنون باید به استقبال چه تحولاتی در مأموریت، سازماندهی، دکتترین، استعدادهای نظامی، سلاح‌ها و تکنولوژی‌های خود برود؟ به‌خصوص باید روی کدام تکنولوژی‌ها و سلاح‌ها سرمایه‌گذاری نماید؟

بدیهی است پاسخگویی به این سوال‌ها یکبارہ امکانپذیر نبوده، و قبل از آن می‌بایست به زنجیره‌ای از سوال‌های دیگر پاسخ گفته می‌شده است:

الف اوضاع کلی جهان در ۳۰ سال آینده چگونه خواهد بود؟

ب وضعیت کلی ایالات متحده در سال ۲۰۲۵ چگونه خواهد بود؟

پ سرعت رشد و وضعیت کلی تکنولوژی در خلال ۳۰ سال آینده چگونه خواهد بود؟

ت در طول ۳۰ سال آینده، احتمالاً چه سلاح‌های جدیدی ظهور خواهند کرد؟

هنجارها و فضای تفکری در پروژه نیروی هوایی ۲۰۲۵

فعالیت‌های آینده‌شناسی، کلید تدوین هر نوع استراتژی بلندمدت است. یکی از روش‌های قابل‌فهمی که آینده‌شناسان ابداع کرده‌اند، اصطلاحاً به سناریوسازی موسوم است. از آنجایی که هیچ آینده‌شناسی به خود اجازه نمی‌دهد که آینده را با قطعیت پیش‌بینی کند، بنابراین همواره بیش از یک سناریو برای آینده ساخته می‌شود.

هر سناریو مبتنی بر یک دیدگاه خاص است، و بر پایه چندین هنجار (یا متغیر) ابداع می‌شود. مثلاً ممکن است وقتی شما به آینده جهان نگاه می‌کنید صرفاً دیدگاه سیاسی داشته باشید و هنجارهای سیاسی را برای ابداع سناریوهای خود انتخاب کنید. دیگری ممکن است نگاه سیاسی - اقتصادی داشته باشد و مجموعه‌ای از هنجارهای سیاسی - اقتصادی را برای آفرینش سناریوهای آینده انتخاب کند.

به نظر می‌رسد که آینده‌شناسان آمریکایی در پروژه نیروی هوایی ۲۰۲۵، یک دیدگاه کل‌نگر را برای سناریوسازی انتخاب کرده‌اند. براساس این دیدگاه، آن‌ها توانستند یک فضای سه‌بعدی خلق کنند که بتوان انواع آینده‌های احتمالی جهان را از زاویه دید آمریکا در آن نمایش داد. خلق این فضا، که خصوصاً با افراد دیداری ارتباط برقرار می‌کند، یکی از هنر نمایی‌های آینده‌شناسان آمریکایی در این پروژه بوده است.

همانطور که شکل (۱) نشان می‌دهد، پروژه نیروی هوایی ۲۰۲۵ آمریکا از سه بعد به آینده نگاه می‌کند و سه نوع هنجار را در نظر می‌گیرد:

الف. بُعد ایدئولوژیک فرهنگی. این بُعد که وضعیت جهانی نگرش آمریکایی نام دارد به این سوالات پاسخ می‌دهد که آیا مردم جهان در ۳۰ سال آینده، آمریکایی فکر خواهند کرد؟! آیا جهان‌بینی و ارزش‌های آمریکایی طرد خواهد شد؟ آیا نگرش‌ها و ارزش‌های دینی، به‌ویژه اسلامی، بر سکولاریزم آمریکا غلبه خواهند کرد؟ بسته به پاسخ این سوال‌ها، آمریکا حتی ممکن است در جهان آینده به کلی منزوی شود.

ب. بُعد تکنولوژیک. این بُعد که سرعت پیشرفت تکنولوژی و توزیع جهانی آن نامیده می‌شود، به این سوال‌ها پاسخ می‌دهد که آیا سرعت پیشرفت تکنولوژی طی ۳۰ سال آینده مانند امروز خواهد بود و یا صورت‌نمایی و انقلابی پیدا خواهد کرد؟ آیا تکنولوژی برتر کماکان در دست عده انگشت‌شماری از ملت‌ها باقی خواهد ماند یا ملت‌های دیگری هم صاحب تکنولوژی برتر خواهند شد؟

توضیحات:

هر بُعد یا محور نشان‌دهنده یک هنجار است که مانند متغیر فرض می‌شود. متغیرها کیفی هستند، و به زبان جبری مقادیر مختلفی را اختیار می‌کنند.

به ازای نقاط مختلفی که روی محورها اختیار می‌شود، نقاط مختلفی در فضا شکل می‌گیرند. هر یک از این نقطه‌ها نشان‌دهنده یک آینده خاص در سال ۲۰۲۵ است.

سرعت پیشرفت تکنولوژی و توزیع جهانی آن در سال ۲۰۲۵

شبکه جهانی قدرت در سال ۲۰۲۵

وضعیت جهانی نگرش آمریکایی در سال ۲۰۲۵

پ. بُعد سیاسی - امنیتی. این بُعد که شبکه جهانی قدرت نام دارد به این سوال پاسخ می‌دهد که آیا قدرت سیاسی،

اقتصادی، فرهنگی و نظامی در جهان ۳۰ سال آینده همچنان در انحصار برخی از ملت‌ها خواهد بود و یا کاملاً در جهان توزیع خواهد شد؟

چهار سناریوی اصلی برای جهان و آمریکا در سال ۲۰۲۵ آینده‌شناسان آمریکایی مقادیر مختلفی را برای هر یک از هنجارهایی که در دستگاه سه بُعدی شکل (۱) می‌بینید، انتخاب نمودند، و براساس آن‌ها توانستند چهار نقطه را در فضا مشخص کنند که نمایانگر چهار آینده ممکن برای جهان و آمریکا در سال ۲۰۲۵ بود. برای هر آینده یک عنوان به‌خصوص انتخاب کرده و یک سناریوی نظامی برای آن ابداع نمودند. این عناوین و سناریوهای مربوط را در زیر می‌خوانید :

دنیای در دسرهای گالیور

این نقطه با فرض رشد متوسط تکنولوژی و توزیع نامتمرکز قدرت در جهان به دست می‌آید. در این آینده احتمالی، آمریکا با مسایل و مشکلات عدیده‌ای در گوشه و کنار جهان روبروست که شباهت زیادی به ماجراهای گالیور در شهر لی‌لی‌پوت دارد. آمریکا درگیر ماجراجویی‌های ناخواسته مانند سرکوب تروریزم؛ رویارویی با کشورهایی که کنوانسیون‌های بین‌المللی خلع سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای را زیر پا می‌گذارند؛ کمک‌های بشردوستانه و عملیات پاسداری از صلاح خواهد شد. در چنین جهانی ایالات متحده نقش پلیس بین‌المللی، آتش‌نشان، مددکار اجتماعی و اعطاکننده کمک‌های مالی را بازی خواهد کرد .

دنیای زایباتسو

با تغییر هنجارها در فضای سه بُعدی، نقطه دیگری در فضا پیدا می‌شود که در آن آمریکا منزوی و در لاک خود فرو رفته است. عنوان انتخابی برای این نقطه (زایباتسو) از زبان ژاپنی وام‌گرفته شده و معنای همکاری می‌دهد. حالت زایباتسو با این پیش‌فرض‌ها پدید می‌آید که آمریکا از حیث جهانی منزوی بوده، نرخ رشد تکنولوژی به‌صورت نمایی افزایش یافته و قدرت در انحصار شرکت‌های فراملیتی باشد. تصور چنین آینده‌ای، نظامیان آمریکا را با این سوال روبرو می‌کند که چه نقشی در آن خواهند داشت؟ پژوهشگران پروژه ۲۰۲۵ می‌گویند که درگیری‌های نظامی در این دنیا، کوتاه‌مدت و معدود خواهد بود و نقش نظامیان آمریکا این خواهد بود که حافظ منابع، سرمایه‌ها و دارائی‌های تجاری شرکت‌های فراملیتی باشند و دسترسی این شرکت‌ها به موارد یاد شده را تسهیل نمایند .

دنیای هرج و مرج کامپیوتری .

این نقطه نمایانگر دنیایی است که قدرت واقعی و تکنولوژی در آن به گستردگی توزیع شده، اما آمریکا نیز همچنان در صحنه جهانی فعال است. در این حالت، بیشتر کشورها به تکنولوژی برتر (که شامل سلاح‌های کشتار جمعی نیز می‌شود) دسترسی دارند. مهمترین خطری که ملت‌ها را در این دنیا تهدید می‌کند، حمله به سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی خواهد بود. به‌عنوان مثال، تروریست‌ها و کشورهای متخاصم آمریکا می‌توانند در جهت مختل‌سازی سیستم کامپیوتری بانک‌های آمریکا و یا ترافیک هوایی آن اقدام نمایند. ادامه این شرایط به هرج و مرج و نابودی جامعه بشری منتهی خواهد شد .

دنیای کینگ‌خان

پروژه نیروی هوایی ۲۰۲۵ نقطه‌ای را در فضای سه بُعدی دیده است که تصور کرده ناشی از ایجاد قدرت عظیم اقتصادی، سیاسی در کشورهای آسیایی، از جمله چین، هنگ‌کنگ، سنگاپور، تایوان و مالزی در قالب یک ابرملت آسیایی خواهد بود. در این دنیا آمریکا به دلیل گرفتاری‌های اقتصادی داخلی خود در جهان منزوی خواهد بود و به قولی سده آمریکا جای خود را به هزاره آسیا خواهد داد! حال و هوای آمریکا در دنیای کینگ‌خان مانند حال و روز انگلستان در دهه ۱۹۵۰ خواهد بود که قدرت سیاسی و مستعمرات خود را کم‌کم از دست داد. این دنیا با سه فرض زیر پدید خواهد آمد:

انزوای جهانی آمریکا

نرخ متوسط رشد تکنولوژی در جهان

تمرکز قدرت سیاسی - اقتصادی جهان در دست یک ابرملت غیرآمریکایی

بنا به تقاضای خصوصی تنی چند از فرماندهان آمریکا، تیم پروژه ۲۰۲۵، دو سناریوی دیگر نیز برای آینده در نظر گرفت.

حالتی که ۱۵٪ مردم جهان (شامل اهالی آمریکا) بیشترین ثروت جهان را در اختیار دارند و بقیه ساکنان زمین در ویرانه‌های زندگی می‌کنند و عملاً هیچ ثروتی ندارند! در این حالت، آمریکا در معرض انواع تهدیدها خواهد بود... این سناریو از جانب فرماندهان ستاد مشترک به‌عنوان نقطه میانی چهار سناریوی بالا انتخاب شد.

در مورد آینده مشخصی که تا ۲۵ سال دیگر و پیش از فرارسیدن یکی از چهار سناریوی اصلی اتفاق خواهد افتاد، پژوهشگران پیش‌بینی کردند که ایالات متحده با مشکلات اقتصادی دست به گریبان است، نرخ رشد تکنولوژی کاهش می‌یابد، و روسیه که در حال قدرت‌گیری است، سعی در اشغال اوکراین خواهد داشت. در این دنیای مفروض، آمریکا با خطر یک جنگ تمام‌عیار و سلاح‌هایی روبروست که دارای تکنولوژی‌های پیشرفته امروز می‌باشند . . .

چند پیش‌بینی مهم در پروژه نیروی هوایی ۲۰۲۵

آینده‌شناسانی که در پروژه نیروی هوایی ۲۰۲۵ کار می‌کردند، پیش‌بینی‌های مختلفی (علاوه بر ناریوها) ارائه دادند که به‌خصوص برای نیروهای مسلح و صنایع دفاعی می‌تواند قابل تأمل باشد.

وضعیت نگرش آمریکا در داخل و خارج آمریکا

در آینده، اطلاعات از بمب موثرتر خواهد بود!

در ۳۰ سال آینده، اطلاعات چه به‌عنوان یک کادر و چه به‌عنوان یک محدوده جنگلی جدید، بیشتر از بمب موثر خواهد بود و چیره‌دستی در بهره‌برداری انحصاری از آن، مهم‌ترین عامل برتری آمریکا نسبت به دشمنان خود خواهد بود.

دولت در آینده تولیدکننده تکنولوژی نخواهد بود!

در ۳۰ سال آینده، مسوولیت ایجاد و توسعه تکنولوژی‌های حیاتی و مهم بر عهده شرکت‌های دفاعی و غیردفاعی خواهد بود و دولت تنها به اجاره و تهیه غیرمستقیم این تکنولوژی‌ها اقدام خواهد کرد (برخلاف امروز که دولت رأساً در توسعه و خرید مستقیم تکنولوژی نقش دارد).

کارکنان نظامی در حاشیه امن قرار خواهند گرفت!

کارکنان درگیر در عملیات، روزبه‌روز از خط مقدم نبرد فاصله بیشتری پیدا خواهد کرد. آن‌ها به جای اینکه در کابین

هواپیما، تانک‌ها، و هر وسیله جنگی دیگری باشند به حاشیه امن میدان نبرد منتقل خواهند شد. این امکان از طریق سلاح‌ها و تجهیزات بدون خلبان و کنترل‌شونده از راه‌دور ایجاد خواهد شد.

آموزش نظامی از راه‌دور، توسعه خواهد یافت

آموزش‌های نظامی با استفاده از بازی‌ها و شبیه‌سازی‌های کامپیوتری، به یک جریان مستمر تبدیل خواهد شد. همانطور که دانشگاه‌های مجازی و آموزش از طریق اینترنت در زندگی مردم وارد می‌شود، دانشگاه‌های نظامی نیز مجازی خواهند شد.

همان‌طور که ژنرال کلی، رئیس وقت دانشگاه هوایی آمریکا در خلاصه گزارش نیروی هوایی ۲۰۲۵ نوشت، این پیش‌بینی‌ها در صورتی که تحقق پیدا کنند، پیامدهایی شگرف، غیرمنظره و انقلابی خواهند داشت؛ و اضافه کرد که: وقوع این پیامدها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

عوامل مشترک در سناریوهای چهارگانه

آیا سناریوهای چهارگانه‌ای که اشاره شد، هیچ مخرج مشترکی دارند؟ طبق معمول، وقتی که آینده‌شناسان سناریوهای خود را ابداع کردند، طراحان استراتژی می‌کوشند تا مخرج مشترک این سناریوها را بیابند و آن‌ها را مبنای تدوین استراتژی خود قرار دهند.

به‌نظر ژنرال کلی در بین همه این سناریوها، چندین عامل مشترک وجود دارد. اول اینکه در ۳۰ سال آینده، دنیا بهتر از امروز نخواهد بود. تیم مطالعات ۲۰۲۵ پیش‌بینی کرده که بر تعداد کشورها افزوده خواهد شد (همانگونه که در دهه ۱۹۹۰ در مورد شوروی و یوگسلاوی اتفاق افتاد)، ولی از نفوذ آن‌ها کاسته خواهد شد... ممکن است ائتلاف‌ها و امپراتوری‌های جدیدی پدیدار شود، ولی به‌رحال آمریکا بخش اعظمی از اقتدار قرن بیستم خود را به دیگران واگذار خواهد کرد؛ دیگرانی که ممکن است کوچکتر یا بزرگتر از او باشند. عامل مشترک دیگر این است که آمریکا با تهدید سلاح‌های کشتار جمعی روبرو خواهد بود، ولی خطر جدی‌تر حملات اطلاعاتی است... که به مراتب مخرب‌تر است. ارزش اطلاعات تحت‌الشعاع ساختار و زیربنای جمع‌آوری، پردازش و توزیع آن قرار خواهد داشت... بعلاوه سیستم‌های فضایی و اطلاعاتی روزبه‌روز نقش مهمتری در عملیات زمینی و هوایی ایفا خواهند کرد... آمریکا در زمینه‌هایی مثل تکنولوژی هواپیما، جنگ‌های اطلاعاتی و سیستم‌های فضایی رقبایی خواهد داشت...

در آینده کشورها یا پیمان‌هایی وجود خواهند داشت که دارای قدرت نظامی در زمین و هوا باشند، ولی هیچیک قادر نخواهند بود که مدت زیادی در جنگ مبتنی بر تکنولوژی‌های پیشرفته دوام آورند... به همین دلیل تیم پروژه ۲۰۲۵ بر لزوم پشتیبانی تکنولوژیک از نیروی هوایی تأکید کرد...

۱. اندیشگاه‌ها یا کانون‌های تفکر (think tank)، موسساتی هستند که مأموریت اصلی آن‌ها آینده‌شناسی و تدوین استراتژی‌های بلندمدت است. اندیشگاه رند، که هنوز هم فعالیت می‌کند، یکی از قدیمی‌ترین و معروفترین موسسات آینده‌شناسی است که بسیاری از تکنیک‌های آینده‌شناسی را ابداع کرده است.

۲. رویکرد آماده‌شدن برای بدترین شرایط که یک رویکرد بدبینانه و چالش‌آفرین محسوب می‌شود، در هر نوع برنامه‌ریزی برای آینده می‌تواند به کار گرفته شود. در فرهنگ سیاسی ما - برخلاف آمریکا - همواره نوعی گرایش آشکار به طرح خوشبینانه مسایل آینده وجود دارد که از واقع‌گرایی برنامه‌ها می‌کاهد.

. Holistic view

دیدگاهی که از همه سو به آینده نگاه می‌کند. فراموش نکنیم که عصر مدرنیسم به پایان آمده و عصر پسامدرنیسم آغاز شده است. برخلاف مدرنیسم که بر جزء نگری تأکید می‌کرد، پسامدرنیسم بر کل‌نگری تأکید می‌کند .

تاریخ انتشار در سایت : ۳۰ تیر ۱۳۸۳

منبع: / سایت / آصف / ۳۰/۰۴/۱۳۸۳ نویسنده : عقیل ملکی فر

پیوست ۳۲ پیش بینی گورباچف از آینده آمریکا

'میخائیل گورباچف' آخرین رییس دولت اتحاد جماهیر شوروی سابق در استانبول گفت: اشتباهی را که شوروی مرتکب شد ، توانش را با فروپاشی پرداخت کرد و اکنون آمریکا این اشتباه را تکرار می کند و واشنگتن با این روند با خطر دچار شدن به سرنوشت شوروی رو بروست.

[گورباچف: آمریکا نیز به سرنوشت شوروی دچار خواهد شد]

به گزارش روز جمعه ایرنا، گورباچف، این مطلب را روز پنجشنبه در همایشی که تحت عنوان 'آینده خاورمیانه و دریای سیاه' توسط شهرداری منطقه 'شیشلی' استانبول برگزار شد، عنوان کرد.

وی افزود: اشغال افغانستان اشتباه بسیار بزرگی بود که شوروی مرتکب شد.

آخرین رییس دولت اتحاد جماهیر شوروی با اذعان به اینکه بلشویک ها ارزش های اسلامی را تخریب کردند، اعتراف کرد: در دوران جنگ سرد، دین به عنوان یک ابزار و سلاح مورد استفاده قرار گرفت.

گورباچف با اشاره به اینکه در دوران ریاست جمهوری اش، تلاش زیادی را برای جبران و اشتباهات انجام داد ، گفت: اشغال افغانستان خطای نابخشودنی بود که آمریکا اکنون مشابه این خطا را مرتکب می شود.

مذاکرات رئیس مجلس
با مقامات چینی درباره ایجاد
جبهه واحد در مقابل
نظم نوین آمریکایی

جمهوری اسلامی
شماره ۲۰ بهار
نکته شماره ۱۶

دانشگاه و فیضیه دست به دست
هم بدهند و استقلال کشور
خودشان را حفظ کنند

حضرت امام خمینی رهبر و ولی امر مسلمین

● گورباچف و پلنسن موافقت کردند دولت مرکزی شوروی را طی
دو هفته آینده منحل کنند و کرملین و بانک مرکزی تحت نظارت
روسیه قرار گیرد

● پلنسن: در ساختار جدید شوروی جای برای گورباچف وجود ندارد

● رادبو آمریکا: گورباچف در نبرد قدرت از پلنسن شکست
خورده است

● محکوم پلنسن - پرچم سرخ
رنگ اتحاد شوروی در شب سال
جدید مسیحی (اواسط دیماه) رسماً
از بام کرملین پائین کشیده
خواهد شد
در صفحه ۱۶

شوروی از هم پاشید

پیوست ۳۳ جنگ مالی علیه ایران؛ از بوش تا اوباما

اندیشکده آمریکایی بنیاد هریتج در واشنگتن نشست با عنوان «درس‌های #جنگ_مالی آمریکا ضد ایران» برگزار کرد. سخنران ویژه این نشست جی سولومون خبرنگار ارشد بین‌المللی نشریه وال استریت ژورنال بود که چندی پیش کتاب جدیدش را با عنوان «جنگ‌های ایران: بازی‌های جاسوسی، نبردهای بانکی و قراردادهای محرمانه‌ای که شکل خاورمیانه را تغییر داد» به بازار عرضه کرده است.

بخش‌هایی از این کنفرانس با موضوع جنگ مالی:

«در پایان دوران ریاست جمهوری جرج بوش و آغاز دوران مسئولیت باراک اوباما، مطالب زیادی درباره #جنگ_سایبری نوشته شد که بر اساس آن گفته می‌شد تأسیسات هسته‌ای ایران هدف حملات سایبری قرار گرفته است.

اما خود من به جنگ مالی بسیار علاقه‌مند بودم. علت این علاقه آن بود که ابزارهای مورد استفاده برای هدف قرار دادن اقتصاد #ایران، می‌تواند در مقایسه با حملات سایبری محدود، تأثیرات بسیار بزرگ‌تری داشته باشد.

حتی در اواخر دوران ریاست جمهوری جرج بوش شاهد آن بودیم که جنگ مالی علیه ایران در جریان بود که تا پیش از آن، همانند آن را مشاهده نکرده بودیم. آمریکا در طول تاریخ از ابزارهای قهری مالی استفاده کرده است اما آشی که برای ایران در این زمینه پخته شد، بی‌سابقه بود...»

خبرگزاری تسنیم <http://tn.ai/1317364>

خبرگزاری تسنیم: روستیسلاو ایشنکو مشاور معاون نخست وزیر اسبق اوکراین و عضو دفتر رییس جمهوری پیشین این کشور اعلام کرد: نظام تک قطبی جهانی به رهبری آمریکا رو به زوال گذاشته است.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، ایشنکو که در حال حاضر ریاست مرکز مطالعات سیاسی تجزیه و تحلیل منظم و پیش بینی های روسیه را برعهده دارد، در مقاله ای در ریانووستی خاطرنشان کرد: در حال حاضر روسیه و تعدادی از کشورهای جهان در برابر نظام تک قطبی ادعایی آمریکا ایستادگی می کند.

وی افزود: روسیه توانسته است اقبال جامعه این کشور را در برابر فشارهای آمریکا و غرب یکپارچه و منسجم کند و اکثر کشورهای جهان را بر علیه نظام تک قطبی جهانی به رهبری آمریکا متحد کند.

ایشنکو ادامه داد: برای نخستین بار از ابتدای قرن بیستم امکانات تحت کنترل آمریکا کمتر از توانمندی های مخالفان آن است و واشنگتن این کشورها را دشمن خود خوانده و هیچ انتخابی برای آنها جز دشمنی با خود باقی نگذاشته است. مقام سابق اوکراینی در ادامه مقاله خود نوشت: برای نخستین بار آمریکا در وضعیتی مشابه وضعیت آلمان پیش از جنگ های اول و دوم جهانی قرار گرفته است.

وی افزود: این دو جنگ برای رایش دوم و سوم فرسایشی و مرگبار بود. در هر دو مورد سطح پایین توانمندی های دولت آلمان در مقایسه با دشمنانش منجر به عقب نشینی این کشور پس از دو سه سال جنگ شد و هر قدر که فرماندهان نظامی آلمان هیتلری به پیروزی های جدید دست می یافتند نیروهای نظامی جدید علیه این کشور بسیج و وارد میدان می شد.

رییس مرکز مطالعات سیاسی تجزیه و تحلیل منظم و پیش بینی های روسیه خاطرنشان کرد: هیتلر با اعلام جنگ به شوروی سابق اشتباه کرد و فکر می کرد که شکست این کشور آسانتر از انگلیس خواهد بود. ایشنکو معتقد است که توانمندی های روسیه به تدریج افزایش می یابد و موقعیت آمریکا به مرور زمان تضعیف می شود. پس از مدت زمان کوتاهی توانمندی و امکانات روسیه و کشورهای همپیمان آن به حدی خواهد رسید که رسیدن به این سطح برای آمریکا و متحدانش ناممکن خواهد بود.

وی ادامه داد: به همین دلیل سال ۲۰۱۴ بسیار دشوار و سنگین بود و آمریکا تمام امکانات خود را بکار گرفته و متحدانش را بسیج و علیه روسیه برانگیخت.

کارشناس روس گفت: آمریکا در این رویارویی پیروز نشده است و در سال جاری با تمام قوا خواهد جنگید و از تمام امکانات سیاسی خود برای این منظور بهره می گیرد زیرا این نبرد برای نابودی است.

ایشنکو افزود: اما سال ۲۰۱۵ سال سرنوشت ساز خواهد بود و همچنان که در سال ۱۹۴۳ پس از شکست سنگین نیروهای آلمانی در منطقه کورسک شوروی هیچ شکی در شکست نهایی آلمان باقی نماند، آمریکا نیز شکست می خورد و نظام تک قطبی تحت رهبری این کشور برای همیشه از بین خواهد رفت.

پیوست ۳۴ سخنان نظامی رهبر معظم انقلاب در خصوص حمله آمریکا و اسرائیل به ایران

رهبر انقلاب در سخنان مهمی، حمله نظامی آمریکا یا اسرائیل به ایران را "مقرون به صرفه برای آنها" ندانستند. چرا در عمل، حمله نظامی به ایران مقرون به صرفه نیست؟

"واقعیت این است که حمله نظامی، امروز برای آمریکا مقرون به صرفه نیست به همین علت ناظران و آگاهان جهانی نیز مانند ملت ایران، تهدیدهای آن را جدی نمی گیرند؛ (با اشاره به برخی حرف‌ها مبنی بر ممانعت آمریکا از حمله رژیم صهیونیستی) اگر این حرفها راست باشد علت ممانعت آمریکا این است که حمله را مقرون به صرفه نمی داند و ما نیز قاطعانه تأکید می کنیم که حمله نظامی به جمهوری اسلامی برای هیچ کس مقرون به صرفه نخواهد بود " .

اینها دو بخش کوتاه از سخنان مهم شب گذشته رهبر انقلاب در دیدار کارگزاران نظام است. برای اینکه مشخص شود که آیا حمله نظامی برای آمریکا یا رژیم صهیونیستی مقرون به صرفه است یا نه، باید به گذشته بازگردیم و سخنان فرمانده معظم کل قوا و فرماندهان عالی رتبه نظامی ایران را در سه بخش "توان نظامی، قدرت ژئوپلیتیکی و نفوذ ایران" مختلف بررسی کنیم

توان نظامی

رهبر انقلاب در نوروز سال ۹۲ طی سخنانی در پاسخ به تهدیدات رژیم صهیونیستی فرمودند: "رژیم صهیونیستی در قواره و اندازه‌ای نیست که در صف دشمنان ملت ایران به چشم بیاید. گاهی سردمداران رژیم صهیونیستی، ما را تهدید هم می کنند؛ تهدید به حمله‌ی نظامی می کنند؛ اما به نظرم خودشان هم می دانند و اگر نمی دانند، بدانند که اگر غلطی از آنها سر بزند، جمهوری اسلامی «تل آویو» و «حیفا» را با خاک یکسان خواهد کرد".

-نکته: تلاویو به عنوان پایتخت این رژیم و حیفا به عنوان مهمترین مرکز اقتصادی و نفتی اسرائیل و جزو شمالی‌ترین شهرهای این رژیم است.

عاموس یادلین رئیس سابق اطلاعات ارتش اسرائیل درباره توان موشکی ایران می گوید، "زمان مورد نیاز برای رسیدن موشک از تهران به تل آویو تنها ۷ دقیقه است. موشک هایی همچون "عاشورا"، "شهاب"، "قدر"، "سجیل" و حتی موشک هایی که ایران هنوز از آنها رونمایی نکرده است و منتظر «غلط» رژیم اشغالگر قدس است".



لحظه شلیک موشک دوربرد سجیل

سرلشکر صفوی مشاور و دستیار عالی فرمانده کل قوا نیز در پاسخ به تهدیدات آمریکایی‌ها می گوید: سیاستمداران و نظامیان آمریکا به خوبی آگاهند که همه پایگاه‌های آنان در منطقه در تیررس موشک‌های ایران بوده و بسیار آسیب پذیرند و موشک‌های ایران می توانند به همه نقاط اسرائیل برسند. (۱۳ خرداد ۹۱)

سردار سلامی اما در وجهه یک فرمانده عالی رتبه نظامی در ایران، وقتی سخن از پاسخ به تهدیدات آمریکا می‌زند، طور دیگری به این تهدیدات پاسخ می‌دهد. او می‌گوید: توسعه قدرت دفاعی و ساختاری ما به شکلی توسعه یافته که نه تنها می‌تواند منافع حیاتی ایران را حفظ کند ، بلکه منافع حیاتی دشمن را در منطقه در هر سطحی با خطر مواجه خواهد کرد.

قدرت ژئوپلیتیکی

جغرافیای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در بخشی از مهمترین منطقه جهان یعنی خاورمیانه قرار گرفته و این خود برای کشور مزیت مضاعف به شمار می‌رود. شاید در این بین، مهمترین بخش از ژئوپلیتیک ایران، مربوط به آب‌های جنوبی کشور یعنی خلیج فارس، دریای عمان و از همه مهمترین در اختیار داشتن تنگه هرمز (Strait of Hormuz) است. مقامات ایرانی بارها به صراحت اعلام کرده‌اند که در صورت حمله نظامی به کشور، در اولین ساعات درگیری، این تنگه توسط ایران مسدود خواهد شد.

سرلشکر فیروزآبادی رئیس کل ستاد نیروهای مسلح در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه غربی‌ها اعلام کرده‌اند ایران توان بستن تنگه هرمز را ندارد، می‌گوید: **آنها برای دلخوشی خودشان می‌گویند که ما بلوف می‌زنیم که البته ما هم بنا نداریم که تنگه هرمز را ببندیم ولی طرح بستن آن را داریم که طرحی هوشمندانه و معقولانه است.** (۲۵ تیر ۹۱)



برقراری امنیت تنگه استراتژیک هرمز برعهده ایران است

سردار فدوی فرمانده نیروی دریایی سپاه در این باره گفته است، "ایران در زمان تهدید توانمندی بستن تنگه هرمز را دارد و اگر هر عامل و قدرتی کوچکترین حرکتی انجام دهد که به امنیت منطقه خدشه وارد گردد، پاسخ بسیار قاطع به آن خواهیم داد. خلیج فارس و تنگه هرمز به‌طور کامل تحت سیطره نیروی دریایی سپاه است." (۱۸ بهمن ۸۹)

-نکته: تنگه هرمز دومین تنگه بین‌المللی پر رفت و آمد دنیاست و روزانه چیزی در حدود ۱۷ میلیون بشکه نفت خام از این تنگه به آمریکا و بسیاری دیگر از قدرت‌های غربی صادر می‌شود.

نفوذ در میان ملت‌ها

ایران در کشورهایی که ایران را تهدید به حمله نظامی می‌کنند، نیروی نظامی ندارد و در برخی موارد، حتی اتباع کشورمان هم ممکن است در آن کشورها یا حضور نداشته و یا اصلاً حضور ندارند اما جمع کثیری از مسلمانان و حتی غیرمسلمانان جهان دوستدار انقلاب اسلامی و حامی مقاومت ایران در مقابله با قدرت‌های بزرگ هستند. نشانه این دوستداری و پیروی مسلمانان و غیرمسلمانان جهان به فرهنگ انقلاب اسلامی را می‌توان در تلاش برای اجرای حکم اعدام سلمان رشدی که توسط رهبر کبیر انقلاب صادر شده بود و همچنین برپایی راهپیمایی‌های گسترده ضدصهیونیستی در سراسر جهان از آمریکا گرفته تا انگلیس و آسیای شرقی و آفریقا دانست.



راهپیمایی روز قدس در لندن (سال ۹۲)

شاید از همین رو باشد که امام خامنه‌ای اینگونه به تهدیدات آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها پاسخ می‌دهند: "هم آمریکا بداند، هم دست‌نشاندها بداند، هم سگ‌نگهبانش رژیم صهیونیستی در این منطقه بداند؛ پاسخ ملت ایران به هرگونه تعرضی، هرگونه تجاوزی، بلکه هرگونه تهدیدی، پاسخی خواهد بود که از درون، آنها را از هم خواهد پاشید و متلاشی خواهد کرد. (۲۰ آبان ۹۰)

امام خامنه‌ای شب گذشته در بخش مهمی از سخنانش با اشاره به موضوع حمله نظامی آمریکا و یا اسرائیل به ایران، این حمله را مقرون به صرفه برای آنها ندانسته و تأکید کردند که، "اگر [آمریکا] صرفه خود را در حمله ببیند لحظه‌ای درنگ نمی‌کند".

پیوست ۳۵ فرمایشات کلیدی امام درباره نظام فعلی آمریکا

بدانید شما با یک قدرتی مواجه هستید که اگر یک غفلت بشود، مملکتتان از بین می‌رود. غفلت نباید بکنید. غفلت نکردن به این است که همه قوا، هرچه فریاد دارید، سر (آمریکا) بکشید، هرچه تظاهر دارید، بر ضد آن بکنید.



به گزارش مشرق به نقل از تسنیم، فزازهایی از فرمایشات امام خمینی درباره آمریکا به شرح ذیل است:

حضرت امام خمینی(ره): هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید که همین فریاد همگانی «مرگ بر آمریکا» برای او مرگ می‌آورد(۱)

آمریکا کیست؟

آمریکا دشمن شماره اول بشر و ما است،(۲) آمریکای جهانخوار، بزرگترین دشمن اسلام و مسلمانان جهان می‌باشد،(۳) آمریکای حيله‌گر، دشمن شماره یک است و به خون اسلام و استقلالشان تشنه (است)،(۴) آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. آمریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید.(۵) آمریکا دشمن همه ادیان است حتی مسیحیت، آمریکا اصلاً اعتنا به ادیان ندارد و جز منافع خودش را نمی‌خواهد، حتی منافع آمریکاییها (را) هم نمی‌خواهد، منافع دولت آمریکا را می‌خواهد.(۶)

سرشت آمریکا؛ دشمنی با اسلام

در نهاد و سرشت آمریکا، کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی(ص) موج می‌زند.(۷) آمریکا و اسرائیل با اساس اسلام دشمنند، چراکه اسلام و کتاب و سنت را خوار راه خود و مانع از چپاولگری‌شان می‌دانند، چراکه ایران با پیروی از همین کتاب و سنت بود که در مقابل آنان به‌پاخاست و انقلاب نمود و پیروز شد.(۸)

تعهد جهان‌خواران به نابودی اسلام

آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خامی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است و اگر ما واقع‌گرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می‌کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می‌گذارند، این یک نمونه است که خدا می‌خواست پس از انتشار کتاب کفرآمیز «آیات شیطانی» در این زمان اتفاق بیفتد و دنیای تفرعن و استکبار و بربریت، چهره واقعی خود را در دشمنی دیرینه‌اش با اسلام برملا سازد تا ما از ساده‌اندیشی به درآییم و همه‌چیز را به حساب اشتباه و سوء مدیریت و بی‌تجربگی نگذاریم و با تمام وجود درک کنیم که مسأله، اشتباه ما نیست بلکه تعهد جهان‌خواران به نابودی اسلام و مسلمین است. روحانیون و مردم عزیز حزب الله و خانواده‌های محترم شهدا حواسشان را جمع کنند که با این تحلیلها و افکار نادرست، خون عزیزانشان پایمال نشود.(۹)

تا نابودی کامل ما، از ما دست بردار نیستند

خطر آمریکا به حدی است که اگر کوچکترین غفلتی کنید، نابود می‌شوید. هر دو ابرقدرت، کمر به نابودی ملل مستضعف بسته‌اند و ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم. (۱۰) آمریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت. (۱۱)

وظیفه ما دقیقاً مبارزه با آمریکای جهان‌خوار

جهان باید بداند که ایران راه خود را پیدا کرده است و تا قطع منافع آمریکای جهان‌خوار، این دشمن کینه‌توز مستضعفین جهان، با آن مبارزه‌ای آشتی‌ناپذیر دارد و حوادث ایران نه تنها ما را برای لحظه‌ای عقب نخواهد نشاند، که ملت ما را در نابودی منافع آن مصمم‌تر خواهد کرد. ما مبارزه سخت و بی‌امان خود را علیه آمریکا شروع کرده‌ایم و امیدواریم فرزندانمان با آزادی از زیر یوغ ستمکاران، پرچم توحید را در جهان بیفزایند. ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه‌مان که مبارزه با آمریکای جنایتکار است، ادامه دهیم، فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید. (۱۲)

لزوم فریاد همگانی «مرگ بر آمریکا»

اگر همه مسلمینی که در دنیا الآن هستند که قریب یک میلیارد هستند، (۱۳) همه از خانه بیرون بیایند، فریاد بکنند «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل»، همین قول برای آن‌ها مرگ می‌آورد. (۱۴) ما با فریاد، محمدرضاخان را بیرون کردیم. شما خیال می‌کنید با تفنگ بیرون کردیم؟ با فریاد، با «الله اکبر»! این قدر «الله اکبر» بر مغز این‌ها کوبیده شد که خودشان را باختند و فرار کردند. از این مملکت رفتند. مسلمین باید فریاد بزنند، گمان نکنند که فریاد و شعار فایده ندارند. خیر، شعار فایده دارد، اما اگر همه فریاد بزنند. فریاد من تنها هیچ چیز نیست. فریاد یک محله، یک شهر هیچ چیز نیست. (۱۵) ما باید هر چه فریاد داریم، به سر این‌ها بزنیم. (۱۶)

هر چه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید

بدانید شما با یک قدرتی مواجه هستید که اگر یک غفلت بشود، مملکتتان از بین می‌رود. غفلت نباید بکنید. غفلت نکردن به این است که همه قوا، هر چه فریاد دارید، سر (آمریکا) بکشید، هر چه تظاهر دارید، بر ضد آن بکنید. هر عملی دارید؛ عمل مثبت را، (بر ضد) آن کنید. (۱۷)

فریاد «مرگ بر آمریکا»: بر خلاف اسلام!!!

بار ال‌ها! ملت مجاهد ما در این برهه زمان، با چه حوادثی و با چه چهره‌هایی مواجه است؛ عصری که حکومت‌های مسلمین آن‌چنانند و رسانه‌های گروهی آن‌چنان و ابرقدرتها این‌چنین، عصری که باطل را به صورت حق به خورد مردم می‌دهند و جنایات را به صورت صلح‌طلبی، عصری که دشمنان اسلام و مسلمین با ملت‌های مستضعف، آن می‌کنند که چنگیز نکرد و اکثر حکومت‌های مسلمانان، در جنایاتی که بر ملت‌های خود می‌رود، از جانین طرفداری می‌کنند، عصری که فریاد مرگ بر اسرائیل و آمریکا، برخلاف اسلام تلقی می‌شود! (۱۸)

اعلان برائت؛ مرحله اول مبارزه

اعلان برائت، مرحله اول مبارزه و ادامه آن مراحل دیگر، وظیفه ما است و در هر عصر و زمانی، جلوه‌ها و شیوه‌ها و برنامه‌های متناسب خود را می‌طلبند و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک، همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی و دینی و سیاسی ملت‌ها را بازیچه هوسها و شهوتها نموده‌اند، چه باید کرد؟ (۱۹)

برائت؛ سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه

اعلان برائت (۲۰)، تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت‌پرست‌ها است و به شعار هم خلاصه نمی‌شود که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدای تعالی در برابر جنود ابلیس و ابلیس‌صفتان است و از اصول اولیه توحید به‌شمار می‌رود. (۲۱)

مبارزه تا نابودی کامل دشمنان جهان‌خوار

ما به یاری خدا تا نابودی کامل دشمنان اسلام و ملت‌های مستضعف جهان در برابر آنان، و به‌خصوص در مقابل آمریکای جهان‌خوار ایستادگی خواهیم کرد. (۲۲)

آمریکای جهان‌خوار باید بداند که ملت عزیز و خمینی تا نابودی کامل منافعی او را راحت نخواهند گذاشت و تا قطع هر دو دست آن، به مبارزه خدایی خود ادامه خواهند داد. (۲۳)

ما تا آخر عمر، علیه دولت آمریکا مبارزه می‌کنیم و تا آن‌را به جایش نشانیم و دستش را از منطقه کوتاه نکنیم و به تمام مبارزان راه آزادی کمک نکنیم تا آن‌ها را شکست دهند و خود مردم ایران سرنوشت خویش را به دست گیرند، از پای نمی‌نشینیم. (۲۴) دنیا باید آمریکا را از بین ببرد و الا تا این‌ها هستند، این مصیبت‌ها در دنیا هست. اینجا نشد، یک جای دیگر. (۲۵)

(۱ و ۲) صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۷۳

(۳) صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۰۵

(۴) صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۹

(۵) صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱۲

(۶) صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۱۲

(۷) صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۵۲

(۸) صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۸

(۹) صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۹۱

(۱۰) صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۰۲

(۱۱) صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۹

(۱۲) صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۷۱

(۱۳) عبارت «اگر در روز قدس» از اینجا حذف شده است.

(۱۴) صحیفه امام، ج ۱۳، صص ۸۰ - ۸۱

(۱۵) صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۹۰

- (۱۶ صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۸۴)
 (۱۷ صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۲۱)
 (۱۸ صحیفه امام، ج ۱۷، صص ۵۰ - ۵۱)
 (۱۹ صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۶)
 (۲۰ عبارت «در حج» از اینجا حذف شده است.
 (۲۱ صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۶)
 (۲۲ صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۶۱)
 (۲۳ صحیفه امام، ج ۱۴، صص ۴۰۷ - ۴۰۸)
 (۲۴ صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۷۵)
 (۲۵ صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۸۴)

پیوست ۳۶ جملات امام در مورد هیات حاکمه آمریکا

به گزارش فضای مجازی [دفاع پرس](#)، جملات مشهور اما فراموش شده ی امام روح الله الموسوی الخمینی رحمت الله تعالی علیه، در سخت ترین شرایط کشور از قبل از انقلاب تا جنگ تحمیلی در مورد آمریکا :



- ۱- ما آنقدر که از آمریکا صدمه دیدیم از هیچ کس ندیدیم.
- ۲- آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است.

- ۳- همه گرفتاری هایی که ما داریم از دست آمریکا است.
- ۴- آمریکا این تروریست بالذات دولتی است که سراسر جهان را به آتش کشیده است.
- ۵- مهمترین و درد آور ترین مسئله ای که ملت های اسلامی و غیر اسلامی کشورهای تحت سلطه با آن مواجه است موضوع آمریکا است.
- ۶- آنهایی که خواب آمریکا را می بینند خدا بیدارشان کند.
- ۷- با آمریکا رابطه برقرار نخواهیم کرد مگر اینکه آدم شود و از ظلم کردن دست بردارد.
- ۸- مملکت اسلامی عار است که دستش را دراز کند طرف آمریکا.
- ۹- اگر ما را صد بار بکشند و زنده شویم دست از مبارزه با آمریکا برنمی داریم.
- ۱۰- الان در راس همه مسائل اسلامی ما مواجهه با آمریکا است و باید تمام تجهیزات ما به طرف این دشمن باشد. ما آمریکا را زیر پا می گزاریم.

همه می دانند که تحمل هشت سال فشار و سختی فقط برای اسلام عزیز بوده است، لذا مسئولین باید در دفاع از اسلام محکمتر از همیشه با تمام توان در مقابل تجاوز نظامی، سیاسی و فرهنگی جهانخواران بایستند، چرا که امروز دنیای استکبار خصوصاً غرب خطر رشد اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه من بار دیگر از مسئولین بالای نظام جمهوری اسلامی می خواهد که از هیچ کس و از هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشای سرمایه داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیزم نکشند که ما هنوز در قدمهای اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم.

و آله و سلم - را علیه منافع نامشروع خود درک کرده است.

امروز غرب و شرق به خوبی می دانند که تنها نیرویی که می تواند آنان را از صحنه خارج کند، اسلام است. آنها در این ده سال انقلاب اسلامی ایران ضربات سختی از اسلام خورده اند و تصمیم گرفته اند که به هر وسیله ممکن آن را در ایران که مرکز اسلام ناب محمدی است نابود کنند. اگر بتوانند با نیروی نظامی، اگر نشد، با نشر فرهنگ مبتذل خود و بیگانه کردن ملت از اسلام و فرهنگ ملی خویش و اگر هیچ کدام از اینها نشد، ایادی خودفروخته خود از منافقین و لیبرالها و بی دین ها را که کشتن روحانیون و افراد بیگناه برایشان چون آب خوردن است و در منازل و مراکز ادارات نفوذ می دهند که شاید به مقاصد شوم خود برسند. و نفوذی ها بارها اعلام کرده اند که حرف خود را از دهان ساده اندیشان موجه می زنند.

من بارها اعلام کرده ام که با هیچ کس در هر مرتبه ای که باشد عقد اخوت نبسته ام. چهارچوب دوستی من در درستی

راه هر فرد نهفته است. دفاع از اسلام و حزب الله اصل خدشه ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است. ما باید مدافع افرادی باشیم که منافقین سرهاشان را در مقابل زنان و فرزندان شان در سر سفره افطار گوش تا گوش بریدند. ما باید دشمن سرسخت کسانی باشیم که پرونده های همکاری آنان با امریکا از لانه جاسوسی بیرون آمد. ما باید تمام عشقمان به خدا باشد نه تاریخ. کسانی که از منافقین و لیبرالها دفاع می کنند، پیش ملت عزیز و شهید داده ما راهی ندارند. اگر ایادی بیگانه و ناآگاهان گول خورده که بدون توجه بلندگوی دیگران شده اند، از این حرکات دست برندارند، مردم ما آنها را بدون هیچ گونه گذشتی طرد خواهند کرد.

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به

پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسئولین را از وظیفه ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.

مردم عزیز ایران که حقاََ چهره منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختیها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه اساسی شان که نشر اسلام در جهان است برسند و از آنان بخواهند که تنها برادری و صمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند. چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند و گرانی و کمبود بر طبقه مستضعف فشار می آورد، ولی هیچ کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دول دنیای امروز و پایه ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با امریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار می کنند. این روشن است که شکستن فرهنگ شرق و غرب، بی شهادت میسر نیست.

من بار دیگر از مسئولین بالای نظام جمهوری اسلامی می خواهم که از هیچ کس و از هیچ چیز مگر بیش از این است که ما را در دنیا به خشونت و تحجر معرفی می کنند؟ مگر بیش از این است که با نفوذ ایادی قاتل و منحرف خود در محافل و منازل، عزت اسلام و مسلمین را پایکوب می کنند؟ مگر بیش از این است که فرزندان عزیز اسلام ناب محمدی در سراسر جهان بر چوبه های دار می روند؟ جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشای سرمایه داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیزم نکشند که ما هنوز در قدمهای اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم.

مگر بیش از این است که ما ظاهراً از جهانخواران شکست می خوریم و نابود می شویم؟ مگر بیش از این است که ما را در دنیا به خشونت و تحجر معرفی می کنند؟ مگر بیش از این است که با نفوذ ایادی قاتل و منحرف خود در محافل و منازل، عزت اسلام و مسلمین را پایکوب می کنند؟ مگر بیش از این است که فرزندان عزیز اسلام ناب محمدی در سراسر جهان بر چوبه های دار می روند؟ مگر بیش از این است که زنان و فرزندان خردسال حزب الله در جهان به اسارت گرفته می شوند؟ بگذار دنیای پست مادیت با ما چنین کند ولی ما به وظیفه اسلامی خود عمل کنیم.

امروز بیشتر از هر زمانی کینه و دشمنی استکبار علیه اسلام ناب محمدی برملا شده است. بسیج عمومی آنان در دفاع از یک خود فروخته و نویسنده مزدور گویای این واقعیت است و شاید آنان این همه فضاحت و بی آبرویی شان را به خاطر رسیدن به هدف شوم خود پیش بینی نکرده بودند که امروز با سرافکنندگی و خواری از کرده خود پشیمان و با ذلت مراجعت می کنند.

احتمالاً قضیه مبارزه با حجاب زنان مسلمان در فضای آموزشی، حرکتی انحرافی برای کمرنگ کردن جلوه عظیم دفاع

جهان اسلام از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می باشد. گر چه خود این واقعه هم از دردهایی است که ملت‌های اسلامی گرفتار آن شده اند که چگونه در دنیای به اصطلاح آزاد، الزام زنان و دختران مسلمان به رفع حجاب عین دموکراسی است و فقط ما که گفته ایم کسی که به پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - توهین کند و اجماع فقهای مسلمین فتوا به اعدام آن می دهند، خلاف آزادی است! راستی چرا دنیا در برابر کسی که اجازه ندهد تا دختران مسلمان به دلخواه خود با پوشش اسلامی در دانشگاهها درس بخوانند یا تدریس کنند، ساکت نشسته است؟ جز این است که تفسیر و تأویل آزادی و استفاده از آن در اختیار کسانی است که با اساس آزادی مقدس مخالفند؟ امروز خداوند ما را مسئول کرده است، نباید غفلت نمود. امروز با جمود و سکون و سکوت باید مبارزه کرد و شور و حال حرکت انقلاب را پا برجا داشت. من باز می گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی تان - به خیال خام خودشان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی گذارند.

البته ما از زحمات وزارت امور خارجه قدردانی می کنیم و آنها باید با جدیت به کار خود ادامه دهند که ان شاءالله در انجام وظیفه بزرگ الهی و سیاسی خود موفق خواهند بود. از خداوند متعال می خواهم تا مهاجرین عزیزمان را هر چه زودتر به خانه و کاشانه خود برساند و تلخی غربت‌ها و سختی‌ها را به شیرینی مراجعتشان مبدل سازد. در خاتمه لازم است از همه کسانی که از مهاجرین عزیز جنگ تحمیلی پذیرایی کرده و می کنند و همچنین از مسئولین محترم بنیاد مهاجرین که زحمات زیادی متحمل شده اند، تشکر و قدردانی نمایم. والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته. روح الله الموسوی الخمینی

پیوست ۳۷ بازخوانی بیانات امام روح الله درباره رابطه با «شیطان بزرگ»
با آمریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد مگر این که آدم بشود/همه گرفتاری ما از آمریکاست



با توسل به دامن آمریکا ضعف و ناتوانی خود را بر ملا نسازید و از گرگها و درنده‌ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید ابرقدرتها آن لحظه‌ای که منافعشان اقتضا کند شما و قدیمیترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می‌کنند.

گروه سیاسی خبرگزاری فارس - آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، آمریکا در مقابل مسلمین نمی‌تواند خودنمایی کند، ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه‌مان که مبارزه با آمریکای جنایتکار است ادامه دهیم، فرزندان‌مان شاهد پیروزی را خواهند چشید، ما دنبال این نیستیم که آمریکا برای ما کار بکند، ما آمریکا را زیر پا می‌گذاریم، ما آن قدر صدمه که از آمریکا دیدیم از هیچ کس ندیدیم، آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است، سلطه آمریکا تمام بدبختی‌های ملل مستضعف را به دنبال دارد، همه گرفتاری که ما داریم از دست آمریکا داریم، همه مصیبت ما زیر سر آمریکا است و آمریکا شیطان بزرگ است»

آنچه خواندید، بخشی از جملات مهم حضرت امام روح‌الله خمینی(ه) رهبر کبیر انقلاب اسلامی درباره حاکمان کاخ سفید بود.

امام خمینی(ره) همواره توطئه‌های آمریکا را رصد و برای مقابله با آن به مسئولان هشدار می‌دادند و بر خلاف ادعای برخی‌ها که می‌گویند امام با نظر آنها برای مذاکره با آمریکا مخالفت نمی‌کردند، اظهارات منتشره و مستند بی‌شماری از نظرات و بیانات امام راحل، از حساسیت بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی نسبت به هرگونه برقراری رابطه با آمریکا دلالت دارد که بخشی از آن از نظرتان می‌گذرد:

اگر نوکر نباشیم آمریکا رابطه را قطع می‌کند/خدا کند رابطه را قطع کند

اگر مقصود از روابط آن روابطی است که تا حالا بین ایران و آمریکا بوده است، در زمان شاه سابق بین ایران و آمریکا بوده است، این روابط نبوده است، این یک آقای بوده با نوکرش هر کاری می‌خواست، هر امری که می‌کرده عمل می‌کرده - اگر می‌گویید - ما اگر چنانچه بخواهیم اسلام را پیش ببریم دیگر نباید نوکر باشیم. اگر نوکر نباشیم رابطه‌اش را با ما قطع می‌کند، ما از خدا می‌خواهیم که رابطه قطع بشود. بهتر این است با آنهائی که می‌خواهند ما را بچاپند رابطه نداشته باشیم تا یک وقتی که به خود بیایند و بفهمند شرق هم هست در عالم. آن روزی که بفهمند که شرق هم یک جایی هست که تمدن از او پیش آنها رفته است. (صحیفه نور ج ۱۱ صفحه ۳۴)

آمریکا می‌خواهد ما نوکرش باشیم

آری اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین - علیه‌السلام - را با دست‌های خود ویران نماید آن وقت ممکن است جهان‌خواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف، آنها ولی و قیم باشند ما جیره‌خوار و حافظ منافع آنها، نه یک ایران با هویت ایرانی - اسلامی، بلکه ایرانی که شناسنامه‌اش را آمریکا و شوروی صادر کند؛ ایرانی که ارباب سیاست آمریکا و شوروی را بکشد و امروز همه مصیبت و عزای آمریکا و

شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت الحمایگی آنان خارج شده است که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می کند. (صحیفه امام ج ۱۲ ص ۰۹)

***با توسل به دامن آمریکا ضعف و ناتوانی خود را بر ملا نسازید**

با توسل به دامن آمریکا ضعف و ناتوانی خود را بر ملا نسازید و از گرگها و درنده ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید ابرقدرتها آن لحظه ای که منافعشان اقتضا کند شما و قدیمترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد آنان منافع خود را ملاک قرار داده اند و به صراحت و در همه جا از آن سخن می گویند. (صحیفه امام ج ۰۲ ص ۹۳۲)

***کرارا گوشزد نموده ام که رابطه ما با امثال امریکا رابطه ملت مظلوم با جهانخواران است**

ملت شریف ایران، خبر قطع رابطه بین ایران و امریکا را دریافت کردم. اگر کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه است. رابطه بین یک ملت به پاخاسته برای رهایی از چنگال چپاولگران بین المللی با یک چپاولگر عالم خوار، همیشه به ضرر ملت مظلوم و به نفع چپاولگر است. ما این قطع رابطه را به فال نیک می گیریم چون که این قطع رابطه دلیلی بر قطع امید امریکا از ایران است. ملت رزمنده ایران این طلایه پیروزی نهایی را که ابر قدرت سفاکی را وادار به قطع رابطه یعنی خاتمه دادن به چپاولگری ها کرده است، اگر جشن بگیرد حق دارد. ما امیدواریم که نابودی سرسپردگانی مثل سادات و صدام حسین به زودی انجام گیرد و ملتهای شریف اسلامی به این انگل های خائن، آن کنند که ملت ما با محمدرضای خائن کرد. به دنبال آن برای آزاد زیستن و به استقلال تمام رسیدن، قطع رابطه با ابرقدرتها خصوصا امریکا نمایند. من کرارا گوشزد نموده ام که رابطه ما با امثال امریکا رابطه ملت مظلوم با جهانخواران است. (صحیفه امام ج ۱۲، ص ۴۰)

***با آمریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد، مگر این که آدم بشود**

با آمریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد، مگر این که آدم بشود و از ظلم کردن دست بردارد و از آن طرف دنیا نیاید در لبنان، و نخواهد دستش را به طرف خلیج فارس دراز کند. مادامی که امریکا این طور است و افریقای جنوبی آن طور عمل می کند و اسرائیل هست، ما با آنها نمی توانیم زندگی بکنیم. (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۹۴)

برای حفظ منافع خود از آمریکا استمداد نطلبید

با توسل به دامن آمریکا ضعف و ناتوانی خود را بر ملا نسازید و از گرگها و درنده ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید ابرقدرتها آن لحظه ای که منافعشان اقتضا کند شما و قدیمترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد آنان منافع خود را ملاک قرار داده اند و به صراحت و در همه جا از آن سخن می گویند. (صحیفه امام ج ۰۲ ص ۹۳۲)

رابطه ما با امثال امریکا رابطه ملت مظلوم با جهانخواران است

ملت شریف ایران، خبر قطع رابطه بین ایران و امریکا را دریافت کردم. اگر کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه است. رابطه بین یک ملت به پاخته برای رهایی از چنگال چپاولگران بین المللی با یک چپاولگر عالم خوار، همیشه به ضرر ملت مظلوم و به نفع چپاولگر است. ما این قطع رابطه را به فال نیک می گیریم چون که این قطع رابطه دلیلی بر قطع امید امریکا از ایران است. ملت رزمنده ایران این طلیعه پیروزی نهایی را که ابر قدرت سفاکی را وادار به قطع رابطه یعنی خاتمه دادن به چپاولگری ها کرده است، اگر جشن بگیرد حق دارد. ما امیدواریم که نابودی سرسپردگانی مثل سادات و صدام حسین به زودی انجام گیرد و ملتهای شریف اسلامی به این انگل های خائن، آن کنند که ملت ما با محمدرضای خائن کرد. به دنبال آن برای آزاد زیستن و به استقلال تمام رسیدن، قطع رابطه با ابرقدرتها خصوصا امریکا نمایند. من کرارا گوشزد نموده ام که رابطه ما با امثال امریکا رابطه ملت مظلوم با جهانخواران است. (صحیفه امام ج ۱۲، ص ۴۰)

تنها شرط برقراری رابطه با آمریکا از زبان امام خمینی(ره)

با آمریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد، مگر این که آدم بشود و از ظلم کردن دست بردارد و از آن طرف دنیا نیاید در لبنان، و نخواهد دستش را به طرف خلیج فارس دراز کند. مادامی که امریکا این طور است و افریقای جنوبی آن طور عمل می کند و اسرائیل هست، ما با آنها نمی توانیم زندگی بکنیم. (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۹۴)

از عبارات فوق برمی آید که امام احساس کرده بودند که آمریکا به دلائلی به از سرگیری روابط با ایران محتاج است و باید با عباراتی از ارتباط سخن گفت که هم عملکرد گذشته آن مورد غفلت قرار نگیرد و هم اگر ارتباط برقرار شد از موضع عزت باشد و هم عدم ارتباط دائمی به عنوان یک اصل تلقی نگردد.

نظر امام روشن تر از روز

علی ایحال با این اوصاف واضح و مبرهن است که امام راحل چه نظری درباره رابطه با غرب مخصوصا آمریکا داشته اند. امام خمینی(ره) بیش از ۴۰۰۰ بار از آمریکا نام برده اند که با مطالعه کل آنها باید نظر ایشان را کشف نمود. قبل از شروع نهضت چند بار از آمریکا نام برده اند که ظاهراً به وجه سیاسی آن ارتباطی ندارد ولی در دوم آذر ۴۱ وقتی معلوم شد که قرار است طرح رستو - کندی که طرحی آمریکایی برای ایران بود به اجرا درآید، امام در هر فرصتی سعی کردند، در این مورد روشنگری کنند و آنچه منجر به تبعید امام به ترکیه شد مخالفت ایشان با کاپیتولاسیون یعنی قضاوت کنسولی در مورد آمریکایی ها بود. در آن زمان امام این نکته را در مورد آمریکا دریافته بودند که آمریکا در سیاست خارجی به مردم جهان سوم به صورت تحقیرآمیزی می نگرند و هر نوع وحشی گری را برای خود در مقابل آنها مجاز می دانند. در طول نهضت این موضوع بیشتر عیان شد و پس از انقلاب نیز اکثر غائله هایی که در کشور رخ می داد بالاخره رد پای آمریکایی ها در آن دیده می شد. همچنین دست اندازی آمریکایی ها در دیگر کشورهای مسلمان نیز امر غیر قابل انکاری بود که نمونه آنها را هنوز در عراق، افغانستان، لیبی، مصر و سوریه می توان مشاهده کرد؛ لذا امام به آمریکا لقب شیطان بزرگ دادند.



حضرت آیت الله خامنه ای :

من تعجب می کنم
آمریکایی ها خجالت نمی کشند اسم
حقوق بشر را می آورند.
هر کس دیگری در دنیا ادعا بکنند
طرفدار حقوق بشر است دولت مردان
آمریکا نباید این ادعا را بکنند.



ایران عقب مانده نیست!

هیئت حاکمه آمریکا همانند انگلیسی های قرن نوزدهم در مورد ایران سخن می گویند و گویند قرن از دنیا و تاریخ عقب هستند در حالیکه دنیا تغییر کرده و ابرقدرتها دیگر قدرت و توانایی و عرضه آن کارها را ندارند و در طرف مقابل نیز جمهوری اسلامی با تواناییهای شناخته شده و ناشناخته ای که در زمان عمل شناخته خواهد شد قرار دارد و ایران مانند فلان کشور عقب مانده نیست که هر طوری بخواهند بتوانند با آن صحبت کنند.

۳۰ خرداد
۹۴/۱۲

KHAMENEI.IR

همه از جمله مسئولان متوجه اهداف اصلی امریکایی ها باشند، آنها می خواهند با زور و تبلیغات، کار خود را به پیش ببرند و باید در مقابلشان هوشیار بود و مقاومت کرد. طرف، اهل خدعه است، به لبخند و ماسک او اعتماد نکنید.

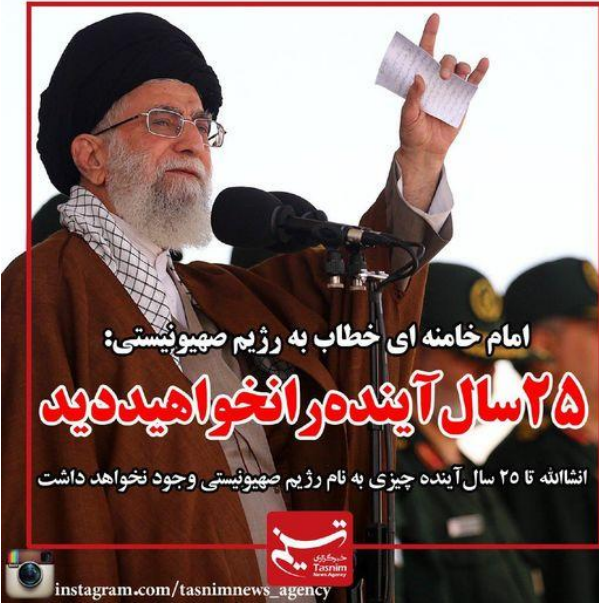


بیانات رهبر انقلاب در ۱۶ اردیبهشت ۹۴

همین چند روز گذشته دو مسئول رسمی آمریکا تهدید کردند که **حمله ی نظامی می کنیم!**

اولاً که غلط می کنید.

ثانیاً من در زمان رئیس جمهور قبلی آمریکا که تهدید می کرد هم گفتم که دوران بزن و دررو تمام شده... ملت ایران کسی را که تعرضی بکند **رها نمی کند.**



امام خامنه‌ای در دیدار روسای دانشگاه‌ها:

همه دنیا میگویند ایران کشور عزیز و مقتدري است

آنوقت برخی با خود کم بینی میکنند ما چیزی نیستیم
حالا خودتان را کم می بینید چرا دیگر ملت ایران
و نظام جمهوری اسلامی را کم می بینید؟
احساسی حقارت خیلی خطرناک است

امام خامنه‌ای خطاب به رژیم صهیونیستی:
۲۵ سال آینده را نخواهید دید

انشالله تا ۲۵ سال آینده چیزی به نام رژیم صهیونیستی وجود نخواهد داشت

instagram.com/tasnimnews_agency



امام خامنه‌ای در دیدار روسای دانشگاه‌ها:

همه دنیا میگویند ایران کشور عزیز و مقتدري است

آنوقت برخی با خود کم بینی میکنند ما چیزی نیستیم
حالا خودتان را کم می بینید چرا دیگر ملت ایران
و نظام جمهوری اسلامی را کم می بینید؟
احساسی حقارت خیلی خطرناک است

instagram.com/tasnimnews_agency @TasnimNewschannel



هم موشک
هم دیپلماسی

اینکه بگویند فردای دنیا، فردای مذاکره است، دنیای موشک نیست، این اگر از روی ناآگاهی گفته شده باشد یک مسئله است اما اگر از روی آگاهی باشد خیانت است. دشمنان مدام در حال تقویت توان نظامی و موشکی خود هستند در این شرایط چطور می‌گوییم روزگار موشک گذشته است؟

۳۰ خرداد ۹۵/۱/۱۱
KHAMENEI.IR

رئیس ستاد کل ارتش آمریکا: به تهدیدهای آمریکا بدهی ملی را نیز بیفزایید!!
ژنرال جوزف دانفورد گفت:

«قدرت اقتصادی یک کشور، بنیانی برای ایجاد توانایی‌های نظامی و تأمین امنیت پیشرفته در هر کشور است. توانایی‌های ما و ظرفیت‌های ما چیزی است که ما می‌توانیم به‌کارگیریم و این مسئله به طرز جدایی‌ناپذیری به قدرت اقتصادی و توازن بودجه‌ای ما ارتباط دارد. اگر قرار باشد یک #تهدید هم به ۵ تهدید قبلی (داعش، روسیه، چین، کره شمالی و ایران) بیفزایم، آن #بدهی آمریکا است.!!»

قابل ذکر است که آمریکا بیشترین بدهی در بین کشورهای جهان را دارد. از ۶۰ تریلیون دلار بدهی جهان ۲۰ تریلیون #دلار آن مربوط به آمریکا است.





شیشه دلار و سنگ در دست ایران

اعتبار دلار به خاطر آمریکا نیست، به خاطر تاجرانی است که حاضرند با این واسطه مالی معامله کنند. به خاطر تولید کنندگان نفت است که مجبور بوده اند، فقط با دلار کالای خود را بفروشند.

همه این اتفاقات نشان می دهد، که شیشه عمر نظام فعلی آمریکا به یک سنگی است که در دست ایران است. اگر روزی فشار بر ایران به حدی برسد، که بخواهد اعلام کند که دیگر حاضر نیست، با دلار معامله ای را انجام دهد، بلافاصله سلسله اقدامات خود تخریبی علیه دلار، در داخل سرزمینهایی که دلار مبنا هستند، شروع می شود و به فاصله بسیار اندکی، فرآیندهای ضد دلاری تشویق شده و فروپاشی نظام فعلی آمریکا رقم می خورد، حال اگر فرض کنیم چنین اقدامی در استراتژی دفاع اقتصادی ایران تعریف شده باشد و زمان این اقدام ایران با برنامه ریزی حاکمان فعلی آمریکا، برای پروژه بزرگ رژیم پنج آمریکا، همخوانی نداشته باشد، صهیونیستها ضرر هنگفتی می کنند و به قول معروف، همه رشته هایی که ریسیده بودند، پنبه می شود.

و در پایان، یادی می کنیم از حقیقتی بر گونه اسطوره های تاریخ، اسوه مقاومت در برابر مصادیق کفر و شرک جهانی، که رهروی فرامینش، علاوه بر نجات خودمان، نجات مردم مظلوم آمریکا و نجات همه مردم دنیا را در پی دارد.



اگر ما این راه را [شناخت اصول امام] رفتیم، مطلب حل خواهد شد و آلا امروز کسانی می آیند طبق میل خود و سلیقه‌ی خود یک‌جور امام را معرفی می‌کنند، ممکن است در فرداها کسان دیگری بیایند و بر طبق سلیقه دیگری، بر طبق حوادث دیگری که در دنیا پیش می‌آید، مصلحت بدانند که امام را جور دیگری معرفی کنند؛ این نمی‌شود. محبوبیت امام در بین مردم یک چیز ماندگار است؛ این را نتوانست دشمن از بین ببرد؛ برای همین، مسئله‌ی تحریف شخصیت امام نافذ در دل‌های مردمان زیادی - در کشور و بیرون از کشور - خطر بزرگی محسوب می‌شود.



امام خامنه‌ای (مدظله) - ۱۴ خردادماه ۱۳۹۴

تحریف
امام (ره)
ممنوع!



”آمریکا باید جمهوری اسلامی شود!“

یک روزی امام(ره) فرمود:

جوانان بسیجی باید خود را برای ایجاد حکومت جهانی دینی آماده کنند.



استاد حسن عباسی - ۳ خرداد ماه ۱۳۹۴

امروزه، گویی ما حکومت جهانی دینی را اصلاً رها کردیم! این پروژه‌ای بود که آن روز امام فرمود و به سوی آن حرکت کرد. حالا برخی می‌خندند اگر ما می‌گوییم ما تا لحظه‌ای که آمریکا را تبدیل به جمهوری اسلامی نکنیم دست از مبارزه بر نمی‌داریم، می‌گویند آقا شما در امورات خودتان ماندید! شما در تحریم ماندید! شما نمی‌توانید بالا بر شیشه ماشین پیکان را درست کنید! ... یعنی چه شما می‌توانید آمریکا را جمهوری اسلامی بکنید! آفریقا را جمهوری اسلامی بکنید! کسی که این گونه فکر می‌کند ربویون کرده است؛ چشم‌انداز انقلاب و نظام و امام(ره) را عوض کرده است. اعتقاد به آنچه در قرآن آمده ندارد، اعتقاد به مهدویت ندارد، اعتقاد به این آیه ندارد و نُریدُ أَنْ تُنْفِرَ عَلَی الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِی الْأَرْضِ وَ تَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ تَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ که اراده‌ی الهی بر این است که مستضعفین وارث زمین شوند.

جمهوری اسلامی مقدمه‌ای است بر جمهوری ایمانی و آن هم مقدمه‌ای است بر جمهوری ایقانی (مبتنی بر یقین)، که گزیده و نتیجه تلاش، ۱۲۴۰۰۰ نبی و ۵ پیامبر اولوالعزم نوح (ع)، ابراهیم (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع)، و محمد (ص) و ۱۲ امام معصوم، و همه صالحان بشری است. امروز شیعه تنها ایدئولوژی است که می‌تواند مقابل شیطان و جنود جنی و انسی اش مقاومت و غلبه داشته باشد، سحرهای آن‌ها را باطل کند و بشریت را از چنگال جهل (دانسته‌های غلط) نجات دهد. ایمان و تقوا و شهادت و حق و خوبی، درستی، سلم و... حقایق ثابت موجود و با منشاء خدایی هستند، که مردم ایران با رنگ‌پذیری از آنها، توانسته معتبر و با آبرو شود. آرزوی تحقق جمهوری اسلامی در سرتاسر زمین پهناور خداوند، آرزویی از سر هوس فرعونانه و تکبر ایرانیست نیست، بلکه اعتقادی راسخ به اصولی است که می‌تواند، چراغ هدایت و کشتی نجات مردم جهان، به صلح پایدار، امنیت پایدار، درستی و صداقت پایدار و حکومت پایدار حق و حق‌مداران عالم باشد. ان شاء الله والسلام